

گزیده سرودهای

ریگ ودا

قدیمترین اثر موجود مردم آریایی هند

با
مقدمه انگلیسی

دکتر تارا چند

استاد فلسفه و تاریخ و سفیر کمبر پشین هند در ایران

ترجمه

سید محمد رضا جلالی نائینی

عضو انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی

با مقدمه و فرهنگ لغات سانسکریت



سال ۱۳۴۸ هجری شمسی

تهران - چاپ تابان

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم

پیش گفتار

میراث باستانی قوم آریایی هند و ایرانی

همبستگی ریگ ودا و اوستا

هند حداقل بین سه تا چهار هزار سال تاریخ پیوسته زبان دارد و در ریگ ودا
Rig-Veda ، سندی زنده و جاوید و قدیمترین آنهاست.
ریگ ودا (رگ وید Rgveda) برای مردم ایران از سه نظر درخور
اهمیت میباشد :

یکی بستگی این کتساب بتاریخ جهان، و دو دیگر تعلقش به تاریخ
هندوستان ، و سدیگر ارتباط مخصوصش بتاریخ و فرهنگ ایران باستان.
شرح بستگی این کتاب به تاریخ جهان ، و هند ؛ خارج از بحث ماست ،
و لذا در مقوله ای که خارج از موضوع است وارد نمی شویم ، و در اینجا فقط
بمنحوا بجاز، ارتباط ویژه آنها را با تاریخ و مذهب و فرهنگ ایران درین پیش گفتار
بیان میکنیم .

ساخت و بعدها که در دوران هخامنشی، و یونانی، و باختری، و سکایی مردم ایران و قسمتی از مردم هندوستان تابع يك شاهنشاهی واقع شدند، همخوانی پدران خود را از یاد برده بودند و تصور این را که تیاگاشان خویشاوند و از يك گوهر بوده‌اند، نمی‌کردند.

مواقع جغرافیایی بی‌شك یکی از عوامل ایجاد این فراموشی بوده است، ولی علت دیگر آنست که مردم آریایی هند و ایران بعد از انفصال در دو جهت مخالف گسترش یافتند. با این حال هر يك از این عوامل به تنهایی هرگز نمیتواند موجب قطع روابط فرهنگی بین ایران و هند در عصر ودایی بشود (۱).

ایرانیان یاد میهن مشترک ایران و یج Erānvēj را در اساطیر خود حفظ کردند، ولی آریاهای هندوستان که تمدن مشخص ریگ بیدی را قبل از هزار و پانصد سال پیش از میلاد بوجود آوردند، هیچ نوع اشاره‌ای به سرزمین مشترک اجدادی نکرده‌اند.



با این همه «لودویگ Ludwig» و «وېر Weber» در بعضی از جملات: «ریگ ودا» که ذکر می‌آید: «پریتهو - پرثو Prithu-Parśavah» شده است، آنرا اشاره‌ای به «پریتهوها Prithus» و «پرشوها Parśus» یعنی: پارت‌ها، و پارس‌ها (= ایرانیان) میدانند (۲).

در جمله‌ای از ریگ ودا، «یادو Yadu» مخصوصاً با «پرشو» (= پارس) اصطکاک پیدا میکند (۳).

بعقیده «ویلسون H. H. Wilson» منظور از کلمه: «تیریندیره Tirindira» - مذکور در ریگ بید، پسر «پرشو» است، و هردو اسم ایرانی است که تیرداد (Tiridatas) و پارسها هستند.

(1) Iran in the Ancient East, 1941, p. 190.

Op. Cit., p. 192 & Op. Cit., pp. 11, 177.

(۲) برخی از مفسرین و محققین ریگ ودا، عبارت: «پریتهو - پرثو Prithu-Parśavah» را بمعنی: «دنده‌های پهن»، یا «تبرهای پهن» دانسته‌اند، از آن جمله: «گریفیت» همین معنی را اختیار کرده است، ولی بعکس «لودویگ» معنی: «تبرهای پهن را غیر صحیح میدانند و استدلال میکنند که عبارت پریتهو پرثو Prithu-Parśavah (پارت‌ها) و پرثو (پارس = ایرانی‌ها) میباشند (۳) بنگرید به مائندالای هفتم - سرود ۸۳ بند اول، و مائندالای هشتم - سرود ۶ - بند ۴۶ - و مراجعه شود به جلد دوم این کتاب.

زبان ریگ‌ودا و اوستا

زبان ریگ‌ودا با زبان اوستا Avesta خویشاوندی نزدیک دارد . شباهت و نسبت میان زبان قدیم ایران (اوستا) ، و زبان ریگ‌ودا زیاد است . این دو زبان در قسمت اعظم لغات مشترک‌اند . واژه‌ها و کلمات بسیاری در این دو زبان موجود است که در سایر زبان‌های هند و اروپائی موجود نیست .

اختلاف اصلی زبان ریگ‌ودا با زبان اوستا فقط بعضی مشخصات معلوم لفظی است که آن دورا از یکدیگر جدا می‌سازد ، بهمین جهت زبان سانسکریت (زبان ریگ‌ودا) و زبان اوستا بمنزلهٔ دو لهجهٔ منشعب از یک زبان مادرشاهی : « هندوایرانی » شناخته می‌شود .

در « اوستا » قطعاتی یافت می‌شود که میتوان فقط با تغییر تلفظ آنرا به سانسکریت قابل فهم تبدیل کرد .

دو تیرهٔ آریایی قوم هند و ایرانی پیش از آنکه از هم جدا شوند مدت طولی در موطن مشترک اصلی خویش می‌زیستند و واجد یک فرهنگ و مذهب هند و ایرانی بودند که اگر نتوان به تمام جزئیات آن پی برد ، قسمتی از آنرا میتوان از طریق مقایسهٔ « ودا » ها با « اوستا » مشخص ساخت .

ظاهر آ پیش از آنکه طوایف آریایی هند و ایرانی - که از میهن اصلی کوچ کرده بودند - فلات ایران را به پیمایند ، قسمت‌های کوهستانی این سرزمین بزرگ منشاء یک فرهنگ مادرشاهی قدیمتر بوده است و سکنهٔ آن مانند سکنهٔ هندوستان (قبل از هجوم طوایف آریایی) خدایان مارمانندی را پرستش می‌کردند ، و بسیار محتمل است که فرهنگ ایران و شمال غرب هندوستان پیش از ورود طوایف آریایی دارای یک روح و مبدا بوده است ، و همین فرهنگ قدیمتر پس از ورود طوایف آریایی در مذهب و طرز تفکر و حتی خدایان آنها ای گذاشته باشد .

چگونگی روابط فرهنگی میان ایران و هند پس از هجوم طوایف آریایی چندان روشن نیست . ظاهر آ بعد از آنکه این دو طایفه اشقاق پذیرفتند و یکی در فلات ایران ، و دیگری در هندوستان سکونت گزید از هم جدا افتادند ، و در اثر عواملی که بر ما پوشیده است بیکدیگر پشت کردند ، و مآثرک جدا گانه‌ای برای خود بوجود آوردند و این جدایی پیوند خویشاوندی را فراموش

بدین ترتیب قبل از آنکه از سرزمین اصلی کوچ کنند از جهاتی توافق وهم- آهنگی خود را از دست دادند و تن نزدیک بقیه آنست که این اختلاف و عدم هم آهنگی معتقدات مذهبی و عوامل دیگر علت کوچ کردن و جدا شدن ایرانیان از هندیان بوده است نه نتیجه آن (۱).

بطوری که از سند مشهور کشف شده در بغاز کوی Boghaz-köi بر می آید، در حدود چهارده قرن پیش از میلاد مسیح خدایان دیوایی *Daiva* که اندرا، و ناستیه *Nāsatya* باشند در ردیف خدایان اسورایی *Asura* یعنی: وارونا، و میترا قرار داشتند، و این نکته همانگونه که کریستنسن *Christensen* هم بدان اشاره میکند، بخوبی نشان میدهد که اختلاف بین پرستندگان خدایان دیوایی و خدایان اسورایی که از مشخصات اصلی تاریخ باستانی نژاد هندو ایرانی میباشد هنوز در آن تاریخ وجود نداشته است؛ ولی مدت ها قبل از پدیدۀ زردشت که گاهی او باید لافل متعلق به هزار سال پیش از میلاد باشد، این اختلاف بعد اعلای خود رسیده است (۲).

اختلاف میان پرستندگان خدایان جدید و خدایان قدیم باید یکی از علل اصلی دو دستگی، و بالاخره جدا شدن آریاهایی که بعداً هندوستان را تصرف کرده اند، باشد، اما اختلاف آنان منحصر به جنبۀ مذهب نبوده است. کریستنسن چنین اظهار نظر مینماید که پیروان مذهب اسورایی (= اهورایی) طبقاتی پرورش یافته تر، و ثابت قدمتر از جامعه هندو ایرانی بوده اند که حرفۀ اصلی آنها فلاحت و تربیت احشام بوده است؛ و حال آنکه مذهب قدیمتر دیوایی *Daiva* در طبقات زورمندتر ولی کم رشد تر ادامه یافته و در این طبقات عادات موروثی اولیه بیشتر رسوخ داشته است.

دستۀ اول به باقی ماندن در ایران قانع شدند، لیکن دستۀ دوم به اغوای روح حادثه جویی و زیاده طلبی خود به سوی خاور پیش تاختند و سرانجام به هندوستان وارد شدند. نباید تصور کرد تمام آنهایی که در ایران باقی ماندند، اسورا (= اهورا)

(1) The fires of the Prytaneia in Greece, Vestal fire of Rome, Gārhapatya fire of India.

(2) Kulturgeschichte des Alten Orients, p. 211.

(۳) بنگرید به:

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions, pp. 148-56

بعضی از نامهای جغرافیائی ثابت می‌کنند که زمان کوچ و انشقاق این دو قوم چندان دیر نپاییده است. صرف نظر از سایر اسامی، کلمات: «رسا» (Rasā)، «اوستا: Ranhā» و «سرسوتی Sarasvatī» و «باهلیکه Bāhlika» را آریاها از ایران به هندوستان بردند و در رودخانه و یک ناحیه را به آن اسامی نامگذاری کردند.

بعقیده بعضی از محققان سکوت مطلق ریگه بید را در مورد مهاجرت از سرزمین مشترک هند و ایرانی نمیتوان جز به تعمد حمل نمود. بنظر هیلبراند Hillebrandt در غیر این صورت باید تصور کرد که آن قسمت از سرودهای ریگه ودا که شامل اسامی نخستین ایرانی است در فلات ایران سروده شده باشد (۱).

گویا بین تیره آریای هند و تیره آریای اولیه ایران یک نوع عدم توافق و اختلافی وجود داشته که موجب این بی‌علاقگی مخفی و سر پوشیده گردیده است و همین عدم توافق و اختلاف است که موجب گردید هنگام کوچ کردن از سرزمین اصلی این دو تیره از یکدیگر جدا شوند و هر یک تشکیل واحد جداگانه‌ای بدهند.

این عدم توافق و اختلاف که بعدها مورث دشمنی میان دو تیره گردیده است از مذهب و آیین باستانی آریاهای دو کشور بخوبی آشکار می‌باشد. مثلاً مردم آریایی ایران اهورا را خدادانستند ولی هندوها اسورا را بعکس دیوتصور کردند و همین طور اندرا در ایران نام دیوی است ولی در هند از زمره خدایان بشمار آمده و دیوت و پنه‌چاه سرود ریگه ودا تنها درستایش او سروده شده است.

مذهب اولیه هند و اروپائی خدایانی را که مظهر طبیعت بودند مانند آسمان و خورشید و باد می‌شناسد و شامل پرستش آتش میشود ولی آریاهای هند و ایران علاوه بر پرستش آتش دارای کیش سوما پرستی (هوما) نیز بوده‌اند و اضافه بر خدایان مظهر طبیعت به عده‌ای خدایان غیر محسوس هم عقیده داشتند و

(1) Ved. Myth., first ed; Vol I, pp. 99 ff.; Vol. III, pp. 372-8. Older attempts to read Irānian histroy and geography in the Veda have been briefly dealt with by Jackson in CHI, Vo 1, pp. 322 ff., and more recently by Keith in Woolner Comm. Vol. (1940)

(2) The Vedic Age, p.219.

اینکه در اساطیر هندو معمار خدایان آسورایی بنام مایا Māyā است، نمیتوان آنرا يك تصادف دانست. دیوپرستان خشن ظاهراً پوشه و هنر برتر رقیبان خویش را ناشی از جادو و افسون میدانستند. باوجود توجه به خدایان دیوایی Daiva در هندوستان و توجه به مذهب اهورایی در ایران فرهنگ و مذهب این دو، تا زمان ظهور زردشت، کم و بیش شبیه به وضع و مقام بودا در هند و ارفوس Orpheus در یونان است که هر دو آنها عملاً با کشتن حیوانات در مراسم مذهبی بنام مذهب معترض بودند، ولی اعتراض هیچیک از آنها بشدت مخالفت زردشت نبود.

در گاتها، زردشت جشن های مذهبی عامیانه و جاهلانه را که دیو-پرستان سرمست از افشرد هوم، خون حیوانات را به خدایان تقدیم می داشتند، و در میان فریادهای شادی جان گاو بی گناه را فدا می ساختند، شدیداً محکوم می سازد.

کاملاروشن است مراسمی که مورد حمله و انتقاد زردشت واقع شده و هموطنانش انجام میدادند، بسیار شبیه به مراسم ودایی است. تعداد زیادی از لغات و کلمات مذهبی در دوزبان مشترک اند، مانند: هوما Haoma (= سوما Soma)، زئوتر Zaoatar (= هوتا Hotā)، اثرون Athravan (= اترون Atharvan)، آذربان Manthra (= منتره Mantra)، یزته Yazata (= یجته Yažata) یا سنا Yašna (= یجنا Yajña)، آژویتی Āžūiti (= آهوئی Āhūti) ایریمان Airyaman (= اریمان Aryaman) ایشون Išvan (= ایشور Išvara)، و امثال آنها. و همچنین تمام مراسم ودایی، و اوستایی از يك اصل و ریشه اند. واضح است که نوسازی های زردشت نتوانسته است بطور مؤثری پرستش سوما (هوما) را که یکی از خصوصیات ودا است، و از مدن ها پیش از زردشت در ایران مرسوم بوده است، تغییر دهد.

معهذا زردشت در رشته مذهب و اساطیر (= میتولژی) موفق تر بوده است، ولی از این جنبه ها نیز شباهت بعدی آشکار است که میتواند یگانگی های قبلی را ثابت نماید.

تشریفات «اویه نه ینه Upanayana» در «ودا»، و «اوستا» تقریباً یکسان است. در هر دو (= ودا، و اوستا) تعداد رسمی ایزدان سی و سه است. در ادبیات مقدس ودایی و اوستایی اوزان عروضی یکی است و اصطلاحات و نامهای آنها یکسان میباشد و تقریباً هیچگونه اختلافی در بین نیست. در هر دو کتاب ایزدان ابتدا بصورت پهلوان جنگجوی آریایی، سوار بر

پرست بودند ، و یا همه آنها که سختی را بر خویش هموار نمودند و به طرف سرزمین هندوستان پیش رفتند دیو پرست بودند .

سنگ نبشته خشایار شاه در باره دیو پرستی که در سال ۱۹۳۵ میلادی کشف شد بخوبی آشکار میسازد که حتی در سده پنجم قبل از میلاد نیز در شاهنشاهی هخامنشیان با دیو پرستی شدیداً مبارزه می شده است ، و در هندوستان با وضع خاصی روبرو می شویم که در ایام بسیار قدیم به همه خدایان بزرگ لقب اسورا (= اهورا) بعنوان احترام اطلاق می شده است .

هر چند در ایام بعد ، این صفت مطلقاً بعنوان دشنام بکار رفته است . در قسمتهای بیشماری از براهماناها ، آسوراها در حرف زندگانی متمدن برتر از دیوها نشان داده شده اند ، و در داستانهای ودایی و پورانی ، آسوراها برادران بزرگتر خدایان بشمار رفته اند ، و مانند خود دیوها بمراتب بالاتر از داسیوها ، و راکشها قرار گرفته اند .

با توجه به مجموع علائم و امارات مشکل است انکار شود که باجمع ابوه آریاهای دیو پرست ، یک اقلیت قوی پیشرفته تر اسورا (= اهورا) پرست به هندوستان نیامده باشد که رسوم و مذهب آنها بادسته اکثریت مختصر اختلافی داشته است و بهمین جهت پیوسته از طرف آریاهای ودایی مورد لعن و تهمت قرار می گرفتند ، و ظاهراً این بدبینی بیشتر از جنبه حسد بوده است تا از نظر تحقیر ؛ زیرا اگر آریاهای ودایی که عمداً تمام بقایای وطن اصلی هندوایرانی را بطوری که در بالا گفته شد از میان برده اند اگر میتوانستند آیا یادبودهای اسورا (اهورا) پرستی را نیز از میان بر نمیداشتند ؟ ولی از عهده این کار بر نیامدند ؛ زیرا عده قابل توجهی اسورا پرست در واقع در میان آنها وجود داشت . بنا بر این قدیمترین جامعه آریایی هند مانند قدیمترین جامعه هند و ایرانی از نظر فرهنگ یکدواخت نبود ، و هر چند قسمت اعظم آن دیوا پرست بودند ، اما همه نبودند .

از طرف دیگر جامعه ایرانی هم با اکثریت بزرگی اهورا پرست بودند . بعد از یک دوره کشمکش و تغییرات بفرجام آشتی برقرار شد ، و بعدی موفقیت آمیز بود که حتی در مورد بزرگترین خدای ودایی یعنی ؛ اندرا به تنهادر قسمت های بسیار قدیمی ریگ ودا او را یکی از آسوراها شناخته اند ، بلکه ویرا دارای نیروی ، مایا Māyā دانستند که از مختصات آسوراها بود که بمعنی نیروی جادویی است .

هند و ایرانی است ، منهای وریتراهن .

بنابراین هیچ اختلافی بین اندرای « ودا » ، و اندرای « اوستا » نخواهد بود . اگر تاریخ اندرا را در نظر آوریم درمی یابیم که تاریخ دوشدای مختلف است که در ایران و هند به دو طریق در یکدیگر اثر نموده اند .

« ناستیه ها Nāsatyas » که در کتیبه بغاز کوی در کنار اندرا ، و وارونا نام برده شده اند ، نیز در اوستا ذکر گردیده اند ، منتهی مانند : اندرا بصورت دیو (۱) ، حتی « اپام نپات Apām - Napāt » که یکی از ایزدان کوچکتر ودا است ، در اوستا بصورت ایزدی به همان نام ذکر گردیده است (۲) .

معادل « گندهروه Gandharva » ودایی ، گندهروه Gandarōwa اوستا و معادل کریشانو (۱) Kriṣānu و دایی ، « کرشانی Kərəvāni » ی اوستا است .

یمه (یاما Yama) پسر ویوسوت Vivasvat مذکور در ودا فرمانروای مردگان است . ویمه Yima پسر ویولننت Vivanhant (= نیم فرزند دیون جهان) در اوستا فرمانروای بهشت است .

شواهد زیادی میتوان نشان داد که باوجود تجدیدی که زردشت آورد ، مذهب ایرانیان در اغلب موارد بصورت پیش از آن باقی ماند . بطور کلی چنین بنظر می آید که نوآوری زردشت منظورش آن قدرها قطع رابطه با گذشته نبود ، بلکه تصمیم داشت و تاحدی نیز موفق شد که اصول مذهب « اسورا Asura » (= اهورا Ahura) را مستقر سازد ، و آنرا از تمام پلیدی های دیوان پاک نماید .

این فرض مخصوصاً از این نکته دقیق آشکار میشود که زردشت تنها بفرستادن دیوان مهم مانند : اندرا به دوزخ اکتفا نکرد و نام خدای بزرگ آسورا یعنی : وارونا را به « اهورا مزدا Ahura Mazdāh » تغییر داد . علت اینکه زردشت نام این خدا را از میان برد ولی شخصیت او را نگاهداشت و بیالانین مقام افتخار بالا برد ظاهراً آن است که در عصر پیشین - دست کم در زمانی که الواح بغاز کوی نوشته شده است - نام این خدا با اسم دیو اندرا توأم گشته بود .

(۱) این نام کریشانی Kriṣāni نیز تلفظ شده است .

(۲) بنگرید بصفحه ۲۱۴ این کتاب .

ارابه که اسبان نیرومند آن را میکشند، مجسم شده‌اند. ایزدان ودایی بسان ایزدان اوستایی آسمان را نگاه میدارند، و از فرو افتادن آن جلوگیری میکنند. و پرستش «بتان» (صور یا تندیس خدایان) در وداها و در اوستا بهیچ وجه وجود ندارد.

«وارونا»ی «ودا» مثل مقابل اوستایی خود اهورا، بایساری میتره Mitra (= در اوستا میتره Mithra). حافظ اعلای قانون اخلاق است، و تصور نظم کیهانی در هر دو مورد بصورت ایزدی معنوی که در «ودا» بنام: «ریتا Rita»، و در «اوستا» به اسم: «اشا Aša» خوانده میشود، متصور است. حتی اختلاف شدید بین «اندرا»ی «ودا»، و «اندرا»ی اوستا اگر بشاریخ این ایزد که شرح اورا: «بنوئیست Benveniste» (۱) و «لویی رنو Louis Renou» (۲) در تالیف خود داده‌اند توجه شود، بکلی از میان برمی‌خیزد.

خلاصه فرضیه استادانه: «لویی رنو Louis Renou» و «بنوئیست Benveniste» بشرح زیر است:

در عصر هند و ایرانی دوخدای مختلف بوده‌اند: اندرا Indra (۳)، و وریتران Vritrahan (= وریترا = مقاومت، و وریتران = مقاومت شکن). اندرا تنها تجسم قدرت طبیعی بود که در افسانه‌های پیشین تمدن‌های قدیمی موجود است، ولی در عین حال دیوایی (= دایویک Daivic) نیز شناخته شد تا با سلیقه زردشت نوآور و سختگیر که اورا بی‌تأمل به دوزخ می‌فرستد، وفق دهد، اما خداوند مقاومت شکن یعنی: وریتران (ورترغنه Vritragha = بهرام) که وظیفه او پیروزی و از میان بردن مقاومتی است که بدی بوجود می‌آورد، مقام افتخارآمیز خود را در میان ایزدان ایرانی پیوسته حفظ کرده است.

اندرا، و وریتران فقط بعدها در عصر ودایی توأم گشته، و در یک شخص متصور شده‌اند. بطور خلاصه، اندرای ودا، همان اندرای هند و ایرانی مذکور در بنغاز کوی است باضافه وریتران، و حال آنکه اندرای اوستا، اندرای

بنگرید به:

(۱) Like Vedic Rita.

(۲) In Vritra et Vritragha, Paris 1934.

(۳) بعضی گفته‌اند نام این خدا از ریشه Innar = مقاومت، مأخوذ است، اما اشتقاق‌های دیگری نیز برای این کلمه ذکر کرده‌اند.

از آن نیست، اصل ایرانی اوستایی ندارد؛ بلکه يك عادت «مدی Median» است که مخصوص میجوسان بوده است، و این عادت تنها در عصر اشکانیان در ایران مرسوم گردید و برای اولین بار در «ویدودات Videvdāt» که در عصر اشکانیان نوشته شده، ذکر گردیده است.

جسد پادشاهان هخامنشی پس از مرگ در قبرهای مخصوص قرار داده میشد و در هیچ کجا ذکری از آن نیست که جسد یکی از شاهنشاهان نیرومند هخامنشی برای طعمه مرغان، و کرکسها و درندگان عرضه شده باشد (۱).

از آنچه باز نموده شد، چنین مستفاد میگردد که رینگ ودا و اوستا نمایندۀ يك ارتباط فکری است. این دو اثر بقدری بهم نزدیک و شباهت دارند که آنها را میتوان یکی دانست. این قرابت و خویشاوندی زبان و مذهب این احتمال را بوجود آورده که بعضی از سرودهای رینگ ودا هنگامی که قبائل آریایی فلات ایران رامی پیمودند، موجود بوده است، وریشی ها و خاندان های روحانی آنها را در حافظه داشتند.

يك مراجعه اجمالی به اوستا و رینگ ودا محرز میدارد که در هر دو اثر لغات و واژه های مشترك بیک معنی و مفهوم بکار برده شده است. نوکویی در آنها اختلافی نیست، مگر بعضی مشخصات معلوم لفظی (۲).

(۱) بنگرید به :

Herzfeld, Iran in the Ancient East. 1941, pp. 216-217

و بنگرید به :

The Vedic Age, R. C. Majumdar, London, 1957, pp. 218-223.

(۲) در بمبئی اردشیر خبردار از زردشتیان هند گاتها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است و در آخر کتاب فرهنگی ترتیب داده و لغات مشترکی را که در گاتها و رینگ ودا بکار برده شده با نشان دادن تلفظ و دایمی و اوستایی استخراج کرده است.

بنگرید به

New Light on the Gāthās of Holy Zarathushtra, By: Ardeshir F. Khabardar, pp. 727-777

بدلایل مشابهی زردشت از بکاربردن کلمه : « بگه Baga » (= بڃ) (۱) بمعنی : خدا که دارای ریشه هند و اروپایی است ، اجتناب نمود ؛ اگرچه این واژه در قسمت های اوستا که مربوط به قبل از زمان زردشت است ، در کتیبه های قدیم ایران ذکر شده است ؛ زیرا يك کلمه مذهبی هند و اروپایی نمیتوانست از ملازمه باديوها خالی باشد.

تازمانی که معتقد بودند ، « گات ها Gāthās » چون دارای قدیمترین زبان میباشد نمایندۀ قدیمترین تمدن آریایی ایران نیز هست بهیچ وجه ممکن نبود مشاهده شود جامعه هایی که در « ودا » ، و « اوستا » توصیف شده اند ، در اصل یکی باشد ، ولی اکنون کاملاً ثابت شده است که تمدن گاتها ، تمدن نوین عصر جدیدتری از ایران است که جنبه بسیار قدیمتر آن در « یشت ها Yasts » منعکس است ، مخصوصاً در « یشت » هایی که از تجدید نظرهای زردشتیان مصون مانده است ، و فرهنگی که در این گونه « یشت » های ایرانی قبل از زردشت منعکس است ، اصولاً همان فرهنگ ودایی هندوستان میباشد.

آیین هوما Haoma که حَقاً شاهد اصلی یکی بودن تمدن هند و ایران است ، نه تنها پیش از زردشت است ، بلکه مخالف تعلیم زردشت است و نگاهداری این سنت در مذهب بعد از زردشت در ایران از آن نظر میباشد که این پیامبر از نظر سیاست در حرام ساختن نوشابه های سکر آور بویژه ذکر ی از « هوما » نکرده است ، و علمای اوستادان از عدم ذکر نام « هوما » چنین استدلال نموده اند که تمام مسکرات نجس است مگر هوما (= درودا : سوما Soma).

« بنویست » نشان داده است که مذهب ایرانیان دوره هخامنشی بطوری که « هرودوت Herodotus » آنرا وصف مینماید ، هیچ توافقی با مذهب گاتها ندارد بلکه بعکس در بسیاری نکات مهم به مذهب ودایی شبیه است (۲) .

اختلاف فاحش میان طرق دفن مردگان در ایران و هند در نتیجه روشکافی بکلی از بین میرود. عادت گذاشتن جسد مردگان در درخمه که در هندوستان خبری

(۱) « بگه Bhaga » در ودا خداوند خوشبختی و وفور نعمت شناخته شده است .

(۲) بشکرید به :

The Persian Religion, Ratanbai Katrak Lectures,
Paris 1929, pp. 32 ff.

« برهر ثابت و برهر جنبنده و نیز برهر آنچه راه
 میرود و برهر آنچه میبرد، و بر تمام این آفرینش
 رنگارنگ تنها یک (ذات) فرمانروایی میکند »
 (ریگ ودا ۵۴/۳)

ریگ ودا Rg-Veda

واژه «ودا Veda» (بید) در زبان سانسکریت Sanskrit از ریشه «وید
 Vid» (دانستن) مشتق، و بمعنی: «دانش» است؛ اما بطور اخص بمعنی: «دانش الهی»
 «یا علم منزل» میباشد.

در آغاز این نام به سه کتاب: «ریگ ودا Rg-Veda» (رگ بید
 Rgveda)، و «یاجور ودا Yajur Veda» (جسجربید)، و «ساما ودا
 Sāma-Veda» (سام بید) اطلاق میشد و مجموع این سه کتاب را تریای ودیه
 Trayi-Vidya (دانش سه گانه) میخواندند؛ اما بر سه ودای اصلی، کتاب
 چهارمی بنام «اتهر ودا Atharva - Veda» (اتهر بن بید) افزوده شد. قبول
 کتاب چهارم بعنوان یک متن اصیل و حقیقی «ودا» ظاهراً مقارن تدوین قانون
 «مانو Manu» است، زیرا در قانون مانو غالباً نام سه ودا آمده و آنها «ترایم
 برهم سناتنم Trāyam brahma sanatānam» (ودای ثلاثه ابدی) خوانده
 شده اند، ولی در یک جا (کتاب یازدهم - ماده ۳۳) بعنوان «ودا» از کتاب چهارم
 اسم برده شده است.

مدهاتیتی Medhātithi مفسر و فقیه «هندو» نیز از سه ودای اول اسم
 میبرد، بی آنکه کتاب چهارم را در ردیف آنها قرار دهد.

بنابر آنچه گذشت بخوبی روشن شد که تاریخ فرهنگ و مذهب ایران باستان، با تاریخ فرهنگ و مذهب قدیم هندوستان ریشه و اصل واحد و نزدیکی کامل دارد و این قرابت و شباهت با مطالعه «ودا» و «اوستا» نمایان میشود. بدین ترتیب فرهنگ باستانی ایران و هند را نمیتوان از یکدیگر جدا ساخت، و این مسأله باید هم همینطور باشد، زیرا هر دو از يك فرهنگ هند و ایرانی منشأ گرفته و از يك سرچشمه سیراب شده اند.

هیچ کتابی در قلمرو «فرهنگ هندو» تألیف و تدوین نشده مگر آن که تعلیمات «ودا»ها کم و بیش نویسنده را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده است. با این تفاوت که اسلام مذهب جهانی است و از سر زمین عربستان به کشورهای دور و نزدیک دیگر هم گسترش یافته است ولی حوزه مذهب هندو در طول تاریخ تقریباً محدود بر سر زمین هندوستان بوده و بخارج شبه قاره هند نفوذ پیدا نکرده و جنبه مذهب بومی و ملی خود را حفظ نموده است.

کلمه ودا Veda بصیغه جمع بر سه یا چهار کتاب مذکور اطلاق میشود. این کتب پایه و اساس فلسفه و ادب و هنر و موسیقی و علوم مختلف قدیمه هندو را تشکیل میدهند.

هر چند کتب ودا منحصر در چهار است، ولی نوشته‌ها و رسالات و کتابهای عدیده حاوی مسائل و احکام مذهبی و آیین پرستش و دستورهای قربانی و کلامی و فلسفی و تفسیر به آنها ملحق شده است.

بهارت دیگر مجموع ادبیات مقدس هندو به چهار دسته بشرح زیر تقسیم می‌گردد:

۱ - سمهیتا (Sāṃhitā) : ترتیب متن ودا.

۲ - براهماناها Brāhmanas : در تفسیر وداها

۳ - آرنیکاها Āranyakas : متون مدون در جنگل.

۴ - اوپانیشادها (Upanishads) : مبین فلسفه وداها.

بدین ترتیب مینگریم هر يك از وداهای چهارگانه دارای براهماناها، و آرنیکاها، و اوپانیشادها و وابسته بخود میباشد.

سمهیتای رگه بید بی تردید مجموعه‌ای است که نمایندۀ افکار مردان چندین نسل است و همین موضوع دلیل عدم آهنگی سرودها و نمو طبقات فکری آنست که از اعتقاد به خدایان متعدد شروع شده و به وحدت وجود فلسفی منتهی گردیده است.

قدمت ریگ ودا:

راجع بقدمت این کتاب میان محققان هندی و فرنگی اختلاف نظر است. دوسده نو زده برخی از دانشمندان هندی مانند تیلک Tilak بعضی از منترهای

در اوپانیشادهای اصلی و قدیمی Mundakya، و چهارم و گه از Chandogya، و چند اوپانیشاد دیگر قدیمی و نوشته‌های متأخر باستانی هندو از قبیل: «ایتی‌هاس Itihasa» و «پران‌ها Purāṇas» کتاب «انپرواودا»، «ودای چهارم»، شناخته شده است.

«رگ بید»، «ودای منظوم»، و «جیو بید»، «ودای منثور»، و «سام بید»، «ودای آهنگ‌ها» است.

در میان سه بید اصلی رگ بید قدیمترین آنهاست. سه بید اصلی نه تنها از حیث قدمت تاریخی بلکه از نظر مطالب و طرز تفکر گویندگان و آیین پرستش با کتاب چهارم اختلاف دارند.

ریگ ودا مادر وداهای دیگر است.

رگ بید را «شروتی Śruti» (از مصدر: شرو = śru = شنیدن) نیز می‌نامند. «شروتی» بمعنی: «دانش مسموع» و در برابر: «سمرتی Smṛiti» (از ریشه: سمری = Smṛi = یاد آوردن) است که مفهوم آن «دانش در یادمانده» یا «علم محفوظ» میباشد. مقصود از علم اول علم مستقیمی است که مبداء آن خارج از حیطه بشر است و در نتیجه تفکر و تعمق و تحصیل به دست نیامده باشد. و منظور از علم دوم دانشی است که سینه به سینه و دست به دست و پدر بر پدر منتقل شده است و در واقع ریگ مرده (= میراث) مر بیان و معلمان و پیشوایان مذهبی باستانی میباشد.

کتاب ودا در نظر غالب «هندوان» در حکم وحی منزل است و از نظر دین‌باوران «هندو» تعلیمات آن کامل و بالاترین سند و مدرک مذهب است. این تعلیمات حاکم بر جمیع شؤون زندگی هر فرد میباشد، و وظائف او را در هر وضع و شکل و در هر مرحله از مراحل حیات از تولد و کودکی و جوانی و پیری و مرگ معین میکند. بمعبارت دیگر این تعلیمات وظیفه هر کس را از کهواره تا کور زیر نظر دارد.

«ودا»ها مرجع کلیه آداب و سنن است. همه قوانین و مقررات در چهارچوب تعلیمات آنها بوجود آمده و مراسم و تشریفات مذهبی و دعاها و نمازها و آداب و رسوم اجتماعی هندو از آنها سر چشمه گرفته‌اند.

همان گونه که در عالم اسلام روح «قرآن» مجید در کتابهای اسلامی جلوه گر شده و زبان قرآن در «فرهنگ اسلام» بنیاد نوین و استواری بوجود آورده است، و هیچ کتابی را نمیتوان یافت که از روح قرآن الهام نگرفته باشد، بهمین مقیاس

این سرودها نخست مکتوب و مدون نبود و خانواده‌های مذهبی هندو آنها را پدر بر پدر در حافظه نگاهداشته‌اند، و بعدها بر حسب روایات سنتی هندوان آنها را ویاسا Vyāsa در عصر: «کالی یوگ» Kāliyuga (عصر کالی) که آبراسه هزار سال پیش از میلاد دانسته‌اند، جمع‌آوری نموده و به صورت مجموعه (= Saṁhitā) در آمده است.

ریگ ودا (رگه بید): مشتمل بر ۱۰۲۸ سرود (سوکتا Sukta) است. این سرودها در ستایش خدایان است. هفده سرود از ۱۰۲۸ سرود را والکیلیا (بالکیلا Vālakhilya) خوانند و آنها را معمولاً بین ماندالای هشتم و نهم قرار می‌دهند.

ساماودا Sāma-Veda (سام بید): ودای آهنگ‌هاست. نیمی از سرودهای این ودا تکرار همان اشعاری است که در ریگ ودا آمده، و نیم دیگر که بالغ بر ۷۵ سرود میشود، اصلی است.

یاجورودا Yajur-Veda (ججر بید): این ودا از قطعات نظم و نثر ترکیب یافته است. عبارت روشنتر قسمتی از این ودا منظوم و قسمت دیگر منثور است. کلیه قطعات نظم و نثر راجع است به قربانی‌های عذیده، و بنا بر این میتوان این ودا را، ودای قربانی‌ها نامید.

اتهرودا Atharva-Veda (اتهر بن بید): این ودا از حیث تاریخ مؤخر بر سه ودای مذکور در بالاست، و مشتمل است بر تعداد زیادی وردهای جادویی که برای ارضاء و اقناع ارواح پلید و راکشس‌ها، و امثال آنها بکار می‌برده‌اند. چنانکه گفته شد در ابتدا وداها مکتوب نبود و خانواده‌های روحانی آنها را حفظ و نگاهداری می‌کردند، و صدها سال بعد مدون شد. خاندان‌های مختلف مذهبی هر یک قسمتی از وداها را جمع آورده‌اند و بدین ترتیب بیدها از طریق مکتب‌ها (شاکه‌ها Śakhas) یا قرآت مختلف به دست ما رسیده است.

در مورد ریگ ودا مجموعه (سمهیتا Saṁhitā) موجود متعلق به یک مکتب موسوم به «شاکل Śākala» است و از مکتب دیگر به اشکل Bhāshakal جز نامی باقی نیست.

بیشتر سرودهای ریگ ودا، ستایش‌هایی است خطاب به خدا یا بن‌مختلف که از آنها

ریگ ودا را از روی محاسبات ارقام نجومی مربوط به پنج تا شش هزار سال پیش از میلاد مسیح و حتی قدیمتر دانسته اند، ولی ماکس مولر Max Müller تاریخی را در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد در نظر گرفته است.

ریگ ودا یا ریگ سمهیتا Rik-Sāmhitā بعد زیادی قدیمتر از دیگر وداها میباشد. بخصوص نسبت بمتون منثور. خصوصیات کهنگی، ریگ ودا را از ادبیات جدیدتر جدا میسازد، و این کهنگی را نمیتوان منحصر امر بوط باختلاف سبک یا سطح تطورهای اجتماعی دانست. اگر سرودهای ریگ ودا در زمانی نزدیک به زمان براهما ناها Brāhmanas جمع آوری شده باشد، بوجود آمدن این سرودها مربوط به زمانی بسیار قدیمتر بوده است. زمان ادبیات ودایی را میتوان بین دو تاریخ قرار داد که مبدأ هر دو تاریخ متأسفانه غیر روشن و نامعلوم است. آنچه مسلم است بوجود آمدن این سرودها قرن ها پیش از بودا و تبلیغ عقاید بودایی بوده و از طرف دیگر شروع آن همزمان با کمی قبل و یا بعد از ورود قوم آریایی به هندوستان میباشد. دوره های مختلف متون را باید در بین این دو تاریخ مرتب ساخت.

شبهات و نسبت نزدیکی که ریگ ودا با اوستا Avesta دارد، این فرض را بوجود می آورد که تاریخ ریگ ودا به حد زیادی جدیدتر است، ولی این فرض در صورتی میتواند مورد قبول واقع شود که مطمئن گردیم گاتها Gāthās که در شکل شبهات زیادی به ودا دارد، پیش از سده ششم و هفتم قبل از میلاد بوجود نیامده باشد و علاوه بر اینکه این تاریخ بهیچوجه طرف قبول اطمینان نیست کاملاً مشخص است که پیدایی ادبیات ودایی نیازمند به زمان بسیار درازتر است. ژاکوبی Jacobi بر اساس اطلاعات نجومی چنین نتیجه میگیرد که تاریخ دو تا از سرودهای ریگ ودا در هزاره پنجم قبل از میلاد است. کلبروک Colebrooke تاریخ تنظیم ودا را در سده چهاردهم پیش از میلاد قرار داده است.

به هر حال آنچه مسلم بنظر میرسد، ریگ ودا قدیمترین اثر قوم آریایی است، و بیشك تاریخ بوجود آمدن آن قبل از تاریخ تمدن یونان و پیش از تدوین کتب مذهبی موجود یهود میباشد.

این دسته سرودها نماینده مرحله نخستین آیین ریگک ودا است. یکی از خصایص مشخص این دسته از سرودها جنبه چند خدایی آنها میباشد. خدایان مختلفی در این گونه سوکناها مورد ستایش قرار گرفته اند. دانشمندان صلاحیت دار عقاید مختلفی درباره روح این سرودها بیان داشته اند، بعضی آنها را ادعیه کودکانه اولیه پنداشته اند، و بعضی دیگر آنها را کنایه از بیان صفات ذات اعلی شناخته اند، و عده ای آنها را مربوط به قوم با نشاط و جوانی که اهمیت زیادی براسم مذهبی میداده اند، میدانند، و گروهی هم تاخدودی آنها را بنوعی طبیعت پرستی تعبیر کرده اند. سرودهای ۱ و ۴۸ و ۵۰ و ۱۵۴ و ۱۸۵ ماندالای اول و سرود ۸۴ ماندالای پنجم و ۶۸ و ۸۹ و ۱۲۵ و ۱۶۸ ماندالای دهم را بطور نمونه میتوان معرف فکر چندخدایی در ریگک ودا دانست (۱).

۲ - جنبه های توحیدی

در پاره ای از قطعات سرودهای ریگک ودا به نوعی یکتا پرستی اشاره شده است. اینگونه سرودها نماینده مرحله دوم و سوم پیشرفت و نمو افکار ریگک ودا میباشد که از مرحله پرستش عوامل طبیعی و چند خدایی گذشته و به مرحله توحید و یکتا پرستی میرسد، و بعدها از آن نیز تجاوز کرده صورت فرضیه وحدت وجود فلسفی بخود گرفته است که اساس مکتب فلسفی ودایی را تشکیل میدهد، و در دوره بعد وارد تعلیمات او پائیشاها میشود، و بالاخره پایه مکتب گسترش یافته و عالی افکار هندو بنام مکتب ویدانت قرار میگیرد.

تعداد بیشمار خدایان مرد و زن در قسمتهای چند خدایی ودا رفته رفته موجب خستگی دماغ شد و در نتیجه تمایلاتی بوجود آمد که چند خدا را با هم یکی بدانند و باری تمام خدایان مختلف را یکی سازند.

حاصل این تمایلات و مرتب ساختن آن طبعاً بتوحید و یکتا پرستی

(۱) برای نمونه بنگرید به صفحه ۴۳ - ۴۷ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۶ و

۱۲۷ - ۱۲۸ و ۱۳۰ - ۱۳۱ این کتاب.

طول عمر و فرزند و گاو و اسب و مال و ثروت و وفور نعمت و باران و شفاى
بیماران و پیروزی و محافظت از ارواح پلید و امثال آنها درخواست شده است. خدایان
دارای شخصیت بزرگ و مقام عالى اند و نیروی فوق العاده دارند ، و هر چند
از مردم جدا هستند ولی در عين حال با مردم اند و نزديك ايشان و يار قوم
آريايى شناخته ميشوند . آنها در مراسم قربانى حاضر مى گردند و بقرباني ها
برکت و تقدس مى بخشند .

عدهٔ خدایان در ریگ ودا به ۳۳ خدا یعنی : هشت واسو Vasu، بازده رودرا Rudra، دوازده آدیتیا Āditya، و دوشدای دیگر نامشخص محدود شده است. این خدایان به سه دستهٔ آسمانی، وجوی یا فاضائی، و زمینی تقسیم میگردند.

سرودهای این ودا را روحانیان هوتا Hotā با آهنگ میخوانند. مجموعهٔ ریک ودا به ده ماندالا Mandala تقسیم میشود. کوچکترین سرود فقط یک بیت دارد و کلانترین آنها از ۵۸ بیت ترکیب یافته است. مجموع سرودهای ریک ودا حاوی ۲۰۰۶ قطعه یا ورکا Varga و ۱۰۴۶۲ ریک Rik یا Rich (شعر یا بیت یا آیت) و ۱۵۳۴۲۶ پادا Pada (کلمه یا $\frac{1}{4}$ بیت) میباشد.

برخی سرودهای ریک ودا را به‌هشت قسمت تقسیم کرده‌اند و هر قسمت را اشتاکا Ashṭaka خوانند و هر یک از اشتاکاها به‌هشت ادھیای Adhyāya (باب) تقسیم می‌گردد.

سراینده سرودها را ریشی Rishi گویند. ریشی‌ها مردمان آزاده و صریح‌اللهجه و روشنی‌بین زمان خود بوده‌اند.

طبقه بندی سرودها

۱ - چند خدايي.

۲ - توحید،

۳ - وحدت وجود فلسفی.

L9370

۱- طبیعت پرستی و تصور خدایان مختلف

طبیعت پرستی و تصور خدا یان مختلف حتی بصورت انسان - بطوری که در بعضی از سرودها ملاحظه میشود در سوره یس جمله اول یا من ارحل و اوالیه افکار ودایی است.

آفرینش تشریح شده است که این جهان نتیجهٔ تطویر یک فرد نخستین است. درماندالای سوم - سرود ۵۴ - تأکید می‌شود که «بره‌نایت و بره‌رجنبنده و نیز بره‌ر آنچه راه می‌رود و بر هر آنچه می‌برد، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ تنها یک (ذات) فرمانروایی می‌کند» (۱)

در رگ بید گفته شده است که باید بین حقیقت مطلق (براهمن Brāhman)، و خدای واجد شخصیت (ایشور Iśvara) فرق گذاشته شود، و غالب افکار فلسفی و مذهبی که بعداً در هندوستان بوجود آمده و گسترش یافته، از این فکر سرچشمه گرفته و تابع آن بوده است.

بعضی از مسائلی را که ریشی‌های دورهٔ اخیر ودایی مورد بحث قرار داده‌اند، از امور فلسفی است و بهمین جهت می‌توان دورهٔ اخیر و دایی را بمنزلهٔ صبحدم فکر و طلوع مسائل فلسفی دانست.

برای مطالعات فلسفی ججربید و سامبید چندان اهمیتی ندارند. انهر بن بید شرح طلسمات و ادعیه و اورادی است که جهت شفای بیماران و عمر دراز و از این قبیل امور مورد نظر و توجه بوده است. ریشهٔ علم طب هندی ظاهراً مقتبس از انهر بن بید می‌باشد.

رابطهٔ خدایان با پدیده‌های طبیعی

قسمت عمدهٔ سرودهای رگ بید در ستایش خدایان مختلف مثل: سورج (سوریه Surya = آفتاب)، اگنی Agni (آتش)، دیوس Dyaus (آسمان)، ماروت‌ها Maruts (طوفان)، وایو Vayu یا وات Vāta (باد)، آپه‌آpas Maruts (آب‌ها)، اوشس Uśas (سپیده‌دم)، پرتھی (پرتھیوی prithivī = زمین) است. حتی خدایان همچون اندرا Indra، و وارونا Varuna، میترا Mitra، ادیتی Aditi، بشن (ویشنو Vishṇu)، پوشان pushan، دواشوین Aśvins، رودرا Rudra، ربرجنیه Parjanya، درابتدا منتسب به پدیده‌های طبیعی بوده‌اند.

صفات که جنبه‌های خاص و مهم پدیده‌های طبیعی را نشان میداده است، بصورت خدایان مستقلی درآمده‌اند. مثلاً: سویتری Savitri (سویتر Savitar = آفتاب) که بمعنی الهام دهنده و برانگیزنده و حیاتبخش است، و وی وسوان Vivasvān که بمعنی درخشان می‌باشد، اصلاً از صفات خورشید بوده است، و بعداً بصورت خدایان آفتاب درآمده‌اند. بعضی خدایان مانند: پوشان Pūshan

منتهی میگردد. فرضیه توحید از هرج و مرج خدایان مذکر و مؤنث پیشمار که بایکدیگر در اصطکاک اند ساده تر و منطقی تر بنظر رسیده است، و از این جهت در سرودهای این دوره جنبه یکتاپرستی تا حدودی تقویت شده است. روحانیت بخشیدن تدریجی بصور وجودالهی و منطق مذهب در یکی ساختن و بهم پیوستن چند خدا و پرستش يك خدا از خدایان که متوجه و معطوف به فرضیه توحید است، و فرضیه: «ریتا Rta» یا وحدت طبیعت و بالاخره انگیزه تنظیم مقر بشر همه آنها از عواملی بودند که دانشمندان اخیرودایی را به نوعی یکتاپرستی متمایل کرده اند.

از خصایص این دوره این است که حتی یگانه وجود اعلای دوره یکتاپرستی از انتقاد برکنار نماند. سرودهای ۸۹ و ۱۶۴ ماندالای اول و پندهای ۵ و ۸ سرود ۵۴ ماندالای سوم، و سرود ۴۱ ماندالای هشتم و سرود ۷۲ و ۸۲ و ۹۰ و ۱۲۱ و ۱۹۰ ماندالای دهم معرف تمایل گویندگان آنها به یکتاپرستی است (۱).

۳- وحدت وجود فلسفی

چون فکر بشر دوره ودایی را فرضیه يك الوهیت بشر مانند ارضاء نمیکرد، از اینرو بتدریج فکر پژوهنده ای که برای رسیدن به حقیقت مطلق به مراتب بیشتر از یافتن طریق لذا یزد و خوشیهای شخصی و خصوصی اهمیت قائل است نمو و گسترش یافت. ارزش احساسات خدای شخصی هر چه باشد «حقیقت» ترتیب دیگری مقرر میدارد و برای پرستش معبود دیگر میخواهد. چون فرضیه توحید متفکرین ایام اخیر دوره ودایی را افناع نکرد، لذا مکتب توحید جای خود را به مکتب وحدت وجود فلسفی داد که اساس آن بر وجود اعلای غیر شخصی و شناخته نشدنی قرار گرفته است.

بتدریج فرضیه وحدت وجود شامل عدم شخصیت پیدا میشود. در سرود

(۱) بنگرید به صفحه ۱ و ۸ و ۹۵ و ۱۸۱ و ۲۵۴ و ۳۳۳ و ۳۸۶ این کتاب.

مشخصات ریگ ودا

مراسمی که مدت‌ها بعد از عصر ودایی برقرار گردیده بطور آزاد از قطعات سرودها و ادبیات ودایی گرفته شده است. بی آنکه توجه زیادی بمعنی اصلی آن‌ها بشود. ریگ ودا برای این منظور نوین بصورت کتاب روحانیان هوتری Hotri درآمده است. اساطیر (میتولژی) ریگ ویدا، دیگر اساطیر معمولی ودایی نیست، بدین معنی که اساطیر ریگ ودا از اساطیر وداهای دیگر قدیمتر و درعین حال بجای آنکه مستقیماً بصورت اساطیر (پدر فرزندی) باشد بصورت همزمانی است.

یک شبکه تشابه میان فرم‌های بشری و اصل اولیه الهی آن‌ها وجود دارد که بتوبه خود مربوط به پدیده‌های طبیعی آسمان و جو است و این اساس بعدی توسیع فیما شد که ریش‌ها با کوشش خستگی ناپذیر خود دستور اعمال خویش را از آن استخراج کرده اند.

ارتباطات پیچ در پیچ جنبه‌های مختلف طبیعی و اساطیری و مراسمی و اجتماعی است که افکار ریگ ودا را مشخص میسازد. تمام اشکال نمودارها سهمی در بوجود آوردن این نمایش‌ها دارد. نمودارها یا علائم ادبی قابل ملاحظه می باشد.

حساب اساطیری بر کین Bergaigne مخصوصاً عدد هفت در مقابل عدد یک، یادرتقسیم واحد قابل توجه است. باستانهای مابندالای اول و دوم که دیدگاه را تاحدی تغییر میدهد. مطالب سایر ماندا لاها بطور کلی مربوط به صور رسمی مذهب است و تقریباً یکنواخت می باشد و بمسائل تجربی عمومی چندان توجه نشده است. کهنگی زبان نیز از مشخصات بارز ریگ ویدا می باشد.

اصول اخلاقی و آداب اجتماعی

ریتا (Rta) قانون یا نظم جهان که معنی تحت اللفظی آن دخطمشی اشیاء است. اصول اخلاقیات را. معین میکند. بطوری که قبلاً باز نموده شد ریتا نظم و ترتیب و یاناموس جاودانی جهان است؛ پس برای اصول رفتارشنایش نیز همان مقام و اعتبار را دارد. رفتار منظم و متعادل از مشخصات اساسی یک زندگی خوب است.

عدم نظم و ترتیب که غالباً بصورت دزوغ نشان داده میشود، بزرگترین بدی است.

که ظاهراً طوائف مختلفی آنها را پرستش می کرده اند، جزء خدایان ودایی بشمار آمده اند. صفات مطلق معنوی بسان: شراده (Śrādhā) (ایمان)، منیو (Manyu) (خشم)، گندهربها (Gandharvas) (پریان)، آپچرها (Apsaras) (دختران آسمانی)، و همچنین ارواح جنگل و مزارع نیز جزو خدایان قرار داده شده اند.

هرچند در سرودهای رگ وید از خدایان متعدد ستایش شده است، اما چون یکی از آنها مورد ستایش قرار میگیرد، او بصورت خدای اصلی و آفریدگار، و نگاهدارنده و یا ویران کننده جهان شناخته میشود، و چون بدین ترتیب چند خدا هر یک جداگانه بدرجه رب‌الارباب رسیده اند این مکتب را «ماکس مولر»: «هنوتئیزم» (Henotheism) خوانده که شاید بتوان آنرا: «وحدت مقید به زمان» تعبیر نمود و در مقابل: «مووتئیزم» (Monotheism) یا وحدت واقعی است که فقط یک خدای قادرمتعال بر همه مسلط می باشد.

صفات آفرینش و نگاهداری و ویران کنندگی، نخست قابل تجزیه و جدا از هم شناخته نمی شده است، و بدین لحاظ قابل اسناد به خدایان مختلف نبوده، و هر سه صفت را به شخصیتی واحد می داده اند، مثل: پرچاپتی (Prajapati) (خدای آفرینش)، و وشوکرمن (Viśvakarman) (صانع جهان).

ارتباط ریگ ودا با سایر وداها

قسمت‌های بسیاری از ریگ ودا، در سایر مجموعه‌های سه وید دیگر یعنی: سام وید، وجر وید، و اتهر بن وید دیده میشود. تعداد زیادی از منترهای ریگ ودا در تمام ادبیات ودایی نقل گردیده است. در مواردی که عبارات نقل شده با متن منطبق است، ظاهراً دلیل بر اصالت و اعتباری است که پیشینیان برای مجموعه ریگ ودا قائل بوده اند.

اگر نظر: «الدنبرگ» (Oldenberg) را راست انگاریم، علاقه به متن اصلی در ادوار بعدی شدیدتر گردیده و این اعتبار گسترش یافته است.

در مواردی که اختلاف موجود است، و این اختلافها بطور نامنظم در سراسر عبارات منقول وجود دارد، وجود اختلاف شاهد بر کمال تعلیمات ریگ وداست. مطالعه این اختلافات آشکار میسازد که احادیث ریگ وید در زمانی که این مجموعه‌ها تدوین شده، دارای قدمت و کهنگی بوده است.

- ۴ - آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده ایم ، و ما که از تقوی سخن میگوئیم ، آیا اکنون از پلیدی سخن بگوئیم ؟
و نیز در ماندالای دهم سرود ۱۸۳ خطاب به قربانی کننده درباره ریاضت چنین مذکور است :
- ۱ - من ترا در اندیشه خویش می بینم که (بامراسم مقدس) درگفت و گوئی. از ریاضت بوجود آمده ای و به ریاضت مشهوری (۱) .
در ماندالای دهم سرود ۱۳۶ بطریق عملی ریاضت نیز اشاره شده است ،
۴ - مرناس در میان فلک بورواز می آید و همه اشیاء را نورانی میکند .
دوست هر یک از خدایان بر کارهای نیکو گماشته شده است .
در ماندالای دهم سرود ۱۱۷ درباره آزادگی و نیکوکاری و بذل مال به فقیران و احسان به درویشان آمده است :
- ۱ - خدایان گرسنگی را وسیله کشتن قرار نمیدهند ؛ مرگ بیشتر حتی به سراغ مردان سیر نیز میرود .
بخشنده نیکوکار هرگز از میان نمیرود .
لثیم هیچگاه کسی را نخواهد یافت که بر او ترحم کند .
- ۳ - راد مرد آنست که به مستمند ناتوان دوره کرد که در طلب خوراک است کمک کند ، و چون از او استمداد جوید فوری بیاری او بشتابد و سپس او را در زمره دوستان خود قرار دهد .
- ۴ - آن که مال خویش را از دوست یک دل و صمیمی دریغ دارد دوست نباشد ، از چنین دوستی باید چشم پوشید (۲) .
- در ماندالای اول سرود ۹۰ درباره نظم اخلاقی چنین آمده است ،
۶ - کسی که برای خود نظم اخلاقی بخواهد بادها شیرین اند ؛ برای او رودخانه ها به شیرینی جریان دارند ؛ حتی باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد .
- ۷ - باشد که شب شیرین باشد و سپیده دم هم ؛ باشد که ناحیه زمین شیرین باشد ؛ باشد که آسمان پدرما بر ما شیرین باشد .
- ۸ - باشد که آن درخت بلند برای ما پراز شیرینی باشد ؛ باشد که آفتاب نیز پراز شیرینی باشد ، و گاوان ماده بر ما شیرین باشند (۳) .

(۱) بنگرید به صفحه ۱۴۹ این کتاب

(۲) بنگرید به صفحه ۱۴ این کتاب

(۳) بنگرید به صفحه ۲۱۱ این کتاب

اخلاق حمیده (تقوی) مطابقت با ناموس کیهان دارد. فرضیه: «رت» (نظم جهان) از طرف دیگر مؤید این فکر است که اگر تطورات و تغییرات بی‌انتهای جهان فکر داشتن خدایان متعدد را ایجاد میکند، وحدت جهان وجوب خدای واحد را ثابت میدارد.

در مکتب‌های فلسفی جدیدتر هندو، ریتا بعنوان اساس نخستین فرضیه اخلاقی دharma (وظیفه و تکلیف) شناخته شده است. دوستی هم‌نوعان و مهر با بی‌باهمه و انجام دادن وظایفی که هر شخص نسبت به خدایان و مردم دارد، درودا تأکید گردیده است. به ریاضت و روزه و پرهیز هم در ریگ ودا اشاره شده است، ولی ریاضت از امور اساسی نیست.

اینک شواهد بارزی درباره امور اخلاقی و آداب اجتماعی در این جاذ کر میشود در ماندالای هفتم سرود ۱۰۴ خطاب به اندرا و سوما چنین آمده است: ۸ - هر که مرا با سخنان دروغ متهم سازد هنگامی که من راه خود را باروحي عاری از خطا دنبال میکنم؛ باشد که دروغگو، ای اندرا چون آبی گردد که در میان دست‌تهی فشرده میشود.

۹ - آنها که بعبادت خویش دل‌ها را هلاک می‌سازند و باطینت بدخود راست‌کاران را آزار و اذیت میکنند؛ باشد که سوما آنها را به‌مار بسپارد، یا آنها را در دامان مرگ و نابودی قرار دهد.

۱۰ - ای اگنی! دیوی که می‌خواهد به جوهر رزق گاو و اسبان و تن‌های ما صدمه وارد آورد؛ باشد که آن مخالف و دزد و غارتگر در خراب و بوار افتد هم‌خود او و هم‌اخلافش (۱).

در ماندالای دهم سرود ۱۸۲ خطاب به بری‌هسپتی Brihaspati چنین گفته شده است:

۱ - باشد که بری‌هسپتی رافع مشکلات (همه گناهان را) دور سازد؛ باشد که سلاح مقتری دروغ‌زن را دور کند؛ باشد که (دشمن) بی‌آبرو را به زمین بزند و بدخواه را منکوب سازد، و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد (۲).

در ماندالای دهم سرود ده برین تقریب آمده است:

(۱) بنگرید بصفحه ۴۷۷ کتاب حاضر

(۲) بنگرید بصفحه ۱۴۷ این کتاب

۳- برای مجاهده در راه قدرت ستایشی به درگاه اندرامی آوریم يك سرود حقیقی ؛ اگر اندرایی به حقیقت موجود باشد .
و دیگری میگوید ؛ اندرایی نیست . او را که دیده است ؟ پس کنی را
ما احترام کنیم ؟

درماندالای چهارم سرود ۲۴ خطاب به اندرا آمده است ؛
۱۰- کی اندرا را که مال من است در مقابل ده گاو شیرده از من
خریده است ؟

چون او و ریترا را کشت پس آن خریدار ویرا به من بازدهد (۱).
در ماندالای دوم سرود ۱۲ خطاب به اندرا چنین گفته شده است ؛
۱- آن که بصورت خدای اصلی و پراز روح تولد یافت ، و دردانایی به حد
زیادی از سایر خدایان پیش افتاد ، و در مقابل جلال و قدرت مردانگی او هر دو
جهان بلرزه در آمد ، ای مردم ! او اندرا است .
۵- راجع به آن قهار می پرسند او کیست ؟ فی الحقیقه درباره او میگویند :
او وجود ندارد .

ثروت روساء را مانند کرو قماربازان او کم میکنند . به او ایمان بیاورید
چون او ای مردم ! اندرا است (۲) .
درماندالای اول سرود ۱۶۴ چنین آمده است ؛
۴- کی فرد نخستین را هنگام تولدش دیده است ؟
آن بی جسمی که اجسام را بوجود می آورد کیست ؟
نفس و خون از زمین است ، ولی روح از کجاست ؟
کی پیش دانایان رفته است که این را بپرسد ؟
۵- با فم نارسا و عقل ناقص من این امور را میپرسم که حتی بر خدایان
پوشیده است .

در ماندالای چهارم سرود ۱۳ آمده است ؛
۵- چگونه است که او بی هیچ حد و پایه ای و با آنکه به سوی پالین متجایل
است ، نمی افتد ؟
با چه نیروی درونی در حرکت است ؟ کی او را دیده است ؟ اوطاق سپهر
را چون ستون برافراشته ای نگاه میدارد (۳) !

-
- (۱) رجوع کنید به صفحه ۴۹۶ این کتاب .
(۲) به صفحه ۲۸۰ این کتاب مراجعه کنید .
(۳) نگاه کنید به صفحه ۲۴ .

درماندالای پنجم سرود ۸۵ چنین مسطور است :

۷- اگر ما در باره آنکه ما را دوست دارد گناهی کرده ایم و یا نسبت به برادر و یا دوست یا رفیق یا همسایه ای که با ماست یا بیگانه گان خطائی مرتکب شده ایم . ای وارونا این تقصیر را از ما بردار (۱) .

در ماندالای اول سرود ۷۱ گفته شده است :

۵- یکی را کردن می نامند و در دوستی بلید است ، هرگز او بکارهای زادمردی تحریر نمیکنند . او در خطای باصره بی فایده سرگردان است ، صدائی که او می شنود برایش گل و میوه ای ندارد .

۶- آن که دوست گرامی خود را رها ساخته است و حقیقت را نمیداند ، سهمی از واک (سخن) ندارد ؛ حتی وقتی آنرا (واک) میشود بیهوده گوش داده است . او چیزی از طریقه اعمال راستی نمیداند .

۷- دوستانی که به آنها یکسان گوش و چشم بخشیده شده در روح خود دارای سرعت های مختلفی هستند .

بعضی چون سیوهای میباشند که به دهان و شانه میرسند ، و دیگران بسان حوض های آبی اند که در آن تن را می شویند (۲) .

تردید و استهزاء نسبت به خدایان

هندوان دوره اخیر ودائی نه تنها با یک نوع شکفتی روبرو شدند که از مختصات فلسفه آنهاست بلکه نسبت بمعقدهات مسلم سابق خویش نیز دچار شک و تردید گردیدند و این شک و تردید راه نخستین افکار فلسفی را هموار کرد .

یک حالت سوال و پرسشی بوجود آمد و شکاکیت در محیط پیدا شد . بطوری که از سرودهای ۱۲۱ و ۱۲۹ ماندالای دهم ریک ودا برمی آید هندوی آن دوره راجع به خدایان و امکان شناختن مبدء اشیاء دچار شکفتی شد و این تردید بصورت استهزاء و تمسخر نسبت بعقاید پذیرفته شده و خدایان در آمد . وجود بالاترین خدایان مورد پرستش قرار گرفت حتی نمازها و دعا هایی برای حصول ایمان گذارده و خوانده شد . بدیهی است در دوره ای که ایمان ثابت و پایرجا باشد کسی برای حصول ایمان دعا نخواهد کرد .

در سرود ۸۹ ماندالای هشتم چنین گفته شده است :

(۱) رجوع کنید به صفحه ۳۳۰ کتاب حاضر

(۲) بشکرید به صفحه ۱۲۱ این کتاب

۱۰- آن که بر حسب دستورش تاریکان از جامه‌ای نور پوشانده شده اند ، آنکه منازل قدیم را پیچود ، آنکه هر دو جهان را جدا گانه ستون زد ، و همانگونه که تولد نیافته است ، آنرا نگاه میدارد (۱).

و نیز در ماندالای هشتم سرود ۸۴ بر این تقریب آمده است :

۱- اوست که سقف آسمان و ستارگان را در کمال بلندی برافراشت ، و زمین را چون بستری پهن بگسترده (۲).

در ماندالای اول سرود ۱۲۴ چنین آمده است :

۱- صبح درخشان آن هنگام که آتش مقدس ، بر می افروزد و خورشید سر بر میزند ، انوار خویش را منتشر میسازد .

۳- در ناحیه خاور ، دختر آسمان با جامه‌هایی از نور هویدامیشود.

۴- اومی آید و چون مگسی خفتگان را بیدار میکند ، و از همه با توانی که بر میگردند ، راستکارتر و پابرجاتر است .

۷- صبحدم چون با نوبی مهربان برای شوهر خود خندان و بالباس نیکو از جمال خویش پرده پر میدارد .

۸- او جمال خویش را زینت میدهد ، و با اشعه خورشید میدرخشد ، چون گروه زنایی که بمجلس جشن رومی آوردند (۳).

در ماندالای اول سرود ۱۸۵ خطاب به آسمان و زمین گفته شده است :

۱- کدامیک مقدم و کدامیک مؤخر بود ؟ چگونه بوجود آمد ، ای دانشمندان ! کی میتواند بداند ؟

آنها بخودی خود همه وجود را در بردارند ، شب و روز مانند چرخ در گردش است .

۲- آن دو بی‌پا که حرکت نمیکند ، بسیاری از جرثومه‌های جنبنده و دارای پارا در بردارند ، چون پسری در دامان پدر و مادر خویش (۴).

در ماندالای نهم سرود ۱۱۲ چنین مسطور است :

۴- اسب میخواهد که اربابه سبکی را بکشد ، گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده اند ، و غورباغه در اندیشه استخر آب (۵).

(۱) ببینید صفحه ۱۳۸ را

(۲) بشکرید به صفحه ۱۳۲

(۳) بشکرید به صفحه ۳۰۹

(۴) بشکرید به صفحه ۴۹

(۵) ببینید صفحه ۴۱ را

در ماندلای دهم سرود ۱۰ چنین آمده است :

۶- کی آن روز نخست را که از آن سخن میگویید میداند ؟ که او را دیده است ؟ کی میتواند آنرا اعلام نماید ؟ (۱)

در ماندلای سوم سرود ۵۴ چنین گفته شده است :

۵- چه راهی به سوی خدایان میرود ، کی حقیقت آنرا میداند ؟ و کی آنرا اعلام خواهد کرد ؟

تشبیهات و تعبیرات ادبی

در ریگ ودا به تشبیهات و تعبیرهای شیوا و نغز برمیخوریم . برای نمونه ترجمه چند قطعه مختلف را در اینجا می آوریم :

در ماندلای دهم سرود ۱۲۷ در توصیف الهه شب چنین آمده است :

۱- الهه شب با همه چشمان خود (یعنی ستارگان) به پیش مینگردد ، و بمقاط بسیاری ، نزدیک مینگردد . او همه جلال خویش را بر خود پوشیده است .

۳- آن الهه چون می آید خواهر خود سپیده دم را بجای خویش میگذارد ، و خود در تاریکی ناپدید میگردد .

۴ - پس امشب بر ما لطف فرما ، ای تویی که راهایت را مادیدن کرده ایم ، مانند مرغان بر آشیانه خویش بردرخت (۲)

در ماندلای اول سرود ۱۲۳ آمده است :

۱۱- همچون عروس زیبایی که مادرش او را آراسته باشد ، تو اندام خود را می نمایی تا همه بنگرند (۳).

در ماندلای چهارم سرود ۶۵ آمده است :

۲- کدام مرد پرهیزکار اشعه بامدادی را لباس می پوشاند ؟ (۴)

در ماندلای اول سرود ۵۰ خطاب به خدای آفتاب چنین آمده است :

۲- هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیک میشود ، ستارگان چون دزدان می گریزند ، و شب سیاه به دنبال آن ها میرود (۵).

در ماندلای هشتم سرود ۴۱ چنین آمده است :

(۱) ببینید صفحه ۳۴۱ را

(۲) بنگرید صفحه ۳۹۷ را

(۳) رجوع کنید به صفحه ۴۸۴

(۴) بنگرید به صفحه ۴۲۰

(۵) رجوع کنید به صفحه ۱۶۹

خوراکی و غیر حیوانی اهداء می‌کردد.

کره (= گهریته Ghrita) در غالب قربانی‌ها بکار می‌رود.
در مراسم قربانی، نذورو تقدیمی‌ها و نیازها بائرانها و خواندن آبات
بید، مقدس می‌گردد.

خدایانی که خوانده میشوند در محل قربانی حضور می‌یابند. اکثراً
واسطه انتقال قربانی به خدایان دیگر است. آب و باد نیز گاهی وسیله
انتقال قربانی می‌باشند.

عمل قربانی خدایان را وامیدارد که خورشید را طالع نمایند و باران را
به زمین برسانند، ودانه‌ها را برویاند و بثمر برسانند، و حیوانات را از گزند
محفوظ بدارند و آنها را زیاد کنند.

قربانی قدرت کامله خدایان و نیروی بشر را برای انجام دادن کارهای
بزرگ افزایش میدهد، و از تجاوز افراد به یکدیگر جلوگیری میکند. قربانی
همکاری روستایان و افراد خانواده‌ها را فراهم می‌سازد، و بعلاوه آتش قربانی و جشن
های مذهبی همراه با نوشیدن افشره سوما، نشاط و شادابی را افزون می‌کند.
در مائدالای دهم سرود ۷۱. خطاب به Jñānam (دانش) تصریح شده
که باقربانی خط سیر سخن (= Vāk) دنبال شد.

۱- بریهسپتی که به همه اشیاء نام بخشید، نخستین و ابتدائی‌ترین تلفظ
«واک» را فرستاد.

۳- باقربانی خط سیر «واک» را دنبال کردند و جایش را در درون ریشی‌ها
یافتند (۱).

در همین مائدالا سرود ۹۰ داستان قربانی جهانی: «Pūrūsha»
مذکور است. این قربانی از حیث عظمت قربان شونده و قربان کنندگان
مهمترین قربانی است که در رینگ بید به آن اشاره شده است.

در این قربانی که در آن نذر جهانی تقدیم گردید، خدایان همه شرکت
داشتند، و پروش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود قربان کردند.

۲- پروش در حقیقت تمام این جهان مرئی است، و آنچه بود، و خواهد
بود، او خداوند ابدیت است.

۶- وقتی خدایان اعمال قربانی را باپروش برپا داشتند، بهار روغن آن،
و تابستان هیزم‌ش، و پاییز خود نذر بود.

(۱) بشکرید بصفحه ۱۲۰ این کتاب.

- درماندالای دهم سرود ۷۱ گفته شده است .
- ۲- هنگامی که مردم آرد را در غریال می بیختند ، دانایان در روح سخن را آفریدند (۱) .
- در ماندالای پنجم سرود اول در توصیف آتش چنین گفته شده است :
- ۱- مانند درختان جوان که شاخه های بلند خویش را بر می افرازند ، شعله های او بسوی کنبید افلاک زبانه می کشد (۲) .
- در ماندالای چهارم سرود ۱۴ بر این تقریب آمده است :
- ۱- صبحدم سرخ فام ، سوار بر روشنایی پیش ناخته ، و اشعه شادگون ، و نیرومند خود را نمایان ساخته است .
- ۵- چگونه است که او بر مهاب و ستون با آنکه بسوی پایین مایل است ، فرو نمی افتد ؟
- باچه نیروی درونی جرئت میکند ، که او را دیده است ؟ او کنبید آسمان را نگاه میدارد - ستون یکو بر افراشته ای (۳) .

قربانی در ودا

در سرودهای ریگ ودا عمل قربانی برای جلب توجه خدایان اهمیت شایان دارد . خدایان موجودات مهربان و خیرخواهانی اند که در میان مردم آمد و شد میکنند و از بشن و الاثر و قویترند و بمناسبت عظمت و نیرومندی سزاوار ستایش و احترام میباشند . اشتباهی سیری ناپذیری به تذور و قربانی دارند و تنها با قربانی موجبات ارضاء و اقناع آنان فراهم میشود و بهمین جهت قربانی برجسته ترین مشخصات مذهب و دانی است .

در این قربانی ها حیوانات ذبح و مواد حیوانی تقدیم میشود و یا مواد

(۱) بنگرید به صفحه ۱۲۰

(۲) رجوع کنید به صفحه ۱۰۵

(۳) بنگرید به صفحه ۱۰۲

از دستهای پرورش فرما بر ویان پیداشد، تا نظم و انضباط را بگسترانند و عدل و داد را برقرار سازند و از ران‌هایش طبقهٔ «ویشیه» vaiśya (بازرگانان و کشاورزان) پدید آید، تا امر سوداگری و کشاورزی رونق یابد و بنیهٔ مالی و اقتصادی و کشاورزی مردم تقویت شود، و از پاهایش طبقهٔ «شودر» śūdrā بوجود آمد تا خدمتگزار اجتماع باشد و از کار و زحمت و رنج او جامعه بر خوردار گردد (۱).

ناموس طبیعت یا نظم کیهانی

یکی از صوری که فرضیهٔ وحدت واقعیت بدان ظاهر گردید شناختن يك ناموس کلی و ابدی است که «ریتا» Rita نام دارد، و قبلا به آن اشاره شد. «ریتا» عبارت از ناموس و وحدت و حقیقتی است که اساس نظم جهان میباشد. در ریگ‌ودا هیچگونه سرود مستقلی خطاب به ریتا نیست ولی در سرودهای خطاب به واورونا، و اگنی و و شودیوها و غیره آنها، اشاره‌های مختصری باین فرضیهٔ مهم شده است.

درماندالای چهارم سرود ۲۳ دربارهٔ ریتا خطاب به اندرا چنین آمده است:
۸ - قانون جاودانی (ریتا) رزق نیروبخش را متنوع ساخته است. فکر قانون جاودانی تخطی و تجاوز را برطرف میسازد.
سرود ستایش قانون جاودانی چون بر خاست و درخشید گوش‌های سنگین (= کر) زندگان را باز نموده است.
۹ - پای بست‌های قانون جاودانی محکم و پابرجاست و در صورت زیبای او جمال عالی هویداست.

از برکت قانون مقدس دیرپای خوراک برای ما می‌آورند، و از برکت قانون مقدس گاوان بهرستش ما می‌آیند.
۱۰ - او (اندرا) که قانون جاودانی را مقرر داشت، آنرا حفظ مینماید. قدرت قانون سرعت حرکت میکنند و غنمیت را به چنگ می‌آورد.
زمین وسیع و عمیق و آسمان؛ از آن قانون است.

(۱) دو بند اخیر این سرود ناظر به نظام طبقاتی است که هزاران سال بر هند حکومت میکرد و هندوها از نظر مذهبی به این نظام سخت کردن نهاده بودند. در قانون اساسی هند همهٔ افراد آن کشور صرف نظر از مذهب و نژاد و رنگ و جنس برابرند ولی عملا هنوز بسیاری از هندوها خاصه مردم روستا نشین به نظام طبقاتی پایبند هستند و باید سال‌ها بگذرد تا آثار این سنت قدیم با گسترش فرهنگ و تمدن عصر فضاء زائل شود.

- ۷- خدایان پرورش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود جهت قربانی در روی علفزار (چمن) مقدس ذبح کردند .
- ۸- از آن قربانی که در آن نذر جهانی تقدیم شد ، مخلوط دوغ و کره بدست آمد ، و از آن آفریدگان هوایی و حیوانات اهلی و وحشی را بیافزید .
- ۹- از آن قربانی ریجها و آهنگهای سامن بوجود آمدند و بحور عرض پیدا شد ، و دستور اعمال قربانی (چجر بید) نیز پدید آمد .
- ۱۰- اسباب از آن بوجود آمدند ، و آنها که دارای دو رشته دندان اند ، و کله های گاو از آن هستی یافت و همچنین بز و گوسفند .
- ۱۱- وقتی پرورش را ذبح کردند ، آنرا به چند قطعه تقسیم نمودند . دهان او چیست ؟ بازوانش کدام ؟ رانها ، و پاهایش را چه نامیدند ؟
- ۱۲- از دهانش «براهمن» ، و از دودستش «راجنیه» (- کشتنیه) ، و از رانهایش «ویشیه» ، و از پاهایش «شودر» بوجود آمد .
- ۱۳- از فکر (مغز) او ماه پیدا شد ، و از چشمش خورشید ، و از دهانش اندرا و اکنی پدید آمدند ، و از نفس او باد وزیدن گرفت .
- ۴- از نافش فلک ، و از سرش عرش ، و از پایش زمین ، و از گوشش جواب و اطراف عالم پدید آمد ، و بدین سان جهان (هستی) تکوین یافت .
- ۱۶- با این قربانی خدایان پرورش را که در همان حال قربانی شده بود ، پرستش کردند .

بدین ترتیب می نگریم که پرورش به میل و اراده خویش ، خود را برای ظهور و تکوین عالم هستی قربانی کرد و از برکت این نذر جهانی زمین و آسمان و خورشید و ستارگان و حیوانات و نباتات و سایر موجودات پیدا شدند (۱) .

در اثر قربانی پرورش که همه خدایان وریشی هادرین مراسم حاضر بودند ،

(۱) هندوها می گویند اگر عیسی جهت نجات بشر خود را برای صلب حاضر کرد ، پرورش جهت تکوین عالم و پیدایی جهان هستی خویشتن را قربان نمود تا عالم و عالمیان بوجود آیند و بدین ترتیب دامنۀ دید و سعه صدر و وسعت نظر و همت و اثر نذر جهانی پرورش از خود گذشتگی عیسی که تنها به مسئله نجات بشر می اندیشید بیشتر و مهمتر است .

۷ - من نخست دوهوئی آلهی را به دست می آورم ، آن هفت ییرومند به عادت خویش شادی میکنند ، حقیقت را تعلیم میدهند ، حقیقت را اعلام میدارند ، حافظین قانون اند ، و در قانون تعمق مینمایند .

در ماندالای هشتم سرود ۶ چنین گفته شده است :

۲ - وقتی که روحانیون در تقویت فرزند قانون مقدس هدایای خویش را تقدیم میدارند ، سرایندگان با سرود نظم میستایند .

* *

بحث و پژوهش در بارهٔ ریگ ودا نیاز به تدوین و تألیف کتاب مستقلى دارد ، و چون این مقدمه کنجایش تطویل کلام را ندارد ، از اینرو پژوهش و بحث بیشتر را در مجلد دیگر دنبال و تعقیب خواهیم کرد ، و سعى خواهد شد در جای خود حق مطلب ادا شود - انشاء الله .

گسترش روابط ایران و هند

در این موقع که خوشبختانه روابط ایران و هند در هر زمینه گسترش قابل توجه یافته است ، ورشته پیوندها و علائق دیرین استوارتر میشود ، این ترجمه به زبان فارسی انتشار می یابد ، و انتظار دارد بتواند برای شناسایی فرهنگ باستانی هندوستان مفید واقع گردد .

اکنون کرسی های مستقل ایران شناسی در دانشگاه های هند ، و کرسی های هند شناسی در دانشگاه های ایران تأسیس شده اند . امیدوارم دانشجویان مستعد و علاقمند ایرانی و هندی با هدایت استادان ، و تحقیقات پرمثمره خود بتوانند در آینده کارهای ناقص و نامتامی را که نسل ما شروع کرده است ، دنبال کنند و زمینه هایی فراهم شود که دو ملت ایران و هند از میراث مشترک فرهنگی خویش بیش از پیش بهره ور گردند .

* ☆ *

در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی / ۱۹۶۲ میلادی که به دعوت شورای روابط فرهنگی هند ، به آن کشور رفته بودم قسمت هایی از این ترجمه آماده چاپ بود و آنرا از نظر استاد ارجمند دکتر تاراچند گذرانیدم .

در روزهای اهدای کتاب سر اکبر (ترجمه فارسی پنجاه اوپایاشاد) به حضرت دکتر رادها کرشنن ، و شادروان جواهر لعل نهرو دربارهٔ این ترجمه و لزوم چاپ و انتشار آن ، علامه تاراچند بیاناتی ایراد کرد و تکلیف نمود که هر چه زودتر آنرا انتشار دهم و دکتر رادها کرشنن و نهرو مرا به انجام این خدمت تشویق فرمودند . هر چند این کار بس دشوار و بزرگ بود ، اما برای تشییع روابط

گاوای شیر ده علوی شیر خود را بد قانون تقدیم میکنند .
در ماندالای اول سرود دوم خطاب به وایو (باد) چنین آمده است :
میترا و وارونا شما عاشقان و عزیزداران قانون به وسیله قانون، نیروی
توانای خود را بدست آورده اید .

و نیز در ماندالای دهم سرود ۱۶۸ خطاب به «وایو» گفته شده است :
۳- چون راه خود را در میان هوا با شتاب می پیماید هرگز آرام نمی پذیرد .
دوست آبها ، نخست زاد ، قانون پذیر ، او در کجا تولد یافته و از کجا
برخاسته است ؟

در ماندالای اول سرود ۱۰۵ خطاب به و شودیوها (همه خدایان) چنین
آمده است :
۱۲- ای خدایان جمع شوید تا سرود ستایش تازه ساخته محکم برای
شما خوانده شود .

وزش طوفانها قانون است ، نور منبسط خورشید حقیقت است .
۱۶- مسیر خورشید در آسمان برای تجلیل و تعظیم ساخته شده است ،
و نباید مورد تجاوز قرار گیرد .

ای خدایان ای موجودات فانی شما نیز آنرا نمی نگرید .
در ماندالای اول سرود ۱۲۳ خطاب به اوشس (سپیده دم) در باره
قانون ابدی چنین آمده است :
۶- بامدادهای رخشان گنجهای زیبا را که تاریکی پنهان کرده بود
آشکار میسازند .

۷- آن یکی میرود، و آن دیگر می آید، دو نیمه مختلفا اللون روز در پی
یکدیگر دو گذارد .

۸- امروز در همان شکل ، و فردا هم در همان شکل، آنها هنوز قانون
ابدی وارونا را نگاه میدارند .

۹- آن دوشیزه قانون را نمیشکند، و همه روزه به محل معهود می آید .
و نیز در ماندالای چهارم سرود ۵ خطاب به اگنی باین تقریب گفته
شده است :

۱۱- با احترام من قانون را اعلام میدارم ، ای اگنی آنچه هست به فرمان
تو است ، ای جاتویداس (داننده همه و آفریننده آفرینش) !
در ماندالای چهارم سرود ۳ خطاب به اهریها (موجودات الهی یا موجوداتی
که بدرجه الوهیت رسیده اند) چنین مذکور است :

تسوجه کامل و علاقه وافس داشت و حتی در مقام ریاست جمهوری هند نیز از مطالعه کتب عرفانی و دواوین سخن سرایان فارسی گوی منفک نمی ماند و هر روز دقایقی چند از وقت گرانبهای خویش را صرف مطالعه اینگونه کتاب ها میکرد و در آخرین روز حیات هم دیوان حافظ را در کنار بستر خود داشت .



در خاتمه لازم و واجب است از جناب آقای دکتر تاراچند عالم بزرگ و برجسته هند، و آقای علی اشرف شیپانی دانشمند ایرانی که در کار ترجمه این کتاب کمک های ذیقیمت و ممتد فرموده اند سپاسگزاری نمایم . اگر مساعدت های بی گیر و یاری های مداوم آقایان دکتر تاراچند و علی اشرف شیپانی نبود، هرگز این کتاب با اینصورت به دست خوانندگان نمیرسید و من صمیمانه مدیون زحمات و خدمات این دو استاد ارجمند هستم .

از همکاری ها و مساعدت های گرانبهای آقایان محمود نفضلی رازن فرهنگی سابق ایران در هند و نهال، و هاشم کاردوش جانشین شایسته و ارجمند ایشان که با ارسال کتاب ها و اسناد و مدارك مورد لزوم به پیشرفت کار من کمک های مؤثری مبذول فرموده اند، سپاسگزارم .

همچنین از آقایان اعمام الرحمن دبیر دانشمند و محترم شورای روابط فرهنگی هند که با ارسال کتب عدیده به پیشرفت کاریاری فرموده اند تشکر دارم . از آقای دکتر مهتاب ناراین ماقور دوست هندی خود که در ترتیب و تنظیم فرهنگ الفبائی کتاب به من کمک نموده است امتنان دارم .

از آقای عبدالله ملکی مدیر محترم شرکت چاپ تابان ، و همچنین از کلیه کارکنان این شرکت که برای چاپ این کتاب زحمت کشیده اند، تشکر مینمایم . تهران - بهار بیخ چهارشنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۴۸ هجری شمسی، برابر بیست و یکم محرم الحرام سال ۱۳۸۹ هجری قمری، موافق ۱۹۶۹ میلادی . والسلام علی من اتبع الهدی .

سید محمد رضا جلالی نائینی

معنوی ایران و هند دو کشوری که تاریخ و فرهنگ مشترک دارند و گسترش دامنه زبان فارسی در سرزمین هند کار ترجمه و چاپ سرودهای ریگ ودا را تعقیب کردم، و اینک پس از گذشت بیش از هشت سال جلد اول ترجمه فارسی گزیده سرود های ریگ ودا در دسترس ارباب فضل و دانش قرار میگیرد؛ باشد که مورد قبول محققان و دانشمندان واقع شود.

این کتاب تقریباً به همه زبان های زنده دنیا ترجمه شده است و سالیان دراز هند شناسان فرنگی برای ترجمه آن عمر خود را صرف نموده اند. ما در این ترجمه از تحقیقات غالب مترجمان و مفسران معروف اروپایی ریگ ویدا از قبیل: ویلسون، و کریفیت، و توماس، و ماکدونل، و رت، و برکین، و لولورنو، و پولرنود، و ماکس مولر، و گرسمن و غیر آنها استفاده کرده ایم، همچنان که از تحقیقات علمای بیدان هند، فوالتد بیشمارى برگرفته ایم.

در اینجا اقتضاء دارد از عالم بزرگ و سیاستمدار برجسته هند، شادروان دکتر ذاکر حسین - رئیس جمهوری سابق هند - که خدای خاکش را خوشبوی گرداند - نام ببرم.

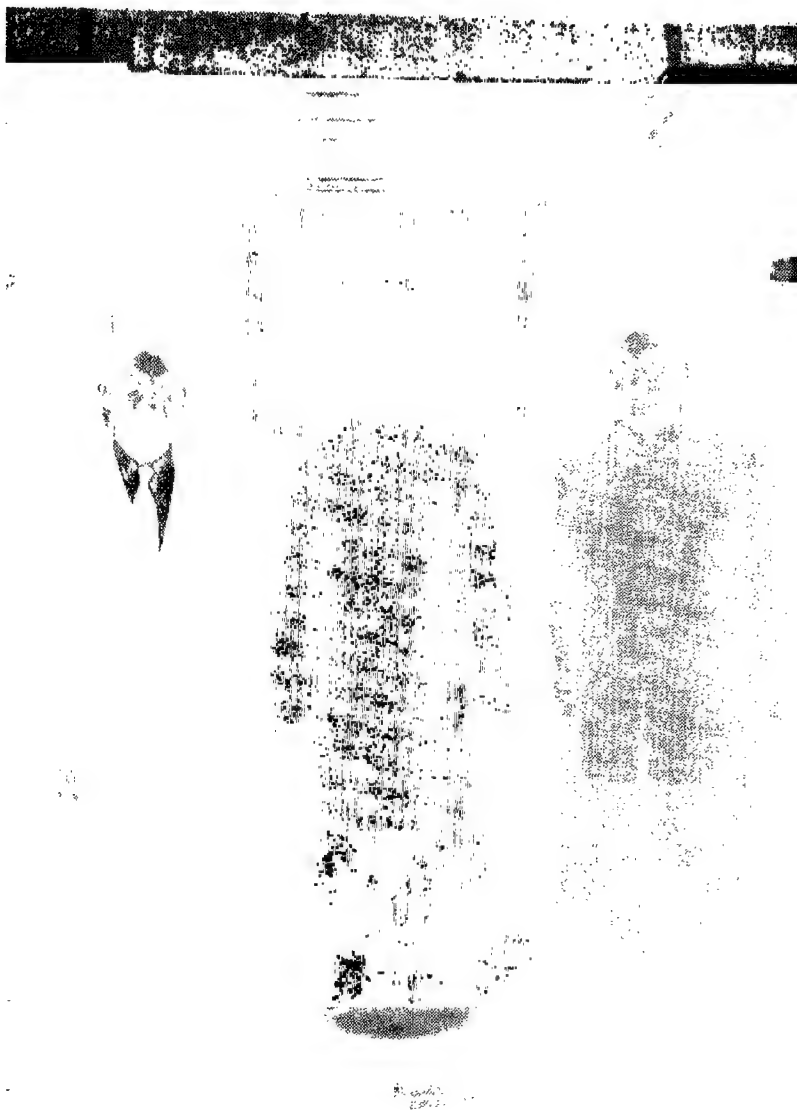
در فروردین ماه سال ۱۳۴۷ هجری شمسی / ۱۹۶۸ میلادی نیز که بدعوت شورای روابط فرهنگی هند از آن کشور دیدن کردم - در معیت دوست ارجمند آقای هاشم کاردوش بحضور حضرت ذاکر حسین رسیدم. قبلاً در سال های ۱۹۵۳ میلادی در دانشگاه علیگره، و در سال ۱۹۶۲ در پشته محضر ایشان رادریافته بودم. در این دیدار بمعظم له عرض شد در سه مقام مختلف، یعنی: ریاست دانشگاه اسلامی علیگره، و حکمرانی بیهار، و ریاست جمهوری هند حضرت تان را زیارت کرده ام. دکتر ذاکر حسین باوقار توأم با تواضع و آمیخته باخض جنانچنین فرمود: مثل من مشابه مثل انگلیسی «سنگ غلطان» است (۱). در این میان هاشم کاردوش گفت: البته سنگ کراپها و جواهر ذقیمت، سپس دکتر ذاکر حسین درباره لزوم تشدید روابط همه جانبه ایران و هند سخن گفت و کلام پر مغز و پر معنی خود را با این بیت نظیری لیشابوری تمام کرد:

چراغ صومعه ها زنده میتوان کردن

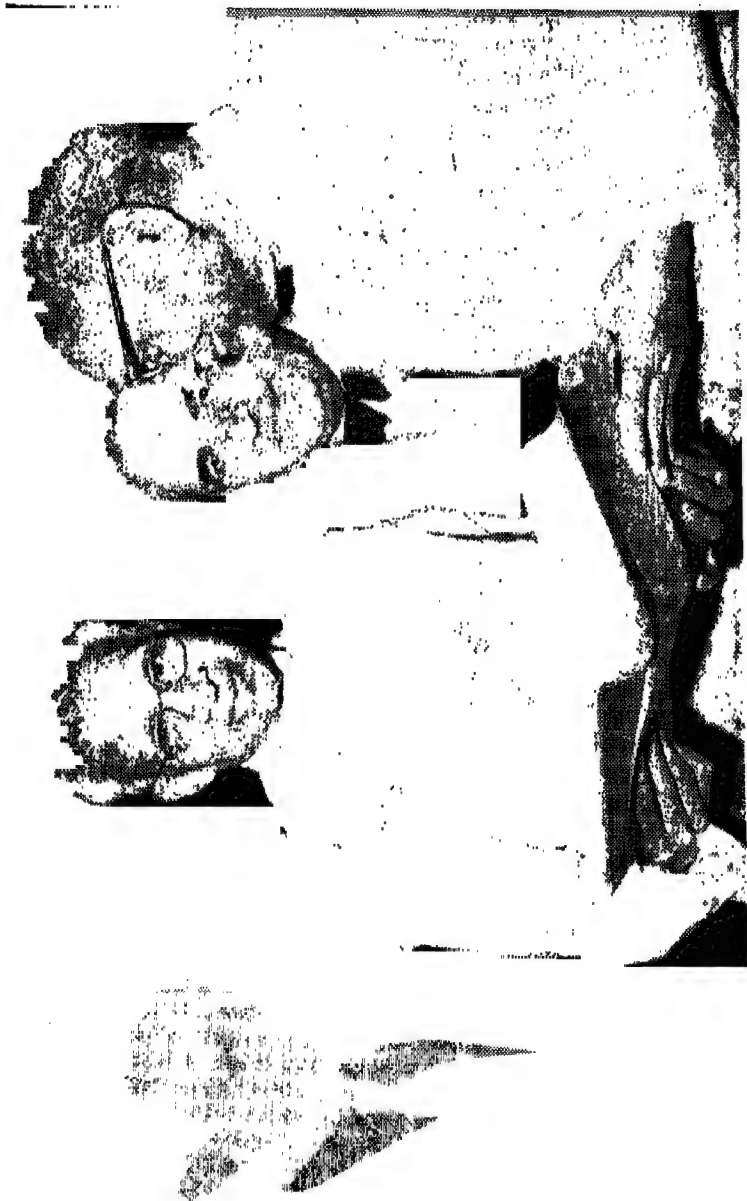
به دوستی تو، اعنی به سوز سینه ما

دکتر ذاکر حسین مانند: مولانا ابوالکلام آزاد - علامه شرق - و دکتر محمد اقبال لاهوری، و بسیاری دیگر از رجال علم و ادب هندوستان به زبان و ادب فارسی

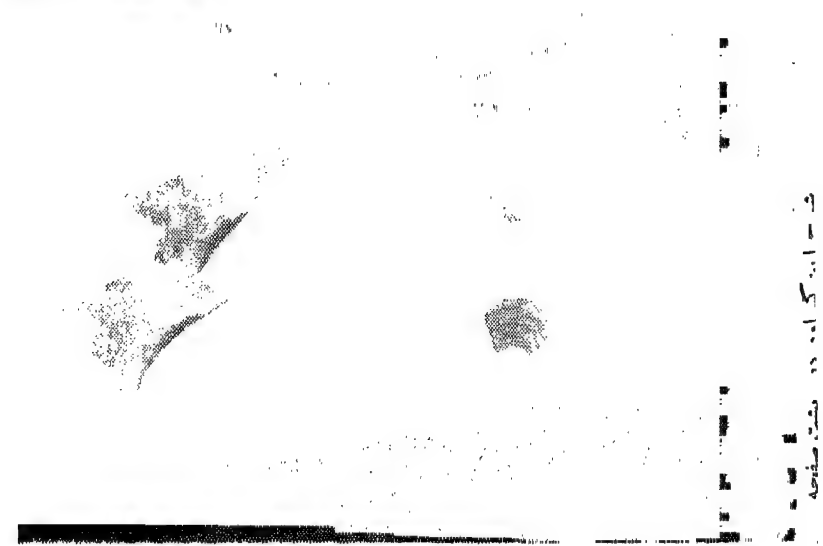
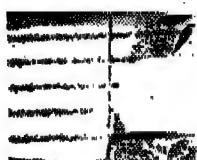
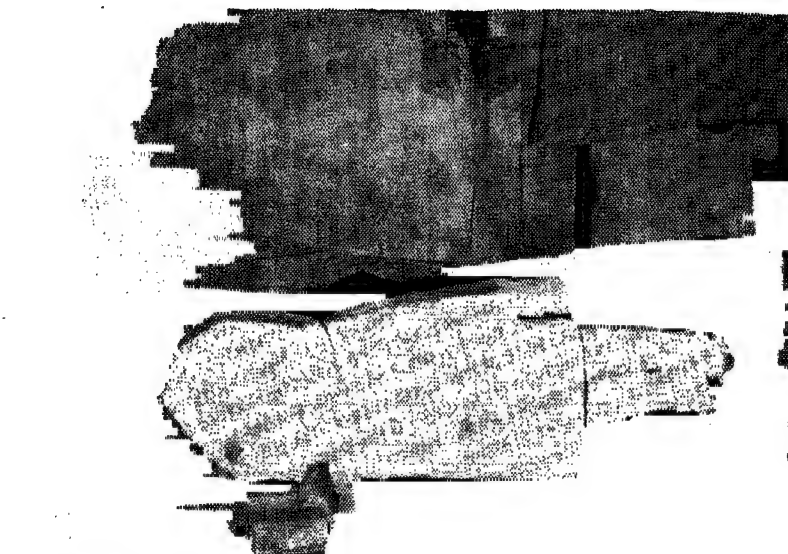
(۱) اشاره است به ضرب المثل: Rolling stone gathers no moss

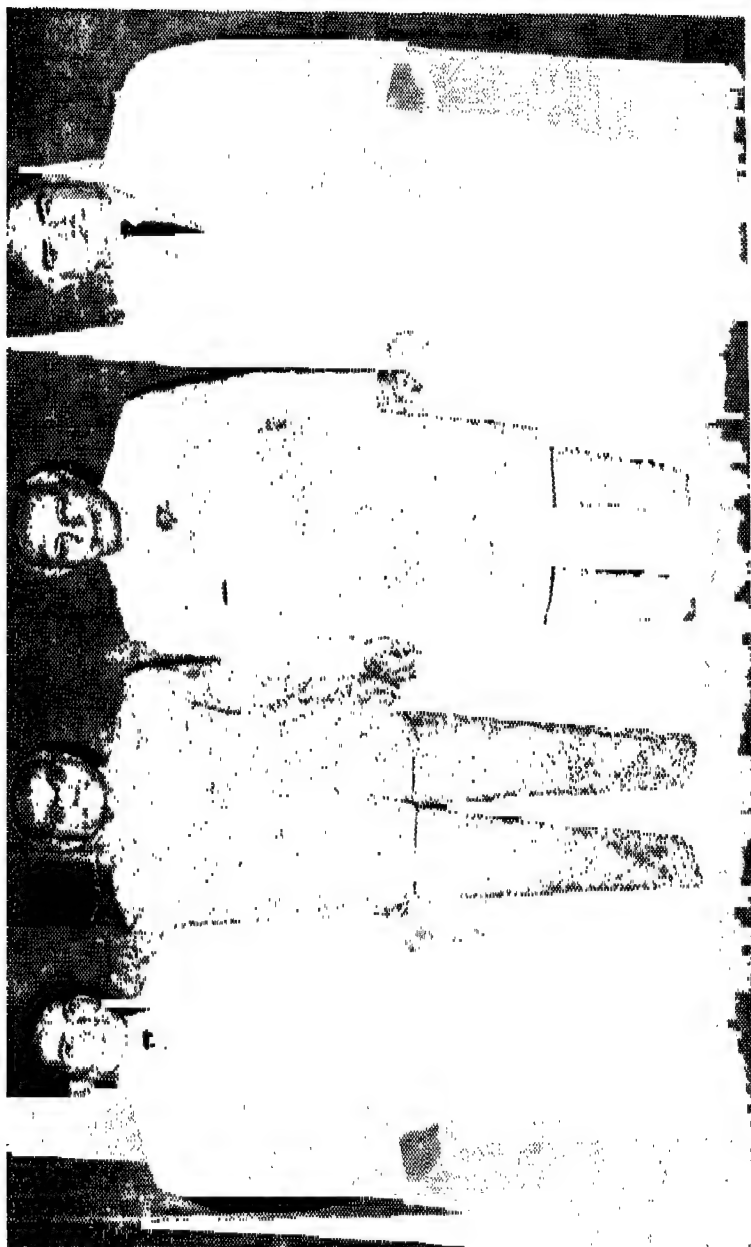


از راست به چپ: علامه دکتر تاراچند ، حضرت دکتر رادهاکرشنن و جلالی نائینی در
عکس بالا دیده میشوند.



اهدای کتاب ترجمه فارسی ادبیات‌ها به حضرت دکتر رادهاکرشن در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی
اذتیب بر است : جلالی نائینی ، حضرت دکتر رادهاکرشن ، جناب آقای مسعود اصاری، و استاد تاراچند





از راست به چپ: جناب آقای مسعود نصاری سفیر کبیر ایران، حضرت جواهر لعل نهرو، جناب استاد دکتور قادرچند،
و جلالی نائینی در تصویر بالا دیده میشوند

در مراسم هدایای ترجمه فارسی ادوآنیادها (کتابس ا کس) در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی، جواهری لعل تبر و ترجمه فارسی ادوآنیادها را که به آن چنایا هدایا شده ملا حظه میساید و در زیر امون لزوم کسرتن را با بطاف هنگی ایران و هند سکن میگویند. از راست به چپ: استاد تارا چند، جواهری لعل تبر و، عبدالحسین مسعود انصاری، جلالی، فاتی، و مسعود تقفلی را یزن فرهنگ ایران در هند.

ریگ ودا

NĀSADIYA

नासदासीन्नो सदासीत्तदानीं
नासोद्रजो नो व्योमा पुरो यत् ।
किमावरीवः कुह कस्य शर्म-
न्मभुः किमासीद्रहनं गभीरम् ॥ १ ॥
न मुत्पुसासीदुमृतं न तर्हि
न राज्या अहं आसीत्प्रकेतः ।
आनीदवातं स्वधया तदेकं
तस्माद्भान्यन्न पुरः किं चनास ॥ २ ॥
तम आसीत्तमसा गूळहमग्रे-
ऽप्रकेतं संलिलं सर्वमा इदम् ।
तुच्छेन्यभ्रपिहितं यदासी-
त्तपस्तन्महिनाजायतैकम् ॥ ३ ॥
कामुस्तदग्रे समवर्तताधि
मनसो रेतः प्रथमं यदासीत् ।
सुतो बन्धुमसति निरविन्द-
न्हुदि प्रतीष्या कुवयो मनीषा ॥ ४ ॥
तिरश्चीनो विततो रुश्मिरेषा-
मधः खिदासीश्दुपरि खिदासीश्च ।
रेतोधा आसन्महिमानं आस-
न्स्वधा अवस्तात्प्रयतिः पुरस्तात् ॥ ५ ॥

1. Nāsadāsīnno sadāsīt tadānīm nāsīdrajo no
vyomā paro yat.
Kimāvarīvah kuha kasya śarmannambhah
kimāsīdgahanam gabhīram.
2. Na mṛtyurāsīdamṛtam na tarhi na rātryā
ahma āsīt praketaḥ.
Ānīdavātam swadhayā tadekam tasmād-
dhānyanna parah kim canāsa.
3. Tama āsīt tamasā gūhvamagre praketaḥ
salilam sarvamā idam.
Tucchyenābhvaphitam yadāsīt tapasastan-
mahināyātaikam.
4. Kāmastadagre samavartatādhi manaso re-
taḥ prathamam yadāsīt.
Sato bandhumasati niravindan hṛdi pratīṣyā
kavayo manīṣā.
5. Tiraścīno vitato raśmireṣā madhah svidā-
sīdupari svidāsīt.
Retodhā āsan mahimana āsan tsvadhā ad-
hastāt prayatih parastāt.
6. Ko addhā veda ka iha pra vocat kuta
ājātā kuta iyam viṣṭītiḥ.
Arvāgdevā asya visarjanenā thā ko veda
yata ābabhūva.
7. Iyam viṣṭītir yata ābabhūva yadi vā dadhe
yadi vā na.
Yo asyādhyakṣāḥ parame vyoman tso aṅga
veda yadi va na veda.

को अद्वा वेदु क हुह प्र वोच-

त्कुत आजता कुत इयं विसृष्टिः ।

अर्वाग्देवा अस्य विसर्जनेना-

था को वेदु यत आबभूव ॥ ६ ॥

इयं विसृष्टिर्यत आबभूव

यदि वा दधे यदि वा न ।

यो अस्याध्यक्षः परमे व्योम-

(१) न्तसो अङ्ग वेदु यदि वा न वेद ॥ ७ ॥

(१) سرود بالا با حروف لاتین در صفحه بعد درج میشود و سپس ترجمه

فارسی آن از نظر خوانندگان میگذرد .

1. Nāsadāsīnno sadāsīt tadānīm nāsīdrajo no
vyomā paro yat.
Kimāvarīvah kuha kasya śarmannambhah
kimāsīdgahanam gabhīram.
2. Na mṛtyurāsīdamṛtam na tarhi na rātryā
ahina āsīt praketaḥ.
Ānīdavātam swadhayā tadekam tasmād-
dhānyanna parah kim canāsa.
3. Tama āsīt tamasā gūhvamagre praketaḥ
salilam sarvamā idam.
Tucchyenābhvaphitam yadāsīt tapasastan-
mahināāyātaikam.
4. Kāmastadagre samavartatādhi manaso re-
taḥ prathamam yadāsīt.
Sato bandhumasati niravindan hr̥di pratīṣyā
kavayo manīṣā.
5. Tiraścīno vitato raśmireṣā madhah svidā-
sīdupari svidāsīt.
Retodhā āsan mahimana āsan tsvadhā ad-
hastāt prayatih parastāt.
6. Ko addhā veda ka iha pra vocat kuta
ājātā kuta iyam viṣṭtiḥ.
Arvāgdevā asya visarjanenā thā ko veda
yata ābabhūva.
7. Iyam viṣṭtir yata ābabhūva yadi vā dadhe
yadi vā na.
Yo asyādhyakṣah parame vyoman tso aṅga
veda yadi va na veda.

को अद्धा वेदु क इह प्र वोच-

त्कुत आज्ञाता कुत इयं विसृष्टिः ।

अर्वाग्देवा अस्य विसर्जनेना-

था को वेदु यत् आवभूव ॥ ६ ॥

इयं विसृष्टिर्यत् आवभूव

यदि वा दुधे यदि वा न ।

यो अस्याध्यक्षः परमे व्योम-

(१) न्तसो अङ्ग वेदु यदि वा न वेद ॥ ७ ॥

(१) سرود بالا با حروف لاتین در صفحه بعد درج میشود و سپس ترجمه فارسی آن از نظر خوانندگان میگذرد .

آن اولین بذر بود که فکر محصول آن است .
 دانشمندان که در دل خویش به نیروی دانش جستجو میکنند ،
 قید وجود را از عدم دریافته اند ،

۵- شعاع آنها روشنائی را در تاریکی گسترش داد ؛
 ولی آیا فرد یگانه در بالای آن بود ، یا در زیر آن ؟ قدرت
 خلاقه وجود داشت و نیروی ایجاد ؛
 در زیر قدرت بود ، و در بالا امر .

۶- کیست که بیقین بداند ، و کیست که آنرا در اینجا بیان
 کند ؟

در کجا تولد یافت ، و در کجا این آفرینش بوجود آمد .
 خدایان بمدار خلقت جهان پیدا شدند ؟
 پس که میداند آفرینش از کجا سرچشمه گرفته است ؟
 ۷- هیچکس نمیداند که آفرینش از کجا برخاسته است ،
 و آیا او آنرا بوجود آورده ، یا نه ؟
 آن که بر عرش اعلی ناظر بر آن است ، تنها او میداند ، و
 شاید او هم ، نداند .

(ماندالای دهم - سرود ۱۲۹)

سرود خلقت

- ۱- آن هنگام نه نیستی بود ، و نه هستی :
 نه هوایی (جوی) بود ، و نه آسمانی که از آن برتر است .
 چه پنهان بود ، در کجا ، در ظل حمایت کی ؟ آیا آب ژرف بی پایانی
 وجود داشت ؟
- ۲- آن هنگام نه مرگ بود ، و نه زندگی جاویدی ، و نه
 نشانه‌ای از شب و روز .
 به نیروی ذات خود ، فردیگانه بی حرکت (باد) تنفس میکرد ؛
 جزا و هیچ چیز وجود نداشت .
- ۳- در آغاز تاریکی در تاریکی نهفته بود .
 هیچ علامت مشخصی نبود ، همه جا آب بود .
 آن فرد به نیروی حرارت بوجود آمد .
- ۴- در ابتدا خواهش (خواستن) در آن فرد پیدا شد :

(۱) عنوان این سرود در بعضی از متون سانسکریت : *Nāsadīya* ناسدیه
 (عدم وجود) است ، ولی ما به پیروی از برخی مترجمین دیگر ، آنرا سرود
 خلقت نامیدیم .

آن که این قسمتهای فضاء از اوست ، و آن که بازوان به او
تعلق دارد .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟
۵ - آن که به او آسمان محکم و زمین پا برجاست ؛ و آن
که به او آسمان ها و کره آفتاب ثابت اند ، و آن که اندازه آب در
افلاك است .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟
۶ - آن که آسمان ، و زمین به حمایت او بوجود آمدند ، و
به روشنی درخشان است .

با فکر خود او را مینگرد ، و خورشیدطالع در او میدرخشد.
پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟
۷ - هنگامی که آب های بی پنهان جهان را که شامل جرثومه
بود فراگرفت ، و اکنی را به وجود آورد ، در آن زمان تنها نفس
خدایان پیدا شد .

پس ستایش و نذر خود را بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟
۸ - آن که بقدرت خویش آب ها را در اطراف نگاه داشت ،
و شامل نیروی خلاقه بود ، و قربانی را بوجود آورد .

آن که در میان خدایان بالاترین خدای یکتا بود .

پس ستایش و نذر خود را بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟
۹ - او که پدر زمین است ، و بی اشتباه جهان بر او متکی است ،

پیدائی جهان

۱۔ در آغاز «ہرن کربہ» بود ، چون بوجود آمد یگانہ خداوند آفرینش بود .

اوزمین ، و آسمان را نگاہ می داشت .

پس ستایش و نذر خود را بہ سوی چہ خدایی تقدیم نمائیم ؟

۲۔ بخشنندہ روح ، و دہندہ نیرواست ، و فرمان اورا (حتی خدایان دیگر) بہ جا می آورند .

خداوند مرگ است ، و سایہ او ابدیت است .

پس ستایش و نذر خود را بہ سوی چہ خدایی تقدیم نمائیم ؟

۳۔ (بہ او) کہ بزرگی خویش یگانہ پادشاہ جهان نفس کشندہ و بینندہ است ،

و بر مجموع دو پایان و چہار پایان حکم میراند .

پس ستایش و نذر خود را بہ چہ خدایی تقدیم نمائیم ؟

۴۔ آن کہ بعظمت او این کوہہای پوشیدہ از برف موجود است ،
آن کہ مردم اورا مالک دریاہا و رودخانہہا میدانند ؛

ستایش: اندرا INDRA

۱ - من پیش از روزگار «مانو» بودم ، من «سوریه» بودم ،
 من «ککشیاوان» داشتمند ، وسراينده مقدس هستم .
 من بر «کوئسه» پسر «ارجونی» مسلط شدم .
 من «اوشان» خرمندم ؛ مرا بنگرید .

۲ - من زمین را به «آریه» بخشیدم ، وباران را به مردی که
 برای من نذر می آورد .
 من آب های خروشان را رهبری میکنم ، وخدایان بخواهش
 من در حرکت اند .

۳ - درنشاط «سوما» من قلاع نودونه گانه «شمیره» را ویران
 ساختم ؛

و بفرجام صدمین منزلگاه را هنگامی که «دیوداس اتهتگوه»
 را یاری می کردم .

۴ - این پرنده بالاتر از همه پرندگان مقام دارد ،
 ای «مروت» ها ! این شاهین کشتی آسا بر همه مرغان

و آسمان را به وجود آورده، و آب‌های بی‌پهنا و ژرف و دل‌انگیز
را آفریده است؛ باشد که او ما را گزندى نرساند.

پس ستایش و نذر خود را به سوى چه خدایی تقدیم نمائیم؟

۱۰ - هیچکس جز تو ای «پرچاپتی» وجود را به همه این
موجودات نداده است.

باشد که حاجات ما که به منظور آنها برای تو قربانی میکنیم،
روا گردد.

باشد که صاحب ثروت شویم. (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۱۲۱)

(۱) سرود بالا خطاب به: «که Ka (Kah) است. این کلمه بمعنی «کی؟»

است، و از آن ظاهراً خدای نامشخصی منظور میباشد و احتمالاً نام پرچاپتی
یا دیگر خدایان است.

خطاب به : اوشس USAS

- ۱- سپیده دم دختر آسمان برخاسته است ؛ اومی آید، و جلال خویش را باروشنائی نمایان میسازد ؛
 اودشمنان مارا و همچنین تاریکی مذموم را پراکنده میکند ،
 و راههارا روشن مینماید تا (موجودات زنده) از آنها بگذرند .
 - ۲- امروز برما موجب برکت بزرگ باش، ای «اوشس» که
 (برانگیزنده) سعادت عظمی هستی .
 مارا ثروت بخش، و شهرت شگرف عطا فرما ؛ ای نیکخواه الهی
 بشر به مردم فناپذیر اخلاف نرینه عطا کن .
 - ۳- اشعه شکفت ابدی سپیده دم زیبا ظاهر میشود ، و به مراسم
 پرستش پاک آلهی حیات می بخشد ، و در اطراف پراکنده میشود ، و
 فلک را پر میسازد .
 - ۴- بامجاهده شتابان از راه دور پیش می آید تا به پنج طبقه
 مردم (روشنائی بخشد) (۱) .
- آن دختر آسمان ، و نیکخواه موجودات زنده، افکار مردم را
-
- (۱) ظاهراً منظور از پنج طبقه مردم ، پنج طایفه آریایی میباشد .

شکاری سرور است ؛

زیرا این (پرنده) سخت چنگال بی آنکه هیچ کوشی، آوایش
را بشنود ، نذور خدا پسند را به سوی «مانو» آورد .

۵ - هنگامی که این پرنده ، آن نذر را آورد ، با حرکت
سریع آنرا در راهی فراخ فرستاد که به سرعت خیال در حرکت
بود .

بشتاب برگشت و حلاوت «سوما» را بیاورد ، و از آن جا است
که این شاهین بکسب افتخار نائل آمد .

۶ - با حمل ساقه های (بوته سوما) آن شاهین تیز پر ، مرغی
که آن (گیاه) سرور آنرا از دور می آورد ؛

دوست خدایان «سوما» را محکم گرفت و بیاورد ، «سوما»یی
که آنرا از بالاترین آسمان ها برگرفته بود .

۷ - آن شاهین که «سوما» را برگرفت و بیاورد ، هزار ، بلکه
ده هزار نذر با خود داشت .

آن فرد شجاع که بدی ها را در پشت سر گذاشت ،
آن دانایی که در نشاط و سرور «سوما» ، نادان را فرو گذاشت .

(ماندالای چهارم - سرود ۲۶)

ستایش آدیتیاها Aīdtyas

- ۱- باشد که در اثر حمایت «آدیتیا» ها ، ما از منزلگاه راحت
نوینی بهره‌مند شویم ؛
باشد که «آدیتیا» های تندرو به ستایش های ما گوش فرادهند ،
و این پرستنده خود را در بیگناهی و استقلال حفظ کنند .
- ۲- باشد که «آدیتیا» ها ، و «ادیتی» ، و «میترا» ی راستکار ،
و «اریمن» ، و «وارونا» ، (از این نذر) شادمان شوند ؛
باشد که نگاهدارندگان جهان، نگاهدار ما نیز باشند؛ باشد
که امروز برای نگاهداری ما «سوما» را بنوشند .
- ۳- همه «آدیتیا» ها، همه «مروت» (ماروت) ها، همه خدایان ،
همه «ریبهو» ها .
و «اندرا» ، و «اگنی» ، و «اشوین» هارا (ما) تجلیل کرده ایم؛
همه شما به ما برکت بخشید .
(ماندالای هفتم - سرود ۵۱)

مشاهده میکند.

۵- عروس «سوریه»، بخشنده (رزق)، و صاحب ثروت فراوان به گنج‌ها و اموال (کونا کون) حکومت میکند.

ستوده (ریشی) ها، تلف کننده زندگی، پروردگار نعمت برمی‌خیزد، وقتی که تقدیم کنندگان نذور او را تجلیل مینمایند.

۶- اسب‌های عجیب نورانی که «اوشس» درخشان را می‌آورند، هویدا میگردند.

اودر ارا به همه سوروان خویش، پیش می‌آید، اوبه مردی که مراسم مقدس را انجام میدهد، ثروت می‌بخشد.

۷- با راستان راست، وبا بزرگان بزرگ، وبا خدایان آلهی؛ وبا معبودان معبود.

او (غم‌های) مهم‌ها برطرف می‌سازد، و (چراگاه‌های) گاوان را آشکار میکند؛

همه آفریدگان - به‌ویژه گاوان - مشتاق سپیده‌دم هستند.

۸- ای «اوشس»! ما را ثروت بخش که شامل گاوان، واسبان، و روزی فراوان، و پسران باشد؛

مبادا که قربانی ما در میان مردم ایجاد ملامت نماید، و شما (ای خدایان) همیشه ما را برکت عطا فرمایید.

(ماندالای هفتم - سرود ۷۵)

بیگانه‌ای شد.

۵- آن که توانگر است، باید به محتاجان ببخشد، و مدارزندگی آینده را در نظر آورد؛ زیرا که مال چون چرخ ارابه در گردش است، امروز دست یکی، و فردا دست دیگری خواهد بود.

۶- مردی که مهمان نواز نیست، بیهوده در پی غذاست؛ من به راستی میگویم: این مرگ او است؛ او نه «اریمن» و نه دوستی را عزیز میدارد، آن که تنها غذا میخورد جز گناهکار چیز دیگر نیست.

۸- گاو آهنی که زمین را میشکافد، محصولش ارزاق است؛ آنکه پای خود را بحرکت درمی آورد، سفر را پایان میرساند.

براهمن گویا بیش از براهمن خاموش نصیب میبرد،
دوست بخشنده از لئیم و خسیس بهتر است.

۸- آن که یک پا دارد، از دوپاییشی گرفته است، و آن که دو پا دارد، به سه پا، رسیده است.

مخلوقات چهارپا، وقتی که دوپاها آنها را میخوانند، می آیند،
و ایستاده به جایی که پنج تا گرد آمده اند، مینگرند (۱)

(۱) بعضی از مفسران: «ریگ ودا» بر آنند که منظور از عبارت: «اکه پاد êkapad» (یک پا) خورشید میباشد، زیرا خورشید زنده جاوید یک پا «Aja-êkapad» است. و مقصود از دوپا، «انسان»، و از سه پا، پیر مردی که با عصا راه میرود و قطعاً در پی نمودن راه سرعت از سرعت کسی که محتاج عصا نیست کمتر است. و مقصود از «چهار پا» «سگ» است. معمولاً سگ ها در ابتدا مطمئن نیستند که صاحبشان در میان جمع باشد و مقصود از «پنج پا» چند نفرند که گرد هم آمده باشند.

ستایش : دانه Dāna

- ۱- خدایان گرسنگی را وسیله کشتن قرار نمیدهند ،
مرگ بیشتر حتی به سراغ مردان سیر نیز میرود .
بخشنده نیکوکار هرگز از میان نمیرود ،
لئیم هیچگاه کسی را نخواهد یافت که بر او ترحم کند .
- ۲- آن که صاحب رزق فراوان است ، و حتی سائل پیر ، و
زمین گیر - و نیازمندی که از وابستگان سابقش باشد - و از او طلب
نان کند و دل خود را نسبت باو سخت نماید ، چنین مردی هم
کسی را نخواهد یافت که بر او ترحم کند .
- ۳- رادمرد آن است که به مستمندان ناتوان دوره گرد که در
طلب غذاست کمک کند ، و چون از او یاری جوید ، فوری بیاریش
بشتابد ، و سپس او را در زمره دوستان خود قرار دهد .
- ۴- آن که مال خویش را از دوست یکدل و صمیمی دریغ دارد
دوست نباشد ، از چنین دوستی باید چشم پوشید ،
پناهگاهی نیست و باید برای کمک در جای دیگر دست به دامن

ستایش: اشوین‌ها

۱- ای «اشوین»‌های درخشان! با اسب‌های نجیب خود بیایید،
و سرود خدمتگزار خویش را بپذیرید.

ای خدایانی که کارهای شکفت می‌کنید، از این نذر که ما
برای تهنیت شما می‌آوریم، لذت برید.

۲- شیرهای شادیمخش (سوما)، درپیش شما همیاست، بشتابید
و از نذر من بهره برگیرید.

از ضیافت دشمن ما بگذرید، و ما را بشنوید.

۳- ای اشوین‌ها! ارا به شما با صد کمک، شما را با سرعت خیال
در میان عوالم (نواحی) می‌گذرانند.

شما که دارای «سوریا» هستید، به سوی ما بشتابید.

۴- ای پرستندگان خدایان! کی این سنگ (آسیای) شما
بحرکت در می‌آید، و چون چرخشت سوما برای شما به صدا
در خواهد آمد؟

باشد که روحانیون بوسیله نذر ای زیبا یان، شما را

۹- دو دست بایکدیگر شباهت دارند، اما کارهای آنها
مختلف است.

مقدار شیر دو گاو (شیرده) که باهم خواهرند، متفاوت است،
حتی نوا امان (دو قلو) در قدرت و نیرو باهم یکسان نیستند.
دو خویشاوند در ثروت باهم فرق دارند.

(ماندالای دهم - سرود ۱۱۷)

ستایش : اگنی Agni

۱ - برای «جات ویداس»، «سوما» را بفشارید ؛ باشد که او

ثروت بدخواه را از بین ببرد.

باشد که «اگنی» ما را از میان مشکلات بگذارند، و مانند قایقی

که از میان رودخانه میگذرد ؛ ما را از میان غم عبور دهد .

(ماندالای اول - سرود ۹۹)

بیاورند .

۵ - غذائی که شما دارید ، به راستی عجیب است ، شما آن را مانند مخزنی حیات بخش به «اثری» میدهید که چون درپیش شما عزیز است ، لطف شما را می پذیرد .

۶ - هدیه ای که همه میتوانند به دست آورند ، شما به «چیه وانه» می بخشید وقتی که او پیر میشود ؛ آن که نذرهارا به شما تقدیم نموده است ، شما او را جمال ابدی بخشیدید .

۷ - آن هنگام که دوستان نا موافق «بهوجه» او را در میان اقیانوس رها کردند ،

ای «اشوین» ها ، اسب شما او را نجات داد- آن که خدمتگزار باوفای شماست .

۸ - شما هنگامی که «وریکه» بکلی بی پا شده بود ، یاری نمودید ، وقتی که «شایو» (نیز) شما را میخواند ، به او گوش فرا دهید . شما شیر گاو را چون آب جاری ساختید ؛ ای «اشوین» ها ، شما (زن) نازاد را به نیروی خویش تقویت کردید .

۹ - این سراینده ، با سرود نیکوی خویش ، وقتی که در سپیده دم با افکار شاد بیدار میشود ، شما را پرستش میکند .

باشد که گاو او را با شیر خویش غذا دهد ، و روزی بخشد ، ای خدایان ، ما را همیشه بابرکت خود حفظ فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۶۸)

ستایش : اگنی Agni

- ۱ - ای اگنی ! آن که ترا برافروزد ، و با چمچه (ملعقه) برافراخته ، سه بار ترا غذا دهد ،
باشد که او در جلال تو ، به پیروزی رسد ، و با نیروی دفاعی تو دانا شود ، ای «جات ویداس» (داننده آفرینش) !.
- ۲ - آن که با رنج و زحمت برای تو هیزم می آورد ، و به جلال «اگنی» توانا خدمت میکند .
آن که ترا در شامگاه ، و بامداد بر می افروزد ، کامکار و توانگر میشود ، و دشمنان خویش را هلاک میسازد .
- ۳ - «اگنی» سرور سلطنت عالی است ، «اگنی» خداوند نیرو و ثروت های عظیم است .
آن خدای قائم بنفس و برنا ، به آن فناپذیری که اوراستایش میکند ، گنج ها می بخشد .
- ۴ - ای خداوند جوان ! هر گناهی که ما در صورت ابنای بشر از راه بلاهت در این جا مرتکب شده ایم ، در حضور «ادیتی» ما را از

ستایش : اندرا Indra

- ۱ - باشد که هنوز (به آرامی) در لطف «ویشوانر» باقی بمانیم،
آری او پادشاه والای همه موجودات زنده است.
هر چه را که او بر آن نظر انداخته، حیات یافته است .
«ویشوانر» رقیب : «سوریه» است.
- ۲ - «اگنی» در آسمان ، و زمین همه جا حاضر است ، همه
گیاهانی که در زمین میرویند، تحت فرمان اوست .
باشد که «اگنی» ، باشد که «ویشوانر» با قدرت و حضور خود
مارا شب و روز از دشمن حفظ فرمایند.
- ۳ - ای ویشوانر ، حقیقت تو به سوی ما معطوف باشد ، ثروت
را گردا گرد ما جمع آور .
این دعای مارا «ورونا» ، و «میترا» ، و «ادیتی» ، و «سندهو» ،
و «زمین» ، و «آسمان» قبول فرمایند .

(ماندالای اول - سرود ۹۸)

ستایش: آگنی Agni

۱- « آگنی » با نظر مرحمت به چشمهٔ ثروت‌های درخشان
صبحگاهان نگریسته است .

ای «اشوین» ها ، به منزل پرهیز کاران بیائید ، « سوریه »
بافروشکوه خویش ، در حال طلوع است .

۲- «سویترا» خداوند درخشش (اشعه) خویش را در افق اعلی
انتشار داده است ، روایت خود را چون قهرمانی که برای جمع غنائم
میرود به اهتزاز در آورده است .

«ورونا» ، و «میترا» راه ثابت خویش را می‌پیمایند، آن هنگام
که آنها خورشید را در آسمان بالا می‌برند .

۳- آن که به کمک آنان (ورونا - و میترا) ، تاریکی را دور
میسازد، آنها که خداوند منزل‌های امن اند ، و در راه منظور خویش
پابرجا می‌باشند .

آن که برین جهان مینگردد ، خدای آفتاب هفت مرکب
نیرومند جهان‌آورا پیش می‌برند .

کناه پاک ساز ؛

ای اگنی، از تقصیرات ما در گذر .

۵ - حتی با وجود گناهان بزرگ ، ما را از زندان خدایان ،

و آدمیان ، آزاد کن .

هر گز مبادا که ما دوستان تو رنجه شویم ، سلامت بزرگ و

نیرو به اخلاف و فرزندان ما عطا شود .

۶ - ای خدایان اعلای مقدس ، همانگونه که شما گاوی را

که پایش بسته بود ، رها ساختید ؛ ما را نیز از این رنج آزاد

کنید .

ای اگنی ، عمر دراز به ما بده .

(ماندالای چهارم - سرود ۱۲)

ستایش : اندرا Indra

- ۱ - «اندرا»ی «شت کرتو» (صد نیرو) که فراوانی لطف و وسیع خویش را در همه جا می پراکنی ،
ای خداوند سلطنت نیکو ، و ای دوست همه مردم ، ثروتی
بافرو شکوه به ما عطا فرما .
- ۲ - غذائی که تو ای «اندرا»ی نیرومند، مالک آنی ، و درخور
آوازه است ،
و شهرت و غلبه ناپذیر (تو) در همه جا معروف است ، ای زرین
فام ، بطلب .
- ۳ - ای پرتاب کننده سنگ ها ، نیروهائی که بطوع از اراده
تو پیروی میکنند- تو و آنها- هر دو از خدا یابید ؛
شما فرمانروائی میکنید تا زمین و آسمان را نگاه دارید .
- ۴ - ای کشنده «وریترا» ، از هر يك نیروهائی که بشاید ما را
قدرت پهلوانی بخش ،
تو که نسبت به ما مانند بشر لطف داری .

خود را می گستری ،

ای خداوند ، ردای سیاه فام را پاره میکنی ، اشعه «سو
بشدت میدرخشند تاریکی را چون مشک در آب فرومیبرند.

۵ - چگونه است که او بی هیچ حد و پایه ای ، و با

به سوی پائین متمایل است نمی افتد ؟!

باچه نیروی درونی در حرکت است ؟

کی او را دیده است ؟

او طاق سپهر را چون ستون برافراشته ای نگاه مید

(ماندالای چهارم - سر

ستایش : میترا Mitra

- ۱ - «میترا» چون به سخن در آید ، مردم را به کار برمی انگیزد ،
«میترا» زمین ، و آسمان - هردو - را نگاه میدارد .
«میترا» مردم را با چشمانی که بسته نمیشود ، مینگرد .
باروغن مقدس برای «میترا» نذر بیاورید .
- ۲ - آن که برای تو (میترا) غذا آورد ، برتر از همه باشد ،
ای «میترا» ، آن که میکوشد تا قانون مقدس را نگاه دارد ،
«آدیتیا» (است) .
- آن که تو ، اورا یاری کنی ، هرگز کشته نشود ، و مغلوب
نگردد ؛ هیچ رنجی از دور ، و نزدیک به او نرسد .
- ۳ - باشد که ما مسرور از غذای مقدس ، و فارغ از بیماری ، و
با زانوهای خم شده بر سطح زمین گسترده ، و با پیروی دقیق از
قوانین «آدیتیا» در رحمت لطف آمیز «میترا» باقی بمانیم .
- ۴ - این «میترا» ی قابل ستایش ، و متبرک ، با پادشاهی زاده
شد ، پادشاه و بخشنده .

۵- در کشف حمایت تو ، با آن همه مساعدت های تو ، ای

خداوند صدنیرو ،

ای اندرا ، باشد که ما بخوبی در امان باشیم ،

ای قهرمان ، باشد که ما بخوبی حفظ شویم .

(ماندالای پنجم - سرود ۳۸)

ستایش: اگنی Agni

- ۱ - فرستاده تو که مالک بر همه ، و جاویدان است ، و حامل عطایای تو میباشد ، بهترین پرستنده ، من او را باسرود می ستایم .
- ۲ - آن قادری که بنحوه اعطای ثروت آگاه است ، اعماق زوایای آسمان را میشناسد ، او خدایان را به اینجا خواهد آورد.
- ۳ - آن که خودش خداست ، میداند که چگونه خدایان (دیگر) را به خانه راستکار ، رهبری نماید .
- او حتی خزاینی را که مطلوب ما است ، می بخشد .
- ۴ - او پیشرو ، و خبیر است ، و پیغام خویش را به همه جا میرساند ، و به اعماق زوایای آسمان آشنا است .
- ۵ - باشد که ما از آنها باشیم که «اگنی» را با قربانی های تقدیمی خود اقناع مینمایند ، و او را عزیز میدارند ، و برمی افروزند.
- ۶ - آنها که «اگنی» را به احترام خدمت کرده اند ، در توانگری ، و اعمال قهرمانی مشهور ، و پیروزند .
- ۷ - باشد که همه روزه ثروتی که مورد آرزوی (مردم) بسیاری

باشد که ما از لطف مقدس او بهره‌مند شویم، آری در مهربانی
محبت آمیز، و فراوان او باقی بمانیم.

۵- آن «آدیتیا»ی بزرگ که باید او را با پرستش خدمت
کنیم، و مردم را برمی‌انگیزد، سراینده را قرین لطف خویش قرار
میدهد.

به «میترا» که در خور والاترین ستایش است، نذری را که او
دوست دارد، در آتش تقدیم نمائید.

۶- لطف سودمند «میترا»، خداوند، و نگاهدارندهٔ نوع
بشر، شهرت اعلی و بالاترین جلال می‌بخشد.

۷- میترا که جلال او در اقصی نقاط منتشر است، در نیرو از
آسمان در می‌گذرد، و در شهرت (خویش) از زمین فرو نمی‌یابد.

۸- تمام «پنج‌نژاد» (۱) به «میترا» توسل می‌جویند که دریاری
نیرومند می‌باشد، چون او نگاهدارنده همهٔ خدایان است.

۹- «میترا» به خدایان، و به مردم زنده، و به آن که علف
مقدس را می‌گسترده، در اجرای قانون مقدس روزی می‌دهد.

(ماندالای سوم - سرود ۶۰)

(۱) همهٔ پنج‌نژاد: همهٔ مردم آریایی (همه قبایل و طوایف آریایی).

در ستایش: اگنی Agni

- ۱- ای اگنی، تو بزرگواری که بسوی این مرد پرهیزکار آمده‌ای،
لطف فرما و برین چمن مقدس بنشین.
- ۲- باشد که آن یاور جاویدان که فریفتن او درمیان مردم بسیار مشکل است، پیامبر همه باشد.
- ۳- آن گاه که رئیس روحانیون در تشریفات رسمی او را در دور قربانگاه برای پذیرائی راهنمایی مینماید، یا هنگامی که روحانی پاک کننده او را مینشانند.
- ۴- «اگنی» در آتش قربانی - چون خداوند کار خانه، و یا مانند براهمن - جلوس مینماید.
- ۵- تو مانند رهبر گروهی که قربانی را برپا میدارند، و ندور مردم را می آورند، می آئی.
- ۶- تو بسان پیامبر آن کسی هستی که قربانی او را نیکو دوست داری، و تقدیمی های مردم را به آسمان، میبری.

است ، به سوی ما آید ؛ قدرت و توانائی برای ما برود (بوجود آید).

۸- آن سرایندهٔ مقدس به نیروی خویش تیرهای خود را

سریعتر از تندروترین تیرهای طوایف بشر پرتاب میکند .

(مالک‌الای چهارم - سرود ۸)

ستایش : سوما پرمانه Soma Pavamāna

۱- باشد که «اندرا»ی «وریترا» کش در کنار (دریاچه) «سریه ناوان»^(۱) سوما را بنوشد، تا در دل خود نیرو ذخیره کند، و برای کارهای قهرمانی آماده شود.

ای «اندو» جاری شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.

۲- ای خداوند نواحی جهان،^(۲) جاری شو.

ای «سوما»، از سرزمین «آرجیکیه»^(۳) بانشاط و با ایمان، و با سرور حقیقی قربانی .

ای اندو جاری شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.

۳- دختر «سوریه» گوساله وحشی را که «پر جانیه» پرورش

(۱) سریه ناوان Saryanāvān : نام دریاچه ای واقع در ناحیه کروکستره

(۲) ظاهراً منظور چهار ناحیه آسمان حسب اعتقاد قدمای هند

می باشد .

(۳) بنابر تفسیر «ساینه Sāyana»، «آرجیکیه Ārjīkya»، همان کشور

رجیکها Rījikas است .

- ۷ - مراسم رسمی ما را قبول فرما ، و از قربانیهای ما راضی باش، ای «انگیراس»، به ندای ما گوش فرا ده .
- ۸ - باشد که ارا به تخطی ناپذیر تو که با آن بخشندگان را حراست می فرمائی، از هرسو بجانب ما آید .
- (ماندالای چهارم - سرود نهم)

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.

۸ - در آن کشوری که پسر «وی و سوان» پادشاه زندگی میکند، مرا زندگی جاوید بخش، آنجا که زیارتگاه نهان عرش است، آنجا که آب های تازه و شیرین هستند.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.

۹ - در آن سرزمین که آنها، همان گونه که ساکن اند، در حرکت میباشند، مرا زندگی جاوید بخش، در سومین کسره درونی آسمان، آنجا که عوالم روشن پراز نورند.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.

۱۰ - در آن سرزمین آرزو، و اشتیاق، و امیال نیرومند، مرا زندگی جاوید بخش، در کشور ماه درخشان، جائی که غذا و لذت به دست می آید.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.

۱۱ - در آن سرزمینی که شادی، و نشاط، و سرور، و برکت به هم می پیوندند، مرا زندگی جاوید بخش، در آنجا که آرزوهای دلخواه برآورده میشود.

ای اندو جاری شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.

داده، به اینجا آورده است.

«گند هروه» ها آن را گرفته، و شیره اش را در «سوما» ریخته‌اند.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو،

۴- ای صاحب جلال در (قلمرو) قانون، ای اعلام‌کننده قانون، ای گوینده راستی، ای که در همه کارهای خود راستکاری، ای بیان‌کننده ایمان.

ای «سوما»ی پادشاه، تو ای سوما که سازنده تو، تو را زینت داده است.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.

۵- ای نهرهای آن فرد بزرگوار، و نیرومند، باهم جاری شوید، ای شیرۀ آن آبدار به هم پیوندید، ای زرین فام که بادعا پاک گشته‌ای.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.

۶- ای «پومانه»، وقتی که روحانی دعای موزون را میخواند؛ و آنرا با سنگ به روی «سوما» میگذارد، و با «سوما» لذت می‌آورد.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.

۷- ای «پومانه» مرا در آن جهان بی‌مرگی و فنا ناپذیر جای ده که ... ش ... قرار است ... شنا ... جام بدید، خشد.

۵- الهه درخشان صبح را بخوانید، و سرود ستایش خود را با احترام به سوی او، آورید؛ او با پخش شیرینی روشنی خویش را در آسمان برقرار ساخته، و با زیبایی جلالش را آشکار کرده است.

۶- سرودها آن فرد مقدس را در آسمان ها بیدار ساخته اند، و آن بانوی ثروتمند با روشنائی به سوی دوجهان وارد شد.
ای آگنی، چون صبح تابناک در آید، به سوی او رو، و از او ثروت نیکو بخواه.

۷- بر اساس استوار قانون، گاوی که راننده صبح ها است با قدرت وارد زمین و آسمان شده است.
بزرگ است نیروی « ورونا»، و «میترا» که بادرخشش جلال خویش را بر همه جا گسترده اند.

(ماندالای سوم - سرود ۶۱)

ستایش : اوشس Usas

- ۱- ای اوشس ، ای نیرومند به نیرو ، ای صاحب دانائی ،
ستایش سراینده را بپذیر ، ای بانوی ثروتمند ، ای الهه
باستانی ، و جوان ، و مملو از دانش (خرد) ، تو که به رادی در
حرکتی ، همان گونه که در قانون مقرر است.
- ۲- ای صبح ، ای الهه نعمت ، در ارا به نورانی خویش که
آوای دلنواز بیدار کننده دارد ، درخشان شو .
اسب های رام برازنده زرین فام ، تو را به اینجا آورد.
- ۳- تو ای صبح که بر هر آفریده ای رو می نمائی ، چون
نشانه جاویدانی ، در اوج می ایستی .
تو که پیوسته به سوی يك مقصد روانی ، مانند چرخ ای نوزاد ،
به اینجا بیا .
- ۴- صبح بالگام های فروهشته می آید ، آن بانوی ثروتمند ،
آن خاتون خانه ها ، آن مبارك شگفت آور ، نور خویشتن را بر
اطراف و کناف زمین و آسمان گسترده است.

ستایش : ددهیکراس Dadhikrās

۱ - من «ددهیکراس» را میخوانم که نخست شما را یاری دهد : «اشوین» ها .

«بهگه»، سپیده دم، واگنی (آتش) نیکو برافروخته میباشند،
اندرا، و ویشنو، پوشان، برهمنسپتی، آدیتیاها، آسمان، و
زمین، آبها، و روشنائی.

۲ - چون به (اعمال) قربانی میپردازم (برمیخیزم)، باپرستش
به بیدار ساختن ددهیکراس میشتابم،
ای الهه «ایلا» که بر چمن مقدس نشسته ای، بگذار تا اشوین
های نیز گوش دانشمندان را بخوانیم.

۳ - هنگامی که به بیدار کردن «ددهیکراس» میپردازم،
با اگنی، وزمین، و سپیده دم، و سوریه سخن میگویم؛
باشد که «ورونا»ی همیشه آگاه سرخ قهوه ای، مارا از غم و
رنج حفظ فرماید.

۴ - «ددهیکراون» بر همه مقدم است، آن مرکب نیرومند در

ستایش: اندرا

۱- تو که با نشاط بسیار «شمبره» (دشمن راجه) «دیو داس»
را شکار کردی ،

این سوما برای تو مهیا شده است ، ای اندرا ، بنوش !
۲- جرعه شادی بخش آن («سوما»ئی) که از سرشاخه ها فرو
ریخته ، تو آنرا در میان و در پایان^(۱) حفظ مینمائی .

این «سوما» برای تو مهیا شده است ، ای «اندرا» بنوش !
۳- تو که با نشاط فراوان گاوهای را که در میان سنگ
به سختی بسته بودند ، آزاد ساختی ،

این «سوما» برای تو تهیه شده است ، ای اندرا بنوش !
۴- این «سوما» که در شیرۀ فرح بخش آن تو قدرت «مگهون»
را به دست می آوری ،

این «سوما» برای تو تهیه شده است ، ای «اندرا» بنوش !
(ماندالای ششم - سرود ۴۳)

(۱) بنابر تفسیر «ساینه Sānana» ظاهراً مقصود از میان و پایان لذور
ظهر و شب است که تقدیم خدایان میشده است .

خطاب به : سوماپو مانه Soma Pavamāna

۱ - به راستی افکار ما متفاوت است ، . راه های مردم مختلف است .

نیجار در جست و جوی شکسته است ، و پزشك در اندیشه سانه ،
و بر اهن در فکر پرستش .

ای «اندو» برای «اندرا» جاری شو .

۲ - صنعت کار با هیمة خشك ، و بال پرندگان (برای باد زدن
آتش) با سنگها و آتش سوزنده در پی ثروت زرین برای خود
است .

ای «اندو» برای «اندرا» جاری شو .

۳ - من شاعرم ، تاتا (پدر) پزشك است ، و نانا (مادر) آسپارا
می چرخاند .

هر يك با افکار مختلف به دنبال ثروت گاو ان میگرددیم .

ای اندو ، برای اندرا جاری شو .

۴ - اسب میخواهد که ارا به سبکی را بکشد ،

پیشاپیش ارا به راه خود را بخوبی می شناسد ؛
 با سوریه ، و بامداد ، و آدیتیا ها ، و انگیراس ها ، و واسوها
 متحد و متفق است .

۵ - باشد که دهیکراس راه سفر ما را آماده سازد تا از جاده
 نظم بگذریم ؛

باشد که اگنی ما را بشنود ، و سپاه آسمانی شما افراد نیر و مند
 که هرگز فریب کسی را نمیخورید ، ما را بشنوید .

(ماندالای هفتم - سرود ۴۴)

ستایش: اندرا

۱ - من «اندرا»ی قهرمان را ستایش خواهم کرد که به نیروی خویش زمین، و آسمان را از یکدیگر جدا ساخت، و همه را وسعت می‌بخشد، و بشر را حمایت میکند و در بزرگی خویش از طوفان، و رودخانه‌ها پیشی میگیرد،

۲ - او «سوریه» است، در تمام عرصهٔ پهناور (جهان) اندرا او را سرعت چرخهای ارا به خواهد چرخانید،
و مانند رودخانه است که هرگز نمی‌ایستد، و پیوسته در جریان است،

او با روشنائی خویش تاریکی سیاه رنگ را از بین برده است.

۳ - برای او دعای مقدس می‌سرایم، دعائی ناگسستنی، نو، بی‌مانند، و برای - هر دو- زمین، و آسمان.

«اندرا»ی شریف که همهٔ موجودات زنده را می‌شناسد، و هرگز دوست را فرو نمیگذارد.

گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده اند ،
 وغورباغه در اندیشه استخر آب است ،
 ای اندو ، برای اندراجاری شو .

(ماندالای نهم - سرود ۱۱۲)

باشند - مورد ایذاء (تخطی) قرار میدهند .

۹- مردمی که زندگی شرارت آمیز دارند، و پیمان می شکنند
و به «ورونا» ، و «اریمن» ، و «میترا» آزار میرسانند ،
ای «اندرا» ی نیرومند، گاو آتش گونه خود را چون مرگ
غضبناکی برانگیز .

۱۰ - «اندرا» ، خداوند زمین ، و آسمان است ، «اندرا»
سروِ آبها ، و کوه هاست ،
اندرا خداوند کامیابان، و دانشمندان است ، «اندرا» را باید
در حال راحت و هنگام کار بخواند .

۱۱ - پهناتور از روز، و شب، بخشنده فزونی ، وسیعتر از
فلك، و طوفان دریا ،
پهنتر از گسترش زمین، و میدان باد، فراختر از رودخانه ها،
وزمین های ما اندراست .

۱۲ - ای اندرا ، تیر سیری ناپذیر خود را چون پیک صبح به
پیش پرتاب نما ،

و چون سنگی که از آسمان فروافتد با گرمترین شعله کسانی
که دوستان را فریب دهند، سوراخ کن .

۱۳ - به راستی ، اقمار ، کوه ها ، درختان بلند، گیاهان ، و
علف ها او را پیروی میکنند .

هر دو جهان با شوق و عشق نزدیک شدند ، و آب ها وقتی که

۴ - من سرود های خود را چون جریان ناگسستنی ، و بسان آب زیر دریا ، به سوی « اندرا » میفرستم ،
آن که در دو طرف ارا به خود آسمان ، و زمین را بسان دو سر محوری ثابت نگاهداشته است .

۵ - با بادهای برمیخیزد ، همه را می لرزاند ، حمله میکند ، نیرومند و قوی است ، و به تیرها مسلح است .
«سوما» است ؛ درختان جنگل ، و بوته ها نمیتوانند باشباهت خویش « اندرا » را بفریبند .

۶ - «سوما» به سوی او جریان یافته است ، آن که هیچ چیز نمیتواند همسنگ او باشد ، نه زمین ، نه آسمان ، و نه فلک ، نه کوه ها .

چون به خشم آید ، غضب او هر (چیز) محکمی را خرد میکند ، و هر نیرومندی را درهم می شکنند .

۷ - چون تبری که درخت را می اندازد ، «وریترا» را کشت ، قلمه ها را ویران ساخت ، و (بستر) رودخانه ها را کند (تعمیر داد) .
او مانند عصای (اهرم) آهنین تازه سازی کوه ها را بشکافت .
« اندرا » با همراهان خویش گاو ان ماده را بیاورد .

۸ - تو دانهائی ، تو گناه را کیفر میدهی ، ای « اندرا » ، شمشیر دست و پا را هرس میکند ، تو گناهکاران را درهم میکوبی ،
مردم ، که قانون اعلای: ورونا ، و مترا دارا - مثل آن که همطرا از

را درجائی که غنائم جمع آوری شده است ، میخوانیم ،
 نیرومندی که میشوند، و در جنگ های یاری مینماید، و «ویترا»
 را میکشد، و ثروت را به دست می آورد، و جمع میکند.

(مانند الای دهم - سرود ۸۹)

«اندرا» به وجود آمد به خدمت او کمر بستند.

۱۴ - کجاست آن تیر انتقام که تو ای اندرا ، دیو شورش و
تخطی را با آن بشکافتی ؟

آن هنگام که دیوان چون کله ای که در قربانگاه بخوابد ،
در روی زمین خوابیده بودند .

۱۵ - آن ها که به دشمنی ما برخاسته اند ، (۱) ای اندرای
نیرومند ، آن دشمنان ما را به تاریکی کور کننده گرفتار ساز.
و اینان (ما و دوستان ما) از نور درخشان روشنی یابند.

۱۶ - باشد که نذور فراوان مردم ، و خواندن ادعیه مقدس
« ریشی » ها ، ، تو را خشنود سازد .

با محبت این دعای همگانی ما را بشنو ، به سوی ما بیا ، و بر
آن ها که تو را ستایش میکنند ، بگذر.

۱۷ - ای اندرا ، باشد که ما از این الطاف جدید که برای ما
سودآور است ، بهره مند شویم .

باشد که ما «ویشوامتر» ها با سرودن از روی شوق ، بوسیله
تو ای اندرا ، به روشنائی روزنایل شویم.

۱۸ - ما «مکهون» ، «اندرا» ی نعمت بخش ، و بهترین قهرمان

(۱) در متن واژه: «اوگانه ها Oganah» ، بکاررفته و احتمالاً نام خانواده
یا قبیله دشمن است .

خطاب به: «آسمان» DyauS ، و «زمین» Prithivī

۱ - کدام يك مقدم ، و کدام يك مؤخر بود؟
چگونه بوجود آمد؟
ای دانشمندان ، کی میتواند بداند؟
آنها (۱) به خودی خود همه وجود را دربردارند ،
شب و روز مانند چرخى در گردش است .
۲ - آن دویى پا که حرکت نمیکند ، بسیاری از جرثومه های
جنبنده ، و دارای پارا دربردارند ،
چون پسری در دامن پدر ، و مادر خویش؛
باشد که زمین ، و آسمان ما را از بدی هراسناك محفوظ
نگاه دارند.

۳ - من بخشش «ادیتی» (۲) را ستایش میکنم ، بخششی که از
نفرت مبرا است ، و کاستی نمی پذیرد ، و آسمانی ، و شکست ناپذیر ،

(۱) ظاهراً منظور خدایان آسمان و زمین است.

(۲) منظور از بخشش ادیتی یا برکت ادیتی نعمت های تمام ناپذیر طبیعت

است . بنا بر تفسیر «سایه» اینجا «ادیتی» بمعنی : «فلک» است.

ستایش : زمین Prithivī

- ۱ - تو ای «پریتهیوی»^(۱) به حقیقت سنگینی وزن کوه هارا
با نیرومندی تحمل میکنی،
تو که صاحب جوی های فراوانی، ای توانا، خاک را برمی
انگیزی.
- ۲ - سرود های ستایش ما با گل های سخن به گوش
تو می آید.
- ای پهناور که ابرهای منبسط را چون کشتی تندرو به پیش
میرانی، ای درخشنده.
- ۳ - ای که به نیروی خویش درختان جنگل را بر روی زمین
پا برجا نگاه میداری هنگامی که از برق ابرهای تو سیل باران از
آسمان بر زمین فرو میریزد.

(ماندالای پنجم - سرود ۸۴)

(۱) در اینجا منظور از کلمه «پریتهیوی» الهه زمین یا شخصیت زمین نیست؛
بلکه بعقیده «ساینه»، خدائی از افلاک یا جو است. پریتهیوی دو صورت دارد،
یکی: زمین؛ و دیگری: اسبابی است برای سوراخ کردن کوهها، یعنی اسبابی که به
کوهها صابت میکند و آنها را سوراخ میسازد و چشمه های آب را جاری مینماید،
مثل: صاعقه، و قدرت دیگری که همان اثرات را داشته باشد.

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۷ - آن دوفرد بزرگ وسیع ، و پهناور را بادست و پای باسط من به وسیله این قربانی - از آن دوفرد بخشنده لطف بخش - مسئلت دارم که درین قربانی شریك باشند ؛
باشد که آسمان و زمین ما را از بدی های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۸ - هر گناهی که ما به درگاه خدایان ، یا ضد دوستان ، و یا ضد رئیس خانواده مرتکب شده ایم ؛
باشد که این دعای ما موجب آمرزش آن گناهان گردد ؛
باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك خود محفوظ نگاه دارند .

۹ - باشد که برکت هردو ، و مردم (و خدایان) ، مرا یاری کند ؛ باشد که هردو به حفظ و کمک من پردازند ،
فراوانی بیشتر نصیب بخشندگان باشد تا نصیب بی خدایان .
باشد که ما با سرور از غذا های فرح بخش بهره یابیم ، ای خدایان .

۱۰ - این مراسم رسمی (اعمال قسربانی) را من دانشمند (فهمیده) به آسمان ، و زمین بجا آورده ام تا نخست آنها بشنوند ،
باشد که آنها ما را از خطا و جنایت حفظ فرمایند ، و چون پدر ،

و قابل پرستش است .

ای جهان ها ، چنین بخششی برای سراینده فراهم سازید .
باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك محفوظ
نگاه دارند .

۴ - باشد که ما دو جهان را که هرگز رنجی نمی شناسند ،
خدمت کنیم ،

آنها که كمك میدهند و خدایان فرزندان شان هستند ، و خود
آن دو نیز از خدایانند ، و شب و روز را به توالی یکدیگر
می آورند ؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك محفوظ
نگاه دارند .

۵ - آن دو دوشیزه که چون متحد شوند يك جفت میگردند ، و
دختران توأم که در دامن پدر و مادر خویش ناف جهان را نوازش
میدهند ؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك محفوظ
نگاه دارند .

۶ - آن دو منزل بزرگ وسیع را من چنانکه باید ستایش
میکنم ،

آن دو پدر ، و مادر با حمایت خدایان ،

آن دو موجود زیبا که از آب حیات بهره ورنند ؛

ستایش : اوشس Usasa (فجر - سپیده دم)

- ۱- با سماعت مندی بر ما طالع شو، ای «اوشس»، ای دختر آسمان، با عظمت و جلال طالع شو، ای بگ بانو، ای بانوی روشنائی، با ثروت طالع شو، ای بخشنده فراوانی .
- ۲- آن ها که اسب، و گاومی آورند، و رفاه و ثروت می بخشند، بیشتر پیش ناخته اند تا ما را روشنی بخشند .
- ای اوشس، آوای شادی را برای من بیدار ساز، و ثروت و عظمت را به ما فرست .
- ۳- اوشس دمیده و اکنون نیز خواهد دمید، آلهه راننده ارا به ها .
- آن که چون نزدیک شود، همه افکار متوجه او می گردد، مانند جویندگان افتخار در روی سیل .
- ۴- اینک «کنوه» رئیس قوم (نژاد) «کنوه» ها، افتخارات نام قهرمانان را با آوای بلند می سراید .
- شاهانی که چون تو ای اوشس نزدیک میشوی افکار خود را به

ومادری مارا با یاری خویش حمایت کنند .

۱۱ - ای آسمان و زمین ، باشد که این حقیقت باشد ،

ای پدر و مادر ، آنچه من اینجا از شما خواستارم ، با کمک

شما از نزدیکان خدا یان میشوم .

باشد که رزق گوارا ، وارد و گاه (چراگاه) پر آبی نصیب ما

گردد .

(ماندالای اول - سرود ۱۸۵)

گنج‌های نعمت و برکت را به ما ببخش ، و بر مراسم رسمی ما بتاب .

۱۰- چون تنفس ، و حیات هر موجود زنده‌ای از تو است ، وقتی که تو ای فردا علی طالع میشوی ، سوار بر ارا به مجلل خود ، ای بانوی روشنائی ، و ای صاحب ثروت‌های شگرف ، دعوت ما را بشنو .

۱۱- اوشس نیروی خود را که در میان مردم شگفت آور است ، به دست آور ، و با آن نیرو پاکدامنان را به اجرای مراسم مقدس وادار ؛

آنها که چون روحانیون ستایش تو را می‌سرایند .

۱۲- ای اوشس ، همه خدایان را از فلك فرود آور تا شیرۀ «سوما»ی ما را بنوشند .

و چنان که هستی گاو ان ، واسبان ما را نگاهداری فرما ، و برای ستایش و نیروی قهرمائی از ما دیدن کن .

۱۳- باشد که اوشس که اشعه موهبت و برکت اودر همه اطراف ساطع است ، ما را ثروت‌های زیبا و شامل هر چیز نیکو بخشد ؛ ثروتی که بتوان با کار آسان به دست آورد .

۱۴- ای فرد توانا که «ریشی» های عهد باستان تو را برای حمایت ، و یاری مامیخوانده‌اند ؛

ای «اوشس» ، سرودهای ستایش ما را از راه لطف بارفاه و روشنائی رخشان جواب بده .

سوی بخشش های راد مردانه متوجه میسازند .

۵- اوشس چون مادری مهربان می آید ، و بادقت به هر چیز رسیدگی میکند :

زندگی را بیدار میسازد ، وهمه آفریدگان پادار را برمی انگیزد ، وهمه مرغان هوا را بیرواز درمی آورد .

۶- او (اوشس) کارکنان را پیش میفرستد ، و هر کس را به کار خود مشغول میدارد ، و چون برپا خاست دیگر تأخیر در کار نمی شناسد .

ای توانگر درمال ، ونعمت ، پس ازدیدن تو مرغانی که به پرواز درآمده اند ، دیگر آرامش ندارند .

۷- این «سپیده دم» اسبان خود را به ارا به بسته است و به آن سوی مطلع خورشید می تازد .

سوار بر صدها ارا به سپیده دم فرخنده در راه خویش به سوی مردم می تازد .

۸- برای دیدار او همه آفریدگان زنده سرفرو می آورند . آن سرور والا به وجود آورنده روشنائی است .

اوشس دختر آسمان ، و ثروتمند چون بدرخشد ، دشمنان ، و بدخواهان را دور می کند .

۹- ای «اوشس» ، ای دختر آسمان ، بانور درخشان خود بر ما بتاب .

خطاب به : شردها Sradhā (ایمان)

۱ - با ایمان «اگنی» فروخته میشود ، و با ایمان نذوراتقدیم میشود .

ما باستتایش : «ایمان» ، و کمال سرور، جشن میگیریم .

۲ - ای «ایمان» ، مرد بخشنده را مبارک کن ، ای ایمان ، کسی که مایل است ببخشد ، برکت ده .
پرستندگان آزاده را مبارک فرما .

۳ - همان گونه که خدایان «ایمان» را در «اسوره» های نیرومند نگاهداشتند (حفظ نمودند) ،
این آرزوی گفته شده مرا در باره پرستندگان آزاده جامه حقیقت بخش .

۴ - ای خدایان ، و مردم که قربانی میکنید ، در تحت حمایت «وایو» به ایمان نزدیک شوید .

آدمی ایمان را از راه خواهش دل به دست می آورد ، و از ایمان به نعمت ، و ثروت میرسد .

- ۱۵- ای اوشس، همان گونه که امروز درهای دولنگه آسمان
را باز کردی، مارا منزلگاهی فراخ، و فارغ از دشمن عطا فرما .
ای آلهه، مارا روزی (رزق) ، و گاو نصیب فرما .
- ۱۶- مارا به نعمت ، و فراوانی راهنمایی نما ، و رزقی گوارا
و فراوان، و گوناگون برای ما بفرست ،
ای اوشس که پر جلال و پیروز می باشی ، ای توانا ، ای آن
که به نیرومندی در غنایم، و مال توانگری .

(مانند لای اول- سرود ۴۸)

ستایش : اندرا

۱ - اندرا ، آوای مرا بشنو ، و بدان بی اعتنا مباش ؛ باشد که
ما در خور عطای گنجهای تو باشیم ؛

این نذور که به منظور به دست آوردن ثروت است ، و مانند
رودخانه جریان دارد ، نیروی تو را افزایش می دهد .

۲ - ای اندرا ، ای قهرمان ، تو آب های عظیم را که «اهی» پیش
از این در بند کرده بود ، آزاد ساخته ای ، و آن ها را پخش نموده ای ،
و به نیروئی که سرودها به تو بخشید ه اند ، آن برده (۱) را که لاف
جاویدانی می زد ، فرو انداخته ای .

۳ - ای اندرا ، ای قهرمان ، این (ستایش های) درخشان (به
صورت) سرودها که تو از آن ها لذت میبری ، و این حمد و ثنای
پرستندگان که تو را اقناع میکنند ، خطاب به تو است ، تا تو را (به
سوی قربانی ما) بیاورد .

۴ - ما نیروی فروزان تو را با (حمد و ثنای) خویش تقویت

(۱) داسه Dāsa : غلام ، برده ، مردم بومی قدیم هندوستان .

۵ - ما «شردها» (ایمان) را در سپیده دم میخوانیم، و باز در
 نیمروز میخوانیم، و همچنین هنگام غروب آفتاب.
 ای «شردها»، در این جهان «ایمان» را بر ما الهام فرما.

(ماندالای دهم - سرود ۱۵۱)

اطراف گسترده شده است ؛

بادها که صدا را در افق دور تقویت میکنند ، صدای «اندرا»
را منتشر ساخته اند .

۹ - «اندرا»ی نیرومند ، «وریترا»ی خطاکار ساکن در ابر
را خرد ساخته است ؛

آسمان و زمین می لرزید ، و از آذرخش فرستنده رگبار
هراسان بود .

۱۰ - آن هنگام که «اندرا»ی دوست مردم در اندیشه کشتن
دشمن بشر بود ، صاعقه رگبار فرستنده به آوای بلند می غرید ؛ او
(اندرا) شیر «سوما» را نوشید ، و نقشه های «دانوه» (۱) خطاکار را بر هم زد .

۱۱ - ای اندرای قهرمان ، بنوش ، بنوش سومارا ؛

باشد که شیر نشاط آور (آن) ، تورا لذت بخشد ؛

باشد که جناحین تورا منبسط سازد ، و (شجاعت تورا) فزونی
دهد ، و بدین گونه نذر مداوم ، «اندرا» را خرسند کند .

۱۲ - باشد که ما پرستندگان پا کدل تو ، در (جوار) تو ساکن
گردیم ، و با (نیروی) ایمان به تو نزدیک و از (اجر) عبادت خویش
بهره مند شویم .

در آرزوی حمایت تو ، ما در اندیشه تجلیل تو هستیم ؛ باشد

(۱) دانوه ها : Dānavas : دسته ای از اهریمنان یادیوان زادگان یا

میکنیم، و صاعقه را دردست تو میگذاریم؛
 توای «اندرا»ی درخشان که نیرویت در افزایش است، و آفتاب
 تو را (شجاعت می بخشد) قوم زیر دست (۱) را برای خاطر (خیر)
 ما مغلوب ساز.

۵ - ای اندرا، ای قهرمان، تو با دلیری خویش «اهی»^۲
 با عظمت را که در غاری مخفی شده بود و در پنهانی به سر می برد،
 و آب هائی که منزلگاهش بود، او را پوشیده بودند، و در آسمان
 (فضاء) مانع از ریزش باران بود، از میان بردی.

۶ - ای اندرا، ما (اعمال) نیرومند قدیم تو را تجلیل
 میکنیم، ما کارهای جدید تو را تجلیل میکنیم؛

ما صاعقه را که دردست های تو میدرخشد، می ستائیم، و ما
 اسب ها را که علائم آفتاب (اندرا) است جشن میگیریم.

۷ - اسب های تیزرو تو، ای اندرا، شیهه بلندی که باران را
 اعلام میدارد، بر آورده اند؛

زمین هموار به اشتیاق منتظر ریزش آن (باران) است؛ آن
 هنگام که ابرهای گرد آمده، گذشته اند.

۸ - ابری که (بوظیفه خویش) بی اعتنا نیست در آسمان
 (فضاء) معلق است، و خروشان از (آب های) مادری (سرچشمه) در

(۱) یعنی داسه ها Dasas.

(۲) اهی Ahi: دیو خشکسالی - مار (ابر) - نام وریترا.

تفاخر کن ، و شیرۀ «سوما» بنوش ، و پی در پی آن را از ریش خود
بزدای ، و با اسبان خویش به خرسندی برای نوشیدن نذر روان
باز گردد .

۱۸ - ای اندرای قهرمان ، نیروئی را که با آن « وریترا »
فرزند عنکبوت مانند «دانه» را مقهور ساختی ، نگاهدار ، و (دریچه)
روشنائی را به سوی «آریا» بکشا ؛

داسیو^(۱) در طرف چپ تو قرار گرفته است .

۱۹ - آن مردانی را که تحت حمایت تو بر رقیبان خود
پیشی گرفته اند ، همان گونه که «آریا» ها بر «داسیو» ها غلبه
کردند ، احترام نمائیم ؛ این را برای ما (توانجام داده ای) ، تو
«ویشوروپ» پسر : «توشر» را برای دوستی «تریته»^(۲) هلاک ساخته ای .

۲۰ - تو بتقویت (نذر) «تریته» تفاخر کننده که «سوما» را به
تو تقدیم نمود ، «اربوده»^(۳) را معدوم ساخته ای ؛ «اندرا» با کمک
«انگرس» ها سلاح خویش را مانند خورشید که به دور چرخ خود
میگردد ، چرخانید ، و «وله»^(۴) را کشته است .

۳۱- آن بخشش فراوان که از تو ای «اندرا» ، منبعث میگردد ،

(۱) داسیو Dasyu: مردم بومی وساکن سرزمین هندوستان پیش از ورود قوم آریائی

(۲) تریته Trita: یکی از خدایان قدیم دوره ودائی .

(۳) اربوده Arbuda: نام دیو فضاء (جو) .

(۴) وله Vala: زیر زمین ، زندان تاریک ، دیو خشکسالی . در اینجا

ظاهرأ منظور برادر: «وریترا Vrita» یا خود «وریترا» میباشد .

که ما همیشه (درخور) بخشش گنج‌های تو باشیم .
 ۱۳ - باشد که ما (به لطف) تو ای اندرا ، مانند کسانی باشیم
 که در آرزوی حمایت تو (با ستایش خود) نیروی تو را افزایش
 میدهند .

ای «اندرا»ی آلهی ، تو ثروت دلخواه ما را می‌بخشی (ثروتی
 که سرچشمه) نیروی عظیم و فرزندان (بیشمار) است .

۱۴ - تو به ما مسکن می‌بخشی ؛ توبه ما دوستان عطا میکنی ،
 تو ای اندرا ، به ما نیروی «ماروت» ها را میدهی ؛ بادهای مهربان
 و پیروزی که مقدار زیادی از اولین تقدیمی (شیرهٔ سوها) مینوشند .
 ۱۵ - آنان که مورد مهر تواند (به نذر) میل کنند ، و تو ای
 اندرا ؛ با اطمینان از «سوها»ی سیراب کننده بنوش ؛

ای رهاننده (از بدی) ، به کمک (ماروت‌های) نیرومند قابل
 پرستش، کامیابی ما ، و آسمان را فروئی بخش .

۱۶ - ای رهاننده (از بدی) ، آنان که تو را ای شادبخش با
 سرودهای مقدس عبادت میکنند، به زودی به بزرگی خواهند رسید .
 آنان که علف مقدس را (به افتخار تو) برمی افشاند ، مورد
 حمایت تو میباشند ، و با خانوادهٔ خویش روزی (فراوان) به دست
 می‌آورند .

۱۷ - ای «اندرا»ی پهلوان ، به مراسم رسمی «تری کدرو که» (۱)

(۱) تری کدرو که Trikadruka : نام سه روز اول جشن ابهی پلوه

ستایش : و شودیوها Visvadevas

۱ - اشعه ساطع ، و روشن ، و فنا ناپذیر ، و زیبا ، و پاک خورشید ، به لطف «میترا» و «ورونا» ، طالع گشته است ، و چون زینت آسمان می درخشد .

۲ - آن که بر سه جهان قابل شناختن واقف است ، و دانشمندی که بر اسرار تولد خدایان (در آن سه جهان) اطلاع دارد ؛ و آن که بر نیک و بد کارهای آفریدگان ناظر است ، او (یعنی : خورشید ، خداوند) نیات آن هارا آشکار میسازد .

۳ - ای «ادیتی» ، ای «میترا» ، ای «ورونا» ی نیک زاد ، وای «اریمن» ، وای «بهگه» ، که حامی قربانی مقدس هستی ؛ من شمارا ستایش میکنم ؛ من جشن خدایانی را برپا میدارم که اعمال آنها سستی نمی پذیرد ، و بخشندگان و عطا کنندگان پاکی میباشند .

۴ - آنان که بدخواهان را منهزم ، و نیکان را حمایت میکنند ، و کسی را یارای مقاومت با آنها نیست ، خداوندان با نیرو ، و بخشندگان منازل نیکو (اند) ؛

بی گمان به آن که تو را ستایش میکند (آنچه را که آرزو دارد)
خواهد بخشید، آن را به ما که ستایندگان توایم، عطا فرما؛
تو که مورد پرستش مائی (دعای ما را) نادیده مگیر تا ما که
ببرکت اخلاف لایق نایل شده ایم، تو را در این قربانی تجلیل نمائیم.
(ماندالای دوم - سرود ۱۱)

۹- ای خدایان قابل پرستش، من شما را که توانا اید، و قربانی خویش را منظم می سازید، و نیروی شما پاک است، و در عبادت- گاه معتکف اید، و مغلوب چیزی نمی شوید، و رهبران دور بین (مراسم) میباشید، باسلام و احترام تعظیم میکنم.

۱۰- باشد آن که جلالتش در فزونی است، مارا هدایت کند تا همه بیدادگری ها نابود (ناپدید) شود؛ آنها (یعنی: ورونا، و میترا، و اگنی) که زیاد نیرومندند، و راستی را بجای آورند و به کسانی که همیشه آن ها را ستایش میکنند، وفادارند.

۱۱- باشد که آنها (یعنی: اندرا، و زمین، و پوشان، و بهگه، و ادیتی، و آن پنج گروه^(۱)) موجودات منازل مارا فزونی بخشند. باشد که آن ها به ما شادی، و روزی عطا فرمایند، و به نیکی هدایت کنند، و مدافعان، و حافظان خوب ما باشند.

۱۲- باشد که تقدیم کننده این نذر، «بهردواج» همان گونه که از لطف شما، ای خدایان استدعا دارد، هر چه زودتر به یک منرلگاه آسمانی برسد؛ برپا دارندۀ این تشریفات (مراسم) بسا- همکاران نیکوکار خویش، در آرزوی ثروت، مجتمع خدایان را تجلیل مینماید.

۱۳- ای «اگنی»! دشمن شریر، و خطاکار، و بدخواه ما را دور

(۱) یعنی: پنج نژاد یا پنج دسته از مردم ویا پنج قبیله آریائی.

آنان که همیشه جوان، و نیرومند، و در همه جا حاضرند،
 پیشوایان آسمان، فرزندان «آدیتیا» (هستند)؛
 من به «آدیتی» که در اثر پرستش من، بر سر لطف آمده، پناه
 می برم.

۵ - ای پدر «آسمان»، وای مادر «زمین»، وای برادر
 «اگنی»، و شما ای «واسو» ها! مارا شادی بخشید؛ و شما همه ای
 فرزندان آدیتیا ها، و تو ای «آدیتی» با خرسندی به ما برکت
 بخشید.

۶ - شما ای خدایان قابل پرستش، ما را زیر دست راهن
 و همسر او، و هر که قصد آزار ما را دارد؛ قرار مدهید؛

چون شما ناظم شخصیت، و نیرو، و سخن ما می باشید.

۷ - مبدا که ما برای گناه دیگران به کیفر برسیم؛ ای واسوها!
 ما را از انجام دادن کارهایی که شما منع کرده اید، بازدارید.
 ای خدایان جهانی که بر این جهان حکم فرمائید، کاری
 کنید که آزارهای دشمن من به خود او بر گردد.

۸ - تعظیم سزاوار (خدایان جهانی) تواناست، من تعظیم خود
 را به آنها تقدیم میدارم، تعظیم (سزاوار) نگاه دارند؛ زمین، و آسمان
 راست، تعظیم به خدایان باد، تعظیم بر همه آنها حاکم است، من
 با تعظیم خویشتن را از هر گناهی که مرکب شده باشم، پاک
 می سازم

۹- ای خدایان قابل پرستش، من شما را که توانا اید، و قربانی خویش را منظم می سازید، و نیروی شما پاک است، و در عبادت- گاه معتكف اید، و مغلوب چیزی نمی شوید، و رهبران دورین (مراسم) میباشید، باسلام و احترام تعظیم میکنم.

۱۰- باشد آن که جلالش در فزونی است، مارا هدایت کند تا همه بیدادگری ها نابود (ناپدید) شود؛ آنها (یعنی: ورونا، و میترا، و اگنی) که زیاد نیرومندند، و راستی را بجای آورند و به کسانی که همیشه آن ها راستایش میکنند، وفادارند.

۱۱- باشد که آنها (یعنی: اندرا، و زمین، و پوشان، و بهکه، وادیتی، و آن پنج گروه^(۱)) موجودات منازل مارا فزونی بخشند. باشد که آن ها به ما شادی، و روزی عطا فرمایند، و به نیکی هدایت کنند، و مدافعان، و حافظان خوب ما باشند.

۱۲- باشد که تقدیم کننده این نذر، «بهردواج» همان گونه که از لطف شما، ای خدایان استدعا دارد، هر چه زودتر به یک منر لگاه آسمانی برسد؛ برپا دارندۀ این تشریفات (مراسم) با- همکاران نیکو کار خویش، در آرزوی ثروت، مجمع خدایان را تجلیل مینماید.

۱۳- ای «اگنی»! دشمن شریں، و خطاکار، و بدخواه ما را دور

(۱) یعنی: پنج نژاد یا پنج دسته از مردم و یا پنج قبیله آریائی.

آنان که همیشه جوان، و نیرومند، و در همه جا حاضرند،
پیشوایان آسمان، فرزندان «آدیتیا» (هستند)؛
من به «آدیتی» که در اثر پرستش من، بر سر لطف آمده، پناه

می برم.

۵ - ای پدر «آسمان»، وای مادر «زمین»، وای برادر
«اگنی»، و شما ای «واسو» ها! ما را شادی بخشید؛ و شما همه ای
فرزندان آدیتیا ها، و تو ای «آدیتی» با خرسندی به ما برکت
بخشید.

۶ - شما ای خدایان قابل پرستش، ما را زیر دست راهزن،
و همسر او، و هر که قصد آزار ما را دارد؛ قرار مدهید؛
چون شما ناظم شخصیت، و نیرو، و سخن ما می باشید.

۷ - مبدا که ما برای گناه دیگران به کیفر برسیم؛ ای واسوها!
ما را از انجام دادن کارهایی که شما منع کرده اید، بازدارید.
ای خدایان جهانی که بر این جهان حکم فرمائید، کاری
کنید که آزارهای دشمن من به خود او برگردد.

۸ - تعظیم سزاوار (خدایان جهانی) تواناست، من تعظیم خود
را به آنها تقدیم میدارم، تعظیم (سزاوار) نگاه دارنده زمین، و آسمان
راست، تعظیم به خدایان باد، تعظیم بر همه آنها حاکم است، من
با تعظیم خویشتن را از هر گناهی که مرتکب شده باشم، پاک
می سازم

ستایش: و شودیوها

۱ - ای «واجه» ها ، و «ریبهو کشن» ها ، ای خداوندان نیرو؛
باشد که اربابۀ وسیع ، و قابل تمجید ، و بلا مانع شما ، شما را به
اینجا بیاورد؛

ای زیبا زرخان، از آن نذور مُر کبّ از سه چیز ، و «سوما» ی
فراوان که هنگام قربانی های ما برای نشاط شما (ریخته می شود)
سیراب شوید .

۲ - شما ریبهو کشن ها ، ناظران عرش (گنج های) گرانبهای
بی نقص را برای ما که (تقدیمی های قربانی را) جاری می سازیم
حفظ کنید ؛

شما که مالک نیرواید ، هنگام مراسم (ما) سیراب شوید ، و
بافکر (موافق) ما را ثروت بخشید.

۳ - تو ای «مگهون» که مُقسّم کم و بیش ثروت هستی، و هر دو
دست تو مملو از گنج است ، و (وعده های) صمیمی گنج بخشی تو
مانع از آنها نیست .

ساز، وای حامی نیکوکاران ما را برکت ده .

۱۴ - ای سوما ، سنگ های آسیای ما نگران دوستی تو است ؛ «پنی» خونخوار را هلاک کن ، چون براستی او گرگی است .

۱۵ - ای خدایان ، شما که جوانمرد ، و مشهورید ، با «اندرا» که سرور شما است در راه با ما باشید ، تا ما را حمایت کنید ، و شادی بخشید .

۱۶ - ما با کامیابی بی آن که مواجه با بدی شویم ، از این راه گذشته ایم ،

آن راهی که از مخالفت احتراز می شود ، و ثروت بدست می آید . (۱)

(ماندالای ششم - سرود ۵۱)

(۱) در متن اصلی وزن این قطعه با سایر قطعات این سرود فرق دارد و ظاهراً قطعه اخیر بمنزله دعا است .

۸ - باشد که ثروت قابل ستایش «سویتری» به‌سوی ما آید ،
 ثروتی که پاروته^(۱) بخشنده‌ آنست ،
 باشد که آن حامی آسمانی ، همیشه ما را حفظ کند ، و شما
 (ای خدایان جهانی) همواره ما را برکت بخشید.
 (ماندالای هفتم - سرود ۳۷)

(۱) پاروته Pārvala : کوه نشین ، کوهستانی ، صاحب کوهستان ها . بنابر
 اساطیر هندو پاروته نام همسر شیوا دختر «هیمونت Himavanta» است .

۴ - ای اندرا، تو که «ریبزو کشن» هستی، وبه ویژه مشهوری،
ومیل بغذا داری، و (آرزو هارا) بر آورده میسازی، به منزله نگاه پرستنده
خود بیا .

ای خداوند اسبان سمند ؛ باشد که ما «واشیست» ها امروز
(تقدیمی هارا) به حضور تو آوریم، و برپا سازندگان ستایش تو
باشیم .

۵ - ای خداوند اسبان سمند (تیزرو) ، توئی بخشنده (ثروت)،
فرو فرستاده بدهندگان (ندور) که با مراسم مقدس آن ها تو تعظیم
یافته ای ؛

آن گاه که تو به ما ثروت می بخشی ، و ما را با حمایت خاص
خویش در امان نگاه میداری.

۶ - ای اندرا ، در آن وقتی که تو ستایش ما را می پذیری ،
ما پرستندگان را در منازل خویش قرار میدهی ؛ اسب تیزرو تو (در
اثر) سجده های رسمی، ثروت، و فرزندان نرینه، و روزی به خانه های
ما بیاورد .

۷ ای اندرا ، ای نگاه دارنده سه جهان که نیریتی^(۱) الهی
به سلطنت او معترف است ، و سالهای بسیاری بر آن میگذرد ، و
موجودات فناپذیر به خانه او راه ندارند ، نزدیک میشود تا نیروی
ضعیف شده خویش را (تقویت نماید).

(۱) نیریتی Nirriti الهه مرگ و ویرانی .

(پرستندگان) صمیمی خویش نشان دهند .

۷- ای اشوین ها که در شما هیچ خلاف حقیقتی نیست، ای «رودرا» ها ، از راه (مستقیم) به سوی قربانگاه بروید که (در آنجا نذر) حاضر میشود تا رهبران (مراسم مقدس) آنرا بنوشند، و در عوض (بتقدیم کننده نذر) گاو، و اسبان عطا شود.

۸- ای بارندگان ثروت ، چنان (مالی به ما عطا فرمائید) که بدخواه یا دشمن - خواه نزدیک ، و خواه دور - نتواند (آن را از ما) بگیرد .

۹- ای «اشوین» های 'مضمم'، برای ما اموال از هر نوع، و ثروتی 'مولد' (ثروت) بیاورید .

۱۰- باشد که «اندرا» همه خطرات بزرگ، و مقهور کننده را از میان بردارد ؛ چون او مضمم است ، و حافظ همه میباشد .
۱۱- هرگاه «اندرا» به ما شادی بخشد، بدی در عقب ما نخواهد بود؛ (بلکه) خوبی در جلو ما خواهد بود.

۱۲- باشد که « اندرا » نگاه دارنده همه، و مغلوب کننده دشمنان از هر سو برای ما امنیت برقرار کند.

۱۳- ای خداوندان کیهانی ، به اینجا بیایید ، و این دعای مرا بشنوید ، و در روی این چمن مقدس بنشینید.

۱۴- این (شربت) تیزطعم خوشگوار، و شادیبخش را «شونه هوترا» ها برای شما (حاضر کرده اند) ، آنرا بر غبت بنوشید .

ستایش : خدایان مختلف

- ۱- ای «وایو»ی صاحب هزار ارا به ، واسبان یراق کرده ، بیا
وشیره «سوما» بنوش.
- ۲- ای وایو به اسبان یراق کرده نزدیک شو، این (شیرۀ)
درخشان مورد قبول تو واقع شده است، چون توبه خانه تقدیم کننده
نذور میروی.
- ۳ - ای رهبران (مراسم)، ای «اندرا» ، و «وایو» ، خداوندان
دسته اسبان ، امروز بیائید واز مخلوط شیر، وشیره خالص «سوما»
بنوشید .
- ۴ - این نذر به شما تقدیم میشود ، ای متیرا ، و ورونا ، ای
پرورندگان حقیقت ؛ دعاهاى کنونى مرا بشنوید.
- ۵ - ای شاهانى که ستم روا نمیدارید ، در این تالار مجلل ،
و زرین ستون بنشینید .
- ۶ - باشد که این دو سلطان جهان ، خوردندگان کرۀ صاف
شده ، پسران : ادیتی ، و خداوندان سخاوت ، لطف خود را به

ستایش : اندرا (بصورت پرنده) (۱)

۱- با تکرار آوای خویش و پیشگوئی آنچه اتفاق خواهد افتاد،
(«کپینجله») جهت خاصی به صدای خود میدهد، همان گونه که
سگانداز، کشتی را هدایت میکند.

ای مرغ نیکبختی ! فرخنده باش ؛ باشد که از هیچ سو به تو
صدمه نرسد.

۲- مبادا باشه و عقابی تورا بکشد ؛ مبادا تیر صیادی بتو
برسد :

چون در ناحیه پدران (نیاکان) آوا برمی آوری ، پیک نیکبختی
باش ؛ ای اعلام کننده خوشبختی ، در این هنگام با ما سخن بگوی.

۳- ای پرنده ای که پیام نیکبختی میدهی ، و خبر خوش
اقبالی میرسانی ، از سمت جنوب منازل ما ، آوا بر آر ؛

(۱) بنابر کریهیه سوتراها Grihya - Sutras این سرود هنگامی که
صدای نا مطبوع مرغی شنیده میشود بطور خفی مکرر باید خوانده شود (شاید
مقصود هنگام تطهیر به بدی است). پرنده ای که در اینجا سرود به آن خطاب
شده کپینجله Kapinjala است .

۱۵ - ای «ماروت» ها که «اندرا» سرور شما است، ای خدایانی که «پوشان» به شما نیکی میکند، همه دعای مرا بشنوید.

۱۶ - ای «سرسوتی»، ای بهترین مادران، ای بهترین رودخانه‌ها، ای بهترین آلهه‌ها، مامانند گذشته شهرتی نداریم،^(۱) ای مادر، مارا تشخص عطا فرما.

۱۷ - ای سرسوتی که آلهی میباشی، و در تو همه موجودات جمع شده است، ای آلهه، درمیان «شونه‌هوتر» ها شادی کن، و مارا ای آلهه، فرزندان، و اخلاف عطا فرما.

۱۸ - ای سرسوتی، ای خداوند روزی فراوان، و آب فراوان؛ از این نذور که «گرتسمد» ها برای قبول تو تقدیم میکنند، و درپیش خدایان گرانبهاست، خرسند شو.

۱۹ - باشد که آن دو (آسمان، و زمین) که به قربانی نیکبختی می‌بخشند (به این قربانگاه) آیند، چون به راستی ما از هر دوشما و همچنین از «اگنی» حامل نذور خواهش می‌کنیم (باینجا بیایید).

۲۰ - ای آسمان، و زمین، امروز قربانی آسمان آرزوی مارا که وسیله بدست آوردن «سورگ» است، به سوی خدایان ببرید.

۲۱ - باشد که خدایان قابل پرستش که در آن ها بدخواهی نیست، امروز در نزد شما دوتا بنشینند و شیرۀ «سوما» بنوشند.

(ماندالای دوم - سرود ۴۱)

(۱) شونه هوترها Sunahotras از خانواده گرتسمد Gritsamada از جمله ریشی های دوره ودائی بوده اند.

خطاب به : اندرا (بصورت پرنده گینجوله) (۱)

۱- مرغانی که در جستجوی طعمه اند ، به تناسب فصل دوره گردی (ورود) خود را همچون برپاکنندگان (مراسم مقدس)، اعلام میدارند .

او مانند خواننده «سام» - (۲) به دو آهنگ، «کایتری» ، و «تریشتپ» - میخواند، و بشنوندگان لذت می بخشد .

۲- ای پرنده ، تو چون «ادگاتر» ی که «ساماودا» می سراید، سرود میخوانی ؛ تو چون «برهماپوتره» هنگام قربانی ها زمزمه میکنی .

مانند اسبی که مادیان نزدیک میشود ، توندای نیکبختی را ازهرسو (به آوای بلند) به ما میرسانی ؛

به آوای بلند، کامیابی را ازهرسو به ما اعلام فرما .

۳- وقتی فریاد بر می آوری ، ای پرنده ، نیکبختی را اعلام

(۱) نوعی کبک یا دراج .

(۲) منظور روحانی ادگاتر Udgatar یکی از رؤسای چهاردسته براهمن است که سرودهای «ساما ودا» را با آهنگ و مراسم خاصی میخواند .

باشد که دزد، و بد خواه بر ما بر نخیزد؛ ما که بر کت اخلاف
 نیکو یافته ایم؛ باشد که تورا چنان که در خور است در این قربانی
 ستایش کنیم.

(ماندالای دوم - سرود ۴۲)

ستایش: واستوشپتی Vāstoshpati (۱)

۱- ای نگهبان خانواده ها ، ما را یاد کن؛ ما را بیمار مساز،
و به ما مدخل سرور عطا فرما .

آنچه از تومی خواهیم ، بار غبت به ما عطا کن ، و چهار پایان
و دو پایان ما را کامرانی بخش .

۲- ای حافظ خانواده، ترقی دهنده ما باش ، ای « اندو » ،
ثروت، گاو، و اسبان ما را افزایش ده .

باشد که ما همواره در دوستی نوجوان بمانیم ، همانگونه که
پدري از پسران خود خوشنود است، از ما خوشنود باش .

۳- با همراهی گرامی تو که سعادت می بخشد ، باشد که ما
پیروز شویم ، ای نگهبان منزل شادمانی ، ما را هنگام آرامش ،
و کار حفظ فرما !

ای خدایان ، با برکت خود ، ما را نگاهداری نمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۵۴)

(۱) واستوشپتی Vāstoshpati : خدای حامی و محافظ خانه .

کن ، هنگامی که خاموش می‌نشینی ، اندیشه های مهربان نسبت
به ما پیروان ؛

چون هنگام پربدن می سرائی ، صدای تو مانند چنگک باشد
تا ما بپرکت اخلاف نیکو برسیم ، و در این قربانی تو را بدان گونه
که سزاواری بستائیم .

(ماندالای دوم - سرود ۴۳) .

- ۵- ای مادر بخواب و بگذار پدر بخوابد ،
 ای سگک و صاحب خانه به خواب ،
 بگذار تاهمه خویشاوندان بخوابند .
- ۶- مردی که نشسته ، و مردی که راه میرود ، و آن که مارا
 نگاه میکند ،
 ما چشم خود را از همه اینها می بندیم ، همانگونه که ما در
 این خانه را محکم میسازیم .
- ۷- آن گاوی که هزار شاخ دارد ، و از دریا برمی خیزد .
 بوسیله آن فرد نیرومند توانا ، ما مردم را آرام میکنیم ، و
 میخوابانیم (۱)
- ۸- زنانی که در حیات خوابیده اند ، یا در بیرون خفته اند ،
 یا در تخت خواب ها غنوده اند ،
 بانوان با عطر مطبوعشان ، اینها ، و همه را ما آرام میسازیم ، و
 میخوابانیم (۲) .
- (ماندالای هفتم - سرود ۵۵)

(۱) ظاهر منظور: از «گاوی هزار شاخ» خورشید (با اشعه آن) است که وقتی
 غروب میکند، مردم میخوابند و یا اینکه منظور آسمان پرستاره می باشد .

(۲) بنا بر اساطیر هندو، هنگامی که «ویشیته Vasishta» سه روز روزه
 گرفت و به امید غذا به خانه «ورونا Varuna» رفت ، سگ پاسبان به خانه او
 حمله برد و او با خواندن این چهار قطعه اخیر سگ را خواب کرد .
 دزدان و کسانی که به خانه ها دستبرد میزنند این دعا را میخوانند تا سکنه
 منزل از خواب بیدار نشوند .

ستایش : واستوشپتی VāstoshPati

- ۱- ای واستوشپتی که بیماری ها را معدوم میسازی، و به هر صورتی درمی آئی ؛ دوست با موهبت ما باش .
- ۲- ای پسر: «سرما»^(۱) وقتی که دندان های جنائی رنگ خود را نشان میدهی ،

مانند سرنیزه ها دردها تو میدرخشد ،
 هنگامی که میخواهی گازگیری : به خواب رو .

۳- ای پسر «سرما» ، از راه خود بر کرد ، و به غارتگر، و دزد پارس کن .

تو به سرایندگان اندرا پارس میکنی ؟
 چرا سعی داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

۴- مواظب گراز باش تا گراز از تو خبر دار باشد ، آیا تو به سرایندگان «اندرا» پارس میکنی ؟
 چرا سعی داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

(۱) سرما Saramā : تازی (سک خانگی) «اندرا» و مادر دود سرمیه ،
 Sarameyas سگهای محافظ اندرا .

۴- یکی از این دو، دیگری را تبریک میگوید؛ چون هر دو از آمدن باران خوشنوداند.

غورباغه خالدار چون خمیس میشود، به جست و خیز در می آید، و با غورباغه سبزه تبریک گفتن میپردازد.

۵- آن گاه که یکی از شما صدای دیگر را تقلید میکند، همان گونه که شاگردی از معلمش؛

و آن وقت که با صدای بلند گفت و گو میکنید، و بالای آب ورمی جهید، آن هنگام بدن شما به رشد خود رسیده است.

۶- يك غورباغه صدای «گاو» دارد، و دیگری صدای «بز»؛ یکی خالدار است، و دیگر سبز؛

اگرچه همه يك نام دارند؛ ولی در رنگ، و صدا متفاوت اند، و در نقاط مختلف خود را نشان میدهند.

۷- همان گونه که «براهمن»ها در گردکاسه لبریز نشسته و در مراسم «سوما» اتی را تره «سخن میگویند؛

ای غوکان شما نیز در پیرامون دریاچه گردآمده اید و از همه سال امروز را احترام کنید که اولین روز فصل باران است.

۸- آن ها به آوای بلند، مانند براهمن ها که نذر «سوما» را برپا میدارند، و دعاهای سالانه را میخوانند، فریاد میکنند.

بسان روحانیون سراینده هنگام تقدیم «کهرمه» غوکان عرق ریزان (درسوراخهای خود) پنهان اند؛ ولی اکنون برخی از

خطاب به : غورباغه ها

۱- غوکان همچون «براهمن» ها عهد خود را نگاه داشته اند، و همه سال را پرهیز کرده اند، و ستایش دلخواه «پرجنیه» را به آوای بلند می سرایند.

۲- وقتی که بر آن ها مانند پوست خشکی که در کف دریاچه گسترده شده باشد، رگبار (از) آسمان فرومیریزد؛ صدای غوکان باهم آهنگی بلند میشود، همچون گاوانی که همراه گوساله های خود صدا میکنند (۲).

۳- چون فصل باران فرا میرسد، و «پرجنیه» باران را می بیند به صدا درمی آید، او را تبریک میگویند، مانند کودکی که با الفاظ بی معنی پدرش را بخواند.

(۱) پرجنیه Parjanya: خدای باران. در ریگ و راسه سرود خطاب به «پرچانیه» است.

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است: چون رگبار از آسمان بر رمل غوکان که در دریاچه (خشک) مانند مشک خالی خوابیده اند فروبارد صدای غوکان برمیخیزد، بسان بعب گاوان هنگامی که به گوساله های خود می رسند.

ستایش : دو «اشوین» Asvins

ای «اشوین» های دراز دست پرورنده اعمال نیک، بادست های دراز شده، غذای (گوشت) قربانی را بپذیرید.

۲ - ای اشوین ها که کارهای بزرگ شما فراوان است، و راهنمای (پرستندگان) می باشید، و صبر، و تحمل به شما عطا شده است، باجمعیت خاطر، به ستایش های ما گوش فرا دهید.

۳ - ای اشوین های (۱) دشمن کذب، و عاری از ناراستی، و پیشرو سنگر قهرمانان، به سوی نذر مخلوط که به روی علف های مقدس درویده، و پاشیده شده است، بیائید.

۴ - ای «اندرا» ی بافر و شکوه، اینجا بیا، این نذور مطهر

(۱) در اینجا در متن سانسکریت بجای «اشوین» نام دیگر آن «ناستیه» Nāsatya بصیغه جمع به کار رفته است. واژه «ناستیه» Nāsatya بگفته برخی از مفسران «ریک ودا» مشتق از Na + asatya (عاری از ناراستی) است و چون بصورت مفرد استعمال شود نام یکی از آن دو می باشد و نام «اشوین» دیگر بنا بر اساطیر هندو: «اشوین» بزرگترین «دسر» Dasra (صاحب اعجاز، کننده کارهای شگفت آور، زیبا، نابود کننده بدکار و شریر) است، اما چون این واژه بصیغه جمع Nāsatyah به کار رود اطلاق بر هر دو اشوین میشود.

آنها ظاهر میشوند .

۹- این رهبران مراسم شعائر خدایان را نگاه میدارند ، و فصول دوازده ماه را مراعات میکنند .

و چون فصل باران از نو فرامیرسد ، آنها که از تف حرارت سوخته اند ، (از پناهگاه خویش) رهائی می یابند .

۱۰- باشد که غوکان گاو آوا، و بز آوا، و خالدار، و سبزرنگ هر يك منفرداً مارا ثروت بخشند ؛

باشد که غوکان در فصل باران حاصلخیز صدها گاو به ما بخشند، و عمر (مارا) دراز کنند .

(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۳)

اندیشان، قربانی ما را پذیرفته است .

۱۲ - سر سوتی با اعمال خویش رودخانه بزرگی پدیدار میکند

(و در صورت خویش) همه ادراکات را روشنی می بخشد .

(ماندالای اول - سرود ۳)

که از فشار انگشتان (روحانیون) به دست آمده ، در اشتیاق تو است .

۵ - ای اندرا که قوه فهم تورا می شناسند ، ودانیان قدر تو را میدانند، نزدیک شو ، و دعا های (روحانیانی) که هنگام تقدیم نذور میخوانند، قبول فرما .

۶ - ای اندرا ، با اسبان سمند (کهر) خویش بتاز ، و به اینجا بیا ، و درین نماز و نذر غذای (تقدیمی) ما را بپذیر .

۷ - ایخدایان کیهانی^(۱) که حامیان و نگاهداران بشرید ، ای بخشندگان اجر ، در این نذور پرستنده خود حاضر شوید .

۸ - باشد که خدایان کیهانی تندرو ، و بارندگان باران ، در این نذر حاضر شوند، همان گونه که نور آفتاب با استقامت در روزها می تابد .

۹ - باشد که خدایان کیسهائی بیزوال عالم و عاری از بدخواهی و صاحبان (ثروت) ، این قربانی را قبول کنند .

۱۰ - باشد که « سرسوتی » پاک کنندۀ روزی بخش ، پاداش دهندۀ عبادات بوسیله گوشت های تقدیمی ما بدین مراسم توجه فرماید .

۱۱ - سرسوتی الهام بخش مشتاقان حقیقت ، و آموزندۀ درست

(۱) دومتن سانسکریت واژه ویشودوا Visvedevāh (همۀ خدایان)

بسیفۀ جمع استعمال شده است .

شده‌ای تا نذر را بنوشی ، و سروری خود را (بر خدایان دیگر)
حفظ فرمائی .

۷ - ای « اندرا »ی مورد ستایش ، باشد که این شیرهای نافذ
سوما در (وجود) تو وارد شود و موجب افزایش هوش سرشار تو
گردد .

۸ - سرود های (سوما) تو را بزرگ ساخته است ، ای
« شت کر تو »، سرودهای (رگ بید) تو را والا (معظم) ساخته است ؛ باشد
که ستایش ما موجب عظمت تو گردد .

۹ - باشد که اندرا حافظ بی مانع ازین غذاهای (گوشت های)
گوناگون (قربانی) که تمام خواص مردانگی در آنها نهفته است ،
لذت برد .

۱۰ - ای اندرا که مورد ستایشی ، مگذار که مردم آزاری
به شخص ما برسانند ، تو که نیرومندی ، ظلم (تعدی) را دور بدار .
(مانند الای اول - سرود ۵)

ستایش : اندرا

۱ - ای دوستان (همکاران) بشتاب ، برای ستایش گرد آئید ،
و بنشینید ، و ستایش «اندرا» را مکرر بسرائید (۱).

۲ - هنگامی که نذر ریخته میشود «اندرا» را که سر کوب
کننده دشمنان زیاد ، و خداوند برکت ، و فراوانی است ، مکرر
ستایش نمائید .

۳ - باشد که او موجب رسیدن بمقصود خود گردد؛ باشد که
او باعث به دست آوردن نعمت شود ؛ باشد که او برای تحصیل دانش
به ما (کمک کند)؛ باشد که او با روزی (رزق) بسوی ما آید.

۴ - بسرائید برای اندرا که دشمنانش در نبرد منتظر او نشوند
تا اسبانش به ارا به بسته شوند .

۵ - این شیره های «سوما»ی پاک و مخلوط با ماست برای
خرسندی نوشنده نذر ریخته میشود.

۶ - ای اندرا ، ای کننده کارهای نیک ، تو نا گهان نیر و مندتر

(۱) این بیت خطاب به سایر روحانیونی است که در مراسم قربانی شرکت
و همکاری دارند .

۵- ما «اندرا» را برای نعمت فراوان (و همچنین) برای مال اندک میخوانیم ، ای اندرا، ای متجدما که صاعقه را علیه دشمنان (ما) بکار میبری .

۶- ای فروبارنده باران ، ای بر آورنده همه آرزوها ، این ابرها را باز فرما ، تو که هرگز به (خواهش) ما بی اعتنا نبوده ای .
۷- هر گونه ستایش اعلی که به دیگرخدایان تقدیم می گردد، (متعلق) به «اندرا»ی رعد آسا نیز هست ، من ستایش سزاوار او را نمی شناسم .

۸- فروبارنده باران ، سرور توانا ، و آن که همیشه مجیب الدعوات است ، مردم را نیرو می بخشد بدان گونه که گاوئر رمة گاو ان ماده را (حراست) میکند .

۹- اندرا ، آن که بر مردم ، و بر ثروت ها ، و نژاد پنج شاخه (جهان) فرمانرواست (۱) .

(۱) بعقیده : «بنفی Benfey» مقصود از «نژاد پنج شاخه» یا «پنج مردم» پنجه جناه Pancha Janāh تمام ساکنان جهان است .
اما بنظر برخی از استادان هندی از عبارت چنین مفهوم میشود که منظور تنها کوچ نشین ها یا طوایف پنج قبیله آریائی هستند و نه مردم بومی سکنه هندوستان . پنج طایفه یا کوچ نشین شاید عبارت بوده اند از اتحادیه «توروشه ها Turvasas» ، و «یدوها Yadus» و «انوها Anus» ، و «دزو هیوها Druhyus» و «پورو ان Purus» .

بنظر «ساینه» منظور کسانی است که لیاقت سکونت را داشته اند و شامل «چهارکاست» و «نیشاده ها Nisādas» یا سکنه بومی می شد . و بعضی گویند هنگامی که این سرود گفته شده هنوز اختلاف کاست ها وجود نداشته است .

ستایش: اندرا

۱ - «اندرا» را خوانندگان با ستایش‌های بلند، «اندرا» را
گویندگان با تمجیدهای خود، «اندرا» را دسته‌سرایندگان تجلیل
میکنند (۱).

۲ - اندرا، مخلوط‌کننده همه‌اشیاء، به‌راستی با اسبهای (۲)
خود که به‌فرمان او یراق میشوند، و دارای زینت‌های گرانبهاست
و صاعقه را چون حربۀ در دست دارد، می‌آید.

۳ - اندرا، برای آن که همه‌چیز را امرئی سازد، خورشید را
در آسمان برافراشت، و ابرها را از آب پر ساخت.

۴ - ای اندرای شکست‌ناپذیر، ما را در جنگ‌ها یاری فرما،
آری در جنگ‌هایی که هزاران غنیمت از آن به دست می‌آید؛ با
یاری‌های مبهوت‌کننده‌ای فرد با مهابت.

(۱) یعنی: نغمه‌سرایان سوما با سرودهای خویش، و خوانندگان «ریچ»
Rich (سرودهای ریگ‌ودا) بادعاهای خود، و روحانیون «یاجوش Yajush» با
متون کتاب، اندرا را ستایش می‌کنند.

(۲) در متن اصلی واژه: اروات Arvat (اسب، اسب‌کورس) بکار رفته

است.

ستایش : ویشودواها Visvedevas

- ۱ - باشد که نیروی موهبت آمیز از هر سو به ما رو آورد ،
نیروی فریب ناپذیر و بی مانع و پیروز .
باشد که خدایان برای خیر ما همیشه با ما باشند ، و همه
روز از ما حفاظت کنند ، و توجه آنها گسستن نپذیرد .
- ۲ - باشد که لطف موهبت آمیز خدایان با ما باشد ، و نعمت ،
و فراوانی خدایان راستکار بر ما نازل گردد .
ما با صمیمیت دوستی خدایان را خواسته ایم ، باشد که خدایان
عمر ما را زیاد کنند تا زندگی کنیم .
- ۳ - ما با سرود باستانی خود آنها را والاتر میخوانیم ،
« بهکه » ، (۱) « دکشه » ی مهربان ، « میترا » ، ادیتی ،
« اریمن » ، « ورونا » ، « سوما » و « اشوین » ها .
باشد که « سر سوتی » با عنایت برکت (به ما) عطا فرماید .

(۱) بهکه Bhaga ؛ یکی از آدیتیاها ، خدای خوشبختی . « یاسکا » او را
از زمره خدایان کره اعلی می شمارد . در ودا او خدای بخشنده مال و بنیاد -
گذار زندگی و زناشوئی توصیف شده است .

۱۰ - ما اندرا را که همه جا در میان مردم حاضر است، برای
شما میخوانیم؛

باشد که او منحصرأ از آن ما باشد، (واز دیگران دور شود).

(ماندالای اول - سرود هفتم)

باشد که همهٔ خدایان برای نگاهداری ما به اینجا بیایند .
 ۸ - ای خدایان، باشد که ما با گوشهای خود آنچه نکو است بشنویم، و با چشمهای خویش آنچه را نکو است بنگریم، ای وجود های مقدس .

با دست، و پا و بدنهای استوار، باشد که ما با تسبیح و تمجید به مدت عمری که خدایان برای ما مقدر کرده اند، برسیم .
 ۹ - صدخزان درپیش روی ما است (۱)، ای خدایان در طی این زمان شما بدنهای ما را خراب، و فاسد میسازید؛ در طی این زمان پسران ما به نوبت خود پدر میشوند، عمر گذران ما را در نیمهٔ راه مگسلید .
 ۱۰ - «ادیتی» (۲) آسمان است، ادیتی فلک است، ادیتی مادر، و پدر، و پسر است .

ادیتی همهٔ خدایان است، ادیتی پنج طبقه (نژاد) مردم است، ادیتی تمام آنچه به دنیا آمده، و آنچه بعد به دنیا می آید است .
 (مانند لای اول - سرود ۸۹)

(۱) در عبارت : «صدخزان درپیش ما است»، طول عمر آدمی صدسال در نظر گرفته شده است.

(۲) ادیتی Aditi : بی نهایت، بی کران، طبیعت، لایتناهی .

۴ - باشد که باد آن داروی مطبوع را به سوی ما بفرستد، زمین که مادر ماست، و آسمان که پدر ماست، آنرا (یعنی: دارو) عطا فرماید، و آن سنگ‌های شادی که شیرۀ سوما را می‌فشارند. ای اشوین‌ها که روح ما شایق شماست، این را بشنوید.

۵ - او را که با عظمت فرمانروائی میکند، و خداوند همه موجودات ثابت، و جنبنده است، و روان را الهام می‌بخشد؛ بیاری بخوانیم.

باشد که «پوشان» فزونی ثروت ما را افزایش دهد، نگاهدارنده ما، و حافظ خطا ناپذیر خیر ما (باشد).

۶ - آن که در اطراف و اکناف مشغول است، اندرا ما را کامیابی بخشد؛

ای «پوشان» که خداوند همه ثروت‌ها هستی، ما را کامیاب ساز؛ باشد که «تارکشیه»^(۱) با چرخ‌های صدمه ندیده، ما را موفق سازد: ای بریهسپتی^(۲) سعادت ما را تضمین (تامین) فرما.

۷ - «ماروت» ها، پسران: «پریشنی» سوار بر اسبان ابلق که با جلال می‌گذرند و غالباً مراسم مقدس را تماشا می‌کنند.

دانشمندانی که زبان آنها «اگنی» است، و چون خورشید رخشانند.

(۱) تارکشیه: Tārksya: معمولاً بصورت اسبی توصیف شده است و محتملاً شخصیت خورشید است.

(۲) بریهسپتی: BrihasPati: خداوند دعا و نماز.

ستایش (اگنی) نیرومند ، و قابل پرستش می باشند .

۳ - خدایان اگنی زیبارا که درمیان (آبهای) رودخانه های جاری (مخفی بود) بمنظور (اقامه) مراسم مقدس پیدا کردند .
تولد اگنی هوشمند ، و پاک ، و قوی ، و مهربان ؛ به آسمان و زمین شادی بخشیده است .

۴ - هفت رودخانه بزرگ ، آن هنگام که اگنی مبارک ، و پاک ، و درخشان زاده شد ، بر نیروی او افزودند ، همان گونه که مادایان ها از کره نوزاد (مواظبت میکنند) ، خدایان بدن اگنی را گاه تولد پرورش دادند .
۵ - او (اگنی) با اندام فروزان در فلک گسترده شده است ، و مراسم را با هوشمندی (و نیروهای) پاک کننده مقدس برپای می سازد ، و شعاری از نور دارد ، و به پرستندگان خود روزی فراوان و کامیابی بزرگ و کاهش ناپذیر می بخشد .

۶ - اگنی در همه جا به (آبهای) نه بلعنده ، و نه بلع شده باز میگردد ، هفت رودخانه جاویدان همیشه جوان که (زادگان) وسیع فلک اند ، و با آن که پوشیده نیستند ، برهنه نیز نمی باشند ، از يك منبع سرچشمه گرفته اند ، و اگنی را چون جرثومه مشترك خود به دست آورده اند .

۷ - اشعه او که در مشیمة آب ها مجتمع شده اند ، باطراف پراکنده می گردند ، و در همه اشکال درین جا هستند ، تا در سیلان

ستایش : اگنی (۱)

۱ - مرا نیروبخش ، ای اگنی ، چون تو مرا حامل «سوما»
 قرارداد ای که آنرا در قربانی تقدیم نمایم .
 من به خدایانی که حاضرند احترام میکنم ، و سنگ را (برای
 فشردن شیرۀ سوما) بر میدارم .
 من آنهارا بر سر آشتی می آورم ، ای اگنی ، شخص مرا حفظ فرما .
 ۲ - ای اگنی ، قربانی موفقیت آمیزی انجام داده ایم ، باشد
 که ستایش من آن گاه که تورا با هیزم و احترام پرستش میکنم ،
 موجب عظمت تو گردد .

خدایان آسمان خواهان عبادت پرهیزکارانی هستند که مشتاق

(۱) سرودهای ماندالای سوم به «ویشوامتر» «Visvamitra» و افراد خانواده
 او منسوب است. خود او بنابر روایات هندوان لااقل گوینده «سوکتا» Sukta ی
 اول و یازدهم است - در تاریخ ادبیات مقدس هندو ویشوامتر جای مهمی دارد .
 گفته اند او در يك خانواده : «کشتریه Kshatriya» (خانواده فرمانروایان)
 تولد یافت اما در اثر پیروی از تقوی و پرهیزکاری در زمره کاست «براهمن»
 درآمد . ماندالای سوم مشتمل است بر ۶۲ سرود .

میخواهد تابه رودخانه‌های خواهر خدمت کند.

۱۲ - اگنی شکست ناپذیر، حامی جنگاوران ، بر همه پیدای،
آن که به نور خورشید میدرخشد ، بوجود آورنده (جهان) ،
جرثومه آبها، سرور پیشوایان، صاحب نیرو ؛
اوست که آبهارا برای تقدیم کننده نذور پیدا کرده (بوجود
آورده) است.

۱۳ - آن تخته (قرص خورشید) مبارك جرثومه خوش اندام ،
و چند شکل، آبها و گیاهان را پدید آورده است .
خدایان با احترام به او نزدیک شدند، و چون زاده شد، (اگنی)
قابل ستایش، و نیرومند را عبادت کردند.

۱۴ - خورشید های نیرومند ، مانند برق های درخشنده با
اگنی فروزان بزرگ درمنزلگاه غار مانند خود همکاری نمودند ،
و آب حیات را در دریای وسیع بیکران میدوشند.

۱۵ - من برپا کننده مراسم با نذور خویش تورا پرستش میکنم ،
و در آرزوی لطف تو ، دوستی تورا می طلبم (التماس میکنم) ؛
با دیگر خدایان حمایت خویش را به آن که ترا می ستاید ،
عطا کن ؛ با اشعه منظم خود ما را حفظ فرما .

۱۶ - باشد که با تقرب به تو ای اگنی بیکخواه ، و با
انجام دادن اعمال مقدس که سبب ثروت است ،

و با تقدیم نذور با صمیمیت و فراوانی طوایف دشمن (بد -

(شیره) شیرین مؤثر باشند .

مانند گاو (شیرده) پرستان (زمین و آسمان) نیرومند پدر
و مادر مناسب اگنی خوش اندام اند.

۸ - ای فرزند نیرو که همه نگاهدار تواند، با اشعه فروزان
و سریع خود میدرخشی؛

آن هنگام که اگنی نیرومند در اثر ستایش عظمت می یابد،
رگبارهای باران شیرین فرو میریزد.

۹ - گاه تولد پستان مادر را می شناخت، و سیلابها و سخن
(رعد) از آن برخاست؛

کسی نبود که او را پیدا کند، با مصاحبان مبارك خود (بادها)
و بسیاری از (آبهای) فلک در لجه پنهان بود.

۱۰ - او جرثومه پدر (فلک) و بوجود آورنده (جهان) را
میپرورد؛ تنها او بسیاری از (گیاهان) نمو کننده را می بلعد؛
عروسان مصاحب آفتاب، (آسمان، و زمین) که به بشر
مهربانند - هردو - از خویشاوندان آن بخشنده (برکت) پاک
می باشند (۱)؛

ای اگنی، همواره آن ها را نگاهدار.

۱۱ - اگنی بزرگ در (فلک) وسیع لایتناهی فزونی می یابد،
چون آبها غذای فراوان می آورند، و او به آرامی در زادگاه آبها

(۱) ظاهراً مقصود آسمان و زمین، یا شب و روز است.

مردم) مستقر میشود ، بوسیله «ویشوامتر»ها برافروخته شده است؛
 باشدما (که مشمول) لطف اوئیم ، همواره در مرحمت مبارك
 (خدای) قابل پرستش باقی بمانیم .

۲۲- ای اگنی نیرومند، (ای کننده) کارهای نیک، این قربانی
 نشاط آور مارا بسوی خدایان ببر .

۲۳- ای اگنی ، به خواننده خویش مانند رزق مقدس گله-
 های گاو عطا فرما که ثروت شکفتانگیز آن پایدار باشد .
 به ما پسری ببخش و اخلاف ما زیاد شود ای اگنی اراده
 مبارك تو درباره ما چنین باشد (۱) .

(ماندالای سوم - سرود اول)

(۱) باشد که در نژاد ما فرزندان ، و فرزندان فرزندان بوجود آید ؛ و باشد
 که لطف تو پیوسته مشمول ما شود .

خواه) را که خدایی ندارند، مغلوب سازی.

۱۷ - ای اگنی ، تو خواننده ستوده خدایانی ، همه مراسم مقدس را می شناسی ،

و به آرامش و وقار در میان موجودات فنا پذیر منزل داری؛
و چون ارا به رانی خدایان را دنبال می کنی (و خواهش آنان را)
انجام میدهی.

۱۸ - موجود جاویدان در منزل گاه فنا پذیران نشسته ، و
قربانی های (آنان را) بعمل می آورد:

اگنی دانا بر همه مراسم مقدس است ، و چون با کره صاف
تغذیه میشود، حشمش فزونی می یابد ، و میدرخشد.

۱۹ - تو که بزرگ و در همه جا حاضری ، بادوستی و برکت
ویاری های نیرومند، بسوی ما بیا؛

و ثروت های بزرگ آسیب ناپذیر و خوش نام و مطبوع و مشهور
به ما عطا فرما .

۲۰ - ای اگنی باستانی، من این نیایش های ابدی و نوین را
به تو خطاب میکنم ،

این قربانی های مقرر ببخشنده نعمت ها تقدیم میشود ،
آن که در هر تولدی (در میان مردم) مستقر می گردد ، و
به همه موجودات داناست .

۲۱ - «جات ویداس» زوال ناپذیر که در هر تولد (در میان

شیرهٔ «سوما» حاضر است .

ای نیرومندان در این قربانی ما شادی کنید .

۵- چگونه است که اوبی مهار و ستون با آن که بسوی پائین

مایل است ، فرو نمی افتد ؟!

با چه نیروی درونی (ذاتی) حرکت میکند ؟

که او را دیده است ؟

او گنبد آسمان را نگاه میدارد - ستون نیکو برافراشته‌ای .

(ماندالای چهارم - سرود ۱۴)

ستایش: اگنی

۱- خدا حتی ، « اگنی جات ویداس » نگریسته تا بامداد
پگاه را که باقر و شکوه میدرخشد ، دیدار نماید .

شما که سفرهای دور میکنید ، با ارابه خود به این قربانی
ما بیائید ، ای « ناستیه » ها .

۲- (خداوند) «سویتری» که جهان آفرینش را نور می بخشد ،
درفش خویش را برافراشته است ، و بدینوسیله اشعه آفتاب حضور
خود را آشکار می نماید .

«سوریه» فلک ، و آسمان ، و زمین را پر ساخته است .

۳- صبحدم سرخ فام ، سوار بر روشنایی پیش تاخته ، و با
اشعه شادگون ، و نیرومند خود را نمایان ساخته است .

سپیده دم بر ارابه نیکوی آراسته خویش (یعنی ؛) آلهه که
مردم را با سرود بیدار میکند ، نزدیک میشود .

۴- باشد که آن قویترین اسبان ، ارابه شمارا ، ای اشوین ها
در طلوع صبح به اینجا آورند ؛ در اینجا برای رفع عطش شما

ستایش: اگنی

- ۱- اگنی با (بوسیله) هیزم مردم بیدار میشود تا سپیده دم را که مانند گاوی (شیرده) ، می آید ، ملاقات کند .
مانند درختان جوان که شاخه های بلند خویش را بر می افرازند
شعله های او به طرف گنبد افلاك بر می خیزد .
- ۲- (مرد) روحانی بیدار میشود تا خدایان را پرستش کند .
بامدادان «اگنی» رؤف بر خاسته است ؛
بر افروخته و نیروی رخشان او آشکار شده ، و آن خدای
بزرگ از ظلمت رهائی یافته است .
- ۳- آن گاه که صف ملازمان خود را بر انگيخته ، اگنی پاك
با شیر خالص تدهین شده است .
پس تقدیمی نیرو بخش مهیا گشته است ، و او ایستاده بازبان
منبسط آنرا مینوشد .
- ۴- ارواح پاکان هم به سوی اگنی متوجه است ، همان گونه
که همه چشم ها به سوی: «سوریه» .

مناش: «وایو Vayu»، و «اندرا Indra»

۱- ای «وایو» (شیرهٔ سومای) درخشان و بهترین گوشت‌ها
در این مراسم بتو تقدیم میشود.

بیا، وازین شیرۀ سوما بنوش،
ای خداوند دلخواه (سوار) بر ارابهٔ خود که دو اسب آنرا
میکشند، بیا.

۳- ای «اندرا»، وای «وایو»، شما توأمان نیرومند که با
یکدیگر میتازید، و خداوندان قدرت میباشید،

با اسبان خویش به یاری ما آئید، تا شیرۀ سوما را بنوشید.

۴- (با) آن اسبان دلخواهی که شما برای پرستندگان خود
دارید، ای قهرمانان، به سوی ما روی آورید،

ای «اندرا» و ای «وایو»، این قربانی بشما تقدیم میشود.

(ماندالای چهارم - سرود ۴۷)

۹- ای اگنی ، تو باشتاب بر همه میگذری، و بر هر که ظاهر شوی ، از همه زیباتری .

زیبای شکفت آور ، قابل ستایش ، درخشان ، مهمان مردم ، و عزیز خلق .

۱۰- برای تو ای جوانترین خدایان ، برای تو ای اگنی ، مردم ازدور ، و نزدیک خراج می آورند .

دعای اورا که تو را ببهترین وجهی ستایش میکند ، بشنو ، اگنی بزرگ والای مبارک پناهگاه تو است .

۱۱- امروز ای اگنی ، با جلال بر ارابه زیبای خود سوار شو ، و مقدسین در اطراف تو باشند .

تو که راه های هوایی فضای وسیع را میشناسی ، خدایان را به این جشن و نذور ما بیاور .

۱۲- به آن دانشمند قابل ستایش نیرومند قادر ، ما سرود های ستایش و بندگی خود را میسرائیم .

« گویش تهره »^(۱) بادعا این (سرود) بلند آوای ساطع را بسان نور زرین که بر آسمان برخیزد به سوی اگنی بالا برده است .

(ماندای پنجم - سرود اول)

(۱) « گویش تهره Gavishthira » : نام یکی از دو « ریشی » سراینده این

« سوکتا Sukta » است ، و نام ریشی دیگر « بودهه Budha » میباشد .

آن هنگام که هردو سپیده دم رنگا رنگ او را حمل میکنند
در آغاز روز بسان اسب سفید نیرومندی بر می جهد .

۵- در آغاز روز آن فرد شریف تولد یافته، وبا رنگی سرخ
در میان هیزم نیکوچیده قرار گرفته است .

اگنی همچون روحانی ماهری در (مراسم) عبادت نشسته، وهفت
گنج پرمایه او (۱) در هر خانه ای وارد میشود .

۶- اگنی مانند روحانی ماهری در آغوش مادر خود که محل
معطری می باشد، نشسته است .

برنا، و وفادار، و دانشمند، و سرور بر عدهٔ بیشمار، در میان
جمعی که از آنها نگاهداری میکند، بر افروخته است.

۷- این سرایندهٔ عالی هنگام قربانی ها (یعنی:) اگنی روحانی
را با نیایش تجلیل میکند .

آن که قانون ابدی را در دو جهان پراکنده کرده است، او
را با روغن تدهین میکنند - مانند اسبی نیرومند که هرگز شکست
نمی خورد .

۸- آن دوست ستودهٔ خانواده در منزل خود ستایش شده
است، او را که مهمان محترم ماست، دانشمندان ستوده اند،

آن که نیروی گاو هزار شاخ دارد (۲)؛

ای اگنی، قدرت تو از همه برتر است .

(۱) یعنی: مال و دولت و هر نوع ثروتی .

(۲) در اینجا ظاهراً منظور از «اگنی»، «خورشید» است با اشعهٔ بیشمارش.

آری آسمان ، و زمین در شهرت و افتخار ازین فرد جوان
(اگنی) پیشی نگرفته است .

۵- ای اگنی، با شتاب بسوی ما بیا، و با افتخار ثروت های
گران بها بیاور .

پس ما ، و این بزرگان ما ، برای خیر همه، جمع خواهیم شد،
در جنگ نزدیک باش تا ما را کاهروا سازی .

(ماندالای پنجم - سرود ۱۶)

ستایش: اگنی

۱ - در شعاع نور، نیروی بزرگی نهفته است ، ستایش اگنی را بسرائید، ستایش آن خدا را .

آن که مردم او را مانند: «میترا» با مدایح خویش در بالاترین مقام جا داده اند .

۲ - آن که با جمال بازوان (دست‌های) خود روحانی هر مرد توانائی است .

اگنی نذر را مستقیم (به خدایان) میرساند، و مانند: «بهگه» نعمت‌ها و برکت‌های خود را می‌بخشد .

۳ - همه (چیز) بسته به ستایش و دوستی آن خدای دولت‌مند شعله‌ور است ،

مردم نیروی بزرگی به آن بلند آوا داده‌اند، همانگونه که بر دوستی وفادار .

۴ - پس باشد که اگنی با بخشش فراوان و نیروی پهلوانی ، دوست، اینان باشد .

مناجیس اندرا، واگنی

۱ - مرد فنا پذیری را که شما دو نفر: اندرا، واگنی - در جنگ - یاری کنید، راه خود را بسوی ثروتی که به نیرومندی حفظ میشود، باز مینماید؛ همان گونه که «تْرِیته»^(۱) راه خود را از میان نیزار باز میکند.

۲ - آن دو غلبه ناپذیر در جنگ را که سزاوار شهرت در آشوب و غوغا می باشند، و خداوندان پنج مردم^(۲) اند (یعنی: اندرا، واگنی) ما میخوانیم.

۳ - قدرت آن ها شدید است، و برقی که از اسلحه این دو نیرومند می جهد، شکافته است که باشتاب با ارا به برای خاطر گاوان بسوی کشنده «وریترا» میرود.

۴ - ای اندرا، واگنی، ما هر دو شمارا بدینگونه میخوانیم

(۱) تْرِیته Trita آپته Trita Aptia نام خدا یا یک شخصیت الهی

دوره قدیم ودائی است که معمولاً با اندرا رابطه دارد.

(۲) ظاهراً منظور پنج قبیله مردم آریائی است.

ستایش : اگنی

۱- ای اگنی، نزدیکترین دوست ما باش ، ورهاننده مهر بان ،
و رفیقی رؤف .

۲- ای اگنی والانباز ، به ما نزدیک شو ، و ما را ثروتی که
به نیکوئی مشهور باشد، عطا فرما .

۳- پس ما را بشنو ، و برین خواهش ما گوش فراده ، و ما را از
هر مرد گناهکار دور ساز .

۴- پس ما بسوی تو، ای رخشان تر از همه ، ای خدای منیر،
می آئیم تا برای دوستان خود شادمانی طلب کنیم .

(ماندالای پنجم - سرود ۲۴)

سنایش : ماروت ها (Maruts)

- ۱- به «ویشنو»، به آن توانا که ماروت ها، از او پیروی میکنند سرودهای منظور خود را تقدیم نمائید ، او یا مروت (۱) ؛
به آن دسته نیرومند مهاجم که به بازوبند مزین میباشند ،
و با شادی حمله میکنند، و برای نیرو می خروشدند .
- ۲- آنها که با توانائی نمایان اند ، و از روی رغبت و به دانش خویش آن (حقیقت) را بیان کرده اند ، او یا مروت .
ای ماروت ها، این نیروی شما و رای ادراك دانش است ، بواسطه عظمت بخشش آنها چون کوه ها پا برجا هستند .
- ۳- آنها که چون زبور می سرایند، از عرش اعلی شنیده میشوند؛
آن افراد نیرومند درخشان، او یا مروت ؛

درمنز لگاه آنها قویتری نیست که آنها را بیرون کند ، برق

(۱) او یا مروت Evayāmarut : در معنی این کلمه اختلاف فراوانی میان مفسران ریگ وداست . بعضی آنها نام سراینده این سرود دانسته اند، و بعضی دیگر بمعنی : ای «ویشنو» ، و ای «ماروت» ، و دیگر آنها : ای ماروت های شتابان معنی کرده اند . و برخی تصور نموده اند که «ماروت شتابان» صفت «ویشنو» است که رئیس «ماروت» ها میباشد .

تا ارا به های خود را بفرستید.

ای خداوندان نعمت زودرس (سریع الوصول)، شما که میدانید
و دوستان بزرگ سرود می باشید.

۵ - اینان که روز به روز فزونی می بخشند ، و خدایانی که
با مردم حیل و تزویر ندارند، اینان که لایق اند ؛
من بیش از همه این دو خدای شریک را برای اسب خسود
تجلیل مینمایم.

۶ - بدین سان نذر نیرو بخش به اندرا ، و اگنی تقدیم شده
است ، مانند کره که بوسیله سنگ ها صاف شده باشد.

به پادشاهان ما شهرت عطا فرمائید ،
و به آنها که ستایش شمارا می سرایند ، ثروت بخشید ،
و به آنها که شمارا ستایش میکنند ، روزی بخشید .

(ماندالای پنجم - سرود ۸۶)

- ۸- ای مروت‌ها، چون روحی دوستدار به سوی ما آئید، وستایش
 آنرا که شمارا میخواند، بشنوید، او یا مروت؛
- بسان مردان ارا به سوار که با «ویشنو»ی توانا هم فکرنند با
 اعمال شگفت آور خود دشمنی را از ما دور دارید.
- ۹- شما ای افراد مقدس، در (مراسم) قربانی مایبائید، و آنرا
 برکت دهید، و دیوان را از آن دور نگاهدارید، صدای ما را
 بشنوید، او یا مروت؛
- شما که همچون کوه در میان فضای جو از همه والا ترید، شما
 ای دانشمندان، به بدخواه این مرد بی امان باشید.
- (ماندالای پنجم - سرود ۸۷)

های آن‌ها چون آتش است که رودخانه های خروشان را به هیجان درمی آورد .

۴- آن که با قدم‌های قوی از منزلگاه وسیع پیش می‌خرامد (۱)
 « او یا مروت » خانه آنها یکی است ؛

وقتی که او شخصاً اسبان قوی زیبای خود را در اوج لکام میزند، با قهرمانان پیش می‌آید ، و شادی می بخشد .

۵- مانند غرش عظیم شما (ابر) باران ریز برق‌زای نیرومند شتابان همه را به لرزه درآورده است ، او یا مروت ،

با آن شما پیروزمندان درخشان پیش می‌تازید، با لکام‌های قوی ، ویراق زرین هجوم آور و مسلح .

۶- عظمت شما بی‌کران است ، شما ای صاحبان نیروی بزرگه ؛
 باشد که قدرت درخشان شما، پشتیبان ما باشد، او یا مروت ؛

چون شما یاران آشکارهنگام زحمت (سختی) می‌باشید ، بسان آتش‌افروزان ، ما را از شرمساری ، و توهین نجات بخشید .

۷- باشد که «رود را» های جنگاور نیرومند ، او یا مروت ،
 با رخسندگی زیبا مانند آتش حافظ ما باشند ؛

آنها که منزلگاه زمینی ایشان پهن گسترده شده است ، و
 هیچکس بر آنها ظن گناه نمیبرد، و گروه آنها دارای کمال شجاعت
 میباشد .

(۱) ظاهرأ منظور ویشنو است .

۳- گاه او عقیم است ، و گاه فرزندی می آورد ، حتی وقتی که اراده کند شکل خود را تغییر میدهد .

نطفه پدر بر مادر فرو می ریزد، و از آن پدر و فرزند تغذیه میشوند (۱) .

۴- از او همه موجودات زنده حیات خود را می یابند ، و سه آسمان با آب های جاری سه گانه .

سه منبع (مخزن) آب که ذخایر خود را فرو می ریزند، نهرهای شیرین خویش را با زمزمه در اطراف او جاری می سازند (۲) .

۵- باشد که این سرود من به دل پر جنبه خداوند خودرخشان نزدیک شود ، و موجب شادی او گردد .

باشد که ما رگبارهای لذت زا به دست آوریم ، و گیاهانی که خدا آنها را حفظ فرموده با ثمرات نیکو .

۶- او «گاونر همه» (۳) است، و همه را آ بستن می سازد، زندگی

همه اشیاى ثابت و متحرك به دست اوست .

(۱) برخی از مفسران ریگ ودا بر آنند که مراد از عبارت: «گاه او عقیم است» اینست که گاهی از ابر باران نمی بارد . و مقصود از «پدر» «آسمان» واز: «مادر»، «زمین» واز «نطفه»، باران است که موجب باروری زمین میشود و چون محصول زمین بصورت نذر در آید، دوباره با آسمان بر میگردد، بدین جهت میگوید که پدر و پسر از آن تغذیه میشوند .

(۲) گفته اند مراد از «سه مخزن» ابرهای مشرق و مغرب و شمال است.

(۳) شاید مراد از «گاونر همه» در اینجا گیاهان باشد .

خطاب به : پرجنیه Parjanya

- ۱- سه کلمه را بگو (بخوان)، کلماتی که روشنائی بر آن مقدم است که این پستان را می دوشد .
 به سرعت آشکار ساز ، گاوی که نعره بر آورده و جرثومه گیاهان، و کودك را به وجود می آورد (۱).
 ۲- ای نموّ بخشنده به گیاهان ، ای خدائی که بر آبها، و همه موجودات متحرك حكومت میکنی ،
 پناهگاه سه حافظی برای ما مهیا ساز ، و روشنائی سه شاخه برای كمك و دوستی ما (۲) .

(۱) بنا بر نوشته بعضی از مفسران ریگ ودا ، منظور از « سه کلمه » در این سرود متنون « سه ودا » (ریگ ودا ، یا جیور ودا ، ساما ودا) است ؛ و مقصود از « روشنائی » کلمه مقدس : « اوم OM » است که پیش از وداها می آید و قبل از تلاوت بیدها خوانده میشود . ولی بیشتر احتمال داده شده که در این سرود منظور از « سه کلمه » صدای « پرجنیه » یعنی : « رعد » است که در آسمان ، وجو ، و زمین می پیچد ، و مقصود از عبارت « روشنائی » که بر آن مقدم است « برق » میباشد ، و منظور از « پستان » ریزش باران مطبوع از ابر ، و مراد از « گاو » « پرجنیه » است ، و منظور از « کودك » ، « اکنی » است که بصورت برق ظاهر میگردد .
 (۲) ظاهر آ : « روشنائی سه شاخه » اشاره به تقسیمات روز و فصول سال است .

خطاب به : پرجنیه Parjanya (۱)

- ۱- سرود، وستایش : «پرجنیه»، پسر آسمان را به سرائیم که
 نعمت باران را می فرستد ؛
 باشد که چراگاه ما را سیراب سازد .
 - ۲- «پرجنیه» خدائی است که درماده گاوان ، و مادیان ها
 و گیاهان زمین ؛ و در زنان جرثومه حیات را تشکیل میدهد .
 - ۳- در دهان او نذور پر شیرۀ لذیذ بریزید .
 باشد که همیشه ما را روزی دهد .
- (ماندالای هفتم - سرود ۱۰۲)

(۱) پرجنیه Parjanya : ابر به ویژه ابر بارانی ، خدای طوفان ،
 خدای ابر بارانی ، خدای باران .

باشد که این مراسم ، مرا ناصدمین پائیز نجات بخشد (۱).
 ای خدایان ، مارا بابرکت بیش از آن نگاهداری فرمائید.
 (ماندالای هفتم - سرود ۱۰۱)

آن «واک» را آوردند، و در بسیاری از جاها قرار دادند، و هفت سراینده (خواننده) آهنگ های وی را به اتفاق به صدا درآوردند. (۱)

۴ - يك نفر هرگز «واک» را ندیده، مع هذا اورا می بیند، يك نفر اورا می شنود، ولی هرگز اورا نشنیده است.

اما به دیگری او خود را با جمال خویش می نماید، همان گونه که زن خوش لباسی به اشتیاق خود را به شوهر نشان میدهد. ۵ - یکی را کودن می نامند، و در دوستی بلیداست، هرگز او بکارهای رادمردی تحریص نمی کند.

او در خطای باصره بسی فایده سرگردان است؛ صدائی که او می شنود برایش گل، و میوه ای ندارد.

۶ - آن که دوست گرامی خود را رها ساخته، و حقیقت دوستی را نمیداند، سهمی از «واک» ندارد.

حتی وقتی آنرا (واک) میشنود، بیپوده گوش داده است، او چیزی از طریقه اعمال راستی نمیداند.

۷ - دوستانی که به آنها یکسان گوش، و چشم بخشیده شده

(۱) بنا بر گفته مفسران ریگ ودا مراد از عبارت: «در درون ریشی ها یافتنند» این است که مردم در طی قربانی درك کردند که تنها ریشی های الهام یافته معنی سخن را بمنظور مقاصد مذهبی می فهمند. و منظور از جاهای بسیار روحانیون هوترها Hotars اند. بنظر «ویلسون» منظور از هفت خواننده، هفت بحر (وزن) گایتری Gāyatri و غیره میباشد.

خطاب به: گیانم Jnānam (دانش) (۱)

۱ - وقتی «بریهستی» که به همه اشیاء نام بخشید، نخستین و ابتدائی ترین تلفظ: «واک» را فرستاد،

آنچه عالی و بی عیب در درون آنها ذخیره شده بود، با محبت آشکار گردید. (۲)

۲ - هنگامی که مردم آرد را در غربال می بیختند، دانیان در روح سخن (زبان) را آفریدند.

دوستان علائم دوستی را می بینند، و تشخیص میدهند؛ سخن آنان علامت مبارک را در خود نگاه میدارد.

۳ - با قربانی خط سیر «واک» را دنبال کردند، و جای اورادر درون «ریشی» ها یافتند.

(۱) گیانم Jnānam (گیان Jnāna) : در لغت سانسکریت بمعنی: «دانش» است، و در اینجا بنابر عقیده: «ساینه Sāyana» این واژه بمعنی دانش حقایق عالیة مذهب Parama brahma Jnānam می باشد که بشر را ارفطرت خود او و طریق وصول به روح اعلی آگاه میکند.

(۲) واک Vāk: مقصود از «واک»، «صدا» یا «سخن» است، و در اینجا منظور «کلام مقدس» می باشد.

یکی مزبور مقدس را در آهنگ: «شکوری» (۱) می‌سراید .
 دیگری که «براهمن» است داستان (افسانه) وجود را میگوید ،
 وقواعد قربانی را وضع میکند . (۲)

(ماندالای دهم - سرود ۷۱)

(۱) شك وری Sakvarī: یکی از بحور (در علم عروض) - نام نوعی اشعار یا
 سرود بویژه اشعار مها نامنی « Mahā Nāmnī » متعلق به «شاکور سامن
 Sākvara-sāman» .

(۲) مراد از عبارت: «نشید اشعار»، تلاوت سوکتهای Suktas (سرودها)
 ریگ ودا که از جمله وظایف «هوتر»ها میباشد . مقصود از عبارت «مزبور مقدس»
 گایترا Gāyatra یا سامن Saman است . و منظور از «سراینده آنها»، ادکاتر
 Udgātar یا خواننده هائی می‌باشند که یکی از چهار دسته اصلی روحانیون را تشکیل
 میدهند . و مراد از عبارت «داستان وجود» دانش بتمام کائنات است . مقصود از «وضع
 قواعد» دستور و ترتیب انجام دادن قربانی است که وظیفه «ادهورج Adhuvaryu»
 می‌باشد .

این سرود مشکل ترین سرودهای ریگ ودا میباشد و از نظر ادبی جنبه
 شاعرانه آن بسیار قابل توجه است .

در روح خویش دارای سرعت‌های مختلفی هستند.

بعضی چون صبح‌هایی می‌باشند که به‌دهان ، و شانه‌میرسند،
و دیگران بسان حوض‌های آبی‌اند که در آن تر را می‌شویند.

۸ - وقتی «براهمن»‌های مهربان بایک بارقهٔ فکری که از قلب
برخاسته است، بایکدیگر قربانی میکنند؛

آن‌ها در راه نیل بمقاصد خود یکی را عقب می‌گذارند ، و
بعضی که به‌صورت «براهمن» آمده‌اند در جای دیگر سرگردانند (۱).

۹ - آن مردانی که نه‌عقب می‌روند ، و نه جلو می‌آیند ، و نه
براهمن‌اند ، نه مهیا کنندگان نذور؛

و بطریق گناهکاران به «واک» رسیده‌اند، نخ خویش را مانند
پیره‌دختران در نادانی می‌ریسند. (۲)

۱۰ - همهٔ دوستان از آمدن پیروزمندانۀ دوست خود که در
اجتماع غلبه یافته است، شادی میکنند.

اوست که ملامت را از آن‌ها دور میکند ، و آن‌ها را روزی
می‌بخشد، و آماده، و در خور اعمال پهلوانی است.

۱۱ - یکی هم خود را دائماً صرف نشید اشعار میکند ، و

(۱) برخی از بیدانان گفته‌اند مراد از عبارت : « بعضی که بصورت براهمن
آمده‌اند ، کسانی هستند که ادعا میکنند «براهمن» اند .

(۲) بعقیدهٔ بعضی از مفسرین مقصود از عبارت : « مردانی که نه عقب
می‌روند، و نه جلو می‌آیند » کسانی هستند که در مراسم و شعائر دینی شرکت نمی‌کنند.
برخی بجای پیره‌دختران (دختران ترش شده) ، « زنان ریسنده » ترجمه
کرده‌اند .

او از راه دور به اینجا می آید، و همه گناهان را دور میسازد.
 ۴- سویتری قابل پرستش پرشعاع که قادر است تاریکی را از جهان (بزداید) برارابه خویش که در آن نزدیکی ایستاده، سوار است.
 (ارابه او) با زیورهای کوناگون زرین بسیار مزین می باشد،
 و یراق های آن طلائی است.

۵- اسبان سفیدپا که بایوغ زرین به ارابه او بسته شده اند،
 روشنائی را به نوع بشر آشکار میکنند.
 همه مردم، و همه آفریدگان (تمام نواحی) پیوسته در حضور
 سویتری الهی هستند.

۶- سه کره (عالم) است که دوتا در جوار سویتری است، و
 سدیگر مردم را به سرمنزل «یم» (جم) رهبری میکند.
 (روشنان) ابدی به سویتری تکیه دارند، همانگونه که ارابه
 به میخ محور متکی میباشد.

آن که بر عظمت سویتری واقف است، آنرا اعلام دارد.
 ۷- «سوپرنه» (شعاع آفتاب) (۲) حیاتبخش راست رو که در
 اهتزاز است، سه ناحیه را روشن میکند؛
 اکنون سوریه (آفتاب) کجاست؟
 که میداند که اشعه اودر کدام کره تابیده است؟

(۱) سه آسمان است.

(۲) سوپرنه Su-parna (زیبابال) : نام پرندگان گوشتخواری مانند
 عقاب و کرکس و لاشخور، پرنده اساطیری بسان «گروده Garuda»، شعاع
 آفتاب.

ستایش : سویتری Savitri (۱)

۱- اول من اگنی را به حمایت خود میخوانم ؛ (بعد) من
میترا ، و ورونا را به حمایت خویش میخوانم ؛
من «راتری» (شب) (۲) را که به جهان آرامش میبخشد ،
میخوانم ؛ من سویتری الهی درخشان را برای حفظ خود میخوانم .
۲- سویتری الهی سوار بر اربه خود در فلک تاریک در گردش
است ، و میرندگان ، و بی مرگان را برمی افکیند ، و به جهان های
(چند گانه) ناظر است .

۳- سویتری الهی در راه نشیب ، و فراز در حرکت (سفر) است ،
و او که قابل پرستش است ، با دو اسب سفید خود حرکت میکند ،

(۱) سویتری Savitri (Savitar) : زنده کننده ، براکیزنده ، زاینده ،
پیدا کننده غذا - نام خدای آفتاب . نیروی حیات بخش ، خدای آفتاب (آفتاب پیش از
طلوع سویتری ، و پس از طلوع سوریه خوانده میشود) در یک ودا چند سرود
خطاب به سویتری است اما معمولاً سویتری ، از سوریه Surya مشخص میباشد .
خدای تمام کائنات (بسیغه مؤنث) - مادر . قطعه اول این سرود به وزن
گایتری ، و بقیه ابیات ببحر تریشپ Trishtup است . قطعه اول درستایش اگنی ،
و ورونا ، و میترا و راتری Ratri میباشد .
(۲) راتری Rātri : شب .

ستایش واج Vāc (واك Vāk)^(۱) (صوت یا سخن مجسم)

۱- من با «رودرا»ها، و «واسو»ها، و «آدیتیا»ها به سفر میروم،
و بر همه خدایان میگذرم.

من (هر دو) «ورونا»، و «میترا»، و «اندرا»، و «اگنی»، و دو
«اشوین» را بالا نگاه میدارم.

۲- من «سوما»ی سرشار، و «تو شتر» را عزیز میدارم، و
نگاهداری میکنم،

من از «پوشان»، و «بهکه» حمایت مینمایم.
من به آن قربانی کننده پر حرارت که شیرۀ (سوما) را
می‌ریزد، و نذر را تقدیم میدارد، ثروت می‌بخشم.

۳- من شهبانو (ملکه)، و گردآورنده گنج‌ها میباشم، من

(۱) واج Vāc (یا واك Vāk) : « سخن مجسم » یا « صوت » یا « کلمه »

نخستین مخلوق و نماینده روح و فکر واسطه ارتباط بین خدایان و بشر.

در دو سرود در ماندالای دهم مورد ستایش واقع شده، یکی در سرود

۷۱، و دیگری در این سرود.

- ۸- اوهشت نقطه افق (۱) و سه عالم موجودات زنده، و هفت رودخانه را روشن ساخته است ؛
 باشد که «سویتری» زرین چشم به اینجا بیاید و تقدیم کنندۀ
 نذر را ثروت های دلخواه بخشد .
 ۹- سویتری زرین دست؛ ناظر بر همه؛ در میان دو ناحیه آسمان،
 و زمین در حرکت است ؛
 بیماریها را دور میسازد، و به خورشید نزدیک میشود، و آسمان
 را متناوباً با تاریکی، و روشنی میپوشاند .
 ۱۰- باشد که سویتری زرین دست حیاتبخش راهنمای شادی
 انگیز دولت مند (درین قربانی) حاضر شود .
 هرگاه این خدا را در شب پرستش کنند، حاضر میشود، و
 «راکشس» (۲) ها و «یاتیدها» (۳) ها را دور میسازد.
 ۱۱- ای سویتری، راه های نواز قدیم مهیا، و از غبار رفته
 شده، و نیکو در فلک قرار گرفته است .
 از آن راه های سهل العبور (بیا)، و ما را امروز حفظ فرما .
 ای خداوند، با ما سخن بگو.
 (ماندالای اول - سرود ۳۵)

(۱) منظور چهار جهت اصلی و چهار جهت فرعی است .

(۲) راکشس Rākshasa: دیوشب‌رو، یاشب‌خیز

(۳) یاتیدها Yātud - hāna : روح پلید .

و از آنجا من همه موجودات را در زیر سلطه خود دارم، و پیشانی
خود را بر آن آسمان بلند می‌سایم.

۸ - من با نفسی قوی چون باد، و طوفان تنفس میکنم، و در
عین حال تمام کائنات را مجموع نگاه میدارم.
فروتر از زمین، و برتر از آسمان ها من در عظمت خویش
نیرومند گشته‌ام.

(ماندالای دهم - سرود ۱۲۵)

از همه متفکر ترم ، و از نخستین افرادی هستم که در خور پرستش اند.
 از اینرو خدایان مرا در نقاط بسیار مستقر داشته اند، و منازل
 فراوان به من داده اند که در آنها وارد شوم و اقامت گزینم.
 ۴ - تنها بوسیله من ، همه (جانداران) ، تمام رزق مقسوم
 خود را می خورند .

هر کسی کلمات ملفوظ را می بیند، و نفس می کشد ، و می شنود؛
 بی آنکه بداند در کنار من زندگی میکنند ، همه ، و هر
 يك حقیقت را که من اعلام میدارم ، بشنوید .

۵ - من ، و به راستی من آن کلامی را که به وجود خدایان، و
 مردم بطور یکسان خوش آیند خواهد بود ، بیان می کنم .
 من مردمی را که دوست دارم فوق العاده نیرومند میسازم ، او
 را به (مقام) دانشمندی، و «ریشی»، و «براهمنی» میرسانم .

۶ - من کمان «رودرا» را زه میکنم تا با تیر خود دشمن
 ایمان را بزنم، و نابود سازم .

من جنگ را برای مردم بر می انگیزم ، و تنظیم میدهم ،
 من در آسمان و زمین نفوذ کرده ام .

۷ - در نقطه اعلای جهان من پدر را بوجود آوردم؛ خانه من در
 میان آبهای دریای اعظم است (۱).

(۱) در اینجا ظاهراً منظور از: «پدر»، آسمان است .

۴- نفس (آتمن) خدایان ، جرثومه جهان ، این خدا به اراده خویش روان است .

غرش او شنیده میشود ، اما شکل او (دیده) نمیشود .

این «وات»^(۱) را با تقدیم نذور پرستش کنیم .

(ماندالای دهم - سرود ۱۶۸)

(۱) وات Vāta : باد - خدای باد.

ستایش : وایو Vāyu

۱ - نیروی ارابه « وایو » را اعلام نما که چون میگذرد ،
همه چیز را درهم می شکند .
آوایش رعد آسا است .

چون پیش می تازد ، به آسمان میرسد ، و (ابرهارا) برافروخته
می سازد ، و چون به زمین جولان میکند ، توده غبار را بر آسمان
برمی انگیزد .

۲ - تندبادهای باد(وات) در دنبال او برمی خیزند ، و مانند
زنائی که به سوی انجمنی روان باشند ، به سوی او رو می آورند .
به اتفاق آنها در همان ارابه ، خداوند ، پادشاه ، همه جهان
می شتابد .

۳ - چون راه خود را در میان هوا باشتاب می پیماید ، هرگز
آرام نمی پذیرد .

دوست آنها ، نخست زاد ، قانون پذیر .

او در کجا تولد یافته است ؟

واز کجا برخاسته است ؟

۴- ای ورونا^(۱)، مگر چه خطائی (گنائی) از من سرزد که راضی

شدی سراینده ، و دوست خود را از دست بدهی ؟

مرا از این لغزش (گناه) بیا گاهان ، ای سرور می گساران
(سوم آشامان) مقدس ، مرا آگاه کن تا از صمیم قلب واحترام از
کرده (گناه) خود پوزش بطلبم .

۵- از کردار بد نیاگان ، ونیز از نا فرمانی هائی که ما خود
کردایم، در گذر.

ای پادشاه ، همان گونه که از گناه دزد ، و غارتگر اغنام و
احشام در میگذری ، از لغزش (گناه) «وسیشته»^(۲) (سراینده این
سرود) در گذر ، وهما نظور که از گردن کوساله یوغ بر میداری و او
را آزاد میسازی ، مرا از گناه سبکبار کن .

۶- ما به خواهش و اراده خود مرتکب گناه نشدیم ، فریب
و اغوی، مستی، نادانی ، قمار یا خشم باعث شده است .

لغزش از خردان، و عفو از بزرگان: خواب (رویا) اورا از بی عدالتی
طرد نمیکنند. (۳)

۱- ورونا Varuna خدائی با دانش و نیرومند است . او هنگام غروب
آفتاب پرستش میشود. قلمرو فرمانروائی وی شامل تمام عالم است .

(۲) وسیشته Vasistha. (۳) «گریفیت» این قطعه را چنین ترجمه کرده است:
«ای ورونا، اراده ما، به ما خیانت نکرد ، بلکه فریب و اغوی ، بی فکری ،
شراب و قمار یا خشم ، پیران نزدیک است که جوانان را گمراه سازند ؛ حتی
خواب بدکاری را دور نمیکنند.»

بعضی قسمت اخیر این قطعه را بنطور ترجمه کرده اند: «اقویا ، ضعیفان را
گمراه سازند» .

ستایش ورونا Varuna

- ۱- خرد جوهر ذاتی اوست ، بزرگی شایسته ذاتی است که آسمان ، و زمین وسیع را از هم جدا ساخت ، و به این هر دو عالم کومک میکند
- اوست که سقف آسمان ، و ستارگان را در کمال بلندی بر افراشت ، و زمین را چون بستری پهن بگسترده .
- ۲- (روی سخن به گوینده سرود است) من نمیدانم کی از توسعادت خواهم یافت تا مورد عنایت مخصوص « ورونا » واقع شو (در دل او جا بگیرم) ؟
- آیا نیاز مرا بی ترشروئی (درندگی) خواهد پذیرفت ؟
- من چه موقعی میتوانم اطمینان و احسان او را جلب کنم ؟
- ۳- ای ورونا ، من خود را در قبال تقصیری که کرده ام مخاطب مینمایم ، و مورد بازخواست قرار میدهم .
- من به خداوندی که عالم غیب و پوشیده هاست نزدیک می شوم
- دانا یان قوم به من اطلاع داده اند که ورونا نسبت به من خشمگین است !

ستایش: ورونا Varuna

۱- ستایش (خود) را به « ورونا » می توانا ، و دانشمند ترین «ماروت» ها تقدیم دارید .

این « ورونا » با کار های خود مردم را محافظت مینماید همان گونه که (چوپان گله را) .

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۲- آن « ورونا » را که در مجاورت رودخانه ها بر میخیزد ، و در میان آن ها هفت خواهر دارد . (۱)

با چنین ستایشی ، و با ستایش پدران (خویش) ، و با مدایح

(۱) بنظر ماکس مولر Max Müller مراد از هفت خواهر « رودخانه

« سند Indus » ، و سرسوتی Sarasvatī و پنج رودخانه پنجاب (پنج آب »

یا « پنج روخانه ») یعنی روخانه های ویتستا Vitasā و اسیکنی Asiknī ، و پروشنی

Parushnī ، و وپاش Vipās ، و شوتودری: Sutudrī است . اما « لسن Lassen »

و «لودویگ Ludwig رودخانه» کو بها Kubhā را بجای «سرسوتی» جزو هفت رودخانه

محسوب داشته اند . در ریگ ودا چند جا (از جمله مائدا لای اول سرود ۳۲) اشاره

به هفت رودخانه شده است .

۷- من میخواهم بنده وار بتو خدمت کنم، همانطوری که غلام
به آقای خود خدمت مینماید .

تو خداوند خردمندی ، ومن (بنده) عاری از خطا .
ای خدا ، ای سرور ، تو به ما آنچه نمیدانستیم آموختی ،
ای خردمندانا، تو مردم جاه طلب را به سوی ثروت راهنمایی میکنی
۸- ستایش فراوان من به درگاه ورونا ، خواهی می کساران
(سوم آشامان)۱

خوشبختی ما را در زمان صلح و همچنین هنگام جنگ تأمین کن.
ما را در پناه خود محفوظ بدار ، و زندگی ما را از خیر و برکت
سرشار فرما. (۱)

(ماندالای هفتم - سرود ۸۶)

(۱) این قطعه را «گریفیت» چنین ترجمه کرده است :

«ای خداوند، ای ورونا ، باشد که این ستایش بنزدیک تو آید ، و در روح
تو قرار گیرد. ای خدا، یان ما را همیشه با برکت حفظ فرمائید ؛ باشد که راحتی و
کارما قرین خوبی گردد.»

۵- او که نگاهدارنده جهان هاست، و نام های نهفته، و اسرار اشعه صبحگاهی را میداند :

او دانش ، و دانشمند را بسیار عزیز میدارد ، همان گونه که آسمان صور مختلف آن را بوجود می آورد .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۶- آن که همه اعمال تقوی بر او متمرکز است ، همانگونه که ناف (درمیان) چرخ همانگونه که سوراخ محور در مرکز چرخ قرار دارد (۱) .

برای ادای احترام به «تربت» (۲) بشتابید ، همان گونه که گاووان برای جمع شدن در «گاوخانه» می شتابند .
حتی مثل آنان که اسبان را برای یوغ گذاری ، گردمی آورند .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۷- او این نواحی را چون جامه ای میپوشد ؛ او همه طوایف خدایان ، و همه سخنان مردم فنا پذیر را زیر نظر دارد .
در قبال منزلگاه ورونا ، همه خدایان از دستور او پیروی میکنند .

(۱) این قطعه را کریفیت چنین ترجمه کرده است :
تمام دانش بسوی او بر میگردد همان گونه که محور درمیان چرخ قرار دارد برای تجلیل تربته بشتابید همان گونه که گاووان برای جمع شدن در گاوخانه می شتابند حتی مانند آنها که اسبان را یوغ میزنند .
(۲) مقصود از «تربت» ورونا است که در سه جهان منزل دارد .

«نا بها که» (من ستایش میکنم) (۱).

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۳- آن که شب ها را در بردارد ، و دارای بشره نیکو است ،
وسریع البحر که میباشد ؛

آن که با اعمال خود بر دنیا احاطه دارد ؛
تمام کسانی که خواهان (لطف او هستند) ، با کمال مراقبت
در مراسم سه گانه روزانه ، او را ستایش می نمایند .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند (۲).

۴- او که بر روی تمام زمین هویدا است ، و چهار بخش آسمان
(نقاط افق) را برپا داشته است ، و مساح (جهان) است ،
آن جا که منزلگاه باستانی «ورونا» است که مابه آن دسترسی
داریم ، مانند نگاهدارنده گله ، او خداوند ماست .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

(۱) این قطعه را گریفیت چنین ترجمه کرده است : من او را باسرودها
وتلیل هائی که پدران ما می سرائیدند ستایش میکنم ، وبامدایح هفتگانه که
آن که در سرچشمه رودخانه ها منزل دارد وخواهران هفتگانه اش او را احاطه
نموده اند .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
برشب احاطه دارد ، وصبح را باهنر جادوی خویش برقرار میسازد ، و بر روی
همه پدیدار است .

عزیزان او (مقصود شبها است که تبدیل بصبح میگردد) در اطاعت از قانون
او سه سپیده دم را (مقصود صبح و ظهر و غروب است) برای او کامیاب ساخته اند .
بگذار که همه دشمنان ما بمیرند .

ستایش : اندرا

۱- آنها که در اطراف او ایستاده اند ، هنگامی که برای
 یراق کردن آن اسب کلگون درخشان حرکت مینمایند ، روشنی‌ها
 در آسمان میدرخشد (۱) .

۲- آنان (ارابه ران‌ها) دو اسب دلخواه سرخ رنگ با نشاط
 خاصه را بطرف ارابه او بسته اند .

۳- تو که نور را بوجود آوردی ، در جائیکه نور نبود ، و شکل
 نبود ، ای مردمان : جائی که شکل نبود ، تو با سپیده دم توأمان به
 دنیا آمدی .

(۱) بعقیده «ساینه» ، مقصود از : «آنها که در اطراف او ایستاده‌اند»
 «موجودات زنده سه جهان» اند . Loka Traya Vartinah prāninah لوکه
 تریه ورتینه پرائینه «شاید هم منظور «ماروت» ها باشند که پیوسته در ملازمت
 اندرا هستند .

مراد از : اسب کلگون درخشان (بردلم اروشم Bradhnam arusham)
 آفتاب است که «اندرا» غالباً با آن مربوط است .

بیت بالا را با توجه به تفسیر ساینه چنین نیز میتوان تعبیر و ترجمه نمود :
 ساکنان آفاق (سکته موجود سه جهان) با (اندرا) و (خورشید) نیرومند و (آتش)
 خاموش ناپذیر و (باد وزان) و روشنائی که در آسمان میدرخشد ، ابازند .

۸- او اقیانوسی نهفته (بسیار دور دست) است ، او باشتاب
بر عرش صعود میکند ، همان گونه که (آفتاب) در آسمان .

چون او قربانی را در نواحی افلاك قرار دهد ، با اشعه درخشان
خود حیل‌های (اسورها را) نابود می‌سازد .
باشد که همه دشمنان ما هلاك شوند .

۹- حکم فرمائی که اشعه درخشان دور رس او تمام زمین‌های
سه گانه را دربر گرفته ، وسه کشور اعلاى آسمان را پر ساخته است .
جایگاه ورونا پا برجاست ، و او به هفت (رودخانه) چون
پادشاهی حکومت میکند .

باشد که همه دشمنان ما هلاك شوند .
۱۰- آن که بر حسب دستورش « تاریکان » (۱) از جامه‌ای نور
پوشانده شده اند ،

آن که منازل قدیم را پیمود .
آن که هر دو جهان را جدا گانه ستون زد .
و همان گونه که تولد نیافته است ، آنرا نگاه میدارد .
باشد که همه دشمنان ما هلاك شوند .

(ماندالای هشتم - سرود ۴۱)

(۱) مقصود شب‌هائی است که «ورونا» آن‌ها را به‌روز تبدیل می‌کند.

یا از ناحیهٔ (عالم) آسمان بالا، و یا از فلک پهن در آید، و ما را
ثروت بخشد.

(مالدالای اول - سرود ۶)

۴- بعد از آن چنانکه عادت آنهاست، وضع کودکان تولد نیافته را از خود دور ساختند، و اسامی قربانی بخود گرفتند.
 ۵- به اتفاق «ماروت» های نقاله که بر نقاط صعب الوصول میگذرند.

توای «اندرا» گاوهای پنهان شده درغارها را پیدا کرده‌ای.
 ۶- این ستایشگران (لشکر ماروت‌های) نیرومند را که برای آنها جشن گرفته میشود، و از نیروی ثروت بخشی آگاه اند، ستایش میکنند، همان گونه که آنها رایزن (مشاور) اندرا را تجلیل مینمایند).

۷- ای ماروت‌ها، باشد که شما در ملازمت «اندرا» ی دلیر در حال نشاط با جلال و مساوی دیده شوید.

۸- این مراسم برای پرستش «اندرا» ی نیرومند، و دسته (ماروت‌های) مهربان، و آسمان عاری از ملامت انجام یافته است (۱).

۹- پس ای همه جا گذرندگان (گروه ماروت‌ها)، از نواحی آسمان یا از کره آفتاب به اینجا بیایید (۲)؛ چون در آن مراسم (روحانی) ستایش کامل شما را می‌سراید.

۱۰- ما «اندرا» را میخوانیم که خواه از این ناحیه ارضی بیاید

(۱) کیفیت، این عبارت را چنین ترجمه نموده است:
 بامیزبانان محبوب اندرای بی‌عیب‌شتابان بسوی آسمان قربانی‌کننده فریاد برمی‌آورد.

(۲) عبارت: «به اینجا بیایید» یعنی: به کره زمین بیایید.

سویتایش : وایو

۱ - باشد که «وات» نفس شفا بخش در قلب ما بدهد ؛ تا ما را شادی باشد ؛

باشد که عمر ما را دراز کند .

۲ - تو «وات» ، هم پدرمائی ، و هم برادر ، و هم دوست ما ، سببی ساز که ما زنده باشیم .

۳ - آن مخزن رزق حیات جاودانی که در خانه است - ای «وات» ، از آن به ما عطا فرما .

(ماندالای دهم - سرود ۱۶۸)

خطاب ده : سوما Soma

- ۱- شیرهای تصفیه شده سوما جاری میشوند ، و ثروت فکر می بخشد (۱).
- ۲- ای اندو (برای ما) افزایشنده نعمت های آسمان ، وزمین و خداوند رزق باش .
- ۳- ای سوما ، برای تو باد ها لطف آمیزند ، و رودخانه ها در جریان اند ، و عظمت را افزایش میدهند .
- ۴- ای سوما ، روزی نیکو، یاب ، و نیرو از هر سو به جانب تو آید ، و (بخشنده) قدرت در جنگ باش .
- ۵- ای (سومای) حنائی رنگ ، گاوها برای تو گوساله (کره) می آورند ، و شیر تمام شدنی میدهند ، آن را بر بالاترین قله جای ده (۲) .
- ۶- ای اندو ، ای خداوند موجودات ، ما دوستی با تو را خواهیم ، ای نیکو سلاح دار .

(ماندالای نهم - سرود ۳۱)

(۱) این قطعه را کیفیت چنین ترجمه کرده است : قطره های سومای نیکوکار که تصفیه شده است ، فرو میریزد و ثروتی که بر همه آشکار است می بخشد .
(۲) بالاتر از بالاترین بلندی ها .

پخته شده است،

من آن (نذری) را که در آتش پخته است، می‌بینم؛
 من این نذر خالص تازه خوب پخته را ملاحظه میکنم،
 ای دارنده سلاح آذرخش، ای کننده کارهای فراوان، بالذات
 زدوغ قربانی نیمروز بیاشام.

(ماندالای دهم - سرود ۱۷۹)

ستایش: اندرا (۱)

۱ - بر خیز و پاره‌ای از (نذر) «اندرا» را که در خور این فصل است بنگر؛

اگر (نیاز) پخته باشد، آنرا تقدیم نما، و اگر ناپخته باشد او را (با ستایش) افناع کن.

۲ - ای اندرا، با شتاب به‌سوی نذری که پخته شده است برس خورشید به‌میان راه خود نزدیک شده است.

دوستان تو با قدیمی‌های خویش در اطراف تو نشسته‌اند،
تو که حافظ خانواده‌ها هستی، بر رئیس کوچ‌کننده این
خاندای (نظر فرما).

۳ - من (نذر) را مشاهده میکنم، مانند زن که در پستان گاو

(۱) «دریشی» قطعه اول این سرود را «شیری Shiri» پسر اوشی Ushinara گفته‌اند، و «دریشی» قطعه دوم را «پراتاردانه Pratardana» پادشاه «کاشی Kashi» دانسته‌اند، و «دریشی» قطعه سوم را «و سومنه Vasumana» فرزند رویه‌شوه Rohidashva خوانده‌اند.

قطعه اول به وزن (بحر) «انوستپ Anshstup»، و دو قطعه دیگر به بحر «تریشتپ Trishtup» میباشد.

ستایش: بریهسپتی Brihaspati

- ۱ - باشد که «بریهسپتی» رافع مشکلات ، (همه گناهان را) دور سازد؛
 باشد که سلاح مفتری دروغزن را دور کند؛
 باشد که (دشمن) بی آبرو را به زمین زند ، و بدخواه را منکوب نماید.
 و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد.
- ۲ - باشد که «نراشنسه»^(۱) مارا هنگام مراسم : «پریاجه» حفظ فرماید^(۲) ،
 باشد که او مانند : «انویاجه» (الوهیت) هنگام نذر ، ما را برکت دهد.
- باشد که بریهسپتی (دشمن) بی آبرو را بر زمین زند ، و بدخواه

(۱) نراشنسه (نرسنگهه Narāsansa) : لقب و عنوان : اگنی .
 (۲) پریاجه Prayāja : پیش نذر ، پیش نیاز یا اولین قسمت نذر
 که در مراسم قربانی «سوما» تقدیم می شود ، و قسمت آخر را : «انویاجه
 Anuyāja» (بعد از قربانی ، پایان قربانی) خوانند .

ستایش: اندرا

۱ - ای اندرا ، که مردم بسیاری تو را میخوانند ، و تو بر-
دشمنان خویش پیروز میشوی ،

ای که در نیروی خویش برتری داری ؛ باشد که درین هنگام
جود خود را به ما بنمائی ، و با دست راست خویش خزاین را بیاوری ؛
تو که خداوند رودخانه های ثروت بخش هستی .

۲ - تو که چون شیر تازنده در کوهستانها هراسناکی ؛ از
(جهان) دور دست بیا ، و با اسلحه شدید خویش که آنرا نیکو
بران کرده ای ، دشمنان ما را هلاک ساز ،
ای اندرا ، دشمنان ما را بگریزان .

۳ - ای اندرا ، تو با قدرت حفظ کننده و نیکو بوجود
آمده ای ،

تو که به نوع بشر مهربانی ، او را که دوستدار مانیست ،
دور می سازی ،

تو ناحیه وسیعی برای خدایان مهیا میکنی .

(ماندالای دهم - سرود ۱۸۰)

خطاب به: قربانی کننده Yajamāna (۱)

۱ - [زن سخن میگوید:] من تو را در اندیشه خویش
می بینم که با (مراسم مقدس) در گفت و گوئی.
از ریاضت بوجود آمده ای ، و به ریاضت مشهوری؛
درین جهان از کثرت فرزندان ، و ثروت کامیابی؛
تو که نسل را دوست داری ؛ پس نسل (و فرزندان) بوجود
آور.

۲ - [یجمانه پاسخ میدهد:] من تو را در فکر خود می بینم
که (به جمال) میدرخشی ، و (نزدیکی شوهر خویش را) به بدن خود

(۱) قطعه اول این سوکتا (Sukta = سرود) درباره قربانی کننده است .
قطعه دوم مربوط است به زن او ، و قطعه سوم راجع است به روحانی هوتری
. Hotri

(۲) در این سرود «الوهیت» قربانی کننده ، و همسر او ، و روحانی
هوتر مورد نظر است .

بنا بر عقیده «ساینه» همسر «قربانی کنند» Yajamāna «گوینده قطعه
اول ، و خود «یجمانه» (قربانی کننده) گوینده قطعه دوم ، و روحانی «هوتر»
گوینده قطعه سوم این سرود میباشد .

را منکوب کند،

و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد .

۳- باشد که « تپورمور دهن » (۱)، « را کشس » های دشمن
 براهمن ها را از میان بردارد ، و (رئیس) بدخواه آنان را بکشد .
 باشد که « بریهسپتی » (دشمن) بی آبرو را بر زمین زند ،
 و بدخواه را منکوب کند ،

و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد .

(ماندالای دهم - سرود ۱۸۲)

(۱) تپورموردن Tāpurmūrdhan (شعله ور سر ، براق و خسته سر)
 لقب اگنی یا بریهسپتی .

ستایش: ادیتی Aditi (۱)

۱ - باشد که «ویشنو» زهدان را بسازد ، و «توشتی» اندام ه
را بوجود آورد ؛

باشد که پرچاپتی (۲) (دانه) را آبیاری کند ، و دهاتری (۳)
جرثومه را بپرورد .

۲ - ای «سینی والی» ، (۴) جرثومه را نگاهدار ؛ ای «سرسوتی»
نطفه را نگاهداری فرما ؛

۳ - ما جرثومه تو را که اشوین ها با چوبهای زرین بهم

(۱) ادیتی Aditi : بی کران ، بی نهایت ، لایتناهی ، طبیعت ، مادرخدایان .

موضوع این سرود برکت و یا تبرک نطفه است ، و خدایان مختلفی نیز
در آن نام برده شده اند .

ریشی این سوکتا (سرود) «توشتی» سازنده نطفه ها یا «ویشنو» پسر
پرچاپتی است .

(۲) پرچاپتی Prajāpati : خدای آفرینش یا آفریدگان .

(۳) دهاتری Dhātri : سازنده ، آفریدگار ، مبدع ، بنیادگذار .

(۴) سینی والی Sinivālī : آفریدگار (زیبا اسکشت ، زیبا دست)

نام الهه ای .

در موسم معهود خواستاری؛

باشد تو که جوانی به سوی من آئی ، تو که اولاد دوست داری؛

پس فرزند به دنیا آور .

۳ - [هوتری سخن میگوید :] من بذرا در گیاهان میگذارم،

ونطفه را به موجودات زنده میدهم؛

من توالد وتناسل را در زمین پیدا میکنم ،

من زنان دیگر را باردار می سازم.

(ماندالای دهم - سرود ۱۸۳)

ستایش : ادیتی

- ۱۔ باشد کہ حمایت درخشان شکست ناپذیر آن سه گانه (سه خدا) : «میترا» ، و «اریمن» ، و «ورونا» (به من داده) شود .
 - ۲۔ مبادا کہ دشمن بدخواہ آنها بر منزل ها ، و راه ها ، و حصارها تسلط یابد .
 - ۳۔ آن موجود فانی کہ پسران «ادیتی» او را نور ابدی (حیات) بخشیده اند؛ باشد کہ زندگانی کند .
- (مائندالای دهم - سرود ۱۸۵)

زده اند ، میخوانیم ؛

باشد که تو در ماه دهم آن را به دنیا آوری .

(مانند الای دهم - سرود ۱۸۴)

ستایش : سوما پومانه

- ۱ - قطرات عصاره سوما وقتی که روحانیون آنرا می فشارند به سوی صافی های پارچه ای جاری میشود ، و با نیروی خود نقاط محکم را پاره میکند .
 - ۲ - چون شیر سوما گرفته میشود ، به سوی اندرا ، وایو ، وورونا ، وویشنو ، میرود .
 - ۳ - «سوما»ی خرد شده را که عصاره ای از آن جاری است ، در میان سنگ های عصاره می فشارند ، و با عمل آوردن شیر آن را می نوشند .
 - ۴ - «سوما»ی شادیمخس را باید (برای قربانی) «نریته» ، (۱) و برای آشامیدن اندرا صاف کرد .
- آن شیر سبز رنگ با دیگر اجزاء مخلوط گشته است .

(۱) نریته Trita (سوم ، سومین) : نام یکی از خدایان دوره ودائی که نامش درودا معمولاً همرا ، با ماروت ها ، وایو ، و اندرا آمده و مثل نوشتری با ویشترا و سایر دیوان در جنگ و جدال است . او تهیه کننده سوما ی بهشتی یا آسمانی است .

ستایش : سوماپرومانه Soma Pavamāna

- ۱ - شیرۀ «سوما»ی ماهر (هوشمند) بسان موج آب ، ومانند گاومیشانی که به سوی جنگل میروند ، پیش می تازد.
- ۲ - آن شیره های حنائی رنگ (قرمز رنگ) درخشان باشتاب باجوئی از آب حیات به سبو ها (کوزه ها) میریزد ، و ازین عصاره روزی (رزق) همراه با کله گاوان سیلان می یابد.
- ۳ - ندوری که داده میشود به سوی : اندرا ، و وایو ، ورونا ، وماروت ها ، و ویشنو ، میرود.

- ۴ - روحانیون سه متن مقدس را میخوانند^(۱) و گاو (شیرده) به صد درمی آید ، و «سوما»ی سبزرنگ زمزمه کنان (به اطراف) میرود
- ۵ - سرودهای مقدس متعدد مادران قربانی ستایش می فرستند آنها (سوما)ی فرزند عرش را پاک می سازند.

- ۶ - از هر سو ای «سوما» چهار اقیانوس ثروت بر ما فروریز و مارا هزاران آرزو عطا فرما.

(۱) بنا بر تفسیر «ساینه» منظور از عبارت : « Trividhâ Stutih » سه نوع ستایش از سه ودا میباشد .

ستایش: سوم

۱- ای پاك كننده ، از مجرائی كه بهما روشنائی می بخشی ،
ثروت فراوان برما فرو بار.

۲- ای اندو ، ای راننده آبها ، ای مغلوب كننده همه
(دشمنان ما) ؛ با نیروی خود مانند حافظ ثروت به سوی ما
جریان یاب .

۳- با تو ای (سومای) دلاور، چون قهرمانان ، مادشمنان خود
را مغلوب می سازیم؛

(ثروت های) دلخواه بهما عطا فرما .

۴- ای اندو ، ای روزی رسان ، ای بیننده ، به پرستنده
(عبادت كننده) روزی فرست؛

آن كه رغبت خویش را با آشنائی به مراسم و اسلحه مقدس
نشان میدهد .

۵- ماسوما را كه الهام بخش ستایش ، و منزّه ، و شبان مردمان
است؛ با ستایش های خود می پوشانیم.

۵ - پسران پریشنی^(۱) در قربانگاه شیرۀ سوما را میدوشند،
و آن زیباترین و حقشناسترین نذر (به خدایان است).
۶ ستایش‌های آرام، و قلبی ما به او نزدیک میشود، و او با
صدای خود گاوان شیرده را خوش آمد میگوید.
(ماندالای نهم - سرود ۳۴)

(۱) گیاه «سوما» بخودی خود عناصر رئیسۀ قربانی را تشکیل میدهد.
پریشنی Prisni (خالدار، لك لکی) در اینجا بمعنی: مادر ماروت
Maruts ها میباشد.

ستایش : سوما

- ۱ - ای «سوما»ی تندرو که بهخدایان دلبسته‌ای ، ورا کشش
 ها را در پرویزن معدوم میکنی ، رزق فراوان به‌ما عطا فرما .
- ۲ - آن هنگام که جوی‌های صد گانهٔ مراسم دوست (سوما) ،
 دوستی «اندرا» را به دست می آورد ؛
 سوما ، مارا روزی می‌بخشد.
- ۳ - ای سوما، ده انگشت تورا مدح میگویند، همان گوله که
 دختر عاشقش را ؛
 تو پاک شده‌ای تا (به‌ما ثروت) بخشی.
- ۴ - ای اندو که با طعم شیرین از جانب «اندرا» ، و «ویشنو»
 روانی ، عبادت کنندگانی را که تو را ستایش میکنند ، از گناه
 حفظ فرما .
- (ماندالای نهم - سرود ۵۶)

۶ - آن که افکار همه مردم متوجه پرستش اوست، خداوند

اعمال نیک (خداوند قانون مقدس)، منزله، و صاحب ثروت فراوان.

(ماندالای نهم - سرود ۳۵)

ستایش: گشن‌ها Kesinah (۱)

۱ - (خورشید) درخشان اگنی را (نگاه میدارد)؛ آن ذات درخشان آب را نگاه میدارد؛ آن ذات تابناک (درخشان) آسمان، و زمین را نگاه میدارد؛ آن ذات درخشان دید در تمام (جهان) منتشر (منبسط) است.

این نور ذات درخشان ناامیده میشود.

۲ - مونی‌های (۲) پسران «واترشنه» (لباسهای پوست درخت) زرد

(۱) گشن Kesin: بلند مو، دارای موی بلند و زیبا یا پریشان، دارای سر و نوک (اشعه خورشید یا شعله یا زبانه آتش)، یال (اسب اندرا و اگنی). هر يك از قطعات هفتگانه این سرود منسوب به یکی از هفت مونی Muni (دانا، حکیم مقدس، مرتاض) پسران: «واترشنه Vātarasna» است بنامهای مذکور در ذیل: Jūti (متحرک یا راننده)، وات جوئی Vatajuti، وریشنکه Vrishnaka، کریکته Karikata، اتشه Etasha، وریشیرینگه Rishyasharinga نام هفت ستاره دبا که آنها را مونی‌های آسمانی میخوانند.

(۲) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است:

مونی‌ها (مرتاضان) که با باد کمر بسته اند جامه گل‌آلود زرد رنگ می‌پوشند، آنها که جریان سریع باد را می‌پیمایند به جایی می‌روند که خدايان رفته‌اند

ستایش: سوما

۱- جوی‌های جداگانه تو، مانند رگبارهای آسمان بسوی
رزق بی‌کران (برای ما) پیش میرود.

۲- سوماى سبز فام، با اندیشیدن به همه اعمال مقدسی که
منظور خدایان است، به‌سوی (قربانی) می‌تازد، و سلاح خود را (ضد
راکش‌ها) بحرکت درمی‌آورد.

۳- او که مورد مراقبت مقدس است، و روحانیان او را پاک
ساخته‌اند، و چون پادشاهی بیباک است؛ مانند شاهبازی بر روی
آن‌ها (گیاهان سوما) نشسته است.

۴- ای اندو^(۱)، هنگامی که تو پاک (تصفیه) شوی همه خزاینی
که در آسمان، و زمین است برای ما بیاور.

(ماندالای نهم - سرود ۵۷)

(۱) اندو = Soma

(۱) قطعات ۶ و ۷ این سرود چنین نیز ترجمه شده است :

در حالی که جاده حیوانات جنگل ، گندهروه ها ، و آسارها را می پیماید ؛
او با کیسوان بلند خود آرزو را می داند ، و دوست شیرین دل انگیزی است .
(۲) دایو برای او (آب ها را) متلاطم ساخته است ، او سخت ترین اشیاء
را فرو کوفته تا خم شدند ؛
وقتی که او با کیسوان بلند پایشان با رود را آب را از جام نوشیده
است .

این سرود ظاهراً نخستین اشاره است به طریقه عملی ریاضت (یوگی) .

چرکین پوشیده‌اند ، و راه بادها را دنبال میکنند ، آن هنگام که آن‌ها (نیروی) خدایان را به دست آورده‌اند .

۳- ما که از تقدس «مونی»ها به وجد آمده‌ایم ، بر بادها سوار شده‌ایم ، ای مردم فناپذیر (ای میرندگان) ، صور ما را (در آن‌ها) بنگرید .

۴- مونی (مرتاض) در میان فلک پیرواز می‌آید ، و همه اشیاء را نورانی میکند ؛

دوست هر يك از خدایان بر کارهای نیکو گماشته شده است (۱).

۵- مرکب باد ، دوست : «وایو» ، مونی که از طرف خدایان بر انگيخته شده است به هر دو دریای خاوری و باختری گذر میکند . (۲)

۶- (خورشید) رخشان که در معبر : «آپسار»ها ، و «گندهروه»ها ، و جانوران وحشی میگذرد ، و همه چیزهای قابل دانستن را میداند ، نیکوترین دوست شیرین (من است) .

۷- وقتی که (خورشید) رخشان با «رودرا» با جام خویش آب می‌نوشید ، «وایو» آن را برای او برهم میزد ، و (رعند) کثری-

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

مونی در کار مقدس هر يك از خدایان شرکت دارد ، و در حالی که بر اشکال گوناگون مینگردد ، در اطراف وجوانب هوا (جو) در طیران است .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

مونی اسب وات (باد) را که دوست «وایو» است در کنار خدایان میتازد ،

او در هر دو اقیانوس - دریای مشرق و دریای جنوب - منزل دارد .

می افکنند ، و آب ها بوسیله قربانی روان میگردد .

اندرا که آنها را بحر کت در می آورد ، این (پیش آمد را) میدانست ، و از کناره خورشید می نگرست .

۵ - باشد که رئیس گندهروه (ویشواوسو) پیماینده آب (ها) آنچه راست است ، و آنچه ما نمیدانیم ، به ما اعلام دارد ، و ستایش های ما را بپذیرد .

(ای ویشواوسو) قربانیهای ما را حمایت فرما .

۶ - (اندرا) ابرها را در ناحیه رودخانه ها کشف کرد ، و دروازه (آبها را) که در ابرها جا دارد ، باز نمود .

اندرا به صورت گندهروه (ویشواوسو) آب های حیات را اعلام داشت (۱) .

او بر قدرت ازدهاها واقف است .

(ماندالای دهم - سرود ۱۳۹)

ستایش سویتری

۱- سویتری خورشیدوش ، و زرد موی ، روشنائی جاوید را
از خاور پیش فرستاد .

و به امر او « پوشان » دانشمند ، و نگاهدارنده از پی آن
روان است ، و بر همه آفریدگان نظارت میکند .

۲- در میان آسمان می‌اشیند ، و نوع بشر را می‌نگرد ،
وزمین ، و فلک را از (نور) پُر می‌سازد ؛

او (همه جهات فضای) بی‌کران را ، و (نقاط میانه) پهناور
درخشان را ، و علائم ادنی و میانه واقعی را روشن میکند .

۳- آن اصل ثروت ، و به چنگ آورنده گنج‌ها ، با اعمال
خود همه اشکال (مرئی) را روشن می‌سازد .

سویتری مانند خدائی که صفت او راستی است همچون اندرا
در جنگ در راه (جمع) ثروت پایداری میکند .

۴- خدای خورشید (« گندهروه ویشواوسو ») ^(۱) بر سوما نظر

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از « ویشواوسو » Visvavasu ، (گندهروه
آسمانی) خدای خورشید است .

خطاب به : آسمان و زمین

۱ - در جشن ها من آسمان و زمین توانا و دانا و نیرو بخشندگان
قانون را با قربانی ها می ستایم .

آنها که بوجود آورنده خدایانند ، به اتفاق خدایان بادانشی
شکفت آفرین ، گزیده ترین نعمت ها را می بخشند .

۲ - با خواندن دعاها من درباره فکر آن پدر باموهبت و نیروی
بزرگ ملازم آن مادر ، تعمق مینمایم .

آن والدین بارور جهان زندگی را بوجود آورند ، و برای
فرزندان خویش جاودانی پهنای راه را در همه سو .

۳ - این فرزندان شما با مهارت در کار و نیروئی شکفت آور
نخست آن دو مادر بزرگ را حیات بخشیدند .

برای نگاهداشت حقیقت همه چیزها که پابرجاست و همه
آنها که در حرکت اند شما مقام پسر خویش را که عاری از مکر است ،

ستایش: ویشودوا Visvedeva

- ۱ - باشد که قربانی ما به خدایان خرسندی بخشد، ای «آدیتیا»ها، بر سر لطف آئید و حسن نیت شما به سوی ما متوجه باشد؛ همان گونه که چشمه فراوانی از رنج برای بیچارگان.
- ۲ - باشد خدایانی که مورد ستایش سرودهای «انگرس»ها هستند، برای حفاظت ما به اینجا آیند؛
- باشد که «اندرا» با گنج‌های خود؛ و «ماروت»ها، با بادهای حیاتی (۱)؛ و «ادیتی» با «آدیتیا»ها بیایند و به ما برکت بخشند.
- ۳ - باشد که اندرا، وورونا، و اگنی، و اریمن، و سویتری، به ما روزی (رزق) بخشند،
- و باشد که میترا، و ورونا، و ادیتی، و دریا، و زمین، و آسمان، آن را (برای ما) حفظ فرمایند.
- (ماندالای اول - سرود ۱۰۷)

(۱) همه بادهای با هم، یا «ماروت‌ها» با بادهایشان و طوفان.

ستایش خورشید (سوریه Sūrya)

- ۱ - اشعه او از اوج خدائی را می آورند که همه موجودات تولد یافته را میشناسد،
تا همه بتوانند آفتاب را بنگرند .
- ۲ - هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیک میشود ، ستارگان چون دزدان می گریزند ،
و شب سیاه به دنبال آنها میرود؛
- ۳ - اشعه و تابش او (خورشید) از دور میدرخشید و بر بسیاری از خانه های مردم تافت ، و مثل آتش سوزان در اوج شعله وراست .
- ۴ - تندرو ، و هویدا بر همه ، تولی بوجود آورنده روشنی .
ای خورشید که فضای درخشان را روشن می سازی .
- ۵ - تو به سوی جمع خدایان بر میخیزی ، و به طرف نژاد

حفظ میکنید (۱).

۴- آنها با کمال مهارت و دانائی تمام آن دورا که در تولد
و مسکن با یکدیگر متفق هستند، پیموده‌اند.

آن دانشمندان درخشان در آسمان، آری در عمق دریا تاری
تنیده‌اند که همیشه نو و تازه است (۲).

۵- امروز این نیکوترین هدیه سویت‌ری است؛ این فکر ما
است و اینک خدا ما را ترقی می‌دهد.

آسمان و زمین با عاطفتی مهر آکین ما را ثروت و دولتهائی
مختلف و گنجی هزار گانه می‌بخشند.

(ماندالای اول - سرود ۱۵۲)

(۱) منظور از عبارت: «دومادر بزرگ» زمین و آسمان است و مقصود از
عبارت: «پسر عاری از مکر» آفتاب میباشد که نشانه راستی شناخته شده است.
(۲) ظاهراً مقصود از عبارت: «آن دو» زمین و آسمان و منظور از عبارت:
«در عمق دریا» Samudra Antah جو هوا یا اقیانوس آسمانی است.

به درخت هری تاله (۱) منتقل گردد .

۱۳ - این « آدیتیا » که با تمام نیرو برخاسته ، رقیب مرا هلاک

می سازد ؛ چون من تاب مقاومت با دشمنم را ندارم .

(ماندالای اول - سرود ۵۰)

(۱) هری تاله Haritāla : نوعی کبوتر زرد فام سبزرنگ ، تیغه شمشیر - روز

چهارم (یا سوم) بدر در شهر بهادره Bhādra ، (رگه یا خط در آسمان - جو - زردی
زرنیخ ، و نیروی نخمی یا نطفه ای) .

درختی بنام هری تاله وجود ندارد و معمولاً زردی زرنیخ ، و هریندروه

Haridrava نوعی زردی گرد نباتی است .

و به جانب همه تا بتوانند نور آسمانی تورا مشاهده کنند .

۶- با آن نوری (چشمی) که تو ای پاك كنده، و حفظ كننده از بدی ها بدین جهان آفرینش مینگری.

۷- ای خورشید، چون برفضای آسمان بر میگذری، روزها و شب ها را مشاهده میکنی،

۸- تمام مادیان های سرخ فام که ارا به تورا میکشند، تورا به سوی ما می آورند، ای خدای دورین، ای «سوریه» (سورج) رخشان مو.

۹- خورشید هفت مادیان نورانی را که دختران رخشان ارا به او هستند، یراق کرده، و با اسبانی که خود یراق نموده است، می تازد.

۱۰- از میان تاریکی ما به او که بالاترین روشنی است می نگریم.

و به سوی خورشید که در میان خدایان بالاترین نور است، پرواز میکنیم.

۱۱- رخشنده از نور رحمت امروز که سر بر میزنی و به اوج آسمان صعود مینمائی، ای خورشید، بیماری را از دل من، و زردی را (از رخ من) بزدای.

۱۲- زردی روی من به طوطیان یا به ستارگان كوچك یا

۳ - به خاطر من است که «تو شتر» صاعقه آهنین را ساخت .

خدایان در من نیرو دمیده‌اند ،
نگاه من ، مانند : «آفتاب» غیر قابل تحمل است .
مرا بخاطر آنچه کرده‌ام ، و آنچه خواهم کرد «آریائی»
نامند (۱) .

۴ - این منم که برای پرستندگانم کله‌های بزرگ گاو ، و
اسب گرد می‌آورم (درست میکنم) ، و چون از عصارهٔ سوما ، و نوای
سرودها سرمست شدم ، بایپیکانم برای آنان طعمه به دست می‌آورم ،
و اموال بسیار زیاد برای ایشان جمع میکنم .
۵ - هرگز شکست ، و مرگ به من (اندرا) دست نیافته
است .

هنگامی که (شما عصارهٔ) سوما را می نوشید ، از من ثروت
بخواهید .

ای «پوروآن» (۲) ، شما در دوستی با من ، هرگز زیان نخواهید
کرد .

۶ - این جفت (نرو ماده) هائی که نفس زنان میخروشیدند ،

(۱) اندرا خدای ویژهٔ مردم آریائی و حامی این طایفه (نژاد) است .

(۲) ویلسون ، واژهٔ «پوروآن» یا پوروها Purus را که نام افراد یکی از قبایل
آریائی است به «مردان» یا «آدمیان» تعبیر نموده است .

ستایش : اندرا (۱)

۱ - این منم که نخستین خداوند تروتم، من همه گنج‌ها را پی در پی
 گشوده (و بتصرف در آورده) ام .
 این منم که آفریدگان مرا پدر خود میدانند،
 منم که در میان پرستندگان خود تخم (وسیله) شادی (و تمتع)
 پراکنده‌ام .

۲ - من اندرای مدافع و روحانی و نگهبان آتشم ،
 برای «تربت» یار خود پنجه‌های اژدها را آفریدم .
 این منم که نیروی مردی دیوان را از ایشان ربودم، و گله‌های
 گاو «ماتریشون» (۲) و «ددهیاچ» را به ایشان بازگردانیدم .

(۱) سراینده این سرود ریشی بنام : «اندرا ویکنته Indra Vaikuntha» .
 است . اما سرود خطاب به خدای اندرا میباشد .
 (۲) ماتریشون Mātarisvan : نام دیگر اکنی ، باد (وایو Vayu)
 یا آورنده اکنی از آسمان است .

در اینجا بنا بر تفسیر «ساینه» ، منظور ماتریشون پسر «ددهیاچ»
 Dadhyach «است . و «ددهیاچ» پسر : «اتهرن Atharvan» (آذربان)
 میباشد .

۹ - «سپیه نامی»^(۱) در خوردن و آشامیدن با من شریک بود، و با من برای غارت گاوها پیمان بسته بود، و چون در گیرودار جنگ پاداش باو دام، و سلاحی بر نده به وی عطا فرمودم، اورا سزاوار مدح و سرود نیز دانستم.

۱۰ - نیمه اول (ماه) درون (ظرف) سوما نمایان است، در نیمه دیگر شبان استخوان هایش را نشان میدهد، کسی که میخواست گاو نر تیز شاخ مرا شکست بدهد، در اعماق بدبختی و اندوه باقیمانده است.

۱۱ - من تأسیسات خدایان آدیتیا ها، و وسوها، و رودراها را ویران نمیکنم،

من (خداوند) تأسیسات خدایان دیگر را از میان برنمیدارم، آنها برای من يك قدرت فرخنده تشکیل دادند،

من شکست ناپذیرم، هیچکس بر من چیره نمیکردد، و هرگز رام و تسلیم نمیشوم.

(ماندالای دهم - سرود ۴۸)

و اندرا ، و صاعقه اش را به زد و خورد بر می انگیزختند ، و آنها را بمبارزه می طلبیدند ، من با زبان خشن (زننده) با يك ضربه شکست دادم.

من در برابر آن هائی که تسلیم می شدند، هرگز تسلیم نشدم ، و نرزش نشان ندادم .

۷ - من تنها فرمانروای این (عالم) هستم ،

دو یا سه رقیب چه آسیبی میتوانند به من برسانند؟

من عدد بیشماری از آنان را مانند خوسه های گندم که باد اس درو میکنم، میکوبم ؛

دشمنانی که از حمایت اندرا محروم شده اند، چرا دشنام میدهند؟

۸ - من « اتیت هیگوه » (۱) را به « گنگوها » (۲) (قومی) که

تحت حمایت من (اندرا) بودند ، تحویل دادم،

من فاتحان و غلبه یافتگان بر « وریترا » را هنگامی که با کشتن

« پرنیه » (۳)، و « کر بجه » (۴) افتخار به دست آوردم مانند يك قربانی

به طوایف دادم.

(۱) اتیتگوه Atithigva : نام دیو داس Divodāsa پسر: « اتیتگو

Atithigu » .

(۲) گنگوها Gungus نام قبیله یا قومی غیر آریائی که مشخصات آنها

به خوبی روشن نیست .

(۳) پرنیه Parnaya : نام دیوی .

(۴) کر بجه Karanja : نام دیو درختی یا اسورائی که اندرا او را

کشت .

۴ - جولاکار گاه بافندگی خود را - در حالی که کارش ناتمام
(نیمه تمام) بود - جمع کرد ،
پیشه‌وران دست از کار کشیدند ،
سویتری بپاخواست ، و خود را بگسترده ،
او بطور کامل زمان را از هم جدا ساخت ،
سویتری الهی فرارسیده ، و کاملاً حاضر است . (۱)

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
آنچه گسترده شده او دوباره می‌بافد ، آن بافنده‌ماهر کار خود را نیمه
تمام میگذارد ، او از استراحت برخاسته است و فصل‌ها را از یکدیگر جدا
می‌سازد . سویتری خدای مقدس فکر آشکار شده است .
« ویلسون » به‌تأیید از « ساینه » عبارت را تغییر داده و آنرا چنین تحریف
کرده است : او (شب) دنیا را در خود مستور ساخته است همان گونه که زلی
(جامه) بپوشد (برتن ببافد) .
مرد عاقل کاری را که میتواند (انجام دهد) ناتمام میگذارد و چون خورشید
مقدس خستگی ناپذیر که فصول را از یکدیگر جدا می‌سازد دوباره آشکار
میگردد ، همه از خواب برمیخیزند .

« روت Roth » کلمه : « ارمتی Arámatih » (مذکور در متن اصلی
سانسکریت) را که « گریفیت » بصورت صفت و بمعنی : « مقدس فکر » ترجمه
نموده است ، بصورت اسم گرفته و آنرا بمعنی روح عبادت و پرستش دانسته
و این قطعه را چنین ترجمه نموده است :

« آن بافنده (ارمتی Aramati) دوباره آنچه رشته (تارهای عبادت و
قربانی) به‌سوی خود کشیده است . مرد با ایمان در میان کار خود (بواسطه)
فرا رسیدن شب (وامانده است) ، آن گاه ارمتی Aramati دوباره برمیخیزد
(طلوع میکند) و فصول را مرتب می‌سازد . سویتری الهی حاضر است (یعنی :
صبح می‌گردد) .

مناقب : سویتری

۱ - این سویتری آلهی است که برپا خاسته ، و ارا به خود را ، برای آنکه پی در پی انگیزه تازه ای برانگیزد میراند ؛ زیرا انگیزه طلبی کار اوست ،

اوست که به خدایان گنج می بخشد ، و اوست که خوشبختی به خورنده نذور عطا می فرماید .

۲ - سویتری آلهی باسطالید برخاسته ، و دست های خود را برای شادی همه می گشاید .

آب ها از او تبعیت میکنند ، و باده ها نیز در مسیرش از جنبش باز می ایستند .

۳ - آدمی که براسب تندرو (سمند) سوار بود ، اینك از حرکت باز می ایستد ، و از هر کب پیاده می شود .

او (سویتری) مسافر رهگذر را از رفتن باز میدارد ،

او نیش مارهای موزی را می بندد ،

زیر سلطه و فرمان سویتری رستگاری به دست می آید .

کوشش را بر کار برتری میدهد؛
او مدام در جنبش و ارتعاش است،

تمام پرندگان، (همه) جانوران به لانه‌های خود می‌روند،
سویتری به تمام موجودات جاندار، جایگاه مناسبی اختصاص داده
است (۱).

۹- او (سویتری) را- که اندرا، و همچنین ورونا، و میترا،
و اریمن، و رودرا، و حتی دیوان و نفوس خبیثه تابع امرش هستند-
مورد نیایش قرار میدهیم، و با کمال خضوع برای سلامت و رستگاری
خود از وی یاری می‌طلبیم (۲).

۱۰- اوست که خوشبختی ما را تأمین میکند، و خرد و هوش ما را
بیدار می‌سازد، و به ما در اجرای مراسم مذهبی توفیق عظمی فرماید.
باشد که الهه «نرا شنسه» (آن محبوب الهی) به ما کمک کند،
و ما مورد عنایت، و محبت سویتری قرار بگیریم، تا نیکی، و خیر، و

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

ورونای همیشه رو، جای خنک و دل‌انگیز و سهل‌الوصول بهمه جنبندگان
می‌بخشد وقتی که چشم‌های سویتری بسته میشود هر پرنده و چهارپایی به لانه
خود پناه می‌برد؛ و همه موجودات را در جهات مختلف پراکنده می‌سازد.

این قطعه باین تقریب ترجمه شده است:

من با سلام آمیخته با احترام برای خیر خود سویتری الهی را بدین مکان
می‌خوانم. اندرا، و وارونا، و میترا، و اریمن، و رودرا و دشمنان (خدایان)
از کارهای او نمیتوانند جلوگیری کنند.

۵ - ساکنان خُرد، و کَلان به منزل های جدا گانه باز می کردند،

آتش بوجود آمد، و گرمی آن نمایان شد،
 هنگامی که سویتری خوردن بیاموخت، مادر بهرهٔ پسرش را
 بهتر داد^(۱).

۶ - جنگ آوری که برای پیروزی در عرصهٔ کارزار بیرون رانده
 بود، به خانهٔ خود بازمی گردد؛ زیرا همهٔ موجودات جنبنده میل
 به خانه دارند.

هنگامی که وظیفهٔ سویتری الهی (متوقف می شود)، کارگر
 (بافته) کار نیمه تمام خویش را رها می کند و بخانه بر می گردد.
 ۷ - توای خدائی (سویتری) که قلمرو زندگانی موجودات
 دریائی را در آب قرار دادی؛

حیوانات وحشی به امر تو به چراگاه رو آوردند،
 و جنگل ها بفرمان تو مسکن پرندگان شد.
 هیچکس نمی تواند از این کارهای سویتری الهی جلو گیری
 کند.

۸ - ورونا بمثابةٔ خدای آب با هوشیاری و مراقبت دایم
 بنطفهٔ آبگون تا جائی که خواست، عزیمت کرد، و هنگام خواب
 نیز از کار باز نمی ایستد؛

(۱) ظاهراً منظور از «مادر»، «اوش» Usas یا «سپیده» دم است.

خطاب به: پرورش Purusha

- ۱ - «پرورش» هزار سر ، و هزار چشم ، و هزار پا بود .
او تمام زمین را از همه جوانب فرا می گرفت ، و در آن سوی
پهنای ده انگشت قرار داشت . (۱)
- ۲ - پرورش در حقیقت تمام این (جهان مرئی) است ، و آنچه
بود ، و آنچه خواهد بود .
او خداوند ابدیت است ، و به سبب حرارت (قربانی) بدانسو
نمّو میکند . (۲)
- ۳ - چنین است بزرگی او ، پرورش حتی از این هم بزرگتر
است .

(۱) این قطعه برای تهریب نیز ترجمه شده است :
پرورش که هزار سر دارد و هزار چشم و هزار پا ، زمین را در همه جوانب
میپوشاند و از آن به اندازه ده انگشت فزونی دارد .
(۲) پرورش در حقیقت تمام این (جهان مرئی) است ، هر آنچه امروز هست
و هر آنچه خواهد بود ، همچنین او خداوند ابدیت است او از (وضع شخصی
خود) برای رزق (جهت موجودات زنده) بالاتر میرود .

برکت ، و ثروت به سوی ما روی آورد (۱).

۱۱ - ثروت دلخواهی که توای سویتری به ما بخشیده‌ای ؛
باشد که از آسمان ، و آب ، و زمین به دست آید ، و شادمانی مردمی
(نژادی) که تو را ستایش میکنند ، شامل من که پیوسته مدح تو را
میخوانم ، گردد .

(ماندالای دوم - سرود ۳۸)

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

«او که مورد پرستش مردم است، و زنان (خدایان را) حفظ می‌فرماید ؛
باشد که ما را وقتی که او را نیایش میکنیم نگاهداری کند. او که بخشنده نعمت
است و موضوع تفکر است، و دانای مطلق است باشد که ما محبوب سویتری الهی
باشیم تا در جمع ثروت و به دست آوردن مواشی (کامیاب شویم)».

که «سادهیه» بودند، و آنها که «ریشی» بودند قربانی کردند. (۱)
 ۸- از آن قربانی که در آن نذرجهانی تقدیم شد، مخلوط دوغ
 و کره به دست آمد، و از آن مخلوقات هوایی، و حیوانات اهلی، و وحشی
 را بیافزید.

۹- از آن قربانی که در او نذرجهانی تقدیم شد، «ریج»ها و
 آهنگهای «سامن» بوجود آمد، و بحور عروض پیدا شد، و دستورات اعمال
 قربانی (ججر بید) نیز پیدا آمد.

۱۰- اسبان از آن بوجود آمدند، و آنها که دارای دو رشته
 دندان اند، و کله های گاو از آن هستی یافت، و همچنین بز،
 و گوسفند.

۱۱- وقتی «پروش» را ذبح کردند، آنرا به چند قطعه
 تقسیم نمودند:

دهان او چیست؟ بازوانش کدام؟ ران ها، و پاهایش را چه
 نامیدند؟

۱۲- دهان او براهمن بود، و دو دستش «راجنیه»، و ران هایش
 «ویشیه»، و «شودر» از پاهایش بوجود آمد (۲).

(۱) این قطعه این طور هم ترجمه شده است:

پروش که در آغاز تولد یافت چون قربانی را به روی علف های برافشاده
 می پاشیدند او (پروش) خدایان (سادهیه ها) و دانشمندان (ریشی ها) قربانی کردند.

(۲) این قطعه ناظر به تقسیم اجتماع هند و به طبقات چهارگانه: براهمن،
 کشتریه (راجنیه)، بیش (ویشیه)، و شودر است.

همه موجودات يك چهارم اوست، و سه چهارم ديگر او جاويدانی است در آسمان .

۴- سه چهارم پرورش به بالا صعود کرد، و يك چهارم ديگر که درين جهان باقیماند مکرر در مکرر گسترش یافت و به اشکال گوناگون درآمد، و به تمام آفرینش جاندار، و بی جان منتهی شد (۱) .

۵ - از او «ویراج» به وجود آمد ، و از «ویراج» پرورش . او بمحض تولد آشکار شد ؛ بعد زمین را آفرید ، و سپس صور مادی را . (۲)

۶ - وقتی خدایان (اعمال) قربانی را با پرورش برپا داشتند ، بهار روغن آن ، و تابستان هیزم ، و پاییز خودنذر بود . (۳)

۷ - آنها (خدایان) پرورش را که پیش از (آفرینش) تولد یافته بود، بصورت قربانی در روی علفزار مقدس ذبح کردند ، و با او خدایانی

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

سه چهارم پرورش به بالا برخاست ؛ يك چهارم (ديگر آن) دواينجا (زمین) ماند ؛ سپس در همه جوانب منبسط شد بطوری که به آنچه خورنده است و آنچه خورنده نیست منتهی شد .

(۲) این قطعه نیز چنین ترجمه شده است :

از او ویراج پیدا شد ، و از ویراج پرورش ، و او وقتی بوجود آمد که از پشت تا پیش زمین گسترش یافت .

(۳) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

وقتی که خدایان بصورت تقدیمی با پرورش قربانی میکردند بهار روغن آن ، و تابستان هیزم ، و پاییز مایع آن بود .

در ستایش: اندرا، و ورونا

۱- ای پادشاهان (اندرا، و ورونا) شما را به این قربانی،
و نذر با ستایش دعوت میکنیم.

این (ملعقه) روغن ریز که در دست ماست، بیدرنجک (نذرا)
به شما که دارای اشکال متعدد هستید، تقدیم میدارد.

۲- کشور پهناور شما، (جهان را با باران) اقناع میکند،
شما که (گناهکاران را) با بندهائی غیر از طناب (رشته) مُقید
می‌سازید (۱)؛

باشد که غضب ورونا از ما بگذرد (نسبت به ما فرو نشیند)،
و باشد که اندرا برای مافضای وسیعی مهیا نماید.

۳- قربانی را که در منزلگاه ما تقدیم میشود، با ثمر گردانید
و دعاهائی را که پرستندگان میخوانند کامیاب سازید (بر آورید)؛
باشد که ثروت‌هائی را که خدایان می‌فرستند به ما برسد، و

(۱) ظاهراً منظور رشته‌های معنوی و اخلاقی است، و نه مادی.

۱۳ - از فکر (مغز) او ماه پیدا شد ، و از چشمش خورشید ،
از دهان او « اندرا » ، و اکنی بوجود آمدند ، و از نفس او باد
وزیدن گرفت . (۱)

۱۴ - از ناف او فلک ، و از سراو عرش ، و از پای او زمین ، و
از گوش او جوانب و اطراف (عالم) پیدا شد ، و بدینسان جهان
(هستی) تکوین یافت .

۱۵ - این قربانی را هفت دیوار بود ، و سه بار هفت^۱ کننده
برای هیزم آن تهیه شده بود ، (۲)

وقتی که خدایان مراسم قربانی را انجام میدادند ، (دست و پای)
پروش را بسته بودند .

۱۶ - با این قربانی خدایان او را که در همان حال قربانی
شده بود ، پرستش کردند .

آنها مراسم و تکالیف اولیه بود ، آن بزرگان در عرش شریک
(او) شدند ، جائی که خدایان باستانی - یعنی : سادهییه ها - منزل دارند .
(ماندالای دهم - سرود ۹۰)

(۱) این قطعه چنین هم ترجمه درآمده است :
از روح او ماه تولد یافت ، و از چشم او آفتاب ؛ از دهانش اندرا ، و
اکنی پیدا شدند ، و از نفس او وایو (باد) پدید آمد .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه گردیده است :
چوب های او که آتش را احاطه کردند هفت عدد بود ، و هیزم های او
سه بار هفت وقتی خدایان قربان را بگستر دند ، دست و پای پروش را چون فدیه قربانی
بستند .

ستایش: اگنی (۱)

۱ - اگنی (آتش) را می ستایم که سرپرست والای قربانی است،
الهی و انجام دهنده مراسم است،

نذور را به خدایان تقدیم میدارد، و دارنده ثروت وافر است،
۲ - اگنی که در خور تعظیم «ریشی» های قدیم، و جدید است؛

(۱) - این سرود، اولین سرود ماندالای اول ریگ ودا (رگ بید) است.
و در تقسیم سرودهای ریگ ودا به ده «ماندالا»، این کتاب باین سرود و باین عبارت
آغاز میشود :

۱ - اگنیم اله پورو هیتم یجنه سیه دیوم، ریتو یجم هو تارم رتنه دها تمم agnim ile
purohitam yajnyasya devam hotāram ratnadhātāmam.»

(۲) - اگنیه پورو بهیر رشی بهیر ایدو نو تنیر اوتا، سه دوان ایه و کشتی
agnih pūrvebhir rsibhir idyo nūtanair uta , sa devān eha
vaksati .»

بیشتر از يك چهارم سرود های ریگ ودا در ستایش اگنی (خدای :
آتش) است. اگنی واسطه بین زمین و آسمان است. او «ریتویج Ritvij» (قربان
کننده در فصول یا زمان معین) و روحانی و سرپرست والای قربانیها و هوئر -
Hotar است و خدایان را برای شرکت در مراسم قربانی دعوت میکند و
واسطه بین خدایان و مردم است و نذور را به خدایان میرساند .

شما - دوتا (ورونا، و اندرا) - با حمایت دلپذیر خود ما را فزونی بخشید .

۴ - ای اندرا ، و ورونا ، ثروت‌هایی که دلخواه همه است با مسکن و رزق فراوان به ما ببخشید .

«آدیتیا» ی (۱) قهرمان موجودات خالی از حقیقت را جزا میدهد ، و (به مؤمنان) گنج‌های بیشمار می‌بخشد .

۵ - باشد که این ستایش من که با صمیمیت تقدیم گشته است ، به اندرا ، و ورونا برسد ، و پسران ، و نوادگان را نگاهداری کند .
ما که نعمت فراوان داریم ، غذا به خدایان تقدیم نمائیم ، و شما (ای خدایان) همواره ما را برکت عطا فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۸)

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از «آدیتیا» همان «ورونا» است .

۹- ای اگنی ، به آسانی به ما نزدیک باش ، همان گونه
که پدر به پسر نزدیک است .

همیشه پیش ما حاضر باش تا بهمانیکی برسد.

(ماندای اول - سرود ۱)

باشد که خدایان را به اینجا بیاورد .

۳- بوسیله اگنی ، پرستنده نعمتی می یابد که روز به روز در افزایش است ، و سرچشمه شهرت ، و زیاد کننده نوع بشر است .

۴- ای اگنی ، این قربانی بی مانع که از هر سو تو نگهبان آنی ؛ بی شک به خدایان خواهد رسید .

۵- باشد که اگنی تقدیم کننده ندور ، و به دست آورنده دانش که حق است ، و مشهور است ، و الهی است با خدایان به اینجا بیايد .

۶- ای اگنی ، هر نیکی که بتوانی به تقدیم کننده (این ندور) برسان که در حقیقت «انگرس» ها (۱) آنرا به تو برمیگردانند .

۷- ای اگنی ، ما با تواضع آمیخته به احترام ، در فکر خود هر صبح ، و شام به تو تقرب می جوئیم .

۸- تو ای رخشنده ، ای حافظ قربانی ها ، ای آشکار کننده پا برجای حقیقت ، و ای آن که در منزلگاه خود در افزایشی (۲) .

(۱) انگرس Angiras در اینجا بعقیده بعضی از مفسران رگ بید نام اگنی است ،

(۲) کبریت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

فرمانروای قربانی ها ، پاسدار قانون ابدی (ازلی) ، ذات رخشنده ، وای آن که در مقام خود در افزایشی .

شود، و ثروت شرافتمندان به (به دست آورند).

۴- آن که مطالعه میکند تا شاد و بخششی سریع اند را راپیشرفت دهد، ثروتی نیک یافته به دست خواهد آورد.

مفتخر به لطف تو ای «مگهون» با برپا ساختن قربانی با سرعت از طریق روحانیون قربانی کننده رزق و نعمت به دست می آورد.

۵- ای مگهون، به بزرگی ستوده قدرت خویش را منتشر فرما، و (مارا) ثروت ببخش.

ای اندر ای زیبا که مانند «میترا»، و «ورونا» دانائی و بخشندگی (نعمتی)، ما را روزی ده.

(ماندالای دهم - سرود ۱۴۷)

ستایش : اندرا

۱ - ای اندرا ، من به خشم اول تو ایمان دارم که بوسیله آن «وریترا» را کشتی، و عمل دوستانه نسبت به انسان برعهده گرفتی ؛ هنگامی که زمین ، و آسمان - هر دو - سر تعظیم در برابر تو فرود آوردند، و فلک از نیروی تو لرزان بود ، ای که سلاح تو صاعقه است .

۲ - ای اندرا ، برتر از ملامت که با فکری متمایل به افتخار با اندیشه خویش «وریترا»ی حيله گر را کشتی، عبادت کننده وقتی که در جستجوی گله (کم شده) خویش است ، تو را انتخاب میکنند ، و در تمام قربانی های توأم با ادعیه (تورا میخوانند) .

۳ - ای اندرا که زیاد تورا میخوانند ، برین «سوری»ها (۱) من حمت فرما که به راهنمایی آن ها فرد توانا را موقع قربانی پرستش میکنند تاپس، و نوه (پیدا کنند)، و آرزوهای آنها برآورده

Sûri : آموزگار یا معلم آئین قربانی، دانا .

۴- سنگ‌های مقدس ، اشوین‌ها ، پرستندگان پرهیزکار
 «نستیه»ها برای (شرکت در) اعمال مقدس خویش فرودآمده‌اند ،
 (تاشمارا) بنوشیدن (شراب) سوما (تحریرص) کنند ؛
 باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۵- همانند «اتری» با تقوی که شما را ای اشوین‌ها باسرود
 های خود میخواند ، من (شمارا) ای نستیه‌ها بنوشیدن سوما
 (دعوت میکنم) ؛

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۶- همان گونه که مردم دانا ، شما را به حمایت خود
 میخوانند ، من شما را ای نستیه‌ها بنوشیدن سوما دعوت میکنم .
 باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

(ماندالای ششم - سرود ۴۲)

در ستایش: ورونا، و اشوپین‌ها

۱ - مالك همه ثروت‌ها ، وروناى نیرومند، آسمان را بر پا داشته است .

او چون پادشاهی عالیقدر برین جهان حکومت میکند .
این‌ها است اعمال ورونا .

۲ - پس وروناى قادر را تجلیل نمائید ؛
نگاهدارنده آب حیات (امریت) را تکریم کنید .
باشد که او ما را منزلگاهی سه پناهه بخشد ؛
باشد که آسمان و زمین را حفظ نماید تا در مجاورت آنها
منزل کنیم .

۳ - ای وروناى الهی ، به این اعمال مقدس من که در پرستش
تو انجام میگردد ، جان بخش .
باشد که ما برین کشتی سلامت سوار شویم تا از میان همه
مشکلات بگذریم .

آمدند از راه خود رفتند (۱).

۳- «متالی» با «کویه» ها کامیاب میشوند؛ «یم» با «اخلاف» «انگرس»؛
«بریهستی» با «ریکون» (۲) ها؛

تجلیسل کنندگان خدایان، خدایان آنها را تجلیسل
کرده اند؛

بعضی از ستایش، و بعضی از ندور شادی میکنند.

۴ - ای یم، برین علفزار مقدس بنشین، و پدران ما و «انگرس»
هارا با هم متحد ساز.

اورادی که دانشمندان میخوانند، به سوی تو آید،

(۱) آن جا که نیاکان قدیم ما به آنجا شدند، و کسانی که بعد پا
بعرصه وجود نهادهند به راههای جدا گانه رفتند.

«Yatra nah pūrva pitarah pareyur enā jainānāh pathyā
anu svāh »

(۲) متالی Matālī : موجودی الهی. بعضی گفته اند که «متالی» همان
«اندرا» است که نام اربابانش «متالی» میباشد.

کویه Kavya: خیرات یا ندوری که هنگام مراسم تشییع جنازه یا دفن اموات
برای آموزش ارواح نیاکان یا مردگان میکنند.

کویه ها kavyas : نام طبقه از ارواح نیاکان یا مردگان (Manes)
که ارواح نژاد قدیمی مقدس بوده اند.

ریکون ها Rikvans (سرایندگان) نام طبقه از ارواح یا موجودات الهی
که «بریهستی» را ستایش میکردند.

ستایش: یم Yama (جم)

۱ - فرمانروای کشور ارواح مردگان ، آن که از کنار
سلسله کوه‌های نیرومند گذشته است ، و مسیر بسیاری از مسافران را
زیر نظر دارد ؛

پسر «ویوسوت» و گردآورنده مردم.

ای «یم» پادشاه، ما ندور را برای تو تقدیم میکنیم^(۱).

۲ - راه ما را نخست «یم» برای ما پیدا کرد،

این چراگاه هرگز از ما گرفته نخواهد شد .

جایی که نیاگان سلف ما رفتند ، و آن ها که بعد به دنیا

(۱) یم Yama : خدای مردگان یا خداوند ارواح مردگان . پسر
ویوسوت Wivasvat (ویوسوان Vivasvān) پادشاه بهشت است که اشخاص
دیندار و خیر پس از مرگ به آنجا میروند . «یم» نخستین شخصی است که به بهشت راه
یافت . بنابر اساطیر هندو «یم» اولین شخصی است که مرد و راه خانه مرگ را به
دیگران نشان داد (نظیر قصه «هاروت» پسر آدم ابوالبشر) .

و در آنجا تو - دو پادشاه: ورونای خداوند - و «یم» را خواهی دید که بر نذورشادی میکنند.

۸ - به پدران، و به یم ملحق شو با پاداش اعمال نیک خویش در عرش اعلی.

به خانه برگرد، در حالی که همه نواقص را دور ساخته ایم، و با تن خویش با نیروی تمام ملحق شو (۱).

۹ - دور شو، از اینجا برو، پراکنده شو:

پدران این منزل را برای او آماده کرده اند.

یم اینجا را به او بخشیده است تا در آن زندگی کند، جایی در کنار آبها که روزها، و شبها در آن مشخص است. (۲)

۱۰ - در راه خود مستقیم به پیش بدو، و از آن دو سگ چهارچشم قهوه‌ای رنگ ابلق که فرزندان «سرما» هستند بگذر، و سپس به پدران نیکو کار که در محضر «یم» شادی می کنند، نزدیک شو.

۱۱ - ای پادشاه، این مرده را به دست آن دو بسیار، آن دو که سگ های محافظ تو میباشند.

(۱) این قطعه و بعضی از قطعات دیگر این سرود در تشییع جنازه مردگان برای آمرزش ارواح در گذشتگان خوانده می شده است.

(۲) بنابر گفته: «ساینه» این قطعه خطاب است به: پی ساج ها Pisāchas (دسته ای از دیوان) و دیگر ارواح پلید.

ای پادشاه، از این نذر شادی کن (۱) :

۵ - ای یم ، با انگرس های مقدس، و پسران «ویروپه» اینجا
بیای، و شادی کن .

ما «ویوسوت» را که پدر تو است - وقتی که در این مراسم در
روی گاه ها نشسته است، میخوانیم (۲).

۶ - انگرس ها پدران ما، «نوگوه» ها، «بهرگو»، «اتهرن» های
سوما دوست.

باشد که ما همواره در لطف و مرحمت این دانشمندان
مقدس بیائیم (۳).

۷ - برو ، برو ، از آن راههای قدیمی که پدران ما
رفتند ؛

(۱) انگرس ها Angirasas : اولین قربانی کنندگان . ریشه لغوی این
کلمه (انگرس Angiras) مبهم است ، شاید از « اگنی » (آتش) که لفظاً
با این کلمه شبیه است ماخوذ باشد . و ظاهراً بهمین جهت کلمه «انگرس» یکی از
القاب اگنی است . در ادب هندو انگرس و اخلاف او تجسم اشیای نورانی و نمونه
نخستین قربانی کنندگان بشمار آمده اند .

(۲) ویروپه Virūpa (رنگارنگ ، مختلف الشکل ، زشت) نام ریشی ،
نام یکی از انگرس ها : بصیغه جمع : نام خانواده وروپ Virūpa ، نام شاخه یا
دسته کوچکی از انگرس ها . در اینجا منظور از «پسران وروپه» دسته یا شاخه ای
از خانواده انگرس ها میباشد .

(۳) انگرس ها Angirasas ، و نوگوه ها Navagvas ، و بهرگوها
Bhrigus سه خانواده روحانی قدیمی بوده اند .

«گایتری»، «نریشتیپ»، و تمام بحور مقدس (علم عروض) در
 «یم» منمر کز میگردد.

(ماندالای دهم - سرود ۱۴)

ای یم، آن دو چهار چشم که گذرند کان را هینگرند، و معبر را
حراست مینمایند، برین مرده سلامت، و نعمت عطا فرما.

۱۲ - فرستادگان یم قهوه ای رنگ، و پهن بینی جریص به جان
درمیان مردم سرگردان؛
باشد که امروز زندگی فرخنده به ما باز دهند تا آفتاب
را ببینیم.

۱۳ - برای یم شیرۀ سومارا به فشار، و نذر را به «یم» تقدیم
کن:

قربانی نیکو ساخته بوسیله اگنی به سوی «یم» میرود.
۱۴ - نذر پُر روغن را به پیشگاه یم تقدیم کن، و قدم پیش
گذار که او مارا به سوی خدایان رهبری کند؛
باشد که ما زندگی درازی داشته باشیم.
۱۵ - به سوی یم پادشاه (فرشتگان) این نذر شیرین چون
عسل را تقدیم نما:

این است بندگان برای بزرگان قدیم، سازندگان
باستانی راه.

۱۶ - یم سه قربانی (تری کدروکه) (۱) را به دست می آورد.
شش زمین، و یک (دنیای متحرک) بزرگ؛

(۱) تری که روکه Tri-kadruka: (سه ظرف سومار) در اینجا
منظور نخستین روز از سه روز عید ابهی پلوه Abhi-plava میباشد.

من به انجام دادن کارهایی دست زده‌ام که تاکنون سابقه وقوع نداشته است .

من با یکی جنگیدم ، و با دیگری ساختم .

۳ - (پاسخ خواننده) او نظری به جائب مادر خود (اندرا) که مشغول طی طریق بود افکند ، و گفت : من این راه را نخواهم پیمود . اندرا در خانه توشتر شراب سوهائی نوشید که یکصد گاو ارزش داشت ، از آن مشروبی که بوسیله هاون (تخته) فشرده شده و بدست آمده بود .

۴ - چرا او را بصورت منحرف بوجود می آورند؟ چرا او هزار ماه، و هزار پائیز در رحم من باقی ماند؟

هیچ آفریده‌ای از آفریدگان که پیدا شده اند، و هیچ موجودی از موجودات که (از این پس) بوجود خواهند آمد، به بزرگی او نخواهد بود .
۵ - او (اندرا) از وجود مادرش ننگ دارد ، و چون مادر محرماته او را زائید، قهرمائی با ارزش بود .

او هنگام ولادت بی‌اختاست، و جامه پوشید، و این نوزاد عالم (اندرا) آسمان و زمین را از وجود خود پر کرد .

۶ - (مادر اندرا) این آب‌های صاف جریان دارند ، و صدائی از حرکت آن‌ها بسان آواز زنائی که با یکدیگر فریاد می‌کشند، بر می‌خیزد .

اندر ستایش: اندرا، و خدایان دیگر

۱ - (یکی از خوانندگان میگوید:) این است راه قدیمی که مورد آزمایش قرار گرفته است، و بدان طریق خدایان بوجود آمده‌اند.

از این راه خدایان که به حد رشد رسیدند باید قدم بعرضه وجود نهند تا هنگام ولادت به مادر آن‌ها آسیبی نرسد.

۲ - (پاسخ: اندرا) من از این راه خارج نمی‌شوم، این راه بدی است، من می‌خواهم بطور اریب از پهلوی مادرم خارج شوم. (۱)

(۱) این مکالمه که میان اندرا و مادرش صورت می‌گیرد مانند بیشتر مکالمه های ریکه و دایو و ناقص است. در میان گفتگوی آن دو، خواننده ای نیز وارد شده است و مطالبی را بیان می‌کند.

شرح ولادت غیر عادی این خدا (یعنی: اندرا) در این سرود باز نموده میشود به اعمال خود سرانجام که در مواقع مختلف صورت گرفته - و پدر کشی یکی از آنهاست - اشاره شده است. نسبت به این عمل انتسابی اندرا اعتراض بعمل آمده، اما مادر اندرا، و خود او این اتهام را رد مینمایند - با تعبیر و تفصیلی که از این سرود بعمل آمده اصالت آن در نظر برخی از ارباب تحقیق مورد تردید واقع شده است.

۱۰ - (پاسخ خواننده) گوساله ماده، گاوتر بزرگی را بوجود آورد که گاو آن ماده را برمی‌انگیزد، این ورزاب زورمندی که کسی را یارای مصاف با او نیست، اندر ای گردنکش است که مادرش بی آنکه گوساله خود را بلیسد، آزاد گذاشت تاراه برود، و مسیر خود را انتخاب کند.

۱۱ - آن گاه مادرش بجانب این گاو تر خم شد، و گفت: فرزندم خدایان تو را یاری نکردند.

ای دوست من «ویشنو»، جلویا، وزودتر برو، آن کیست که مادر خود را بیوه کرد؟! (۱)

۱۲ - کی خواست تو را بکشد، درحالی که تو خواب بودی، یادرحال حرکت بودی؟

کیست آن خدائی که نسبت به تو رحمت آورد هنگامی که پدر تو پایت را گرفته بود، و به زمین زد.

۱۳ - (پاسخ اندرا) در آن (روز) بدبختی من روده‌های سگ را پختم.

این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

(۱) مادر بفرزند بزرگ و مند خویش رو نمود و گفت: «این خدایان تو را فراموش

کرده اند، آن گاه اندرا که میخواست و ریترا را بکشد چنین گفت: ای

دوست من ویشنو با گامهای بلند شجاعانه پیش تاز.

اشاره به داستان پدرکشی اندرا میباشد.

ای اندرا، از این آب‌های روان بپرس کدام کوه را می‌خواهند
از میان بردارند، و کدام سدر را بشکنند؟!

۷ - این آوا آنا برای ستایش و تقدیس تو است، و یا اینکه برای
بدنامی (ننگ و عار) است ؟!

این پسر من بود که با کشتن «وریترا» آب رودخانه‌ها بحریان
افتاد، و آزاد شد.

۸ - قصد من این نبود که تو مورد آزار قرار بگیری، اگر زن
جوانی تو را باین ورطه خطرناک افکند، و اگر کوشوا (۱) تو را در
سینه خود غرق نمود و فرو برد، این نتیجه عمل من است؛ زیرا آنها
نسبت به نوزادان رأفت و شفقت مخصوصی دارند.
در نتیجه عمل من اندرا با کمال نیرو و پیاخاست.

۹ - اگر «وینسه» (۲) را مجروح کرد، این کار مربوط به من
نیست، ای بخشنده، من گناهی ندارم، هر چند فکین! تو مجروح شد،
و تو زخم برداشتی، اما از آن عفریت نیرومندتر بودی، و سرش را
با سلاح جانکزای خود بکوفتی.

(۱) کوشوا Kushavā : بنا بر گفته : ساینه «کوشوا» نام راکش
یا عفریت ماده است که اندرا هنگام تولد او را بلعید، اما بنظر «فن روت» Von Roth
این کلمه (کوشوا) نام رودخانه‌ای است.
(۲) وینسه Vyansa : دیو خشکسالی.

اندر ستایش : سوریه Surya

۱ - حضور درخشان خدایان ، چشم میترا ، و ورونا ، و اگنی .
 (سوریا) روح همه جنبندگان و غیر جنبندگان را برافکینخته .
 آفتاب ، جو (هوا) ، و زمین ، و آسمان را پُر ساخته است (۱)
 است .

۲ - مانند (پسر) جوانی که دختری را دنبال نماید ، خورشید
 آلهه درخشان صبح را (دنبال کرده است) .
 آن جا که مردم پرهیزکار اخلاف خود را در حضور آن فرد

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

صورت عجیب خدایان و چشم میترا ، و ورونا ، و اگنی بالافت ، سوریا
 روح هر چه حرکت میکنند و هر چه ثابت است ، میباشد ، (او) زمین و آسمان و ناحیه
 بین آن دو را پُر میکند ،
 عبارت سانسکریت این است :

Utram devānām udaḡād anikam caksut mitrasya
 varuna- syāgmeh āpra dyāvāprthivi antariksam sūrya ātmā
 jagatas tasthusas ca.

از میان خدایان هیچکس به من کمک نکرد.
 من به چشم خود پستی (ننگ) زخم را دیدم.
 در این هنگام عقاب برایم شراب گوارای (شیرین)
 سوما آورد (۱).

(ماندالای چهارم - سرود ۱۸)

(۱) گریفیت این قطعه را اینطور ترجمه کرده است :
 در اندوه ژرف من روده‌های سگ را میجو شام ، در میان خدایان یکی
 را نمی‌یابم که مرا تسلی دهد ، همسر خود را حقیر شمردم ، آن گاه عقاب برای
 من سوما ی لذیذ آورد .

۵ - در دامن سوریه (آفتاب) خورشید این صورت را بخود
میگیرد تا ورونا ، ومیترا بتوانند او را بنگرند .

اسبان کُرنکش نیروی او را جاودانی نگاه میدارند؛ زمانی با
درخشش ، وزمانی دیگر بتاریکی .

۶ - امروز ای خدایان ، هنگامی که سوریا برمیخیزد، ما را
از زحمت و بی شرفی نجات بخشید.

باشد که این دعای ما را ورونا ، ومیترا، وادیتی، وسندهو ،
وزمین ، وآسمان اجابت فرمایند .

(ماندالای اول - سروده ۱۱)

مبارک برای ثروت و سرور منبسط ساخته است (۱)

۳- اسبان کُرنگ فام خورشید که برکت می بخشند با درخشنده گی، و الوان متغیر برای فریادهای پیروزی ما گردد- می آیند،

و درحالی که دعاها را بر گرفته اند، بنقطه اعلای آسمان بالا میروند، و دریک آن، بدور زمین، و آسمان میگردند.

۴- این است خداوند، این است نیروی سوری: او (نور خود را) از روی کارهای ناتمام بر میگیرد.

وقتی که او اسبان خود را از محلشان رها میسازد، شب ردای خویش را بر همه جامی گسترد (۲).

(۱) چون معنی این مصراع درست روشن و معلوم نیست بجای اخلاف ممکن است گاو آهن نیز ترجمه شود زیرا در این فصل ازخدایان درخواست میشود که زراعت را برکت دهند.

این قطعه چنین ترجمه شده است:

سوریا مانند جوانی که دختری را (دنبال میکند) سپیده دم درخشنده را تعقیب مینماید، جایی که مردان علاقمند به خدایان یوغ ارا به را ثابت میکنند تا از یک خوشبختی، به خوشبختی دیگر برسند.

عبارت سانسکریت اینست:

Pra sa mitra marto astu Prayasvān. yas ta āditya
siksati vratena. na hanyate na jiyate tvoto nainam amho
asnoty. antito na dūrāt.

(۲) منظور از مصراع اول این قطعه اینست که وقتی آفتاب غروب میکند، کشاورزان (کارگران و ارباب حرف دیگر) کارهای خود را ناتمام میگذارند.

۳ - این سرود مانند قدرت به سوی ویشنو بالا رود ، آن گاو
بزرگ گام که در کوه ها سکنی دارد .

آن که تنها با گامهای سه گانه خود این منزلگاه طویل و
وسیع را پیموده است .

۴ - آن که سه مقام او باشیرینی و سرور جاودانی آکنده است ،
آن که بحقیقت جهان سه گانه یعنی : زمین ، و آسمان ، و
همه موجودات زنده را نگاه میدارد .

۵ - باشد که من بدان منزلگاه مطبوع که مردم مؤمن به
خدایان در آنجا شاد مانند ، برسم ؛

زیرا در نزدیکی آن بلند گام چشمه انگبین در بالاترین
قدمگاه ویشنو میجوشد .

۶ - ما باشادمانی به منزلگاه او - جایی که گاو ان ظریف
هستند - میرویم ،

زیرا منزلگاه عالی آن گاو بلند گام به نیرومندی بر ما
میدرخشد .

(ماندالای اول - سرود ۱۵۴)

ستایش: ویشنو Vishnu

- ۱ - من اعمال نیرومند «ویشنو» را اعلام خواهم داشت، آن
که نواحی زمین را بپیمود،
آن که بالاترین محل تجمع (خدایان) را نگاهداشت، و در
گامهای بلند خویش سه نوبت پای خود را فرود آورد (۱).
۲ - ویشنو بجهت نیرویش ستوده میشود؛ (او) مانند جانوری
سهمناک که در کمین شکار است در کوه ها زندگی میکند و باطراف
میکردد.
در فواصل سه قدم وسیعش همه موجودات زنده سکنی
دارند (۲).

(۱) ظاهراً منظور سه نوبت روز یعنی: هنگام طلوع آفتاب، ظهر،
و غروب است.

(۲) عبارت اصل سانسکریت چنین است:
«پره لد ویشنوسته و ت ویر له مریگونه بهیمه کو کرو گریشته به یسیوروشو
نریشو ویکرو منشوه ادهی کریشینتی بهورانی ویشوا»

Pra tad visnuh stavate viryena mrgo na bhimah kucaro
girsthāh yasyorusu trisu vikramanesv adhikṣiyanti
bhuvanāni vīsvā.

۶ - کسی که برای خود نظم اخلاقی بخواند ، بادهای شیرین اند . برای ورودخانه‌ها به شیرینی جریان دارند ؛ حتی باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد .

۷ - باشد که شب شیرین باشد ، و سپیده دم هم ؛ باشد که ناحیه زمین (جو) شیرین باشد ؛ باشد که آسمان پدرما بر ما شیرین باشد .

۸ - باشد که آن درخت بلند برای ما پراز شیرینی باشد ؛ باشد که آفتاب نیز پراز شیرینی باشد ، و گاوان ماده بر ما شیرین باشند .

۹ - ای میترا ، برما لطف فرما ، و شما «ورونا» ، و «اریمن» ، و «اندرا» ، و «بریهسپتی» ، برما مهربان باشید . و همچنین تو ای «ویشنو» ی قوی گام .

(ماندالای اول - سرود ۹۰)

در ستایش: وشو دیوها Visvadevas

۱- باشد که ورونا - باهدایت مستقیم میترا - ما را رهبری کند،
آن که میداند ،

و «اریمن» با موافقت سایر خدایان .

۲- زیرا آنها دهندگان ثروت اند ، و قدرت آنها را
نمی فریبند ،

همیشه قوانین مقدس را حفظ نمائید ؛

۳- باشد که آنها ما را پناه دهند ، خدایان جاوید به مردم
فناپذیر ،

دشمنان ما را برانند .

۴- باشد که آنها راه ما را به سوی شادمانی نشان دهند، اند را
و ما روت ها ، و پوشان ، و به که - خدایانی که قابل پرستش اند .

۵- آری پوشان ، و ویشنو ، شما که در راه خویش روانید ،
سرودهای ما را با گاوان ثروتمند سازید ؛

و ما را با کامیابی تمام برکت دهید .

ما که جز اندرا دیگری را خدمت نمیکنیم .

۶ - ای نابود کننده دشمنان ، کاری بکن که دشمنان ما ، ما را سعادتمند بدانند ، و مردم (به ما تبریک بگویند) ؛ باشد که ما پیوسته در سایهٔ برکت اندرا ساکن باشیم (۱).

۷ - شیرهای را که (در هر سه مراسم) حاضر است ، و لطف قربانی می باشد ، و بشر را نشاط می بخشد ، و عمل را کامل می سازد ، و مطلوب (اندرا) است ؛ به اندرا تقدیم نمائیم ؛ آن که بتقدیم کننده ، ثروت می بخشد .

۸ - ای «شت کرتو» (۲) ، چون توازین (شیرهٔ سوما) بنوشی ، کشندهٔ «وریتره» ها (۳) میشوی ؛

(۱) این قطعه را کیفیت چنین ترجمه کرده است :
آیا ای خدای اعمال شکفت آور همهٔ مردم حقیقی ما ، ما را مبارک میخوانند ؛ باشد که ما هنوز مورد توجه اندرا باقی بمانیم .
(۲) شت کرتو Satakratu : لقب : «اندرا» خدای صدمراسم یا صدقربانی ، «ساینه» Sāyana در توضیح خود در این باره مینویسد ؛ منظور از کلمهٔ «صد» بسیاری از اعمال یا مراسم مذهبی است (Bahukarmayukta) که بهم بستگی دارد .

(۳) وریتره ها Vritras : دشمنان یا دیوان بیدادگری و ویرانی اند و خشکسالی که در جو مانع ریزش باران میشوند واز باریدن ابرها جلوگیری میکنند . این دشمنان (دیوان خشکسالی و تنگی) بناهای مختلف خوانده میشوند ورتیره Vritra ، اهی Ahi ، شوشنه Sushina ، نموچی Namuchi پیپرو Fipru ، شمبه Sambara ، اورنه Urana و غیره . اندرا با حربهٔ خود با آنها جنگ میکند و مانع خشکسالی میشود .

اندر ستایش : اندرا

۱ - همه روز ما نیکی کننده را به حمایت خویش میخوانیم (۱)
همان گونه که دوشنده گاو شیرده ییکو (زیبا) ، برای دوشیدن شیر
او .

۲ - ای نوشنده شیر «سوما» در مراسم (روزانه) ما حاضر
شو ، و از نذر ما بنوش (۲) ؛ چون خرسندی (تو که) بخشنده نعمتی
به راستی موجب اعطای کله (رمله) است .

۳ - ما تو را در میان درست اندیشان که در قرب جوار تواند ،
می شناسیم ، به سوی ما بیا ، و از ما بگذر .

۴ - ای پرستنده ، به سوی اندرای دانا و صدمه ناپذیر که بهترین
(برکت) به دوستان تومی بخشد ، روی آور .

۵ - آیا کسانی که ما را استهزا می کنند میگویند به جای

دیگر بروید ؟

(۱) یعنی : «اندر» نیکوکاران را به حمایت خویش میخواند .

(۲) منظور خدای «اندر» است که صاحب سوما و رئیس نوشندگان

«سوما» است .

ستایش : اپام نپات: Apām-napāt (۱)

- ۱ - در اشتیاق غنائم من سخنان خود را بیان میکنم : باشد
 که فرزند طوفانها سرودهای مرا بامر حمت بپذیرد .
 آیا پسر شتابنده آبها ، آنها را زیبا نخواهند ساخت ، چون
 اوست که باید از آنها لذت برد ؟
- ۲ - سرود نیکو ساخته ای را که ازدل برمی آید ، به او خطاب
 کنیم ، آیا آنها نخواهد فهمید ؟
- فرزند (پسر) مهربان آبها بعظمت خداوند همه چیز را
 بوجود آورده است .

(۱) اپام نپات Apām-napāt یا (نواده آبها) اپام نپتری Apām-naptri
 یا اپام کر بهه Apām-garbha یا اپونپتری Apo-naptri یکی از نام های القاب
 «اگنی» (آتش) است .

این خدا صودتی از آتش است که در آب متولد شده و در آب زندگی
 میکند. گفته شده که او جوانی (کودکی) است مورد علاقه دختران نارپستان که
 در اطرافش می ایستند و از او نگاهداری میکنند .

به مرد جنگنده در این نبرد کمک کن .

۹ - ای «شت کرتو» می نیرومند ، در جنگ ، ما غذای قربانی

به تو تقدیم میداریم تا (اندرا) ما را ثروت بخشی .

۱۰ - بنام اندرا که حامی ثروت است و نیرومند است و کننده

اعمال نیک است و دوست تقدیم کننده نذر است ، بسرائید .

(ماندالای اول - سرود ۴)

اورا نخست به دنیا آورده اند . (۱)

۶ - اسب در اینجا تولد یافت ؛ نور آفتاب از آن او بود .

پادشاهان ما را از حمله ستمگران حفظ فرما .

او در منزلی خراب ناپذیر در قلعه دور و ناساخته مسکن دارد ، و ارواح پلید به او نمیرسند (۲) .

۷- او گاوهای شیرده در منزل دارد و آب حیات خدایان

را فراوان می سازد ، و گوشت های نیکو می خورد ،

پسر آب ها که از آب ها نیرو میگیرد برای پرستنده خود

میدرخشد تا گنج ها را بدو ببخشد .

(۱) کریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

سه بانو برای او غذا می آورند - الهه های خدائی که هیچکس نمیتواند به او صدمه برساند - در میان آب ها اوفشده شده و شیر آنان را که برای اولین دفعه مادر شده اند مینوشد .

عبارت متن سانسکریت اینست .

Bhaga eva bhagavān astu bevās tena vayan bhagavantah
syām. tam tvā bhaga sarva ij jōhaviti 'sa no bhaga puraetā
bhaveha.

ظاهر آ مقصود از سه بانو ، «ایلا Illā» ، و «سرسوتی Sarasvatī» و «بهارتی

Bhārati» است که تجسم مقدس دعا و پرستش میباشند .

(۲) معلوم نیست که در اینجا منظور خورشید است یا برق . بهر حال معنی

آن مشکوک بنظر میرسد . بعقیده لودویگ Ludwig منظور تولد اسب طبیعی از نژاد اسب آسمانی است .

۳ - بعضی سیل‌ها باهم یکی میشوند، و سیل‌های دیگر به آنها می‌پیوندند.

رودخانه‌های خروشان انبار (وادی) مشترک را پر می‌سازند، سیل‌های درخشان از هر سوزاده رخشنده و باشکوه آب‌ها را احاطه کرده‌اند.

۴ - دختران جوان بی‌تبسم (یعنی: آب‌ها) در پیرامون این جوان می‌ایستند، و او را روشن و درخشان می‌سازند.
او با شعله شفاف خود نور می‌بخشد و بی‌هیزم در آب با جامه آغشته به روغن می‌تابد (۱).

۵ - به آن خدای ثابت، سه بانوی آسمانی غذای دهند، گویا او به سوی مادرش در آب‌ها کشیده میشود،
او شیرینی آسمانی (بهشتی) از دست آن‌هایی می‌خورد که

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

آب‌های افسردگی ناپذیر و دختران جوان آراسته در خدمت آن جوان (پسر آب‌ها) هستند، او با اشعه درخشان خویش با جمال و زیبایی در آب‌های آغشته به روغن (کره پخته) بی‌هیزم می‌تابد.
متن اصل سانسکریت اینست:

«به‌گه پرنتر به‌گه ستیه رادو به‌گه گمام دهیم ادا د د ن نه به‌گه پره
نه جنیه کو بهیر اشویر به‌گه پره تری بهیر نروته سیامه

Bhaga pranetar bhaga satyarādho bhagemām dhiyam
ud avā dadan nah. bhaga pra no janaya gobhīr asvair
bhaga pra nrbhīr nrvantah syāma.

قربانی و احترام و نذر پرستش میکنیم (۱).

من موجب درخشش پشت اورا فراهم میسازم و به او هیمه میدهم.
من او را غذا میدهم و با سرودهای خود تجلیل مینمایم (۲) -

۱۳ - گاو نر نطفه حیات خویش را در میان آنها نهاده است،
او چون کودکی شیر آنها را مینوشد، و آنها او را میبوسند،
او - فرزند آبها - بارنگ پریدگی ناپذیر در اینجا در بدن
دیگری وارد شده است.

۱۴ - هنگامی که او در اینجا به عالیترین وضعی منزل دارد
و با اشعه فنا ناپذیر میدرخشد؛

آبها روغن می آورند تا فرزند خود را غذا بخشند، آن
نوجوانان در اطراف او می چرخند.

۱۵ - اکنون، من به مردم پناه می بخشم، و به شاهزادگان مهیا
ساختن (شعائر قربانی).

آنچه مورد لطف خدایان است مبارك است؛ باشد که ما با
قهرمانان در محفل بلند سخن گوئیم (۳).

(ماندالای دوم - سرود ۳۵)

(۱) ظاهر منظور از عبارت: «از نزدیکترین دوست عدد زیادی، آنست که
چون او از همه خدایان از حیث مکان پائین تر میباشد، به مردم نزدیکتر است.
(۲) منظور اینست که چون هیمه و هیزم در آتش بیندازند موجب شعله ور
شدن آتش میشود و بهتر و بیشتر زبانه میکشد.

(۳) مقصود آنست که اکنون در اثر سرودهای من، مردم ما را حفاظت
میکند، و ثروتمندان ما را موفق میسازد که قربانیهای نیکو تقدیم دارند.

۸- او که در آب‌ها با اُلوهیت خالص خود به پهنآوری میدرخشد
و مطیع قانون و جاویدان است ؛

جهان‌های دیگر بحقیقت شاخه‌های اوست ، و گیاهان، و آنچه
از آنها می‌روید همه از او برخاسته است .

۹- فرزندان آب‌ها بپاخاسته و با جامه‌ای از نور به میان
ابرهای پُریچ‌وخم بالارفته است ؛

و جلال عالی خویش را در میان آن نوجوانان زرین‌فام که در
اطرافش در حرکت‌اند، آشکار می‌سازد (۱).

۱۰- او زرین‌شکل است ، و چون به او بنگری چون طلا
است ، رنگش زرین است ، پسر آب‌ها است .

وقتی که تازہ در زادگاه زرین خود نشسته است، آنها که
طلای خویش را تقدیم میدارند ، برایش غذا می‌آورند .

۱۱- این نام زیبای او ، و این جنبه دل‌آرای پسر آب‌ها
در پنهانی درافزایش است ،

آن که دختران جوان باهم (برای او) در اینجا (آتش)
می‌افروزند ، غذایش روغن مقدس زرین‌فام است .

۱۲- او را که از نزدیکترین دوست عده زیادی است ما با

(۱) ظاهراً منظور از عبارت: «نوجوانان زرین‌فام» رودخانه‌های آب‌های
جوی (هوائی) اقیانوس است .

۶ - وقتی جات ویداس به حرکت درمی آید ، و چون اگنی در زمین منتشر میشود ، غبار سیاه از قدم‌های او برمیخیزد .

۷ - اگنی که گیاهان را طعمه خویش میسازد ، و آنها را می‌بلعد ، هرگز سیر نمیشود؛ بلکه باز (بربوته‌های) جوان می‌افتد.

۸ - (درختان را) باز بان خویش (شعله‌ها) خم مینماید ، و با جلال میدرخشد ، اگنی در جنگل‌ها تابان است .

۹ - ای اگنی ، مقام تو در آب‌ها است ، تو به گیاهان می‌چسبی و جرثومه آنها میشوی ، و دوباره تولد می‌یابی .

۱۰ - درخشش تو ، ای اگنی ، وقتی که روغن (نذر) تقدیم میشود ، در حال اشتعال از دهانه ملعقه تابان است ،

۱۱ - ای اگنی ، ای بخشنده (آرزوها) ، ای خورنده گاو ، ای خورنده مغز استخوان که در پشت تو نذور ریخته میشود و تورا پرستش می‌کنیم (۱) ،

۱۲ - ای اگنی ، ای احضارکننده (خواننده) خدایان ، ای انجام دهنده مراسم مقدس ، ما با نذور و هیزم از تو التماس داریم .

۱۳ - ای اگنی مقدس که نذور به تو تقدیم میشود ، ماهمان گونه که «بهر کو» ، و «مانو» ها ، و «انگرس» ها تو را پرستش میکردند ، تورا عبادت میکنیم .

۱۴ - ای اگنی ، تو را اگنی برافروخته است ، چون دانشمند

(۱) در متن سانسکریت عبارت Soma prishthāya بکار برده شده که بمعنی:

در ستایش: اگنی (آتش)

۱ - اینان که ستایش را تکرار میکنند ، مدح اگنی دانای آفریننده را بیان مینمایند ، آن قربانی کننده (پرستنده) ای که وقفه در کارش نیست .

۲ - ای اگنی ، ای «جات ویداس» (ای اگنی جات ویداس) ، برای تو ای تقدیم کننده نذور کریم ، ای ناظر بر همه چیز ، من صمیمانه ستایش تو را تکرار میکنم .

۳ - شعله های سرکش تو ، ای اگنی ، جنگل را نابود میکند ، همان گونه که حیوانات وحشی با دندان های خود (کیاهان را) از میان برمیدارند .

۴ - آتش های دودزای معدوم کننده ، سوار بر باد ، در همه جوانب فلک پراکنده میشوند ،

۵ - این آتش ها که هر يك جدا گانه برافروخته شده است ، مانند علامات سپیده دم بنظر می آیند .

(۱) ریشی این سرود وروبه Virupa از اخلاف انگریس است.

۲۳- ای اگنی، ما تورا میخوانیم، تو که «جات ویداس» هستی
و (ستایش ما را) میشنوی، و دشمنان ما را از میان برمیداری.
۲۴- اگنی پادشاه مردم، شکفت انگیز، سرور اعمال مقدس،
من او را ستایش میکنم؛ باشد که مرا بشنود.

۲۵- ما مانند اسبی آن (اگنی را) که نیرویش در همه جا حاضر
است، تقویت مینمائیم؛ آن که شریف، وقوی، و خیر است.
۲۶- ای اگنی، با درخشش بتاب، بدخواهان را هلاک ساز،
و دشمنان ما را (دور کن)، و در همه جا «راکشس» ها را از میان
بردار.

۲۷- ای سرور «انگرس» ها (اگنی) که (تورا) مردم مانند:
«مانو» ها برمی افروزند، سخنان مرا بشنو.

۲۸- ما با ستایش تورا میپرستیم، ای اگنی که در آسمان، و
آب ها تولد یافتی، و در اثر نیرو پدیدار گشته ای.

۲۹- همه خلایق، و ساکنان (زمین) یکایک غذا (قربانی)
برای تناول، و لذت تو تقدیم میدارند.

۳۰- ای اگنی، باشد که ما بوسیله تو که در قربانی مهارت
داریم، و در تمام ایام خود مردم را می بینیم، از (همه) مشکلات
بگذریم.

۳۱- ما با (سرودهای) شادبخش، و فرح انگیز اگنی سرور
کننده را که پیش بسیاری گرامی است، و با درخشش پاک کننده ای

دانشمندی را ، و مقدسی مقدسی را ، و دوستی دوستی را .
 ۱۵ ای اگنی ، بتقدیم کنندۀ پاکدامن (نذر) ثروت بی پایان ،
 و روزی ، و فرزندان نرینه عطا فرما ،

۱۶ - اگنی ، ای برادر که به نیرو نمایان گشته ای ، و خداوند
 اسبان سرخ میباشی ، و (انجام دهنده) مراسم پاک هستی ، ازین ستایش
 ما خرسند باش .

۱۷ - ستایش های من به سوی تو می شتابند ، ای اگنی ، همان
 گونه که گاو ان به کاو خانه (آغل) خویش میروند تا کوساله های
 تشنه خود را شیر دهند .

۱۸ - به تو ای اگنی که سرور انگرس ها هستی ، همه مردم
 فرد فرد برای نیل به آرزوهای خویش رومی آورند .

۱۹ - دانایان ، خردمندان ، و هوشیاران با قربانی اگنی را
 خشنود می سازند تا به روزی خود برسند .

۲۰ - ای اگنی ، ای نیرومند ، ای حامل (نذر) ، ای احضار
 کننده خدایان ، (پرستندگان) که قربانی را در منازل خود مهیا
 ساخته اند ، تو را پرستش میکنند .

۲۱ - تو خداوندی ، تو همه مردم را در همه جایك سان می بینی
 پس ما در جنگ ها تو را میخوانیم .

۲۲ - آن اگنی را که چون روغن به دو تقدیم شود بارو شنائی
 می تابد ، و دعا های ما را می شنود ، عبادت نمائیم .

در ستایش : سوما Soma

۱ - (عصاره) سوما را تصفیه کنید، شیرین ترین مشروب، سُکر آورترین شراب سرشار را با فشردن (گیاه سوما) به دست آورید ، برای اینکه اندرا بنوشد .

۲ - اندرا (خداوند) کشنده دشمنان (دیوان) ، حفیظ و حافظ دوستان (اقوام بشر) در مقرّ خود (درعرش علیین) قرار گرفته است و ظرف پولادین در دست دارد تا از نایچه، ولوله آن شراب سوما را بنوشد .

۳ - ای خدا ، فضای حیاتی ما را وسیعتر گردان ، بخشندگی بیشتری بمانشان ده .

ای قاتل اهریمنان (ای وریتر کش) ، بزرگان ما را از حمایت، و یاری خود بهره مند، و برخوردار فرما .

۴ - ای سوما جاری شو، و از شیرۀ خود مهمانی خدایان را رونق بخش ، و وسیله دسترسی بافتخارات نظامی ، و تحصیل غنایم و مالی را که در جنگ از دشمنان بدست می آید ، فراهم ساز .

در قربانی قرار دارد ، میخوانیم .

۳۲ - ای اگنی ، در آن هنگام که تو چون خورشید طالع
میدرخشی، و قدرت خویش را بوسیله اشعه خود مینمایانی، ظلمت را
معدوم میسازی .

۳۳ - ای اگنی نیرومند ، ما آن ثروت دلخواه که در بخشش
تو است ، و هرگز زوال نمی پذیرد ، از تو التماس داریم .
(ماندالای هشتم - سرود ۴۳)

ستایش : اگنی

۱ - تو شعله بزرگ سنن و مراسمی ، بی تو موجودات ابدی
فرح و انبساط ندارند.

بیا با ارا به خود با سایر خدایان و همراه آنان، و اینجا بنشین.
ای اگنی، نواولین پیشوای مذهبی ما هستی .

۲- تو آن (خدای) سریع و چالاکی که بشر به او ندور تقدیم
میکند، و به درگاهش بطور مدام التجا میجوید ، و واسطه میان آدمیان
و سایر خدایان است .

ای اگنی ، بر آن که تو با خدایان (دیگر) بر روی چمن
مقدس او می نشینی روز کار را مبارك ساز (۱).

۳- ای اگنی، برای مردی (موجود فناپذیری) که تو را ستایش
میکند، سه بار در روز (۲) ثروت بوسیله تو ابراز میشود .

(۱) کریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

« مردم پیوسته بوسیله ندور از تو استدعا دارند ، ای تیز رو که وظیفه
سفیر را انجام می دهی آن که بر روی چمن مقدس او تو با خدایان می نشینی ؛
ای اگنی روز کار را برای او فرخنده فرما ».

(۲) منظور از سه بار در روز : صبح ، ظهر ، شب یا سه مجمر آتش است.

۵ - ای اندو^(۱)، بواسطه کسب این نعمت‌هاست که ما روز به روز به جانب تو رومی آوریم، ای شراب آسمانی (ای شراب طهور) ادعیه ما را بپذیر .

۶ - دختر خورشید (سوریه)^(۲) شیرۀ پاک ، و روشن تو را در پرویزی که تور آن غربال ازپشم تابیده بافته شده است ، تور اصف کرده ، پالش میدهد .

۷ - دوشیزه^(۳) از تو در روز بزم ، ورزم استفاده میکنند ، خواهران^(۴) در روز پیکار قطعی از او یاری می طلبند .
۸ - دختران با کره (وعیف)^(۵) شیرۀ تور را میگیرند، و آواز خوشی از آن برمی خیزد .

این شراب مقدس در حکم زره سه لائی و سبطر است .
۹ - گاوان شیرده (که شیر آنها با سوما آمیخته میشود) با تو گوساله‌های خود را مسح میکنند (تدهین میکنند) .
۱۰ - اندرای سرمست شراب سوما ، همه و ریتراها را کشت و در نتیجه سرمستی و سُکری که از عصاره سوما حاصل میشود دلاوران از بزرگواری و بخشندگی او (اندرا) خدا کثر استفاده را مینمایند .
(ماندالای نهم - سرود اول)

(۱) منظور «سوما» است .

(۲) ظاهر امر ادا از دختر سوریه، شراده Srādhā است .

(۳) مراد انگشتان خدام دین است .

(۴) منظور همکاران و همدینان است .

(۵) منظور خدمتگزاران دین‌الد.

ستایش : وایو Vayu

۱ - ای «وایو» ی نیک منظر ، نزدیک شو ، این «سوما» برای
تو مهیا شده است،

از آن بنوش، دعوت ما را بشنو (بپذیر).

۲ - ای وایو، ستایشگران تو که شیرۀ سوما را ریخته اند، و
موسم (مناسب) را می شناسند ، تو را با ستایش های مقدس تمجید
میکنند .

۳ - ای وایو ، سخنان موافق تو به پرستش کنندگان (تقدیم
کنندگان نذور) ، و به بسیاری (دیگر) که تو را بنوشیدن شیرۀ
«سوما» میخوانند، میرسد .

۴ - ای وایو ، وای اندرا ، این نذور برای شما ریخته شده
است، باغذا (خوراک) برای ما به اینجا بیائید ؛
به درستی قطره های شیرۀ سوما در انتظار هر دوی شما
است .

۵ - ای اندرا ، وای وایو که در مراسم قربانی حاضرید، و به

برای خدایان اینجا قربانی کن ، همان گونه که « مانو »
قربانی کرد .

ای اگنی ، تو واسطهٔ میان ما و خدایانی ، تو ما را از بد کوئی
بداندیشان در پناه خود قرار میدهی .

۴ - ای اگنی به آئین و مناسک مذهبی پادشاهی کن ، ای اگنی
در تمام (مراسم اهدای) نذوز که تدارك دیده میشود بر ما حکومت
کن .

خدایان تو را باین سمت شناخته و قبول کرده اند ، تو واسطهٔ
رسانیدن قربانی ها هستی که ما برای خدایان میکنیم .

۵ - ای اگنی ، خدایان را در مراسم اهدای نذور فراخوان
تا در اینجا آنها با اندرا - خدای بزرگتر - جشنودشوند ،

این قربانی ما را به خدایان در آسمان برسان ،

ما را همیشه در پناه خیر و برکت خود قرار ده .

(ماندالای هفتم - سرود ۱۱)

ستایش : اگنی

۱ - ای اگنی ، ای باران (رحمت) تو که خداوندی، تو که با همه آفریدگان می آمیزی ، تو که از جای پای «ایلا» شعله ور گشتی؛ ما را به ثروت برسان (۱) .

۲ - باهم ملاقات کنید، و باهم صحبت بدارید، و افکار شما با یکدیگر موافق باشد،

همان گونه که خدایان باستانی با یکدیگر سهم خود را از قربانی قبول می کردند.

۳ - نماز (دعای) همه (جمع ستایش کنندگان) یکی باد ، حاصل همه یکی باد ، مقصود همه همگانی باد ، آرزوی همه متفق باد .

من يك دعای همگانی برای شما تکرار می کنم، من يك نذر همگانی به شما تقدیم مینمایم.

(۱) این قطعه را کریفیت چنین ترجمه کرده است :

«تو ای اگنی نیرومند که آنچه گرانبهاست برای دوستان، گردمی آوری، آن هنگام که در محل لذت برافروخته ای ، برای ما تمام گنج ها را بیاور؛ .

این نذر واقفایند - هردو - به شتاب به اینجا بیایید :

۶ - ای اندرا ، وای وایو ، به مراسم این قربانی بیایید ،
چون بدین طریق مردم به سرعت به کمال این مراسم خواهند
رسید .

۷ - من «میترا»ی پاک نیرو ، و «ورونا»ی دشمن خوار را میخوانم
که (بایکدیگر) آب را به زمین عطا نمودند .

۸ - ای میترا ، و ای ورونا ، ای افزاینده آبها ، وای مُقسّم
آبها ، شما این مراسم کامل را به (اجر) حقیقی آن متصل
می سازید .

۹ - ای میترا ، و ورونای دانا ، قربانی ما را قرین سعادت
فرمائید ، و نیروی ما را فزونی بخشید .

شما برای خیر بسیاری مردم زائیده شده اید ، و شما ملجاء جمعیت
میباشید .

(ماندالای اول - سرود دوم)

ستایش : اندرا

ای اندرا، ثروتی بیاور که لذت بخش است، ثروت پیروزمندی
که همیشه غالب است ،

ای بالاتراز همه ، یارما باش.

۲ - تا بوسیله او (اندرا) مادشمن را در جنگ تن به تن (جنگ
دست به دست) عقب برانیم ،

و تو ما را با ارا به یاری نمائی .

۳ - به یاری تو ای اندرای صاعقه اسلحه، ما نیزه را برمی
افراشیم (بلند می کنیم) ،

و همه دشمنان را در جنگ مغلوب می سازیم .

۴ - با تو ای اندرا، وبه اتفاق قهرمانان زوین انداز ؛
باشد که ما دشمنان خود را در میدان جنگ بشکنیم
(مغلوب کنیم).

۵ - اندرا قادر است ، اندرا برتر است ، عظمت او راست ،
رعد آسا است ،

۴- (ای ستایش کنندگان) قصد شما همگانی باد،

(خواهش) دل‌های شما یکی باد،

افکار شما یکی باد، تا آن که اتحاد کامل در میان شما

باشد.

(ماندالای دهم - سرود ۱۹۱)

ستایش: اندرا، و ورونا

۱ - فعالیت های سریع مشهور قدیم شما نیاز به محرّکی از طرف خدمتگزار باوفای شما نداشت.

ای اندرا - و ورونا، کجاست اکنون آن قر و شکوهی که بوسیله آن از دوستداران خود حمایت می کردند؟ (۱)

۲ - این مرد (۲) بسیار دقیق که در جستجوی ثروت است، لاینقطع شمارا بیاری میخواند.

ای «اندرا» - «ورونا»، با «ماروت» ها، و آسمان، و زمین دعا‌های مرا بشنوید.

۳ - ای اندرا - و ورونا، این گنج‌ها از آن ما باشد، ثروت از آن ما باشد، ماروت‌ها،

(۱) این سرود مشتمل است برشش سه ییتی (Trichas) .

خدایانی که در این سرود مورد ستایش واقع شده اند جدا جدا عبارتند از :

۱ - اندرا - ورونا ۲ - بریهسپتی ۳ - پوشان ۴ - سویتتری (سویش

Svitar) ۵ - سوما ۶ - میترا - ورونا .

(۲) مقصود از عبارت : « این مرد » ستایش کننده یا پرستش کننده

است .

قدرت خود را به پهنای آسمان بسط میدهد.

۶ - به آنها کمک مینماید که پسر پیدا کنند تا چون
قهرمانان به جنگ آیند (۱)،

یا سرایندگان افکار مقدس زیباشوند.

۷ - شکم او با نوشیدن لاجرعهٔ سوما مانند اقیانوس آماس
می کند،

همچون رودخانهٔ پهنآوری از طاق آسمان.

۸ - بدین گونه نیز او در علو خویش بزرگ، نیرومند، و دارای
رمه های گاو (است)،

و مانند شاخهٔ رسیده ای برای پرستندگان خود می باشد.

۹ - چون به حقیقت نیروهای توانای تو ای اندرا، یآوری های
نجات دهنده،

و فوری برای پرستنده ای چون من می باشد.

۱۰ - و (با) همین گونه هدایای زیبای او، حمد و ستایش اندرا
سروده شود تا او شیرۀ سوما را بیاشامد.

(ماندالای اول - سرود ۸)

(۱) یعنی: اندرا به پرستندگان خود یا قوم آریائی کمک میکند تا
فرزندان نرینه پیدا کنند.

۹ - باشد آن که همه زندگان را می بیند ، آن ها را با یک نظر بنگرد؛

باشد که او (پوشان) یاور ما شود.

۱۰ - مادر باره درخشندگی قابل پرستش سویتری رخشان زندگی بخش تفکر می کنیم؛
باشد که او افکار ما را روشن (تهییج) نماید (۱).

(۱) این «قطعه» یا «آیه» مقدس ترین آیات ریگ ودا بلکه قطعات و آیات همه وداهاست و بهمین جهت قسمتی از دعاهاى روزانه روحانیون هندو میباشد . نخستین بار سرویلیام جونز ترجمه تحریف شده ای از این آیه را انتشار داد . این ترجمه با متن اصلی سانسکریت چندان انطباقی ندارد . این آیه را گایتری Gayatri خوانند .

گایتری بمعنی اعم نام یکی از اوزان یا بحر (در علم عروض) معروف و قدیم سانسکریت دارای ۲۴ مقطع (مقطع ۲۴ = ۸ × ۳) است که بسیاری از سرودهای ریگ ودا باین بحر ترکیب و تنظیم شده است . گایتری بمعنی اخص نام مقدس ترین آیه ریگ ودا میباشد و وظیفه هر براهمن است که در نمازهای صبح و شام آنرا از بر بخواند . این آیه خطاب به آفتاب یا سویتر (خالق) است و باین جهت «ساویتری» نیز خوانده می شود.

متن سانسکریت این آیه این است:

«ت سویتور و رینم بهر کو دیوسیه دهی مهی دهیو یونه پر چودیات
Tat savitur varrenyam bhargo devasya dhimahi dhiyo
yo nah pracodayāt.»

ترجمه دیگری از این آیت :

« زمین، و آسمان ، و بهشت ؛ به این ها تفکر کنیم ، و بنور اعلی ، و نیروی خورشید رخشان بخشنده راد تا او عقل ما را راهنمایی کند . »

با تمام دسته قهرمانان:

باشد که «وروتری»^(۱)ها با پناه خویش ما را یاری کنند، و
«بهارنی»، و «هوتر» با بامدادان.

۴ - از نذور ما خشنود باشید، توای محبوب همه خدایان،
ای «بریهسپتی»:

بر آن که برای تو تقدیمی آورد، ثروت بخش.
۵ - در قربانی‌ها با سرودهای خود «بریهسپتی» پاک‌رپرستش
کنید.

من برای نیروئی دعا می‌کنم که کسی نتواند بر آن (نیرو)
خم وارد آورد.

۶ - هرگاه انسان که کسی نمیتواند او را فریب دهد، و به هر
شکلی که میخواهد درمی‌آید،
بریهسپتی اعلیٰ علیین.

۷ - ای پوشان درخشنده ال‌هی، این سرود نوین ثنای تورا،
ما برای تومی سرائیم.

۸ - این سرود ما را با مرحمت بپذیر، و بر فکر (خیال)
جدّی لطف بر ما،

حتی مانند داماد بر عروس.

(۱) وروت‌ری‌ها varūtris : الهه‌های نگهبان.

۱۴ - باشد که «سوما» بهما ، و رمه‌های ما روزی (رزق) سالم
بخشد - به‌دو پایان و چهار پایان.

۱۵ - باشد که سوما نیروی حیات ما را تقویت کند ، و
دشمنان ما را مغلوب سازد، و در انجمن ما بنشینند.

۱۶ - باشد که «میترا» و «ورونا» - آن زوج دانا چراگاه
ما را باروغن سقایت نمایند - با انگبین نواحی جو.

۱۷ - شما که فرماتان در همه جا رواست ، و چون ستایش
شوید شادمان می گردید ، با نیروی همایون خویش حکومت
کنید ،

باقوانین پاک جاودانی.

۱۸ - ای ممدوحین سرود «جمدا گنی» ، در جای قانون مقدس

بنشینید:

سوما بنوشید ، شما ای تقویت کنندگان قانون (۱).

(ماندالای سوم - سرود ۶۲)

(۱) بنظر: «سانیه» در اینجا «جمدا گنی Jamadagni» یکی از القاب:
«ویشوامتر Visvāmītra» و بمعنی افروزنده آتش است ولی بعضی از مفسرین
عقیده دارند که جمدا گنی نام: «ریشی Rishi» میباشد که گوینده این
سرود است.

ماندالای سوم مشتمل بر ۶۲ سرود میباشد، و این سرود آخرین سرود این
ماندالا است.

۱۱ - با معرفت استوار از خدای سویترا ، سهم خود را از موفقیت مسئلت داریم .

۱۲ - مردمان سراینده خدای سویترا (سویترا) را با سرود ، و مراسم مقدس پرستش میکنند ، و افکار آنها مشوق آنان است .

۱۳ - «سوما» پیروز بخش پیش می‌رود ، و به محل اجتماع خدایان می‌رسد ، تا او را بر جایگاه قانون بنشاند .

◀ آیه گایترا باین تقریب‌تر ترجمه شده است :

«ما بنور مطبوع سویترا الهی که در مراسم پاکدامنی مأمور است ، تفکر میکنیم» .

در «شن پران» (ویشنو پورانه «Vishnu Purāṇa») - یکی از هیجده پران - این آیه چنین ترجمه شده است :

«ما بنور اعلای خورشید الهی تفکر می‌کنیم ، تا او افسار ما را روشن سازد» .

این آیه را گریفت چنین ترجمه کرده است :

«باشد که ما به جلال والای خدای سویترا نائل آئیم ، تا باشد که اوداهای ما را برانگیزد» .

ترجمه پنجمین آیه گایترا برین تقریب است :

«باشد که درخشش با شکوه این خالق و این خدا که اعمال ما را فرین سعادت می‌سازد ، به ما برسد» .

هندوها این آیت را جوهر کائنات می‌پندارند و در تقدس آن به حدی غلو میکنند که نویسندگان متعصب هندو حتی از استنساخ آن خودداری میکنند . آیه مذکور شخصیت و تجسم یافته است و بصورت الهی : «ساویترا» در آمده که همسر برهما و مادر چهار ودا (چهاربید) ، و همچنین مادر سه طبقه (سه کاست) اول هندو است .

اندر ستایش: و شودیوها (۱)

۱ - این روحانی مهربان پیر خاگستری رنگ ، برادر
وسطی - از سه برادر - او برق است .

برادر سوم اوست که روغن بر پشتش می افشانند .
من در اینجا رئیس را با هفت فرزند نرینه اش مینگرم (۲) .
۲ - آن اسب تیز تك که هفت را به ارا به يك چرخ بسته
است؛ آن تنها اسب تیز تك که هفت نام دارد ، آن (ارابه) را میکشد .

(۱) این سرود یکی از سرودهای کلان ریگ ودا و از جمله سوکناهای
معروف این کتاب میباشد . در این سرود ضمن اشاره به خدایان مختلف و ستایش
آنها ، در آیه ۴۶ بنوعی یکتاپرستی اشاره شده است .
(۲) منظور از روحانی ، « آدیتیا Aditya » (یعنی: خورشید است) .
و مقصود از برادر سوم برق است که صورتی دیگر از اگنی (آتش) میباشد . و برادر
سوم: « اگنی گر هپتیه Agni gārlapatya » = آتش مقدس غربی است که در
هر خانه نگاهداری میشود و آنرا با کره تصفیه شده تغذیه مینمایند .
و یلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

« من خدای مردم را با سه پسرش دیده ام ؛ و این (خدای) شادببخش و
خیر که مورد خطاب ماست يك برادر وسطی دارد که در همه جا حاضر است و
يك برادر سوم که از روغن (نذر) پرورش می یابد . »

درستایش: اگنی

- ۱ - با عمیق ترین احترام به جوانترین (خدایان) که چون در منزلگاه خویش برافروزد - میدرخشد - نزدیک شویم،
آن که در میان زمین ، و آسمان شکفت وار شعله ور است ، و چون با خلوص خوانده شود به همه جا می آید (۱).
- ۲ - اگنی که عظمت او بر همه بدی ها غلبه دارد ، و در حجره (قربانی) مانند: «جاتویداس» مورد ستایش است؛
باشد که وقتی او را باندور روان (سیال) تجلیل مینمائیم، مارا از گناه ، و سرزنش حفظ فرماید.
- ۳ - ای اگنی ، تو «ورونا» هستی ، تو «میترا»ئی . «وشیست»
ها تو را بیشتر ستایش میکنند ؛
باشد که ثروتی که در تو (نهان) است ، سخاوتمندانه توزیع شود، و مارا همیشه برکت دهید .
(ماندالای هفتم - سرود ۱۲)

(۱) منظور از جوانترین خدایان، اگنی (خدای آتش) است.

نفس و خون از زمین است، ولی روح از کجاست؟

کی پیش دانایان رفته است که این را بپرسد؟ (۱)

۵ - با فهم نارسا و عقل ناقص من این چیزها را میپرسم که حتی برخدایان نیز پوشیده است.

آن هفت ریسمان چیست که دانشمندان گسترده اند تا خورشید را احاطه نماید، و همه چیز در آن قرار دارد؟

۶ - من نادان از دانشمندی که (حقیقت را) میداند سؤال میکنم تا دانش را (به دست آورم) (۲).

آن فرد یگانه کیست که این شش کره را بصورت تولد نیافته نگاه داشته است؟

۷ - آن که (این حقیقت را) میداند اظهار نماید. این مقام محکم بنیان این مرغ زیبا از سر او گاوآشیر میدوشند، و لباس او را پوشیده با پایهای خود آب را نوشیده اند (۳).

(۱) گریفت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

«وقتی که او وجود آمد کی او را دید و چه کسی مشاهده کرد که این موجودی استخوان موجودات استخواندار را حمل میکند؟»

خون زمین، و حیات، و روح او کجاست؟ کی میتواند به مردی که میداند نزدیک شود و از او بپرسد؟»

(۲) یعنی : من مانند کسی که نمیداند از دانشمندی که میداند سؤال میکنم تا دانش را به دست آورم.

(۳) ظاهر آن منظور از مقام مرغ زیبا، منزل خورشید (آفتاب) است. و مقصود از سر او گاوآشیر میدوشند آفتاب میباشد که عوامل فرستادن باران اند و دوباره آنرا جذب میکنند.

آن چرخ را سه ناف است که سالم و فساد ناپذیر می باشد ، و در روی آنها تمام این عوالم موجودات قرار گرفته اند . (۱)

۳ - آن هفت که بر ارباب هفت چرخ سوارند و آنها را به پیش می برند ،

هفت خواهر باهم سرودهای ستایش را میخوانند که در آنها نام هفت گاو ذخیره گشته است (۲).

۴ - کی فرد نخستین را هنگام تولدش دیده است ؟
آن بی جسمی که اجسام را بوجود می آورد کیست ؟

(۱) مقصود از کلمه هفت ، هفت روحانی است ، و مقصود از ارباب يك چرخ ، خورشید است ، و مقصود از هفت ناف ، شاید شعاع آفتاب باشد . و منظور از سه ناف گویا سه فصل یعنی : فصل گرما ، و باران و سرماست .
و یلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

و آنها هفت (اسب) را به ارباب يك چرخ می بندند ؛ يك اسب که نام او هفت است آنها را میکشد ؛ آن چرخ سه محوری هرگز خراب نمیشود و هیچگاه از جای خود باز نمیگردد ، و در آن تمام این نواحی جهان منزل دارند .

(۲) مقصود از کلمه هفت در این «Padal» شاید هفت شعاع آفتاب یا هفت تقسیم سال که عبارتست از : انقلاب ، فصل ، ماه ، پانزده روز ، روز ، شب ، و ساعت .
هفت چرخ ارباب هفت اسب نیز شاید اشعه آفتاب باشند . مقصود از هفت خواهر ، هفت رودخانه آسمانی است که نشانه حاصلخیزی است و اسم گاوهارا دارد .

و یلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
«آن هفتی که برین ارباب هفت چرخ ریاست میکنند هفت اسبی (هستند) که آنها را میکشند . هفت خواهر باهم بر آن سوارند ، و هفت شکل تلفظ در آن قرار

۱۰ - آن فرد یگانه (خورشید) که سه پدر و سه مادر دارد ،
در اوج بایستاد، و هیچ چیز او را خسته نمیکند،

(خدایان) در اوج آسمان راجع به او به زبانی که شامل همه
است - (ولی) به همه نمیرسد - مشورت میکنند (۱) .

۱۱ - چرخ دوازده پرّه (خورشید) حقیقی در دور آسمان در
گردش است، و هرگز خراب نمیشود .

هفتصد و بیست و نوزده جفت به جفت اگنی در آن ساکن اند (۲) .

۱۲ - آن پدر پنج پای دوازده شکل را «پروشین» خوانده اند
وقتی که در آن نیمکره آسمان است ، و دیگران او را «اریتا»
میخوانند وقتی که در این (قسمت آسمان) است ، و با اربابه هفت
چرخ خود که هر يك (هر چرخ) شش پرّه دارد میدرخشد (۳) .

۱۳ - تمام موجودات درین چرخ گردنده پنج پرّه ساکن اند،

(۱) گریفت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

در زیر بار سه پدر و سه مادر او استوار ایستاده است ، آنها هرگز او را
خسته نمی سازند . در قلّه آسمان آنها با یکدیگر سخن میگویند با کمال
دانائی و بدون هیچ فشار و اجبار .

در توجیه مفهوم این قطعه گفته اند : منظور از سه مادر و سه پدر :
سه زمین و سه آسمان است .

(۲) ظاهراً منظور ۳۶۰ روز و ۳۶۰ شب در يك سال میباشد .

(۳) بنا بر عقیده ساینه منظور از عبارت « پنج پا » ، پنج فصل
سال است که فصل مرطوب (بارانی) و فصل سرما يك فصل بشمار رفته است ،
و منظور از عبارت : « دوازده شکل » دوازده ماه سال است .

۸ - مادر (زمین) پدر (آفتاب) را جهت مراسم مقدس برای خاطر آب پرستش میکند ، اما او که (خواهش مادر) را در فکر خود از پیش میدانسته است و به سبب خواهش فرزندان او (مادر) از شبنم آبستنی پر شده و در انتظار فراوانی کلمات (تبریک) را ادا میکند (۱).

۹ - مادر به مال‌بند ارا به گاو نعمت بسته است ، در طبقات مرطوب ابر فرزند قرار گرفته است .
آن گاه گوساله به صدا در آمد ، و به مادر نگرست ، گاوی که در سه جهت به همه اشکال در می آید (۲).

(۱) کیفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
مادر به آن بزرگوار سهم او را از نظم می بخشد ؛ نخست با تدبیر آن مادر با او در روح ازدواج میکند . آن بانوی آزر مکن که از شبنم باروری آکنده گشته است ، مردم با پرستش به ستایش او رومی آورند .
بنا بر گفته مفسران مقصود از مادر زمین ، و از بزرگوار ، آسمان است که زمین سهم بزرگ خود را در باروری جهان به آسمان میدهد . و مقصود از شبنم ، باروری باران سودمند است .

(۲) مقصود از مادر زمین و از فرزند خورشید جهان و از گوساله صدا در می آید ابر رعد خیز و خروشان است . و مقصود از سه جهت : زمین ، آسمان ، و جو - میان آن دو - میباشد .

این آیه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

مادر (آسمان) در (حمل) بار آورنده امسال (زمین) شریک شد . نطفه (آب) در (رحم) ابرها باقی ماند . گوساله بر آن بغرید و گاو همه شکل را در سه ترکیب بدید ،

آن که فرزند دانشمندی است این را میفهمد، و آن که تمیز میدهد پدر پدر است.

۱۷ - در زیر عالم بالا، و در بالای این عالم پائین گاو بر خاسته و گوساله خود را در بر دارد ،
از کدام سو ، و بکجا رفته است؟ کجا گوساله خود را زائیده است ؟ در میان این رمه نیست . (۱)

۱۸ - آن که حافظ این (جهان) را می شناسد، مانند کهنتری است که مصاحب مهتر است یا مهتری که مصاحب کهنتر میباشد، او دانشمند است ولی چه کسی در این جهان میتواند بیان کند که کی فکر الهی در 'سمو' خود بوجود آمده است (۲) ؟
۱۹ - آنچه را که (دانشمندان) نزولی خوانده اند ، آن را صعودی نیز خوانده اند، و آنچه را که صعودی نامیده اند نزولی هم نامیده اند .

(۱) ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
« گاو گوساله خود را با دو دست در زیر (شکم خود) نگاه داشته ، و سپس بادو پای خود بیبالا رفته است .
کجا رفته است ؟ در نیمه راه بکه بر گشته است ؟ کجا بچه زائیده است ؟
در میان کله نیست . »

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
آن که پدر این گوساله در زیر عالم بالا و بالای عالم زیرین او را می بیند -
و خویش را دانشمند نشان داده ، باشد که اعلام دارد روح خدا مانند از کجا -
! برخاسته است ؛

آن محور سنگین بار هرگز گرم نمیشود، و هرگز سائیده نمیکردد.

۱۴- این چرخ زوال ناپذیر هموار چنبر مکرر در گردش است، ده کائکان^(۱) در سطح بالای این (چرخ) متحد گشته (جهان) را حمل مینمایند.

جرم خورشید که آب در آن است به پیش میرود، و همه موجودات در آن قرار دارند.

۱۵- از همه آنها که با هم تولد یافته اند، دانشمندان هفتمین را نوزاد یگانه خوانده اند، چون شش تای دیگر توأم اند، و در حرکت میباشند و از خدایان بوجود آمده اند^(۲).
خصایص مطبوع آن ها جدا جدا در منزل خاص آنان قرار دارد، و دارای اشکال مختلف اند، و (برای) آن یکی که ثابت است، در حرکت میباشند.

۱۶- این ها را زنان پاکدامن نامیده اند؛ نرها آن که چشم دارد می نگرند، شخص کور از دیدن عاجز است^(۳)،

(۱) بعضی از مفسران ربك ودا مقصود از عبارت: «ده کائکان» را با احتمال ده ناحیه فضاء ویا آلت حس یا پنج نگاهبان جهان و یا پنج طبقه مردم و یا چیز دیگر دانسته اند.

(۲) منظور از آنها که با هم تولد یافته اند، ظاهراً سال، و ماه، یا شش فصل (هر فصل دو ماه از سال) میباشد.

(۳) در اینجا يك موضوع دستور زبان است که اشعه خورشید که از نظر دستور زبان مذکر است در اینجا زن (ماده) نامیده شده است.

داد (هرچند در دانش) کامل نیستم.

۲۲ - در درختی که (اشعه) آرام رو ، و رزق بخشندگان
(محصول) شیرین وارد میشوند ، و دوباره روشنی را به همه
می بخشند ؛

این میوه را شیرین مینامند ، اما آن که حافظ (جهان) را
شناسد ، از آن بر خوردار نخواهد بود.

۲۳ - کسانی که منزلگاه اگنی را در روی زمین بشناسند ،
منزلگاه وایو - که از افلاك ساخته شده است - و مقام
خورشید را - که در آسمان است - جاودائی به دست می آورند .
۲۴ - او دعا را به وزن (بحر) « گایتری » می سازد ، و با دعا
« سوما » را می سازد ؛ و به وزن « تریشپ » سرودهای دو یا چهار
مصراع را (میسازد).

و با بیت (مثلث) سرودهای دو یا چهار مصراع را می سازد ،
و از مقطع ها هفت وزن را می سازد.

۲۵ - با قطعاتی در بحر: « جگتی »^(۱) او باران را در آسمان
ثابت کرد ، و بر خورشید در « رتهنتره »^(۲) (سامن) نظارت نمود.

(۱) جگتی Jagati : یکی از بحرهای علم عروض مرکب از ۱۲ × ۴

مقطع .

(۲) رتهنتره Rathantara : نام یکی از مهمترین و بزرگترین سرودهای

.. سام بید .

و آن (مداراتی) که تو سوما و اندرا ساخته‌ای در میان جهان‌ها
مانند (گاوانی) هستند که به ارا به بسته شده‌اند.

۲۰ - دو پرنده در مصاحبت هم و دوست یکدیگر، در یک درخت
پناه گرفته‌اند.

یکی از آنها انجیر شیرین را می‌خورد، و دیگری از غذا
خودداری دارد و فقط نگاه می‌کند. (۱)

۲۱ - جایی که اشعه نرم رو، و واقف (بر وظایف خویش)
قسمت ابدی آب حیات را تقطیر می‌نمایند،

در آنجا خداوند و حافظ پا بر جای موجودات مرا رخصت

(۱) در اوپانیشاد «مندک» (مندکیه Mondakya) در توضیح جنبه فلسفی
این مطلب چنین بیان شده است:

دو پرنده خوب‌اند و هر دو همنشین و یکدیگر یار و در یک درخت
میشوند. یکی از آن دو، میوه آن درخت را شیرین دانسته می‌خورد، و
دیگری هیچ نمی‌خورد و می‌بیند.

(مراد از این دو پرنده‌ای که یکی می‌خورد و دیگری نمی‌خورد و می‌بیند
اینست:

آن که می‌خورد: «جیو آتما» است، و آن که نمی‌خورد و می‌بیند «پرما آتما»
است. و مراد از درخت بدن، و مراد از میوه آن درخت که شیرین دانسته
می‌خورد نتیجه اعمال است).

و آن پرنده‌ای که میوه آن درخت می‌خورد بسبب نادانی از حقیقت
خود واقف نیست و از همین جهت در فکر و آزار است، وقتی که بر حقیقت
پرنده‌ای که نمی‌خورد و می‌بیند مطلع شود، او هم (از خوردن باز ماند و)
مثل او شود (یعنی: از قید عمل فارغ و بی فکر و بی اندوه می‌گردد).

۳۰ - حیات ذی نفس با شوق (در انجام وظایف خویش) پای
برجا در میان منزل لکاههای خود آرام میگیرد.

حیات بدن فناپذیر که بوسیله قالب فانی شناخته میشود به
کماک ندور جاودانه باقی میماند.

۳۱ - من حافظ خستگی ناپذیر جهان را دیده‌ام، خورشید که
در فراز و نشیب راههای مختلف در حرکت است .
ودارای روشنی مجتمع و منتشر میباشد ، در میان آن نواحی
در گردش است .

۳۲ - آن که (این اشیاء را) ساخته است آن را نمیفهمد ؛
آن که آنرا دیده‌است نیز بر او پنهان است ،
او در حالی که در رحم مادر خود قرار دارد ، موضوع
چندین تولد است و بر بدی وارد شده است .

۳۳ - آسمان پدر و بوجود آورنده من است ؛ ناف (زمین)
خویشاوند من است ، زمین وسیع مادر من است .
مشیمه (همه آفرینش) در میان دو ملعقه (ملاقه) برافراشته
قرار دارد ، و پدر نطفه (باروری) دختر را در آن فرو ریخته
است .

۳۴ - من از تو (ای آموزگار مراسم) میپرسم که انتهای
زمین کجاست ؟

من از تو میپرسم که ناف جهان کجاست ؟

وزن گایتری را دارای سه قسمت دانسته‌اند، و بدین جهت در نیرو، و شکوه از (بقیهٔ بحور) افزونتر است.

۲۶ - من گاو (شیرده) را که به آسانی میتوان دوشید، میخوانم تا دوشنده شیر او را بدوشد.

باشد که سویتری این نذر مایع عالی ما را بپذیرد، و گرمی او افزایش یابد، و بدین منظور است که من بجد او را میخوانم.

۲۷ - او (آن گاو) ببيع کنان می‌آید، و ثروتش فراوان است، و در اندیشهٔ (فکر) خویش کوسالهٔ خود را میخواهد.

باشد که این گاو شیر خود را به «اشوین» ها ببخشد؛ باشد که او برای سود بزرگ ما کامیاب گردد.

۲۸ - این گاو برای کوسالهٔ خود که چشمانش چشمک میزند، صدا میکند، و ببيع کنان پیش میرود تا پیمانی او را بلیسد.

با نگرانی فریاد میکشد، و رطوبت گوشه‌های دهان او را (کوساله) می‌بیند، و او را با شیر خود غذا میدهد.

۲۹ - کوساله نیز صدا میکند، و گاو صدا های بی‌معنی بیرون می‌آورد، و چون کوساله به دور او میگردد، گاو بطرف «گاوخانه» خود میرود،

و در اثر غریزه‌های خویش مانند فرد بشری رفتار میکند، و درخشندگی طبیعت خود را آشکار میسازد.

اما (مردمانی که آن ها را می بینند) با اتفاق یکدیگر (درین جهان با یکدیگر) همه جا میروند ، (ودر جهان های دیگر باهم) همه جا میروند ، یکی را شناخته و دیگری را نشناخته اند .

۳۹ - همه خدایان در جای خود برین عرش اعلای فنا ناپذیر (متن) «ودا» قرار گرفته اند ،

آن که این را نداند ، ودا (بید) به چه کار او خواهد آمد؟ اما آن ها که این را میدانند ، کامل اند .

۴۰ - ای گاو باشد که شیر تو در اثر علوفه فراوان زیاد شود تا ما نیز (در فراوانی) غنی گردیم .
در همه فصول علف بخور (و به میل خود بگرد) و آب پاک بنوش .

۴۱ - صدای ابرها برخاسته است ، و آب ها را ساختند ، و یک پا و دو پا و چهار پا و هشت پا و نه پا و بی نهایت در عرش اعلی بودند .

۴۲ - از آن ابرها باران فراوان فرو ریختند که موجب حیات (مردم) اقطاع اربعه جهان گردید .

از آن رطوبت (به دانه ها) منتشر میشود و جهان بدان زنده است .

۴۳ - من در نزدك (خود) دود (سوخت) تناله های گاو را

من از تو میپرسم که نیروی باروری مرکب باران ریز چیست ؟
 من از تو میپرسم که آسمان اعلای سخن (مقدس) چه می باشد ؟
 ۳۵- این قربانگاه انتهای زمین است، این قربانی ناف جهان است.
 این شیرۀ سوما نیروی باروری مرکب باران ریز است ،
 این براهمن آسمان اعلای سخن مقدس است .

۳۶- هفت (نگاهدارندۀ) جرثومۀ (باران) برای نصف سال (عنصر)
 باروری جهان بموجب فرمان در وظایف مختلف «ویشنو» قرار دارد.
 بوسیله هوش خویش در افکار اطراف خود نافذ اند چون آنها
 هشیار و ساطع میباشند (۱).

۳۷- من در واقع چه هستم؟ خودم به خوبی نمیدانم؛ اسرار آمیز
 و مقید در فکر خویش سرگردانم .

وقتی که نخست زاد (ادراکات) حقیقت به من میرسد ،
 بیدار نگ قسمتی از (معنی) آن کلمۀ (مقدس) به دست من خواهد آمد (۲).
 ۳۸- جاویدان خویشاوند فنا پذیر در اثر (میل به) لذت
 به سوی (منطقه) اعلی، یا اسفل می رود ،

(۱) بنظر : «لودویگ Ludwig» این آیت سراسر نامفهوم است . بگفته

سایه منظور از هفت، هفت شعاع آفتاب است و از ویشنو، خورشید است. این بند باین تقریب
 نیز ترجمه شده است: «هفت بذرنه رسیده هنوز جرثومۀ بارور آسمان است. آنها به امر
 «ویشنو» حافظ وظایف خویش اند، و اندیشه آنها از همه سو حاضر و بر ما احاطه دارند» .

(۲) قسمت اخیر این ماده چنین نیز ترجمه شده است : « وقتی که
 نخست زاد فان مقدس به من نزدیک شد، آن گاه من از این سخن طرفی به دست آوردم» .

«اگنی» و «یم»، و «مانریشون» سخن میگویند (۱).

۴۷ - پرندگان (دانه‌های یاران با اشعه خورشید) آرام‌رو -
آبهارا با ابر تیره پوشیده‌اند و به سوی آسمان بالا میروند و دوباره
از منزلگاه باران فرود می‌آیند و فوری زمین از آب مرطوب
میشود.

۴۸ - دایره‌های چرخ دوازده تا است، و چرخ یکی است،
و محور سه تا، ولی که این را میداند؟
در میان آن سیصد و شصت پره (جمع) شده‌اند، و در آن حال
متحرک، و غیر متحرک میباشند.

۴۹ - ای سرسوتی، آن سینه خواب آلود که منشاء لذت
هاست و تو با آن همه خوبی‌ها را می‌بخشی که گنج نعمت است، و
مقسم ثروت، و بخشنده خوشی (خوشبختی)؛ در این فصل آن سینه را
برای ارتزاق مابگشای (۲).

(۱) کیفیت این بند را بدین صورت ترجمه کرده‌است: «پستان تو که
هرگز خشک نمیشود چشمه لذت است که با آن همه اشیای برگزیده را غذا میدهی
ای ثروت بخش، ای گنج یاب، ای بخشنده آزاد، آن سرسوتی را بیاور تا باشد
که ما از پستان آن بنوشیم».

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

نام او (یا خورشید) را اندرا، میترا، ورونا و اگنی خوانده‌اند و او
کروتمت خوش بال آسمانی است. روحانیان دانشمند وقتی از اگنی، و یم
و، مانریشون سخن میگویند یکی را بچندین نام میخوانند.

مشاهده نمودم ، و از آن وسیله (معلول) منتشر پی بعلت (آتش) بردم
روحانیون گاو سومارا آماده ساختند چون این اولین وظیفه
آن‌ها بود (۱).

۴۴ - آن سه تا با گیسوان زیبای خود در فصول مخصوص
به خویش بر زمین مینگرند (۲).

یکی از آن‌ها وقتی که سال به آخر میرسد (زمین را) دور میکند ،
و یکی با اعمال خویش بر جهان ناظر است ،
و سومی مسیرش دیده میشود ، ولی شکش نه .

۴۵ - سخن را چهار درجه مشخص است : «براهمن» ها که دانا
هستند آن‌ها را میدانند .

سه درجه آن در نهان است ، و هیچ معنی بر آن مترتب نیست ؛
مردم به درجه چهارم سخن میگویند .

۴۶ - او را اندرا ، و میترا ، و ورونا ، و اکنسی ، و حتی
«گروتمان» - پرندۀ تیزبال آسمانی - میخوانند .

یک واقعیت مفرد را دانیان به چند نام میخوانند : وقتی که از

(۱) این آیه را اگر بفیت این طور ترجمه کرده است : «از درون دود سوخت
را که با پیچ و تاب در بالای آنچه در زیر واقع است بر می خاست مشاهده نمودم . مردان
نیرومند آن را گاو ابلق را پوشانند ؛ اینها از رسوم ایام گذشته بود . منظور از
دود سوخت دودی است که از سوختن تباله گاو برخیزد و مقصود از مردان نیرومند
خدایان و قهرمانانند . «بر گاو ابلق» سوما است . بعضی از مفسران احتمال داده اند
رویهمرفته این آیت در وصف جمع شدن ابرهای بارانی باشد .
(۲) مقصود آتش ، و آفتاب ، و باد است .

اندر ستایش : اگنی

۱ - آتش بزرگ در آغاز سپیده دم برخاسته و از تاریکی با رخسندگی بیرون تاخته است .

اگنی فروزان تن بمحض تولد همه منزلگاه‌ها را با نور تابنده خود پر می‌سازد .

۲ - ای اگنی ! چون تو تولد یافتی جرثومه آسمان، و زمین شدی ، در گیاهان جا گرفتی ، رنگارنگ شدی ، کودکانه شدی ، سیاهی شب را پراکنده کردی، و باغش بلند از سرچشمه‌های مادری بیرون آمدی .

۳ - ویشنوی والا که با کمال دانشمندی ظاهر می‌باشد، مقام اعلای خویش را خود حفظ میکند .

وقتی که شیر شیرینی را به دهان او تقدیم نموده‌اند ، همه هم آهنگ ستایش او را می‌سرایند (۱) .

(۱) این قطعه را ویلسون باین تقریب ترجمه کرده است :
آن که چون پیدا شود وسیع و داناست ، و تو که در همه جا حاضری
از (من) دفاع کن . سومین (ظهور) او هنگامی که ستایندگانش بادهان خویش
آب او را می‌طلبند و برای یک منظور برانگیخته شده‌اند ، او را درین جهان
می‌سرایند .

۵۰ - خدایان قربانی میکنند چون این اولین وظیفه آنان است .

آن افراد توانا در عرش گرد می آیند - جائی که خدایانی که باید خشم آنها فرو نشانده شود (بوسیله مراسم مقدس) منزل دارند .

۵۱ - آب یکنواخت در فراز و نشیب گردش ایام در جریان است .

ابر ها به زمین شادی می بخشند ، و آتش ها آسمان را مسرور می سازند .

۵۲ - من برای حفظ و حمایت خود (خورشید) آسمانی نیکو بال تیزرو بافر و شکوه را میخوانم.

آن که جرثومه آب هاست ، و نشان دهنده گیاهان است ، و غمخوار دریاچه هاست ، و بر که (غدير) هارا دوباره با باران پر میکند .

(ماندالای اول - سرود ۱۶۴)

ستایش را در اینجا چون «پروهِیتا» به خدایان تقدیم نما (۱).
 ۷ - تو ای اکنی همان گونه که پسری پدر و مادر خود را
 (نگاه میدارد) زمین و آسمان را همواره نگاه میداری .
 ای جواثرین (خدایان) به حضور آن ها که مشتاق تواند ،
 بیا ،

ای فرزند نیرو ، خدایان را بدین جا بیار .
 (ماندالای دهم - سرود ۱)

(۱) کیفیت این بند را چنین ترجمه کرده است :
 « بدین گونه در مرکز ترین مقام زمین ایستاده است ، و جامه های
 مزین دربر دارد .
 و در آن هنگام که مردم بذور را می ریزند ، با رنگ قرمز تولد یافته
 است .
 ای پادشاه ، بصورت رئیس روحانیان خدایان را بدین جا بیاور » .

۴ - مادران که از آن جا غذا برداشته اند ، برای دیدار تو می آیند ؛ و برای تو غذا می آورند (۱) .

ای آن که غذا را فزونی می بخشی ، اینان در شکل تغییر یافته خود باز تو را دیدارمینمایند (۲) .

تو روحانی خوانده شده خانه ها و مردمی .

۵ - ای روحانی مراسم مقدس با ارباب رخشان ، ای رایت نورانی هر يك از اعمال پرستش ،

ای آن که با هر يك از خدایان در قدرت و جلال شریکی ، حتی اگنی مهمان مردم ، من تو را میخوانم (۳) .

۶ - ملبس به لباسهای فاخر ، اگنی در ناف زمین منزل دارد ، ای اگنی شاهوار که میدرخشی ، و در جای پای «ایلا» (۴) تولد یافته ای ،

(۱) ظاهر منظور از کلمه : « مادران » نباتات است که حیات را غذا می بخشند .

(۲) منظور از « شکل تغییر یافته » ، چوب خشک است که اگنی بهرورت آتش آن را طعمه خویش میسازد .

(۳) این آیت بدین گونه نیز ترجمه شده است :

« ما » اگنی را برای کامیابی (میستائیم) ؛ تو که احضار کننده خدایانی ، تو که رنگارنگ و رساننده قربانی ها (به خدایان) هستی ، تو که پرچم تابان هر نذری ، و در نیرو از هر خدای دیگری افزونی ، تو که مهمان مردمانی .

(۴) ایلا : الهه دعا یا نماز .

۴ - تو بی آن که بدانی به کجا میروی بر این مرکب سوار شدی ، و آنرا به حرکت در آوردی ؛ . يك آهنگ (۱) از عقب تو را مشایعت میکنند؛ تو بر این کشتی سوار شدی ، و به جانب ساحل دیگر که دیار نیستی است ، و آرامگاه نیاکان است رهسپار کشتی ، و باین جا رسیدی .

۵ - کی تو را بوجود آورد ؟
کی این ارا به را به اینجا هدایت کرد ؟
آیا کسی هست که به ما بگوید امروز تو در این سفر چه زاد و توشه ای همراه آوردی ؟ (۲)

۶ - در این هنگام قسمت بالائر و بلندتر ارا به (۳) به جلو

(۱) یعنی : آهنگ سوگواری و ماتم .
کریفیت این آیه را چنین ترجمه کرده است .
« ارا به ای که تو آنرا روان ساخته ای که ازدانشمندان دور شود ، ای کودک (آهنگ) « سامن » از نزدیک در دنبال آن روان است و با هم در کشتی قرار داده شده اند » .

(۲) منظور همان « تابوت » است .
(۳) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
« رفتی که تقدیمی تشییع در جای خود قرار گرفت بلافاصله (بیدرننگ) « نقطه شعله هویدا گشت ، ژرفائی در جلو گسترش یافت ، و معبری در عقب باز گشت » .
ظاهراً مقصود از « معبر » راهی است که خاکسترها را از آن راه میبرند .
(۳) این بند چنین نیز ترجمه شده است :
« پدر این کودک که بود ؟ کی این ارا به را روان ساخت ؟ کی امروز به ما .. اعلام خواهد کرد که تقدیمی تشییع (جنازه) چگونه ساخته شده است ؟ »

خطاب به : یم Yama

۱ - بر فراز درختی که دارای شاخ و برگ زیباست ، « یم »
(پادشاه مردگان) در حضور سایر خدایان به می کساری (نوشیدن
شراب سوما) مشغول بود ، آن جا پدر من داوطلب شد که به نیاکان
خود ملحق شود (۱) .

۲ - دیدن این منظره برای من اندوهگین و غم انگیز بود ،
و خوشحال نشدم وقتی او را در این راه دشوار و زشت دیدم ؛ چه
من آرزو داشتم از تجدید دیدارش بهره مند شوم .

۳ - اربابه تازه وارد ، ای پسر من ، این اربابه تو چرخ ندارد ،
تو آنرا نمی بینی ؛ تو آن (اربابه) را در فکر خود مجسم ساخته ای ، و
بمنزله (طلایه و) پیش قراول (مردگان) است که به هرسو ، رو
می آورد . (۲) .

(۱) کریفیت این بند را باین تقریب ترجمه کرده است :

« در آن درختها که با برگ های نیکو پوشیده شده است ، جایی که یم
با خدایان مینوشدن پدر - سرور خانواده - نیاکان ما را مورد مهر قرار میدهد . »

(۲) ای کودک تو بر آن اربابه تازه وارد بی چرخ سواری هر چند تو آنرا
نمی بینی ، تو آن (اربابه) را در فکر خود مجسم ساخته ای که دارای يك
محور است . ولی به هرسو می چرخد . »

(در این جا خطاب به تابوت پسر جوانی که در گذشته است ، خدای مرگ
(یم) میگوید :)

ستایش : اندرا ، سوریا ، و اتری

(۱) Atri . Surya . Indra

۱ - بیا به نزد آنچه سنگ ها فشرده اند ، سومارا بنوش ،
ای خداوند سوما ،

ای اندرا ، ای بهترین کشنده و ریترا ، ای نیرومند ، با
نیرومندان (۲) .

۲ - سنگ (عصاری سوما) نیرومند است ، و عصاره نیرومند
است ، و این سوما ی فشرده شده نیرومند است .

ای اندرا ، ای کشنده و ریترا ، ای نیرومند ، با نیرومندان .

۳ - ای نیرومند من تورا به نیرومندی میخوانم ، ای رعد
سلاح ، با یاران مختلف ،

- (۱) ابیات این سرود یکنواخت نیست و به دو قسمت منقسم میشود :
قسمت اول مشتمل بر چهار آیت اول خطاب به اندرا میباشد و موضوع قسمت
دوم کسوف آفتاب است بوسیله : « Svarbhānu » یا « اتری Atri » .
(۲) منظور از نیرومندان ماروت ها Meruts (بادها) هستند .

پیشرفت، و قسمت دیگر آن پائین آمد، و راهی برای خروج (منیت) باز شد.

۷- این جاست عرش برین مقرریم، جایگاه خدایان که کودکان در گذشته به آنجا وارد میشوند،

این فی خدایان است که مینوازند و آوازه‌های روحانی از هر سو شنیده میشود، و باین محیط زیبایی خاص میدهد (۱).

(مائدا لای دهم - سرود ۱۳۵)

(۱) این آیه را باین تقریب نیز ترجمه کرده‌اند:
 این جاست مکانی که «یم» در آن جا زندگانی میکند، و آنرا خانه
 خدایان می‌نامند.
 این جا خنیاگران برای او در بی می‌نهند.
 در اینجا او را با سرودها تجلیل میکنند.

ای میترا، نوئی که فرستنده نعمت های حقیقی میباشی؛ تو،
و «سوربهانو» - هردو - مرا یاری کنید.

۸- بر همین اثری چون باستایش و پرستش در خدمت خدایان
سنگ های سوما فشار را مرتب میکند.

در آسمان چشم سوری را برقرار می سازد، و سبب میشود که
جادوی «سوربهانو» بر طرف گردد.

۹- اثری ها خورشید را باز می یابند که سوربهانو او را
- از نژاد اسورا - با تاریکی خویش سوراخ کرده بود.
جز او کسی چنین قدرتی ندارد.

(ماندالای پنجم - سرود ۴۰)

ای اندرا ، ای بهترین کشنده و ریترای نیرومند ، با
نیرومندان .

۴- ای شتابنده ، ای خروشنده ، ای کوبنده زورمندان ،
ای پادشاه ، ای قادر ، ای کشنده و ریترا ، ای نوشنده سوما ،
باشد که او با اسب کُرنگک یراق شده خویش به اینجا آید؛
باشد که اندرا را این نذر نیمروز مسرور سازد .

۵- ای سوریا ، آن گاه که « سوربهانو »^(۱) - از نژاد
اسورا - تو را با تاریکی سوراخ سوراخ کرد.
همه آفریدگان حیرت زده مینگریستند ، چون نمیدانستند او
در کجا ایستاده است .

۶- ای اندرا در چه وقت تو جادوی « سوربهانو » را که در
زیر آسمان گسترده است فرو میکوبی با چارمین دعای (نماز) مقدس
خویش .

« اثری » ، « سوریا » را که در تاریکی پنهان شده و از کار فرو
مانده بود ، پیدا کرد .

۷- مگذار که ستمگر با چنین خوفی مرا با خشم بینهد ،
چون من از آن توام ، ای اثری .

(۱) بنا براساطیر هندو سوربهانو Svarbhānu : اسورا یا دیوی است که
موجب خسوف و کسوف ماه و خورشید میگردد . بعدها این دیو بنام Rāhu خوانده
شده است . در ریگ ودا جز در این سرود باین نام بر نمیخوریم .

کیست که ما را به «ادیتی» توانا بازرساند تا باشد که من پدر و مادر خویش را ببینم .

۲ - اگنی آهی (خداوند) در میان جاویدانیاں اول است، به نام مبارک او بیندیشیم .

او ما را به «ادیتی» مقدس باز خواهد رسانید ؛ تا باشد که من پدر و مادر خویش را ببینم .

۳ - بهسوی تو، ای سویترا، ای خداوند چیزهای گران بها که پیوسته ما را مدد می فرمائی، ما برای سهم خویش می آئیم .

۴ - ثروت که ستوده بود ولی به زودی مورد ملامت قرار گرفت، بی هیچ تنفّری در دست تو قرار دارد .

۵ - در سایه حمایت تو باشد که ما حتی به اوج جریانی که «بهکه» (۱) برای ما قرارداد داده است برسیم .

۶ - این مرغانی که در هوا در پروازند، هرگز به منزلگاه عالی، و توانائی، و روح تو نخواهند رسید؛

و نه این آبها که همیشه در جریان اند، و نه کوهها که غضب باد را فرو می نشانند .

۷ - ورونا پادشاه نیروی مقدس، تنه درخت را در ناحیه بی پایه برافراشته نگام میدارد .

(۱) بهکه Bhaga : بخشنده ثروت یا بخت و تقدیر .

درستایش: ورونا و خدایان دیگر (۱)

۱- اکنون او کیست؟

کدام خدا از میان جاودانیان است که بنام مبارک او

بیندیشیم؟

(۱) این سرود خطاب به: ورونا، پرچاپتی، اگنی، سویترا، وبهکه است و اولین سرود از آن دسته سرودهایی است که به «شونه شبه Sunahsepa» پسر: «اجیگرته Agigarta» نسبت داده شده است، و حکایت آن بشرحی است که در «ایتیره براهمانا Aitareya Brāhmaṇa» نوشته شده و بقرارزیرمیباشد: پادشاهی به نام: «هریشچند Harischanda» از «ورونا» مسئلت نمود تا به او پسری عطا فرماید و نذر کرد که نخست زاده خویش را در راه آن قربانی کند. این دعا اجابت یافت و پسری آورد که او را «روهیتا Rohita» نام نهادند اما پادشاه قربانی او را بتأخیر انداخت تا «روهیتا» بزرگ شد و وقتی پدرش به او اعلام داشت که باید قربان شود، روهیتا تسلیم نشد و چندین سال دور از خانه در جنگل میزیست. هریشچند با کمال دلتنگی با دانشمندی به نام: «اجیگرته» ملاقات نمود و این موضوع را درمیان نهاد و او شاه را تشویق کرد که پسر دوم خود یعنی: «شونه شبه» را به جای «روهیتا» - پسر اول - برای ورونا قربانی کند. وقتی شونه شبه را برای قربانی حاضر کرده بودند به نصیحت و راهنمایی: «ویشوامترا Visvāmitra» - یکی از روحانیان مأمور قربانی او - به خدایان ملتجی شد و آزاد گردید.

با این نذر خویش از تو تمنی دارد، ای ورونا در اینجا بمان و خشمناک
مباش؛

زندگی ما را از ما مکیر، ای حاکم بر همه.

۱۲ - شب، و روز همه به من همین یک چیز را میگویند، واقکار
قلب من نیز همان را تکرار مینماید.
باشد که «شونه شبه» به زنجیر کشیده او را پرستش کند
و ما را نجات بخشد (۱).

۱۳ - «شونه شبه» اسیر که به سه پایه بسته شده است از
«آدیتیا» چنین التماس مینماید که وارونای توانا او را آزاد
سازد.

آن که هیچ وقت فریب نمیخورد بندهایی که او را بسته است
بگشاید.

۱۴ - با تعظیم و نذر و قربانی، ای ورونا، ما غضب تو را فرو
مینشانیم.

ای اسورا (۲) ی دانا، تو ای پادشاه ملک پهناور، بندهای
گناهان را که ما مرتکب شده ایم، از ما بگشا.

۱۵ - ای ورونا، بندهایی که مرا بسته است بگشا، بندهای

(۱) یعنی: وارونای توانا.

(۲) اسورا Asura: در زند، اهورا: موجود الهی. در ادبیات هندو
بعدها این نام به دیوان اطلاق شده است.

اشعه او که ریشه‌های آن در بالاست به سوی پائین روان
است .

باشد که به‌سوی ما فرود (اشعه) آید و پنهان گردد.
۸ - شاه ورونا جاده پهن‌آوری ساخته تا خورشید از آن
بگذرد .

جائی که راهی ن ساخته بود قدم خود را گذاشته و از دور بر
آن چه روح را رنجه میداد اخطار نمود (۱) .
۹ - صد بوی خوش از آن تو است ، ای پادشاه ، بلکه
هزار ؛

باشد که الطاف تو بر ما نیز ژرف و پهن‌آور باشد .
ویرانی خویش را از ما دور ساز - بسیار دور .
و گناهایی که ما مرتکب شده‌ایم ، از ما برگیر .
۱۰ - وقتی که روز پایان می‌پذیرد ، و صور فلکی در آسمان اعلی
بالای سر ما میدرخشد ؛

قوانین مقدس ورونا بقوت خویش باقی میماند ، و ماه باشکوه
خود از میان شب درخراکت است .

۱۱ - من با این دعای پرستش از تو خواهانم : پرستنده تو

(۱) یعنی : اعلام خطر کرد .

ستایش: و شودیوها Visvedevas

- ۱ - باشد که ما با اندرا ، و خدایان (دیگر) کیهانی همه این عالم‌ها را مالک شویم .
 - ۲ - باشد که «اندرا» با «ادیتی» ها قربانی ما، و بدن‌های ما، فرزندان ما را کامل نماید .
 - ۳ - باشد که اندرا با ادیتی‌ها که «ماروت» ها در ملازمت نمانند، حامی بدن‌های ما باشند.
 - ۴ - وقتی که خدایان بعد از کشتن «اسورا» ها (به‌خانه) رگشتند، آن خدایان حافظ الوهیت خود بودند .
 - ۵ - با نیروی توانای خویش خورشید را بدینجا آوردند ، و الوهیت نیرومند خود باطراف خویشتن نگرینستند (۱).
- (ماندالای دهم - سرود ۱۵۷)

(۱) قسمت آخر این قطعه را « ویلسون » از قول : « ساینه » اینطور ترجمه کرده است : « آن گاه مردم باران شدید را در اطراف خود مشاهده نمودند ».

بالا، و بندهای میان، و بنه‌های پائین را بگشا تا در قانون مقدس
 تو ما بیگناه شویم و در ملک ادیتی در آئیم.
 ای «آدیتیا» (۱).

(ماندالای اول - سرود ۲۴)

(۱) آدیتیا Aditya: در اینجا مراد همان ورونا یکی از پسران «ادیتی»
 میباشد.

باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند.

۵ - اگنی نورانی که در دورترین ناحیهٔ جو، به دنیا آمد؛

باشد که او مارا از دشمنان بگذراند.

(ماندالای دهم - سرود ۱۸۷)

ستایش : اگنی

- ۱ - من سرود خویش را به سوی اگنی میفرستم، به سوی او
که گاو همه مردم است ؛
باشد که او مارا از دشمنان بگذراند (۱).
- ۲ - او که از مساحت دور از میان نواحی بایر به روشنی
میدرخشد ؛
باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند .
- ۳ - آن گاو نر که با شعله های درخشان برافروخته خویش،
دیوان (راکش ها) را کاملاً میسوزاند ؛
باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند .
- ۴ - آن که به همه موجودات مینگردد ، وبا نظر خویش بر
همه آنها واقف است ؛

(۱) این قطعه باین تقریب نیز ترجمه شده است :

» برای اگنی نیکوکار بشر (دوست) سرود پسرای ؛ باشد که او صدای
مارا دور از (دسترس) آنها که از ما نفرت دارند ، بشنود .

۲۷۵

حی که هنوز در ماست ، و با باروری ،
فته است ؛

تو مشغول باشیم .

(مانند الای دهم - سرود ۵۷)

خطاب به : سومما پومانه (وما)

- ۱ - ای اندرا مگذار که ما از این راه
فشار دهنده سومما ، مگذار که بدخواهی در
- ۲ - باشد که ما آن ریسمان را که برا
رشته شده است ، و کامل ساخته شده به دست

را کامل میسازد.

۳- ما با سو ما روح اسلاف :
با سرود مقدس پدران (۱).

۴- روح تو دوباره برای داد
تا تو بتوانی مدت ها خورشید را بنگر.
۵- ای پدران، باشد که
بر گردانند تا ما با آنها که زنده

(۱) ظاهراً مقصود از «روح» در

سوگواری او برگذار میشود. و مقصود
خدائی در آمده اند. و مقصود از پدران رو

اینجا زندگی کنی .

۶ - روح تو به سوی اشعه نور که میدرخشد و جریان دارند رفته است ، ماسبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۷ - روح تو که بسیار دور رفته و به آبها و گیاهان رسیده است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۸ - روح تو که بسیار دور رفته و خورشید و سپیده دم را دیده است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۹ - روح تو که بسیار دور رفته ، و به قله کوه بلند رسیده است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۱۰ - روح تو که به سوی آن (همه) که حیات و جنبش دارد رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۱۱ - روح تو که به کشورهای بسیار دور بیرون از دانش ما رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

خطاب به : مانس Manas (روح) (۱)

۱- روح تو که به سوی «یم» و (به سوی پسر) «ویوسون»
رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی
ودراینجا زندگی کنی .

۲- روح تو که بسیار دور گشته است ، و به زمین و آسمان
رفته ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا
زندگی کنی .

۳- روح تو که بسیار دور رفته است و به چهار گوشه زمین
رسیده ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی و در
اینجا زندگی کنی .

۴- روح تو که به چهار ناحیه جهان رفته است، ما سبب میشویم
که تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۵- روح تو که بسیار دور رفته و به دریای متلاطم رسیده
است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در

(۱) این سرود خطاب به روح شخصی است که در حال احتضار میباشد .

خطاب به : اندرا

۱ - آنکه بمحض تولد، با نیرو و توانائی خدای بزرگ روح اعلى شد؛ حافظ خدایان گردید.

آن که دو جهان در برابر نفس او از عظمت شجاعتش بلرزه درآمد، ای مردم او اندر است (۱).

۲ - آن که زمین لرزان را محکم و ثابت ساخت، و آن که کوههای پرهیجان را آرایش بخشید،

آن که این جوّ پهناور میانین را به پیمود، و آسمان را نگاه داشت، ای مردم او اندر است.

۳ - آن که ازدهارا بکشت و هفت رودخانه را آزاد ساخت، و گاوآن را از غار بالا بیرون آورد،

(۱) این قطعه را Macdonell چنین ترجمه کرده است :

« آن که بصورت خدای اصلی و پراز روح تولد یافت، و در دانائی بحد زیادی از سایر خدایان پیش افتاد و در قبال جلال و قدرت مردانگی او، هر دو جهان بلرزه درآمد، ای مردم، او اندر است ».

۱۲ - روح تو که به سوی آن چه هست ، و آنچه باید باشد

رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا
زندگی کنی .

(ماندالای دهم - سرود ۵۸)

۷ - آن که اسبان و همهٔ ارا به‌ها، و دهات و رمله‌های گاو در
تحت سلطهٔ عالی اوست،

آن که به خورشید و صبحگاهان وجود بخشید، آن که آب‌ها
را رهبری می‌کند، ای مردم او اندر است (۱).

۸ - آن که دو لشکر در صف مصاف که دشمن یکدیگرند و
یکی قوی‌تر و دیگری ضعیف‌تر است، به‌سوی او فریاد برمی‌آورند،
آن که دو شخص بر روی یک ارا به‌ه‌ریک برای خویش او را می‌خوانند،
ای مردم او اندر است (۲).

۹ - آن که بی‌یاری او مردم ما هرگز پیروز نمی‌شوند،
آن که در جنگ همه او را بیاری خویش می‌خوانند،

آن که تمام این جهان در نظر او جز ماسورهٔ نخی (گلولهٔ
نخی) بیش نیست، آن که اشیای ساکن را بحرکت درمی‌آورد،
ای مردم او اندر است.

۱۰ - آن که بسیاری از گناهکاران شریرا قبل از آن که به
خطر واقف شوند با سلاح خویش هلاک می‌سازد، و آن کس را که
بجسارت او رام‌تغیر مینماید هرگز نمی‌بخشد، آن که داسیو (۳) را

(۱) منظور از رهبری آب‌ها، بارانهای فصلی است.

(۲) منظور از عبارت هر دو لشکر از او استمداد میکنند و منظور از عبارت:

آن که دو نفر در روی یک ارا به‌ه‌ریک برای خویش او را می‌خوانند، پهلوان و
ارابه‌ران اوست.

(۳) داسیو Dasyu : دیو - غیر آریائی.

آن که آتش را از میان دوسنگ پدید آورد، و غنیمت برنده از نبرد جنگجویان میباشد، ای مردم او اندراست (۱).

۴ - آن که این جهان را بلرزه درمی آورد، و آن که طایفه دیوان پست فطرت را براند، آن که مانند قمارکننده ای مرده های خود را جمع مینماید، ثروت دشمنان را بر بود، ای مردم، او اندراست.

۵ - آن وحشتناکی که میپرسند او کیجاست، یا آن که میگویند که او نیست، او مانند مرغان اموال دشمنان را می رباید، بر او واثق باشید (اعتقاد داشته باشید)، چون او ای مردم اندراست (۲).

۶ - او که بیچارگان و افتادگان و روحانی، و کمک روحانی که ستایش او را میسرآید، بکار و امیدارد، آن نیک صورت (آن زیبارو) که بر فشارنده و حاضرکننده سوما لطف می فرماید، ای مردم او اندراست.

(۱) مقصود از آتش میان دوسنگ، ظاهرأ برق میان زمین و آسمان است.

(۲) این قطعه را «مکدونل Macdonell» به این تقریب ترجمه کرده است: «راجع به آن قهار میپرسند «او کیست» ؟ فی الحقیقه درباره او میگویند: او وجود ندارد. ثروت رؤساء را مانند کرو قماربازان او کم میکند. به او ایمان بیایرد، چون او ای مردم اندراست».

تهیه نموده و میریزد، نیرو میبخشی؛ باشد که ما دوستان تو ای
 اندرا همیشه با صدای بلند در این مجمع با قهرمانان خویش سخن
 گوئیم^(۱).

(ماندالای دوم - سرود ۱۲)

(۱) منظور از قهرمانان ظاهراً فرزندان شجاع آنها است.

میکشد، ای مردم او اندر است .

۱۱ - آن که در چهلمین پائیز «شمبره» را که در میان کوهستان

زندگی میکرد پیدا نمود ، و اژدها را که قدرت خویش را آشکار
می ساخت ، و دیوی که در آن بود بکشت ، ای مردم او اندر است .

۱۲ - آن که با هفت مهار (زمام) آن گاو نر، آن قادر، هفت

سیلاب بزرگ را آزاد ساخت تا به میل خویش روان گردند ، آن که
چون آسمان میگذشت و به رعد مسلط بود «روهینه» را پاره پاره
ساخت، ای مردم او اندر است (۱).

۱۳ - حتی آسمان و زمین در برابر او خم میشوند (سر تعظیم

فرود می آورند) و در مقابل نفس او کوهها بلرزه درمی آیند، آن که
به سوما آشام مشهور است، سلاح او رعد میباشد، و صاعقه را در دست
دارد ، ای مردم او اندر است .

۱۴ - آن که زیر نظر سوما و تهیه کنندگان، و قربانی کنند

و سرود خوان (سراینده) از سر مرحمت یاری مینماید، آن که در
نماز تجلیل میشود ، و سوما را برای او میزنند ، و این تقدیمی ما
برای بزرگداشت اوست ، ای مردم او اندر است .

۱۵ - براستی تو ، قوی و حقیقی و بر آن مردی که نذر را

(۱) هفت زمام را هفت شعاع درخشان نیز گفته اند که منظور هفت

اندر ا باشد . روهینه Rauhina : نام دیو خشکسالی .

۲ - او به میل آزاد خود مرا بوجود نیاورد، او با نیرو، و دلاوری پیروز گردید.

« ویلسون این بند را چنین بترجمه درآورده است :

« هنوز در حال جرئومه بودم که از تولد این خدایان و ترتیب آنان واقف شدم . صد تن آهنین مرا مقید ساخته بود ولی بصورت شهباز من باشتاب به پیش تاختم ».

Roth « روت » تحت تأثیر تصور خود عبارت آخر « پادا » ی چهارم « nir Adiyam » را تحریف نموده و آنرا « nir adiyat » دانسته است .

« کولیکوسکی Koulikovski » این آیت را چنین ترجمه کرده است :

(سوما سخن میگوید :) « هنگامی که در شکم (مادرم) بودم ، همه نسل های این خدایان را شناخته ام . صد شهر (کوچک) فولادین مرا حمایت میکرد ؛ اما من (بسان) شهباز با چالاکی پریدم ،

بنظر گرسمن Grassmann در این آیت شهباز الهی چنین سخن میگوید :

« وقتی که هنوز در بچه دان بودم ، همه این نژادهای الهی را شناختمام صد قلعه آهنین مرا نگاه میداشتند، اما من (عقاب) بسرعت با بال (خود) پرواز کردم ».

ظاهراً معنی آیت اینک که گوینده (سوما یا اندرا - اگنی) میگوید :

وقتی در شکم مادرم بودم تمام تولدهای پی در پی را (از نظر اصل تناسخ) شناختم پیش از تولد فعلی صد دژ آهنین مرا احاطه کرده بودند ؛ (یعنی: چون در زندان تن اسیر بودم از معرفت روح بازمانده بودم) تا آن که بسان شهبازی از زندان تن همچون مرغی که از قفس پرواز نماید پریدم و آزاد شدم و در نتیجه بحقیقت روح اعلی (روح خدایان ناشی از روح اعلی است) واقف گردیدم .

بنظر لودویگ Ludwig در این آیه «سوما» سخن میگوید و آنرا بدین تقریب ترجمه کرده است : « وقتی که هنوز من در زهدان بودم بتولدهای همه این خدایان واقف شدم . صد قلعه روئین مرا محبوس میداشت ، آنگاه با سرعت بصورت شهبازی پرواز کردم ».

خطاب به شهباز (پرو برهم در صورت شهباز)

۱ - من وقتی که در رحم (مادر) بودم ، همه نسل های این
خدایان را بترتیب می دیدم .

صد دژ آهنین مرا محبوس میداشت ، اما من (ازهریک آنها)
چون شهبازی با سرعت زیاد پرواز کردم (۱) .

(۱) متن سانسکریت این آیت چنین است :

“ garbhe nu Sanu anv esam avedam , aham devānām
Janimāni Visvā, Satam mā pura āyasir araksanu, adha
Syeno Javasā nir adiyam ” .

پرفسور « لانگلو » Langlois « قطعه بالارا باین تقریب ترجمه کرده است :
اندر را ملقب به « شینه Syena » .

اندر را میگوید : « هنوز من به دنیا نیامده بودم ، اما با دقت تولد پی
در پی همه خدایان را دنبال میکردم . صد شهر آهنین مرا نگاهداشته بودند
ومن بصورت شهبازی با سرعت زیاد از آن خارج شدم » .

گرفیت این قطعه را باین تقریب ترجمه کرده است :

« من وقتی که در رحم بودم همه نسلهای این خدایان را بترتیب ملاحظه
کردم . صد قلعه آهنین مرا محبوس میداشت ، ولی من چون شهبازی با سرعت
زیاد پرواز نمودم » . ←

۴ - شهباز راست پرواز سوما را از بالای آسمان پهناور ببرد،
همانگونه که (اشوین ها) «بهوجیو» را از کشور «اندرا» و از میان
پرندگان که درین منازعه زخم برداشته بود پری بیفتاد (۱)؛
۵ - وا کذون «مگهون» صراحی سفیدپر از شیروپراز مشروب
درخشان را بپذیرد؛

بهترین نوشابه شیرین که روحانیان تقدیم میداشته اند؛ (۲)

(۱) کریفیت این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است: «شهباز او را
از نقطه اعلای آسمان حمل نمود، همان گونه که ارباب دوست اندرا «بهوجیو» را
حمل میکرد؛
آن گاه يك پراز آن مرغ درحالی که با شتاب به سفر خویش ادامه میداد
آئین افتاد.

متن سانسکریت چنین است:

‘Rjipyá im indrāvato ná bhujuum Syeno Jabhāra Brhato
ádhi Snoh,

antáh patat patatry áśya parnám ádha yāmani
prāsītasya tād reh.»

(۲) ویلسون این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است:
«اینک باشد که مگهون این غذای خالص مقوی (قربانی) را در ساگری
سفید رنگ که شیر و ماست در آن مخلوط شده و روحانیون تقدیم داشته اند بپذیرد؛
قسمت بالای آن (نوشابه) شیرین که برای نوشیدن نشاط آوراست؛ باشد که آن
قهرمان قبول کند و برای نشاط (خویش) بیاشامد.» ←

آن فرد شجاع مستقیماً دیوان را پشت سر گذاشت و چون از
بادها میگذشت هر لحظه قوی تر می گردید (۱).

۳ - وقتی که با فریاد های بلند آوا ، شهباز با شتاب فرود
می آمد، آن فرد شجاع را بوجود آورد . آن گاه کریشانوی تیرانداز
که وحشیانه در فکر خویش بغضب آمده بود ، او را هدف گرفت و
زه را کشید تا او را بزند (۲).

(۱) این قطعه را هر یک از مترجمان ریگ وید با اختلاف زیاد
ترجمه کرده اند . عبارت متن سانسکریت اینست :

« Na ghā śā mām āpa josam Jabhārābhīm āsa tvāksasā
vīryéna, ĭrmā púramdhir ajahād ārātīr utā vātān atarac
sūsuvānah ».

بنا بر گفته Bergaigne در این آیت «سوما» همچنان بر سخن خود ادامه
میدهد .

(۲) متن سانسکریت این آیت چنین است :

Āva yác syenó asvanīd adha dyor vi yád yádi vāta
ūhuh puramdhir,

Srijád yád asmā āva ha kṣipáj jyām kṛṣānur ástā
mánasā bhuranyán.

مترجمان ریگ وید در ترجمه این آیت و فهم آن اختلاف دارند .

و یلسون این آیت را چنین ترجمه کرده است :

« وقتی که شهباز از آسمان فرود آمد و فریاد میکشید (حافظان سوما)
مشاهده نمودند که او سوما را (برده است) ، آن گاه کریشانوی تیرانداز
او را با سرعت خیال تعقیب نمود و کمان خویش را زه کرد و تیری بسوی او
پرتاب کرد » . کریشانو Krisanu : حافظ سوما ی آسمانی .

خطاب به گراوانه Grāvānas

۱ - ای سنگ‌ها، باشد که خداوند سویتش شمارا بر طبق قانون
به حرکت درآورد.

به تیر و چرخشت بسته شوید.

۲ - ای سنگ‌ها، بدبختی را از ما دور سازید، بدخواهی را از
ما بپایند، و گاو را داروی ما قرار دهید (۱).

۳ - سنگ‌های روئین (بالایی) که به نرگاو نیروی گاو

(۱) متن سانسکریت چنین است :

pra Vo grāvānaḥ Savitā devāḥ Svatu dharmāna,
dhūrsu yujyadhvam Sunuta.

(۲) متن سانسکریت اینست :

‘Grāvāno apa dusumān apa sedhata durmatim, Uśrāḥ
Kartana bhesajam. ’

منظور از : «گاو» روشنی صبح است که چون نزدیک شود دزدان و
دیوان میگریزند.

باشد که آن قهرمان آن را بگیرد و با نشاط خویش
بیاشامد .

(ماندالای چهارم - سرود ۲۷)

← متن سانسکریت چنین است :

‘ ádha Svetám Kalasam gobhir aktam āpipyānam maghavā
Sukram andhah, adhVaryubhiḥ prayatam madhvo ágram
indro mādāya prāti dhat pibadhyai sūro madāya prāti dhat
pibadhyai ’.

مکھون Maghavan : خداوند بخشش ، اندرا ، درهمه جا حاضر .

ستایش: میترا، و وارونا

- ۱ - چون آفتاب سر برزند ، من با سرود شما را میخوانم، ای میترا و وارونا که فکر شما مقدس است،
قدرت آلهی، و زبردست جاویدان شما (میترا - وارونا) با
مرحمت به هر که شما بخواهید میرسند (۱).
- ۲ - چون آن‌ها خدایان مهربان آسوراها هستند - هردوی
شما زمین‌های ما را بسیار ثمر بخش نمائید (۲).
- ای وارونا، وای میترا ، باشد که ما از شما (این لطفرا) بدست
آوریم که هر جا آسمان و زمین و روز است ما را برکت دهید .
- ۳ - بند نهند گناهکاران چندین کمنند دارند؛ مرگ پذیران
گناهکار به سختی میتوانند از آنها برهند.

(۱) ظاهراً منظور از قدرت (نیروی) الهی Asuryám در اینجا قدرت ،
مشترک میترا و وارونا است .

(۲) مقصود از خدایان مهربان آسوراها ، خدایان اعظم یا حاکم بر همه
موجودات الهی میباشند .

میبخشند باغرو بر آن ها که در زیرند، می نگرند (۱).

۴ - ای سنگ ها، باشد که خداوند سویت را بر طبق قانون برای آن که قربانی میکند، و شیر را می ریزد به حرکت در آورد (۲).

(ماندالای دهم - سرود ۱۷۵)

(۱) بنابر نظر بعضی از مفسران «ریگ بید» مقصود از : « نر گاو» سوما است.

متن سانسکریت اینست :

Grāvāna Uparesvā mahīyante Sajosasah, vrsne

dadhato vrsnyam.

(۲) منظور سنگ آسیاهائی است که برای خرد کردن گیاه سوما و گرفتن شیر آن مورد استفاده قرار می گرفته است.

بنظر کرسمن و رت Roth گراون Grāvan سنگ آسیائی است که برای خرد کردن گیاه سوما و یا گرفتن شیر آن بکار میرفته است. بعضی احتمالاً این واژه را مشتق از « گیره » (Jira) (Jira) (سریع، جاری، روان) که با اضافه پسوند « ون Van » بصورت : giravan یا Jirāvan و یا grāvan در آمده است، دانسته اند.

متن سانسکریت اینست :

grāvāna savitā nu vo devah suvatu dharmanā,

yajamānāya sunvalé.

خطاب به : ماروت‌ها

۱ - آمدن شما شگفت‌انگیز باشد ، با یاری‌های عجیب ،
ای بخشاینندگان ،

ای «ماروت» ها که با اشعه مار مانند میدرخشید (۱) .

۲ - ای «ماروت» های بخشاینده ، تیر شتابنده شما از ما
دور باد ؛

سنگ‌هائی که پرتاب میکنید از ما دور باد .

۳ - ای بخشندگان سخاوتمند ، ای ماروت‌ها ، مردم
« ترینشکنده » را لمس ننمائید ؛

مارا بر خیزانید تا بتوانیم زندگانی کنیم (۲) .

(ماندالای اول - سرود ۱۷۲)

(۱) منظور از اشعه مار مانند برقی است که بعد از طوفان بوجود می‌آید
و میدرخشد .

(۲) ترینشکنده Trinaskanda : ظاهراً اسم طایفه یا رئیس قبیله
میباشد . در جای دیگر از ریگ ودا باین نام برنمی‌خوریم . ویلسون به پیروی از
«ساینه» ، «پادای» آخر این بند را چنین ترجمه کرده است :
«مردم مرا که از علف ناچیزترند حفظ فرما» .

ای وارونا ، ای میترا؛ باشد که طریق نظم شما ما را چون فایقی
که از آب میگذرد، از زحمت ها بگذرانند .

۴- ای وارونا، و ای میترا ، بیائید و از نذور ما بپخشید ، و
مرتع ما را روزی (رزق) شیرین و فراوانی بخشید.
آب آسمانی نیکوی مصفای خویش را بفراوانی بر مردم فرو
بارید.

۵- ای وارونا ، و ای میترا ، این سرود مانند شیرۀ سومای
درخشان برای : «وایو» به شما تقدیم می گردد.

سرودستایش ما را مورد لطف قرار دهید ، اندیشه و روان را
بیدار سازید ، و پیوسته ما را ای خدایان بسا برکات خود حفظ
فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۶۵)

۳ - آن گرامی، در قلّه پشمن مانند میدرخشد، در میان ما شاهزاده‌ای است از همه اشراف (نجباء) شریفتر.

چون تورا صاف میکنند، غرش نما و به پیش بشتاب و ما را بیش از همیشه با برکت خویش حفظ فرما.

۴ - بگذار تاستایش خدایان را بسرائیم - به آوار بلند بسرائیم - و سومارا برای ثروت‌های نیرومند به سوی تو فرستیم.

بگذار تا آن شیرین طعم از صافی بگذرد، و آن (سومای) مقدس ما در مشرب به (پارچ) بماند.

۵ - تادوستی خدایان را به دست آورد، «ایندو» در هر از جوی روان است که آنها را شاد سازد.

آن که برسم آئین باستان از طرف مردم ستایش شده و برای سعادت ما نزدیک آمده است به سوی «اندرا».

۶ - ای زرین فام، چون خود را صاف سازی، روان شو که سراینده را غنی سازی و شیرۀ تو به سوی اندرارود تا موجب نگاهداری او باشد.

برای فراوانی به همراه خدایان نزدیک آی و ما را بیش از پیش با برکت‌های خود حفظ فرما.

۷ - خدا نسل‌های خدایان را اعلام میدارد، همان گونه که «اوشان» حکمت عالی را بیان میکند.

سنایش : صارهٔ سوما Soma pavamāna (۱)

۱ - خداوند شیر را که در اثر شوق و احساسات آنی این مرد صاف شده است، به خدایان می‌رساند.

او (سوما) روان و سراینده به سوی صافی در جریان است (میرود) مانند روحانی که با گاوان بطرف نشستنگاه مدرج (پله پله) رود (۲).

۲ - در لباسی زیبا که لایق پوشیدن در جنگ است، چون دانشمندی نیرومند در حال خواندن ادعیه به سوی پارچ (مشر به) هائی که پاک کرده اند روان شو.

در جشن (بزم) خدایان همه جا دیده می‌شوی و پاسداری.

(۱) در میان ۱۰۲۸ سرود ریگ‌وید این سرود کلاسترین آنهاست. و گفته اند ریشی‌های مختلف گویندهٔ مجموع ابیات این سرود هستند.

(۲) منظور از عبارت : دبا گاوان بطرف نشستنگاه مدرج رود، محل‌هائی است که برای قربانی تهیه و آماده می‌کردند و قربانی‌ها را در آنجا می‌گذاشتند. در اینجا صدای جریان شیر سوما بسرود خوانی روحانیولی که متون مقدس را می‌خوانند تشبیه شده است.

اوبدخواهی هارا آرام میسازد، ودیوان را میکشد، پادشاه پُر
نیرو که مارا راحتی می بخشد.

۱۱ - آن گاه در جوئی جاری میگردد که از سنگ های
چرخشت تراوش کرده، با شیرینی درآمیخته، و از پرویزن پشمین
میگذرد.

ایندو در عشق اندرا شادی میکند، خداوندی که برای حظّ آن
خدا سرور می بخشد (۱).

۱۲ - چون صاف میشود گنج ها را اوفرو میریزد، خدائی که
شیره خویشت را (چون شبنم) به دیگر خدایان می بارد.

ایندو به تناسب فصول لباس گوناگون می پوشد، بر آن
پشم (پرویزن) برافراشته ده انگشت سریع در کارند (۲).

۱۳ - نر گاوسرخ خروشان به سوی ماده گاوان پیش میرود، و
آسمان وزمین را به نعره و غرش درمی آورد.

صدای او چون نعره اندرا در جنگ، شنیده میشود تا دانسته
شود که اوبدین سو در شتاب است.

۱۴ - آمیخته با شیر، و هملو مزه های شیرین از آن گیاه پُر
آب تو بیرون می آیی،

و چون ترا صاف می کنند خروشان جاری میشوی، توای سوما،

(۲) ایندو Indu (قطره) نام دیگر سوما.

(۱) یعنی روی پرویزن یا صافی ده انگشت کار میکند.

باخویشاوندی درخشان آن گراز تقدیس کننده و حاکم بر همه
جاسر و دخوان باین جاها پیش می آید. (۱)

۸ - غاز (قو) ها ، «وری شگنه» ها از نزدیکی ما روح بی آرام
خویش را به منزلگاه ما آورده اند.

ای دوستان به «پوما نه» برای ستایش گرد آئید، و در نعمات
مقاومت ناپذیر آن ها هم صدا شوید (۲).

۹ - او حرکت سریع آن بلند گام را دنبال مینماید، گاو ان
چنان که بودند برای آن که به میل خود تفریح کنند ، به صدا
در می آیند ؛

او با شاخ های تیز خویش فراوانی می بخشد، سیمین فام در شب ، و
ز رین فام در روز می درخشد. (۳)

۱۰ - ایندوی نیر و مند که به شیر آغشته شده به سوی اندرا
روان است، سوما ی نیر و بخش که او را شاد سازد.

(۱) منظور از خداوند در اینجا «سوما» است که پدر خدایان شناخته شده
است . صدای جریان «سوما» به تلاوت سرودی که «اوشان» دانشمند معروف و
شاعر مقدس دوره ودائی میخوانده است تشبیه شده است . مقصود از «گراز»
سوما ی تندرو و خروشان میباشد، و شاید منظور آن باشد که صدای ریزش قطرات
شیره سوما مانند صدای پای گراز وحشی است .

(۲) منظور از غازها سرودخوانانی اند که از اخلاف ورشگنه Vrishagana
دانشمند عصر ودائی میباشد .

(۳) در این بند «سوما» به «ماه» تشبیه شده است و برای آن دوشاخ تصور
کرده اند .

بلندیها و از فراز آن قلعه پشمین جاری شو (۱).

در هزارجوی خوشبوی شکست ناپذیر برای تحصیل قدرتی که
بر قهرمانان پیروزی می یابد جاری شو.

۲۰ - بی ارا به، و بی زمامی که آنها را رهبری کنند مانند اسبان
یوغ بر گرفته که بمسابقه می روند،

این قطرات درخشان شیر و سوما پیمش می تازند، شما ای خدایان
پیش آئید تا آنها را بنوشید.

۲۱ - پس برای این جشن خدایان ما، ای ایندو باران آسمان
را در این ظرف ها بریز ؛

باشد که سوما ما را ثروتی که مشتاق و در طلب آنیم، و قدرت و
قهرمانان بسیار عطا فرماید.

۲۲ - آن گاه که سخن مهر آمیز روح او را بموجب قانون اعلی
علیین خداوند همه رزق ها قرار داده است، در آن هنگام گاو ان
نعره کشان به سوی ایندو آمدند، آن خداوند مختار محبوب در
مشر به .

۲۳ - آن دانشمند آسمانی آزاده نعمت بخش چون جاری
میشود، شیر و خالص را برای آن حقیقت شعار می پیماید.

آن پادشاه که منبع و نگاهدارنده قدرت است بوسیله ده زمام

(۱) مراد از قلعه پشمین، پرویزی است که پارچه آن از پشم تهیه

شده است .

در آن هنگام برای اندرا روان شو.

۱۵ - پس با شادی روح بخش روان شو، و تیرهای مرگبار بسوی آن که مانع جریان آبها میشود پرتاب کن .
به سوی ما با آن رنگ درخشان خویش روان شو، ای سوما در اشتیاق گاو ان جاری شو^(۱).

۱۶ - ای ایندو ، از ما خرسند باش، و چون در مجرای سهل و نیک خود روانی فضای وسیع و راحتی ها برای ما بفرست؛
و بر طبق معمول با گرز (چماق یا عصا) بدبختی هارا پراکنده ساز، و برو به روی صافی.

۱۷ - باران آسمانی تندرین فرح بخش سلامت را و فراوانی ده بر ما ببار.

ای ایندو روان شو، و این بادها را که خویشاوندان زیرین تواند بفرست ، و آن ها را چون طره های موی نابسته آزاد ساز.

۱۸ - ای سوما، چون صاف میشوی رفتار شایسته و ناشایسته را که بیکدیگر پیچیده و گره خورده اند جدا کن.

مانند اسب قرمز رنگ (کهر) لجام گسیخته شیهه بکش، ای خداوند، ای خانه خدا چون جوانی بیا.

۱۹ - برای خدمت خدایان، برای شادی، ای ایندو، از روی

(۱) مراد از : مانع جریان آب شدن در اینجا «Vritra» دیو خشکسالی است .

خروشی (شیمه میزنی) واز (سرعت) خیال سریعتری، مانند شیر
مهیپ.

از راهائی که بدینجا منتهی میشود، واز راست ترین آنها، ای
ایندو، وقتی که صاف میشود سرور را به سوی ما بفرست.

۲۹ - از سر چشمه خدایان صدها بلکه هزاران جوی جاری
میشود که دانشمندان مهیا ساخته و آنها را صاف مینمایند.
اسباب پیروزی را از آسمان برای ما بیاور، ای ایندو تو که
پیشآهنگ ثروت های فراوانی.

۳۰ - جویبارهای روز چنان که باید از آسمان فرو میریزد،
پادشاه دانا بادوست خود به نامهربانی رفتار نمیکند.
مانند فرزندی که خواسته های پدر را دنبال میکند، این خانواده
را سلامت و سعادت بخش (۱).

۳۱ - اینک جویبارهای تو با همه شیرینی جاری میشوند، چون
صاف شوی از پرویزن میکنری.

نژاد گاو ای «پومانه»، از [دولت] بخشش های تو است.
چون تو بوجود آئی سوربارا درخشان میسازی.
۳۲ - چون با روشنی و غرش از راه نظم میکند، مانند صورتی
از زندگی جاوید میدرخشی.

(۱) بگفته بعضی از مفسران منظور از جویبارهای روز، ندور سوماست
که روزانه تقدیم میشود.

(مهار) روشن راهنمایی میشود (۱).

۲۴ - آن که مردمان را مینگرد و از پرویزن صاف گشته است ، پادشاه والای خدایان و فناپذیران است.
از ایام قدیم او گنجور ثروت هاست ، او (ایندو) نظم نیکو و مرتب را عزیز میدارد.

۲۵ - مانند اسبی بدسوی پیروزی و افتخار به مجلس اندرا، و وایو بشتاب.

مارا روزی فراوان - هزار برابر - عطا فرما، ای سوما چون ترا صاف میکنند یا بنده ثروت ها باش.

۲۶ - سوماهای خدا پسند که ما آن ها را می فشاریم چون جاری میشوند، برای ما خانه باشجاعان شریف می آورند.

با نعمت های فراوان مانند روحانیونی که لطف (خدایان) را تحصیل مینمایند پرستندگان آسمان بهترین تمجید کنندگان.

۲۷ - پس ای خداوند، برای خدمت خدایان جاری شو، ای نوحا به خدایان ، ای سوما برای فراوانی روزی جاری شو .

چون ما به جنگ نیرومندان میرویم با صاف شدن خویش آسمان وزمین را برقرار فرما .

۲۸ - تو که مردان نیرومند را یوغ بسته اند، مانند اسب می

(۱) منظور از شیرۀ خالص برای حقیقت شعار ، سوما برای اندرا است .

مراد از ده زمام یا ده مهار ده انگشت است که شیر را می فشارد .

باغرشى نيرومند، به سوي اندرابگدر، صدارا بلند ساز و فراوانى
بوجود آور .

۳۷- سوما سراينده سرودهاى حقيقى (راستى) ، و هميشه
پاسدار وقتى اورا صاف ميکنند در ملحقه (مالقه) ها قرار گرفته است
اورا «ادهورج»^(۱) هاى بهم پيوسته و مشتاق پيروي ميکنند
رهبان قربانى و دارنده دستهاى ورزيده «ماهر» .

۳۸- بدان گونه که در نزديك خورشيد، اوصاف شده اسن
مانند آفريدگار زمين و آسمان را بتمامى پرنموده ، و آنها را آشکا
ساخته است .

او که بوسيله يارى ارجمندش مردم همه خواسته هاى خویش
را به دست مى آورند، جايزه هاى گرانمايه اى به پيروزمند خواها
بخشيد .

۳۹- سوماى نير و بخش و فزاينده، و فراوانى ده چون صاف شدم
را باد رخش خويش يارى فرمود .

(درخششى که) با آن اسلاف قديم ما که رږپاها را ميدانستند
روشنى يافته و رمة گاورا از کوهستان ربودند .

۴۰- در طاق اعلاى فلک، اقيانوس به آواى بلند مى غرد، پادشا
همه موجودات، خالق همه آفريدگان،

(۱) ادهورج (adhvaryu) : روحانى که تشریفات قربانى
«Adhvara» را انجام ميدهد .

چون روان میشوی مانند نوشابه فرج بخش اندرایی، و صدای
خود را با سرود دانشمندان توأم میسازی.

۳۳ - چون جوی های خود را در جشن خدایان و خدمت
آنان جاری میسازی، تو ای سوما بسان عقاب آسمانی بنظر
می آئی.

ای آیندو، در صراحی (مشربه) سوما فرود آی، و با غرش بشعاع
سوریا نزدیک شو.

۳۴ - آن اسب را سه آوا (شیهه) است، او از فکر دعا و از قانون
نظم سخن می گوید:

گاوها برای پرستش به سوی آن خداوند گاو می آیند؛ سرودها
با اشتیاق زیاد به سوی سوما می شتابند.

۳۵ - گاوان به سوی سوما می آیند، گاوان شیرده با اشتیاق
با سرودهای خود پرستش کنان به جانب دانشمندان سوما (می آورند).
(شیر) سوما ی فشرده ضاف و مخلوط شده است، سرودها، و
آواهای «تریشتب» ما در سوما بیکدیگر می پیوندند. (۱)

۳۶ - ای سوما، چون ما تو را در ظرف ها می ریزیم، صاف شو،
و برای لیکبختی ما روان شو.

(۱) تریشتب Trishtubh (تریشتب Tri-shtubh) : یکی از اوزان
عروض دارای چهار بار یازده 11×4 مقطع.

از اقیانوس بر ما بیار .

۴۵ - سومای نیرومند چون فشرده شود مانند اسبی تیز تك روان میگردد - بسان سیلی که در سراسیمه جاری باشد.

چون صاف شد در خانه چوبین خود قرار گرفت؛ «ایندو» باشین، و با آب ها روان گشت.

۴۶ - این سومای نیرومند، ودانا برای کسانی که شوق آمدن اورا دارند، در اینجا به سوی کاسه ها روان می گردد ای اندرا، آن ارا به سوار، و خورشیدسان و براستی توانا، مانند اشتیاق مردم پرهیز کار ریخته شده است.

۴۷ - آن که بقدرت حیاتی باستانی صاف گردیده بر تمام اشکال و صور دختر خویش نافذ است،

چون پناهگاه سه گانه خود را در آب ها می یابد مانند روحانی سراینده به سوی محافل می شتابد (۱).

۴۸ - اینك ای ارا به سوار به جانب ماروان شو، ای خداوند سوما، چون صاف شوی در این پشقاب ها جاری شو، شیرین ترین آب ها، و پُر از شیر و عسل، و مقدس، خداوند مانند سویت را است اندیشه است.

(۱) ظاهرأ مقصود از عبارت «تمام اشکال و صور دختر خویش نافذ است» آنست که تصور می شده سوما قدرت غذائی خود را به علف و بوته و میم درخت ها می بخشد، زیرا این سه شکل از زمین که دختر اوست، میروید.

ای سوما، بر پرویزن پشمینه برافراشته جاری شو، قطره چکیده نیرویش افزایش یافته است (۱).

۴۱ - سوما، کوساله چون فرزند آبها خدایان را انتخاب کرد، و آن عمل بزرگ را بجای آورد. او (پومانه)، اندرا را نیرو بخشید؛ او (ایندو) به «سوریا» روشنی داد (۲).

۴۲ - «وایو» را برای زیادتی و فراوانی شادساز، و «وارونا»، و «میترا» را که ترا صاف میکنند، مسرور نما (۳).

خدایان را سرور بخش، و جمع «ماروت» هارا خوشحال فرما، آسمان وزمین را به شادی وادار، ای خداوند، ای سوما.

۴۳ - ای کشنده دادگر شیران، روان شو، و دشمنان و بیماری های ما را بیرون ران،

شیرخویش را با شیری که گاوان میدهند ممزوج کن، ما دوستان توئیم، و تو دوست «اندرا»ئی.

۴۴ - چشمه ای از شیرو عسل برای ما جاری ساز، و منبعی از گنجها، و ما را پسری قهرمان و ثروتی شادی بخش بفرست.

چون ترا صاف میکنند برای اندرا شیرین باش، و باران ثروت

(۱) ظاهر منظور از: اقیانوس، سوما میباشد.

(۲) پومانه Pavamāna: عصاره سوما. ایندو Indu: قطره، سوما.

(۳) وایو Vāyu: خدای باد.

ما به سوی آن گذرگاه مشهور روان شو.

باشد که آن دشمن کوب شصت هزار گنج برای پیروزی ما
فرو فرستد، همان گونه که درخت میوه رسیده را می‌تکاند (۱).

۵۴ - برای آن دو پیروزی که در جنگ در کنار آن
دریاچه آبی و «پیشنه» به دست آمد، ما با اشتیاق نیایش میکنیم.
او دشمنان ما را خواب کرد، و هلاک ساخت و آن دیوانگان
نامهربان را دور نمود (۲).

۵۵ - نواز سه صافی گسترده میگذری، و در حالی که ترا صاف
میکنند از میان آنها میشتابی (سرعت روائی).

توئی بخشنده هدایای «بهکه»، و «مکهون» برای برزگان
آزاده، ای ایندو (۳).

(۱) ظاهراً مقصود از گذرگاه مشهور نقطه بوده است که در آن جا جنگی
واقع شده و تصور نموده اند که باز هم در آن نقطه نبرد آغاز خواهد شد و از
سوما کمک میخواهند.

(۲) بمعنی «لودویگ»، «پیشنه» *Prisana* نام محلی است، ولی «ساینه»
دریاچه آبی یا دریاچه زرد را به جنگ سواره، و «پیشنه» را به جنگ تن به تن
تعبیر کرده است.

(۳) ظاهراً مقصود از سه صافی، آتش و باد و آفتاب است که اضافه بر صافی
مصنوعی پشمین میباشد.

بهکه *Bhaga*: خدای بخشنده - خداوند محترم (به خدایان به ویژه
به «سویت» اطلاق میشود). نام یکی از آدتها که بخشنده ثروت و
سرپرست عشق و عروسی است. خدای زفاف. *yaska* یا اسکا او را از خدایان
طبقه اول شناخته است.

مکهون *Maghavan*: نجیب، بنیاد گزار یا بابای قربانی - خدای یکوکاری -
لقب اندرا.

۴۹ - برای جشن او در میان سرود و آواز به سوی «وایو» جاری شو، و چون صاف شوی به سوی وارونا و میترا روان گرد ، به سوی آن قهرمان ارا به سوار سرور انگیز، به سوی اندرای نیرومند که رعد را چون سلاخی در دست دارد جاری شو.

۵۰ - جامه هائی که ما را به برازندگی بپوشاند، بر ما فرو ریز ، و گاو ان شیرده پاک و پُرشیر بفرست.

ای سوما، برو ، و ما را اسبان ارا به کش که بتوانند گنج های درخشان زرین برای ما آورند بفرست .

۵۱ - جوئی از ثروت های آسمانی به سوی ما روان ساز ، و چون صاف شوی آنچه زمین شامل بر آن است ، به سوی ما بفرست ،

تا بوسیله آن ما بطریق «جمداگنی» مالکیت و دانشمندی به دست آوریم. (۱)

۵۲ - اینک که صاف میشوی، ثروت به ما فرو فرست، به سوی دریاچه زرد (۲) روان شو ، ای ایندو .

در اینجا نیز آن سرخ فام بادپای دانشمند به آن که با شتاب می آید ، پسری عطا خواهد کرد .

۵۳ - ای که سزاوار افتخاری، اینک که صاف میشوی برای

(۱) جمداگنی Jamadāgni : نام ریشی مشهور دوره باستانی.

(۲) معنی واژه : Mānschatvā درست معلوم نیست .

درستایش : سیده دم Usas

۱ - صبح درخشان آن هنگام که آتش (مقدس) بر می افروزد،
و خورشید سر بر میزند، انوار خویش را منتشر میسازد.

خداوند سویترا ما را به کار می فرستد، هر چهارپا، و هر دوپا باید
فعل باشد (۱).

۲ - بی آنکه نظم و ترتیب آسمانی را برهم زند، هر چند
نسل های بشر را کم میسازد،

آخرین صبح های بی نهایت که گذشته اند، و اولین آنها که

(۱) ظاهراً منظور از «آتش»، آتش قربانی است که صبح ها آنرا روشن مینمودند.
متن سانسکریت این آیت چنین است :

Usa Usantī Samadhānē agna Udyant Surya Urviyā Jyotir
asret

devo no atra Svita nvartham prāsavid dvipart pra
Catuspad Ityat.

بعضی از مفسران رکعید گفته اند کلمه : «Urviyā» بمنزله قیدی است
که معنی «دور» از آن مستفاد میشود و مشتق از کلمه «Uru» (وسیع، گسترده،
پهن) میباشد.

۵۶ - این سومای دانشمند همه‌دان مانند پادشاه کائنات در راه خود روان می‌گردد ،

وقطرات را در محفل‌های مامیراند:

«ایندو» تماماً از صافی پشمین می‌گذرد.

۵۷ - تجاوز ناپذیران بزرگ «ایندو» را می‌بوسند (مینوشند)،
و مانند دانشمندان مشتاق در جای او (ایندو) می‌سرایند (۱).

مردان دانا او را باده انگشت جَلد بیرون می‌آورند، و با کوه
آب‌ها شکل او را می‌آریند.

۵۸ - ای سوما، باشد که ما باتو بصورت «پوما نه» باهم غنائم
جنگی خویش را نوده نمائیم،

ای «ورونا» وای «میترا» ، وای «ادیتی» ، وای «سیندهو» ،
وای زمین ، وای آسمان این نعمت (برکت) را برای ما حفظ
فرمائید (۲).

(ماندالای اهِم - سرود ۹۷)

(۱) منظور از تجاوز ناپذیران ، خدایان میباشد .

(۲) سیندهو (سندِهه Sindhu) : نام رودخانهٔ سند Indus و حوزهٔ آن
رودخانه . رئیس رودخانه‌ها .

این واژه که بطور مطلق به معنی رودخانه و جریان آب است ، نام وارونا
خدای دریاها و آب‌ها و نام پادشاهان گندهروه‌ها هم میباشد .

بیشتر و بیشتر او منبسط میشود و دامن پدر و مادر خویش را کاملاً پُر مینماید. (۱)

۶ - بتحقیق چون در اطراف منبسط میشود، خویش و بیگانه را از رؤیت خود باز میدارد،

و مغرور از شکل بی عیب خود به روشنی میتابد، و از ضیع و شریف رونمی تابد. (۲)

۷ - مانند کسی که برادر ندارد در جستجوی مردم است،

(۱) عبارت سانسکریت چنین است :

Pūrve ārdhe rājaso aptyasya gavām Janitry akrla prā
Ketum, Vy u prathate Vitaram Varīya Obhā prnāntī pitrōr
Upasthā

ظاهراً منظور از ناحیه آب آلود، آسمان مه آلود و مقصود از گاوها،
اشعه نور میباشد.

(۲) عبارت متن سانسکریت این آیت چنین است :

Evéd esā purutāmā drsé Kam na Jāmim na pári vrnakti
Jāmim, arepasa tanvā sasādānā
nārbhād isate ná mahó Vibhātī

گلدنر، Kaegi پادای چهارم را باین تقریب ترجمه کرده اند :
«او نور خود را نه در بالا و نه در پائین دور ورها نمیکند، اما «لودوبک»
آنها چنین ترجمه کرده است: «در تافتن او (نور خویش را) از ضعیف و قوی دریغ
نمیدارد».

می آیند، سپیده دم به روشنی میدرخشد^(۱)،

۳ - در ناحیه خاور، دختر آسمان با جامه هائی از نور
هویدا میشود.

براستی او از طریق نظم (جهانی) میگذرد، و از این کار
والمی ماند، چون نواحی آسمان را نیکومی شناسد.

۴ - از نزدیک دیده میشود مانند سینه آن فرد نورانی، و
مانند سرود سراینده جدیدی اشیای شیرین را آشکار میسازد^(۲).
اومی آید و چون مکسی خفتگان را بیدار میکند، و از همه
بانوانی که بر میگرددند راستکارتر و پابرجاتر است.

۵ - در نیمه شرقی ناحیه آب آلود مادر گاوها نشانه خود را
نموده است.

(۱) منظور از عبارت: «اسل‌های بشر را کم میکند manusya yugāni»،
آنست که گذشت عمر مقدر بشر را معین میسازد.
متن سانسکریت این بند چنین است:

aminatī daivyāni Vratāni praminatī manusya yugāni
īyusinam Upamā Sasvadinām aryatīnām prathamosa
Vy adyaut.

(۲) یادای اول و دوم این بند چنین نیز ترجمه شده است: «الهی
صبحدم مانند سینه (یک فرد) نورانی ظاهر شده؛ و بسان ند هس همه اشیای مطبوع
را روشن ساخته است».

ند هس nodhas: نام یکی از ریشی‌های دوره ودائی است.

پرستش میکنند، بتاب،

براین سراینده (که عمرش در گذر است)،

۱۱ - این دوشیزه جوان از شرق بر ما تافته، جفت گاو ان سرخ
درخشان خود را یراق کرده است،
اوبه پیش خواهد تابید، و روشنی بدینجا خواهد شتافت، و اگنی
در هر خانه حاضر خواهد بود (۱).

۱۲ - بسان مرغان که از آشیانه خود میپرند، مردم نیز با
ذخایر رزق هنگام طلوع تو بر خواهند خاست،
آری بر آن مرگ پذیران آزاده که در خانه خود می مانند،
ای الهه صبح تو خوبی فراوان می آوری (۲).

(۱) عبارت سانسکریت اینست :

aveyam asvaidd yuvatih purástād yunkté gāvām arun-
ānām ānikam, Vi nūnām Uchād āsati prā Ketur grham
grham Upa tisthāte agnih.

کلدر و گرسمن واژه «anika» را به «دسته» یا «گروه» تعبیر
نموده اند.

(۲) عبارت سانسکریت در این آیت اینست :

Ut te Vayas Cid Vasatér apaptan náras Ca yé pitubhāJo
vyustan, amā sate Vahasi bhūri Vāmam uso devi dasuse
martyāya.

کلدر Gelner، و Kaegi و گرسمن Grasmann پادای اول ددوم
را چنین ترجمه کرده اند :

«وقتی تو میدرخشی، پرندگان از لانه خود میپرند، و آدمیان روزی
خویش را جست و جو میکنند».

و بر ارا به خود سوار میگردد که گوئی در فکر جمع ثروت
میباشد .

صبحدم چون بانوئی مهربان برای شوهر خود متمسّم ، و با
لباسی نیکو از جمال خویش پرده برمیدارد . (۱)

۸ - آن خواهر جایش را به خواهر ارشد خود میسپارد ،
و چون او را مینگرد ، دور میشود .

او جمال خود را زینت میدهد ، و با اشعه خورشید میدرخشد ،
چون گروه زنائی که به مجلس جشن رومی آورند . (۲)

۹ - به دنبال همه این خواهران که اینک ناپدید شده اند ،
هر روز دیگری می آید ؛

پس باشد که چون زمان گذشته و روز های شادی بخش
صبحگاهان جدید با ثروت بر ما بتابند .

۱۰ - ای ثروتمند ، وای بحشده راد ، برخیز و بگذار تا خسیسان
در خواب خود خفته بمانند .

ای ثروتمند ، ای صبح شادمان ، به فراوانی به آنها که ترا

(۱) عبارت سانسکریت چنین است :

abhrātevā punsa eti prarīci gartārug iva Sanāye
dhanānām, Jāyēva pātya usati Suvāsā Usa hasréva ni rinīte
apsah.

(۲) ظاهراً مقصود از خواهر ارشد ، روزاست ، و شب جای خود را به-

روز میدهد.

ستایش: وشنو دیوها Vivasdevas

- ۱ - باشد که سیوسه خدا در روی چمن مقدس بنشینند ؛
باشد که (نقدیمی) ما را بپذیرند و ما را هر دو (نوع ثروت)
عطا فرمایند (۱).

(۱) از مجموع ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا فقط درسرودهای ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۱۳۹ ماندالای اول و سرود ۶ ماندالای سوم و سرودهای ۲۸ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۹ ماندالای هشتم و سرود ۹۲ ماندالای نهم و سرود ۹ «والکیلیه» Vālakhilya به ۳۳ خدا ویا سه یازده خدا اشاره شده است.

بعقیده یاسکا Yaska این خدایان محدود به سه دسته میشوند.

- ۱ - خدایانی که منزلگاه آنها در زمین است «پریتهیوی استهان» Prithivishāna
- ۲ - خدایانی که مقام آنها در جواست : «مدیه استهان» Madhyasthāna
- یا فضای میان زمین و آسمان «انتریکشا استهان» Antarikshasthāna
- ۳ - خدایانی که در آسمان جادارند «دیوس استهان» dyusthāna . اگنی،
سوما ، بریهسپتی و رودخانهها از خدایان دسته اول ، و اندرا و آپام نپات ، و رودرا ،
وایوسوات ، پرچنیه ، آپه Āpah و مانتریشون Matarisvan از خدایان دسته
دوم . و دیوس Dyus ، و وارونا ، و میترا ، و سوریه ، و سویتری ، و پوشان ،
و ویشنو ، و آدیتیاها ، و اوئس (صبحدم) و دواشوین از زمره خدایان دسته
سوم اند .

در اوپانیشاد قدیمی : «برهداریکه» در باره عده خدایان چنین آمده
است: «وید گده» Vidagdha . پسر «شاکل» Śakala از «جاگنوالکیا»
«Yajñavalkya» پرسید چند خدا وجود دارد ؟

۱۳ - شمارا که در خورستایش آید، من با نیایش خود تمجید
 مینمایم، شما ثروت ما را افزونی بخشیده اید.
 ای صبحگاهان که ما را دوست میدارید، ای خدایان؛
 باشد که ما از لطف شما ثروتی یابیم که صدها بلکه هزاران
 از آن سخن گویند.
 (مالدالای اول - سرود ۱۲۴)

خطاب به : وشو دیوها

- ۱ - یکی (سومای) قهوه‌ای رنگ ، و زهر مطلق شب‌ها ،
و همیشه جوان (خویشان را) با زیورهای زرین می‌آراید .
- ۲ - یکی (اگنی) هوشمند نورانی در میانخدایان در جای
خود (قربانگاه) نشسته است .
- ۳ - یکی (نوشتری) که در میانخدایان نشسته و کسی نمیتواند
او را بجنباند ، تبر آهین خود را در دست گرفته است
- ۴ - یکی (اندرا) صاعقه را در دست گرفته و با آن و ریتراها
را هلاک می‌سازد .
- ۵ - یکی (رودرا)ی درخشان ، و وحشتناک (و در عین حال)
بخشنده داروهای شفا بخش تیغ بر آن خود را در دست دارد (۱) .
- ۶ - یکی (پوشان) مانند راهزنی راه‌ها را زیر نظر دارد و از

(۱) رودرا Rudra : خداوند فنا کننده .

۲ - باشد که ورونا ، و میترا ، آریمن ، و اکنی ها با بانوان خود تقدیم کنندگان (نذر) را جلال بخشند و خطابه قربانی به آنها خطاب شود .

۳ - حامیاما باشند ، وقتی که با ملا زمان خویش از مغرب ، و شمال ، و جنوب ، و مشرق می آیند .

۴ - آنچه خدا یان می خواهند ، به ناچار شدنی است ، هیچکس مقاومت با آن نتواند کرد ؛ و هیچ وجود فانی تقدیمی (به آنها) منع نتواند نمود .

۵ - نیزه های آن هفت (دسته ماروت ها) هفت است ، وزینت آنها هفت ، و هفت افتخار عالی پوشیده اند .
(ماندالای هشتم - سرود ۲۸)

← - گفت : سیددوسه ، سه هزار و سه . باز پرسید چند خدا هست ؟

- گفت : سی و سه .

باز پرسید از این سه ضروری تر چند است ؟ گفت : دو .

باز پرسید از این دو کدام ضروری تر است ؟ گفت : يك و نیم .

باز پرسید که از این ضروری تر که به غیر او چاره نباشد ؟ گفت : یکی .

بعد دوباره پرسید : پس آن سیددوسه و سه هزار و سه کدام اند ؟ چاکنوالکیا پاسخ داد : آنها مظاهر نیروی خداوندی هستند و گرنه فقط سی و سه خدا هست و آنها

عبارتند از : هشت واسو Vasu ، یازده رودرا Rudra ، دوازده آدیتیا Aditya

که مجموعاً سی و يك میشوند و اندرا Indra ، و پر جابتی Pra Ja Pati بترتیب

سی و دومین و سی و سومین آنها میشوند . و درباره هر يك از اینها تعبیراتی شده

است . بنگرید به کتاب ترجمه فارسی « اوپانیشاد Upanishad » (سر اکبر)

بمصحیح دکنر تارا چند و جلالی نالینی (نویسنده این سطور) چاپ تهران - سال

۱۳۴۰ هجری شمسی صفحه ۵۶-۵۷ .

خطاب به : وشود یوها

۱ - در میان شما خدایان ، یکی نیست که کودك یا جوان باشد ،

براستی همه شما وجود کامل (بزرگ) هستید.

۲ - نابود کننده دشمنان، خدایانی که «مانو» شمارا میپرستند، شما سی و سه تن هستید ، و بهمین گونه در سرود خوانده شده اید. (۱)

۳ - ما را نگاهداری کنید ، و از ما حمایت فرمائید، و ما را (به خوبی) دلالت نمائید ، ما را از راه های پدرانمان «مانو» دور مسازید ؛ و نه از راهائی که از آنها دورتر است.

۴ - خدایانی که در این جا حاضرید ، و این قربانی کامل به شما تقدیم میشود، سرور و خوشبختی مشهور، و گله های گاو و اسبان به ما عطا فرمائید .

(ماندالای هشتم - سرود ۳۰)

(۱) بنگرید صفحه ۳۱۵ این کتاب را .

گنج‌های نهفته آگاه است .

۷ - یکی (ویشنو) با قدم‌های بلند هر سه جهان را که خدا یان در آن‌ها شادی میکنند ، پیموده است (۱)

۸ - دو (اشوین) با (اسبان) تیز رو بایک (عروس سوریا) مانند مسافران کشورهای خارج در حرکت اند .

۹ - آن دو که در جمال و جلال سلطنت یکسان اند (میترا ، و ورونا) ، و با نذور روغن صاف شده پرستش شده‌اند ، در مقام خود در غرش جا گرفته‌اند .

۱۰ - بعضی (اثری‌ها) که چون عبادت شوند ، «سامن» بزرگ را بیاد می‌آورند ، و با آن خورشید را روشن می‌سازند (۲) .

(ماندالای هشتم - سرود ۲۹)

(۱) ویشنو Vishnu .

(۲) گروهی از مفسران ریک بید منظور از کلمه «بعضی» را در اینجا انکراس‌ها دانسته‌اند .

۶ - آن‌ها که پیوسته با هم‌اند ؛ باشد که گوشت (قربانی) مناسب به دست آورند ؛ باشد که بتوانند قربانی تقدیم کنند ؛ مبادا که هرگز بی رزق (که خدایان میدهند) بمانند .

۷ - آن‌ها (وعدۀ خود را) به خدایان نمی‌شکنند ، و از ستایش شما ، خود داری نمی‌نمایند ؛ بلکه غذای فراوان (در قربانی) تقدیم میدارند .

۸ - برکت فرزندان جوان و بالغ به آنها عطا گردیده ، و هر دو بازیورهای گران آراسته شده ؛ همه زندگانی خود را (به شادی) میگذرانند .

۹ - قربانی‌های قابل قبول تقدیم میکنند ، و ثروت دلخواه خویش را به دست می‌آورند ، و (بذور) اقناع کننده (به خدایان) تقدیم میدارند تا ابدیت به دست آورند و از اتحاد شخصی لذت برند ، و آن‌ها (زن و شوهر) خدایان را عبادت نمایند .

۱۰ - ما آن شادمانی را که کوه‌ها ، و رودخانه‌ها و ویشنو (می‌بخشند) و با (خدایان) پیوسته است ، آرزو مندیم .

۱۱ - باشد که پوشان قابل پرستش و خداوند نعمت و نیک‌خواه - ترین سرور همه ، با میمنت بیاید .

باشد که راه پهن‌آوری به سوی سعادت ما باز شود .

۱۲ - همه کسانی که فکر (با ایمان) دارند ، از (ستایش - کنندگان) خستگی ناپذیر آن خدای قاهر (پوشان) میباشند ، برآستی

در ستایش: خدایان مختلف

۱ - آن که ندوز را (به خدایان) تقدیم میکند ، به آنها تقدیم میکند ، او نذرهای مایع را فرو میریزد ، (و نان مقدس را) تقدیم میدارد .

او از تکرار ستایش واقعی اندرا لذت میبرد.

۲ - اندرا آن کس را که به او نان (مقدس) تقدیم میکند و سومای آمیخته با شیر به پیشکش مینماید ، از گناه حفظ می فرماید .
۳ - ارا به درخشانی که خدایان فرستاده اند ، به سوی او می آید ، و با آن همه دشمنی ها را از میان بر میدارد ، و کامیاب میشود .

۴ - در خانه او نعمت ابدی توأم با کثرت اولاد (موجود است) و گاوان شیرده را شب و روز میدوشند .

۵ - خدایان ممکن است زن و شوهری باشند که با يك فکر نذرها را تقدیم کنند ، و آنها را پاک سازند ، و با سومای آمیخته با شیر (خشم شما را فرو نشانند) .

ورمه‌های اسبان تندرو .

برپا دارند قربانی که می‌خواهد نظر خدايان را بخود معطوف

دارد، کسانی را که قربانی نمی‌کنند مغلوب می‌سازد .

(ماندالای هشتم - سرود ۳۱)

(او) بیگناه (ترین) «آدیتیا» ها است .

۱۳ چون «میترا» و «اریمن» ، و «ورونا» حامیان ما هستند ؛
باشد که به آسانی از راههای قربانی بگذرند .

۱۴ - من باستایش اگنی الهی پیشرو شما (خدایان) را پرستش
میکنم (بخاطر) ثروت پرستندگان (او را عزیز میدارند ، آن که)
چون دوستی حامی بخشایشگر قربانی است .

۱۵ - ارا به پرستنده با ایمان به سرعت (تسلط می یابد) همان
گونه که قهرمان در انواع جنگها ؛ برپا دارنده قربانی که میخواهد
نظر خدایان را بخود معطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکند
مغلوب می سازد .

۱۶ - مؤمن به خدایان ، وریزنده نذیر برای آنان - و ای
پرستنده هلاک نخواهی شد ؛ برپا دارنده قربانی که میخواهد نظر
خدایان را بخود معطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکند مغلوب
میسازد .

۱۷ - هیچکس مانع اعمال او نخواهد بود ، او را هرگز (از
مقامش) بیرون نخواهند راند ، او هرگز (از خانواده خود) جدا نخواهد
شد ؛ برپا دارنده قربانی که میخواهد نظر خدایان را بخود معطوف
دارد ، کسانی را که قربانی نمیکند مغلوب میسازد .

۱۸ - او در این نشأه حیات فرزندان برومند خواهد داشت ،

اعتماد مردم فروتن برای امن و سلامت بدو است ، او که
بشرف تولد یافته منزلگاههای فراخی برای آنها (مردم فروتن)
ساخته است .

۵ - امروز من این نام را ای «شیپی ویشه» ستایش می‌نمایم،
من که در (فهم) قوانین ماهرم ، نام‌تورا ای شرافتمند .
آری من بیچاره ضعیف ترا ای نیرومند که در کشوری و رای
این ناحیه مقام‌داری ستایش میکنم.

۶- چه سرزندی بر تو بود ای بشن هنگامی که گفتی : منم
شیپی ویشه ؟

این صورت را از ما پنهان مساز ، و آنرا مخفی مکن چون تو
شکل دیگری در برد بخود گرفتی . (۱)

۷ - ای ویشنو ، لب‌های من به سوی تو فریاد « وشت »
بر می‌آورد ! باشد که این تقدیمی من ترا ای « شیپی ویشه »
خوش آید .

باشد که این سرود های مدیح من تو را تجلیل نماید ، ای
ای خدا یان همیشه ما را بابرکت خود حفظ فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۰)

(۱) معنی این بند روشن نیست . بعضی آنرا چنین تفسیر کرده‌اند که
بشن در جنگ با « ویشه Vasishtha » شکل مصنوعی بخود گرفته بود و به این
جهت ریشی که او را شناخت لقب: «شیپی ویشه» که بمعنی پوشیده از نور است به او داد
، شاید بتوان ریشه اعتقاد هندوان را به مظاهر مختلف ویشنو در این سرود جستجو کرد.

میتائیش : ویشنو

۱ - مردم سودجوئی که هدیه خویش را به سوی بشن بلند گام می آورد ، هرگز توبه نمیکند ،

آن که او را با تمام جان خویش پرستش مینماید ، برای خود نیکخواه بزرگی به دست آورده است .

۲ - تو ای بشن که در طریق خویش مستقر میباشی ، به مردم حسن نیت و سرودی جاوید عطا فرمودی ، تا ما را به سوی راحتی های فراوان و ثروتی عالی با اسبان زیاد رهبری فرمائی .

۳ - این خدا با تمام عظمت خود این زمین درخشان را با صد شکوه سه مرتبه به قدم خویش پیمود .

ویشنو از همه برتر باد ، و قوی تر از همه نیرومندان ، چون نام او که برای همیشه زنده است پرافتخار می باشد . (۱)

۴ - بشن با قدم نیرومند خویش بر این زمین گام نهاد ، و حاضر بود که آن را برای منزلگاه به «مانو» ببخشد .

(۱) مقصود از زمین بنظر یکی از مفسرین ریگ وید ، زمین و فلک و عرش است .

۴ - من آب‌های رطوبت خیز را به جریان انداختم، و آسمان را به قوت در جایگاه نظم برقرار ساختم.

من پسر «ادیتی»، و حافظ قانون، بموجب قانون جهان را در سه پیمایش گسترده‌ام (۱).

۵ - قهرمانان با اسب‌های نجیب جنگجو، و جنگ آزمايان بر گزیده در نبرد مرا میخوانند.

من اندر ای مکهون جنگ را بر می‌افروزم، و خاک را بر می‌انگیزم، من خداوند نیروی برترم.

۶ - همه این‌ها را من کرده‌ام، و قدرت مغلوب‌کننده خدایان هرگز مانع من نمیگردد، و کسی با من روبرو نمیشود.

وقتی ستایش‌ها و شیرۀ سوما مرا به نشاط می‌آورد، و هر دو ناحیه نامحدود به هراس می‌افتند. (۲)

۷ - همه موجودات این کارهای تو را میشناسند، تو این را به ورونا میگوئی، توای بخشنده بزرگ.

توئی که بکشتن «وریترا»ها مشهوری. توئی که سیلاب‌های فرو بسته را روان ساختی. (۳)

(۱) در چهار بند اول این سرود ورونا سخن میگوید. منظور از «پسر ادیتی» واورنا میباشد.

(۲) گوینده در این دو آیت (۵ و ۶) اندراست.

(۳) در این بند خود شاعر گوینده است.

اندرا، و ورونا

۱ - منم آن پادشاه فرمانده که پادشاهی از آن من است ، و
من که بر همه حیات فرمان میرانم ، همه جاوید ها از آن
من اند .

خدایان از ورونا فرمانبرداری و پیروی خواهند نمود .

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم .

۲ - منم پادشاه ورونا که همه قدرت های عالی موجود آسمانی به
من اعطا شده است .

خدایان از ورونا فرمانبرواری و پیروی خواهند کرد .

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم .

۳ - منم ورونا ، منم اندرا ، این دو ناحیه ژرف نیکو
ساخته در عظمت خویش ، و این دو نیمه جهان از آن من
است ،

حتی مانند توشتری همه موجودات را که بر یکدیگر متصل و
ملحق گردیده اند ، میشناسم .

خطاب به : ورونا Varuna

۱ - سرود عالی و موقر بسرائید در حقشناسی از ورونای
شکوه‌مند و فرمانروای همه،

آن که زمین را چون پوستی درپیشگاه سوریه بگسترده است
مانند کسی که قربانی را ذبح میکند.

۲ - آن که هوا را به نوك درختان رسانیده ، و گاو را
شیر بخشیده ، و اسبان را سرعت قوی عطا فرموده است ،
عقل را در دل ها نهاده ، و آتش را در آب ها ، و سوریه را در آسمان ،
و سوما را در کوهستان . (۱)

۳ - ورونا آن صندوق بزرگ را که به سوی پائین گشوده
است ، از میان آسمان ، و زمین ، و جو میانین عبور میدهد ،
و با آن فرمانروای کیهانی زمین را سیراب میسازد ، همان
گونه که رگبار باران بر جو می بارد.

(۱) عبارت : « نوك درختان » ، Váneshu را ساینه Vrikshagreshu

در ابرها تفسیر نموده است .

۸ - پدران ما این‌ها بودند، هفت‌ریشی (دانشمند) در آن وقت که پدر «دورگه» در بند (اسیر) بود، آن‌ها (ریشی‌ها) برای آن زن بنوسیله قربانی «ترسه‌دسیو» را به دست آوردند که چون نیمه خدائی مانند اندرا، مغلوب‌کننده دشمنان بود. (۱)

۹ - همسر «پرو کوتسه» بابت گنجی نذیر را به شما تقدیم داشت، ای اندر - وارونا،

پس آن گاه شما «ترسه‌دسیو» شاه را به او عطا فرمودید - آن نیمه خدائی که دشمن را هلاک ساخت.

۱۰ - باشد که اموال زیادولنت از ثروت، و خدایان در نذیر، و گاوها در چراگاه،

و گاو شیرده که از شیر دادن خودداری ننماید، ای اندرا - وارونا روزا نه به ما اعطاف‌مائید. (۲)

(ماندالای چهارم - سرود ۴۲)

(۱) معنی این آیت تاحدی مبهم است و ظاهراً بنابر گفته بعضی از مفسران رگ پید از اینقرار میباشد که چون «پورو کوتسه Purukutsa» پسر «دورگه Durgaha» به اسارت افتاد زن او از آن هفت دانشمند (هفت‌ریشی) استدعای فرزند کرد و آنها با مساعدت اندرا و وارونا پسری به نام ترسه‌دسیو Trasadasyu برای او بوجود آوردند.

(۲) منظور از گاو شیرده، ثروت است.

سرود بالا مکالمه است میان وارونا و اندرا و خود شاعر (ریشی).

یا نسبت به برادر و یا دوست یا رفیق یا همسایه ای که با ما است یا
 بیگانگان خطائی مرتکب شده ایم، ای ورونا، این تقصیر را از
 ما بردار.

۸- اگر ما چون قماربازان در بازی ثقلب کنیم یا ثقلب کرده ایم
 یا نداشتیم یا دانسته گناه نموده ایم،
 همه این گناهان را مانند غل و زنجیر از ما دور ساز، وای
 ورونا ما را مورد مهر شخص خویش قرار بده.
 (ماندالای پنجم - سروده ۸)

۴ - آن گاه که ورونا در آرزوی شیر است، آسمان، زمین و خاک را تا بنیاد آن تر میسازد،

آن گاه کوه ها را راست میسازد و آن ها را با ابر باران میپوشاند، در هنگامی که قهرمانان به قدرت خویش آن ها را متزلزل ساخته اند. (۱)

۵ - من این عمل توانای سحر آمیز و رونای شکوه مند، و خداوند جاوید را اعلام خواهم نمود، (۲)

آن که در فلک ایستاده زمین را با خورشید چون پیمانه ای پیموده است.

۶ - هیچ کس بتحقیق موجب و مانع این عمل سحر آمیز و توانای آن خداوند دانای از همه نگشته است.

چنان که رودخانه های زلال (صاف) با تمام طغیان های خود يك دریا نیز که آب های خود را در آن میریزند، پر نمیسازد.

۷ - اگر ما درباره آن که ما را دوست دارد گناهی کرده و

(۱) مقصود از عبارت: «در آرزوی شیر است»، شاید این است که برای نذر شیر میخواهد یا آن که منظور از شیر باران حاصلخیزی است که از ابرها می بارد. و مراد از قهرمانان ماروت هاست که پای بست کوهها را بلرزه درآورده اند. ظاهراً در اینجا منظور از «زمین» الهه زمین یا زمین مجسم نیست بلکه منظور خدای جومیهانه یا فلک است.

(۲) سحر آمیز = Māyām

آن که در نواحی دور و نزدیک و سفلی اشیائی را که موجود است، مهیا ساخت .

۵ - آن که پیش از این زمین و آسمان وجود داشت ؛ پیش از آن که «اسورا» ها و خدایان بوجود آیند ، جرثومه نخستین که به آبها داده شد ، و همه خدایان باهم دیده شدند چه بود ؟

۶ - آبها جرثومه نخستین را گرفتند که در آن تمام خدایان باهم گرد آمدند ،

آن بر روی ناف تولد نیافته خود قرار گرفت ، آن یگانه‌ای که همه چیزهای موجود در آن قرار دارند .

۷ - کسی که این موجود را آفریده است شما نخواهید یافت ، چیز دیگری در میان شما بر خاسته است .

پوشیده شده در ابرهای نمناك بالبا ئی لرزان ، سرود خوانان با عدم رضایت سرگردانند . (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۸۲)

(۱) منظور از عبارت : «چیز دیگری» ، بنظر بعض مفسرین موجود متفاوتی است که باشما افراد دارای احساسات و وجدان های فردی و غیره فرق دارد .

بعض دیگر عبارت را چنین تفسیر کرده اند : شما که در فکر لذا یذ دنیوی و اخروی هستید تحت تأثیر دانش دروغین و نادانی واقع گشته اید و از دانش حقیقت محروم اید . «ولی برای مطابقت دادن این تفسیرها بیکدیگر هیچگونه اماره و نشانه ای در میان نیست .

ستایش: ویشواکرمن Visvakarman

۱ - پدر چشم ، داناروان ، هر دو جهان را غرق در فربهی
بیافرید .

سپس هنگامی که انتهای شرقی استوار گردید ، آسمان و
زمین گسترش یافت.

۲ - ویشواکرمن در فکر ، ونیروقوی است ، سازنده و دهنده و
والاثرین حضرت.

تقدیمی های آن ها با شیرۀ (۱) فراوان شادی میکنند ، وقتی
که آن ها آن یگانه را ارزش بگذارند ، آن ذات یگانه بالاتر از هفت
ریشی .

۳ - پدری که ما را به وجود آورد ، آن که چون تمشیت
دهنده ای همه نژاد ها ، و همه چیزهای موجود را می شناسد .
حتی تنها او ، نام گذارنده خدایان ، سایر موجودات برای
کسب اطلاع در جستجوی اویند.

۴ - گنج ها را در راه او فدیة میدهند - ، ریشی های باستانی
در گروه های متعدد ، سرود میخوانند ،

(۱) منظور عصارة سوماست .

کنج برای ما بیار.

۴ - چون توئی منیو، با قدرتی متجاوز و شکننده و دشمن کش
و موجود بخویش .

ای پیروزمند، ای غالب که همه مردمان از تو سهمی دارند،
نیروئی زبردست در جنگ به ما عطا فرما.

۵ - ای خدای دانا، من به اراده تو، ای توانا، بی آن که سهمی
دریافت دارم، رفته ام .

ای منیو، من که ارزشم در پیش تو، مرد ضعیفی است، من خود
به سوی تو آمده ام تا مرا نیرو بخشی.

۶ - به اینجا بیا، من همه از آن توام چون تو پیش آئی بسوی
من رو کن، ای پیروزمند، ای حافظ همه .

به سوی من آی، ای منیو؛ ای که رعد را چون سلاحی به دست
داری، در فکر دوست خود باش و داسیوها را هلاک ساز.

۷ - نزدیک شو، و در دست راست من مقام ساز تا ما جمعی از
دشمنان را بهلاک رسانیم.

بهترین شیر و عسل را برای نگاهداری تو تقدیم میکنیم؛
باشد که ما اولین کسانی باشیم که به آرامی از آن بنوشیم.

(ماندالای دهم - سرود ۸۳)

خطاب : به منیو Manyu (۱)

۱- آن که تورا تجلیل کرده است ، ای منیو ، ای صاعقه نیست کننده ، برای خویش نیروئی غلبه کننده تهیه نموده است. «آریه» و «داسه» را ما بایاری توای پیروزمند باغلبه و غلبه سریع ، مغلوب خواهیم ساخت.

۲- منیو ، اندرا بود ، آری آن خدا منیو بود ، منیو ، «هوتر» ، ورونا ، و «جات ویداس» بود.

اقوام نوع بشر منیو را پرستش میکنند و بروفق جلادت (حرارت) خود ، ای منیو ما را حفظ فرما.

۳- ای منیو ، ای نیرومندتر از نیرومندان ، این جا بیا ، و باجلادت خویش مانند متحدی دشمنان ما را بران. (۲)

ای کشنده دشمنان ، و وریترا ، و داسیو ، همه گونه ثروت و

(۱) منیو (منوج Manyu) : تجسم غضب و شهوت ، غضب .

(۲) در متن اصلی واژه : « تپسا Tapasā » بکار رفته که بمعنی جلادت

یا گرمی و حرارت است .

تو این دو جهان را از یکدیگر جدا ساخته‌ای ، زمین را
با گل میخ‌هایی (چند) در پیرامون آن استوار نموده‌ای.

۴ - ما محلی فراخ برای قربانی با وجود آوردن سوریا ، و
سپیده‌دم ، واگنی مهیا کرده‌ایم.

ای قهرمانان ، شما دربردهای خود حتی جادویی و پستی‌های
داسه گاوپوزه را مغلوب ساخته‌اید. (۱)

۵ - توای اندرا ، و توای بشن ، کوشک‌های نود و نه دیواره
«شمبره» را ویران ساخته‌اید.

شما دو شخص هزار قهرمان غلبه‌ناپذیر (بی‌امان) و رچین‌شاهی
را صد مرتبه فرو کوفته‌اید. (۲)

۶ - این است سرود شیوای ستایش خداوندان قوی گام‌نیرومند
والامقام .

ای بشن ، من ترا با سرودهای روحانی (رسمی) می‌سرایم ، ای
اندرا ، در لشکرگاه (اردوگاه) های ما رزق فرو ریز.

۷ - ای ویشنو ، لب‌های من به سوی تو فریاد «وشت» (۳)
بر می‌آورد ! باشد که این تقدیمی من ترا ای «شیپی ویشته» (۴)

(۱) گاو پوزه یا «وری شه شیپره» Vrishasipra نام داسه Dāsa (وحشی) .

(۲) و رچین Varchin : دیوی که اندرا ، او و پسران و پیروانش را
کشت . وحشی . غیر آریایی .

(۳) وشت Vashat لفظی است که هنگام تقدیم نذورات زبان می‌آورند.

(۴) شیپی ویشته Sipivishta (پوشیده از نور) لقب بشن .

در ستایش : (ویشنو Vishnu)

۱- مردم نتوانند بجلال تو که از هر حدی گذشته است ،
نزدیک شوند، و تنها (آن جلال) به اندازه اندام (من) تو است .
ما ای ویشنو، هر دو ناحیه زمین تو را میشناسیم، و توای خداوند
اعلی علین را نیز میدانی. (۱)

۲- ای خداوند بشن، هیچکس که تولد یافته، یا تولد یابد،
بعداً اعلای عظمت تو نتواند رسید .
گنبد پنهان و بلند آسمان را تو نگاهداشته ای، و مناره مشرق زمین
را تو محکم برافراشته ای .

۳- غذای شیرین تو فراوان باد ، و گاو های شیرده تو
با چراگاه های حاصلخیز ، بر آن باش که مردم را خدمت کنی ای
ویشنو .

(۱) ظاهراً منظور از دو ناحیه زمین ، زمین و فلک است که دو ناحیه
فرو دین میباشند و در حد ادراک ماست ، و ناحیه سوم از آن بشن است که- بنابر
اساطیر هند و - با گام سوم خود بدان رسیده است .

یم Yama و یمی Yamī (۱)

۱ - آرزو دارم که از دوست خویش ، دوستی مهر آمیز به

(۱) « یم Yama » ، و « یمی Yamī » پسر و دختر « ویسوان Vivasvān » اند که ریشی‌ها می‌باشند و در عین حال خدایان این سرودند که درواقع مکالمه بین آن‌هاست .

بعقیده « فن رت Von Roth » ، « یم » و « یمی » بطوری که از نام آنها پیداست خواهر و برادر توأمی (دوقلو) میباشند که زوج اول نوع بشرند و نوع بشر از آنها پیدا شده‌است .

نظر « یهود » که خلق « حوا » را از پاره تن « آدم » میدانند شبیه به این فکر هندوان است که آن‌ها را توأم میدانند . دراین سرود این عقیده از زبان « یمی » بیان شده بدین شرح که میگوید : « حتی در رحم نیز ما را خالق زن و شوهر آفرید » . و وقتی « یمی » از « یم » تقاضای ازدواج کرد « یم » بعد از گناه بودن ازدواج خواهر و برادر آن تقاضی را رد نمود .

پروفسور « میلر Müller » معتقد است که « یمی » شب ، و « یم » روز است . « میلر » در جای دیگر میگوید که حتی در یک جا ازودانیز اشاره بدان نشده‌است که « یم » و « یمی » « آدم » و « حوا » ی‌هندیان باشند . اگر « یم » اولین بشر مخلوق می‌بود حتماً سرایندگان سرود های ودا این موضوع را مسکوت نمیگذازدند ، مع هذا در انهر و اودا Atharva - Veda (سرود ۱۳ و ۳ و ۱۸) آمده است که « یم » پسر « ویسوات Vivasvat » جمع کننده مردم اولین بشری بود که مردونخستین کسی بود که به دیای آسمانی رفت .

خوش آید؛

باشد که این سرودهای مدیح من ترا تجلیل نماید.
ای خدایان همیشه ما را با برکت خود حفظ فرمائید (۱).
(ماندالای هفتم - سرود ۹۹)

(۱) واژه «ویشنو» از فعل : « ویش Vish بمعنی نفوذ و تسلط و مستولی بودن است . در رگه بید ویشنو از خدایان طراز اول نیست، بلکه مظهر ایروی آفتاب است که در سه گام از هفت ناحیه جهان میگذرد و کلیه اشیاء و موجودات را از گردنور خود احاطه میکند . بعضی از مفسران ریکه ودا این سه گام را مظاهر سه گانه نور که آتش و برق و خورشید باشد تعبیر کرده اند . بعضی دیگر آنرا سه وضع خورشید یعنی موقع طلوع و هنگام ظهر و وقت غروب دانسته اند . در بعضی از سرودهای ریکه بید نام ویشنو با وارونا، ماروت ها ، اریمن ، رودرا، وایو، و آدیتیاها آمده است . ویشنو امروز نیز پرستش میشود. این خدا بنا بر عقیده هندوان در اقسام مختلف بصورت مظاهر مختلف Avatara آشکار میگردد .

گند هرب^(۱) در طوفان‌ها با نوبی آب‌ها ، این است رابطه‌ها ،
این است بالاترین خویشاوندی ما .^(۲)

۵ - حتی در رحم خداوند تو شتری زنده گی بخش ، و سازنده
همه اشکال ، و آفریننده ، ما را همسر یکدیگر ساخته است .

هیچکس از قوانین مقدس او تخطی نمی‌کند ؛ آسمان و زمین
معترف است که ما از آن اوئیم .^(۳)

۶ - کی آن روز نخست را که از آن سخن می‌گوئی میداند ؟
که او را دیده است ؟

که میتواند آن را اعلام نماید ؟

بزرگ است قوانین «ورونا» ، و «میترا» .

چه لاطاتلانی به مردم خواهی گفت تا آن‌ها را اغوی
کنی ؟^(۴)

۷ - عشق «یم» بر من که «یمی» هستم مسلط است تا بتوانم در
کنار او بربیک بستر بیارام .

من چون زنی خود را تسلیم شوهرم می‌نمایم ، مانند چرخ‌های ارا به

(۱) گندهرب (گندهروه Gandharva) : مطربان بهشتی یا آسمانی .

(۲) یم سخن می‌گوید .

(۳) یمی سخن می‌گوید .

(۴) یم سخن می‌گوید .

دست آورم ؛ باشد که دانشمند از میان اقیانوس پهناور هوا
بیاید.

زمین و ایام آینده را به خاطر داشته، پسری به دست آورد که
خلف پدرش باشد. (۱)

۲ - دوست تو، آن گونه دوستی را که بموجب آن ، آنکه
خویشاوند نزدیک است بیگانه میداند، نمی پسندد .

پسران «اسورا»ی نیرومند، قهرمان حمّالّه آسمان ها، اطراف
خود را می بینند. (۲)

۳ - جاویدها با اشتیاق این را از تو میخواهند : فرزندان
تنها موجودفانی .

پس بگذار روح من و تو بیکدیگر بپیوندد ، و چون شوهری
مهربان همسر من شو. (۳)

۴ - آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده ایم ؟
ما که از تقوی سخن میگوئیم ، آیا اکنون از پلیدی سخن
گوئیم ؟

(۱) در این آیت « یمی » سخن میگوید . منظور « یمی » اینست که از
« یم » پسری پیدا کند ؛ زیرا بی آن زمین بی سکنه بشری خواهد ماند .
(۲) آیت دوم جواب « یم » است به « یمی » و منظور از بیگانه زنی از
خالوده دیگر است که بتواند زوجه قانونی باشد .
(۳) در این آیت « یمی » سخن میگوید .

برادری بر جاست ؟

آیا وقتی ویرانی می آید باز هم او خواهر است ؟
عشق من ، مرا بگفتن این سخنان ناگزیر میسازد ، نزدیک آی ،
و مرا تنگ در آغوش گیر . (۱)

۱۲ - من دست خود را به دور تن تو حلقه نخواهم
کرد ، و وقتی کسی بخواهر خویش نزدیک شود ، آن را گناه
میخوانند .

من (اهل آن نیستم) ، حظ خویش را برای دیگری آماده
ساز ، بزرادر تو آن را از تو نمیخواهد ، ای زیبا . (۲)
۱۳ - دریغا ای «یم» تو بر استی ضعیف هستی ، ما در تو اثری از
دل و روح نمی یابیم .

همان گونه که (گیاه) پیچک به درخت می پیچد و بالا میرود ،
دیگری چون کمر بندی به کمر تو خواهد چسبید . (۳)
۱۴ - کس دیگری را در آغوش گیر ای «یمی» ، بگذار تا دیگری
مانند پیچک که بر درخت می پیچد ترا در آغوش گیرد .
دل او را به دست آور ، و بگذار که او عشق تو را تحصیل نماید ،

(۱) تمایل یمی به یم در اینجا ظاهر میشود و در جواب یم میگوید

(۲) در این آیت یم جواب میدهد .

(۳) در این بند یمی پاسخ میدهد .

بشتابید تا بیکدیگر برسیم. (۱)

۸ - نکهبانان خدایان که پیرامون ما در حرکت اند، هرگز آرام نمیگیرند، و چشم خود را نمی بندند.

مرا (واگذار) ای لاابالی (بی بند و بار) و به سوی دیگر بشتاب، و چون چرخ ارا به سرعت بگیر تا بندو برسی. (۲)

۹ - باشد که چشم «سوریا» باشب و روز بر او ببخشد، و نور آن در پیش پای او (یم) بتابد.

در آسمان و زمین آن جفت خویشاوند بهم می پیوندند. عمل نابردارانه «یم» به گردن «یمی» باشد. (۳)

۱۰ - بر استی ایامی متوالی خواهد آمد که برادران و خواهران کارهائی نه در خور خویشاوندی انجام دهند.

اما من (اهل آن یم) ای زیبا، - شوهر دیگری بجوی و بازوی خود را بالش همسر خویش ساز. (۴)

۱۱ - آیا وقتی که هیچ سروری برای زن باقی نماند باز هم

(۱) در این آیت یمی سخن میگوید.

(۲) یم در جواب یمی میگوید.

(۳) یمی در این آیت در پاسخ «یم» سخن میگوید. منظور از این بیت آن است که اگر در این کار گناهی باشد نتیجه آن گردن گیر «یمی» میشود و مجازات آن که کوتاهی عمر است گریبانگیر «یم» نباشد. مقصود از جفت خویشاوند، شب و روز است.

(۴) در این بندیم در پاسخ حرف یمی میگوید.

گفت و گو میان : « پورو راوسه » Purū-Ravas و « اوروشی »^(۱) Urvasī

۱ - هلا ای همسر من ، ای بانوی سخت دل ، بایست تا با یکدیگر مُحاجه کنیم .

(۱) این سرود مکالمه است بین « پورو راوسه » و « اوروشی » ، این دو جدا گانه ریشی هائی هستند که قطعات مختلف را در این سرود بیان میکنند . این مکالمه که در بعضی از قسمت ها بکلی نامفهوم میباشد شامل نکات اولیه داستانی است که در « شت پت براهمن » Satapatha-Brāhmaṇa بیان شده ، و بعداً نیز در « مهابهارت Mahābhārata » ، و « پورانا Puranas » ها نقل گردیده است . این حکایت اساس نمایشنامه « ویکرا موروشی Vikramorvasī » یا قهرمان وپری زاد میباشد . بموجب این داستان « اوروشی » که یکی از « اپ چهرا (اپسارا Ap-sarā) ها یا « پریان آسمان » است به زمین تبعید شد و موافقت نمود که با « پورو راوسه » شاه زندگی کند مشروط بر اینکه آن پادشاه از دوقوچ مورد علاقه او نگاهداری کند و بعلاوه هرگز آن پادشاه را برهنه نبیند . مدت چهار سال « اوروشی » با « پورو راوسه » بسر برد و آن گاه « گندهرب Gandharvas » (« مطربان آسمانی ») مصمم شدند که او را به آسمان برگردانند . بدین منظور یکی از قوچ ها را شبانگاه می دزدند . پورو راوسه از رختخواب خویش بیرون می جهد و گندهرب ها شعاعی از نور سحر آمیز بر او می تابند ، و « اوروشی » شوهر خود را برهنه می بیند و یکی از شرایط ادامه همسری آنها شکسته میشود و آن پری زاد ناپدید میگردد . « پورو راوسه » بعدها او را می بیند و بی ثمر تمنای بازگشت او را میکند . بسیاری دل سخت او کمی نرم میشود و پسری از آنها بوجود می آید .

واو باتو پیوند مقدسی بوجود آورد. (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۱۰)

(۱) تفسیر ساینه از این سرود مشکل در چند مورد با ترجمه اختلاف دارد. درباره این سرود عده از ارباب فن مثل ویلسون، ویاندیت های زمان او، و دکتر موئر Muir و دکتر اهنی Ehni و غیر آنها سخن گفته اند. یم و یمی که در بعضی از ادبیات مقدس هندو برادر و خواهر ویاپدرومادر اولین بشر خوانده شده اند، همان یم (جم) Yima و Yimāka مذکور در اساطیر ایرانی است.

او خانه‌ای که لذت خویش را در آن یافته بود ، جستجو
میکرد ، و شب و روز آغوش خداوندگار (شوهر) خود را
می‌پذیرفت.

۵- روزی سه بار همسر خود را در آغوش میگرفتی ،
هر چند که او نوازش های مشتاقانه تو را به سردی
می‌پذیرفت .

ای پوروراوسه ، من به امیال تو تسلیم گشتم چون تو پادشاه
بودی ، ای قهرمان تن من .

۶- دختران : سوجورنی ، شرنی ، سومن آپی ، چرنیو ،
گرفت‌هینی ، و هر دچکشوس .

اینان مانند گاوان قرمز ، آن افراد نورانی را پیش‌راندند ، و
چون گاوان شیرده به صدا درآمدند. (۱)

۷- چون تولد یافت ، بانوان کرد او نشستند و رودخانه‌ها با
قهرمائی ، و رادی او را غذا دادند؛

و سپس ای «پوروراوسه» خدایان قدرت تو را در جنگ افزون

(۱) سوجورنی *Sujurni* ، شرنی *Sreni* ، سومن آپی *Sumne - Āpi* ،
چرنیو *Charanyu* ، گرفت‌هینی *Granthini* ، و هر دچکشوس *Harde*
chakshus نام‌های شش‌پ چهرامیباشد . این قطعه بنا بر قول «ساینه» از زبان
«پورو راوسه» است که در اینجا نام پریانی را که هنگام پزیدن «اوروشی»
همراه او بوده‌اند ذکر میکند و آنها را به گاوهای قرمز شبیه می‌نماید . شاید
منظور درخشیدن برق است که با صدای غرش رعد توأم می‌باشد .

افکار چون افکار ما که در ایام گذشته نا گفته مانده، هیچ آرامشی برای ما نیاورده اند (۱).

۲ - من اکنون با این گفتار تو چه توانم کرد؟ من مانند صبح اول از پیش تو رفته ام.

ای پوروراوسه، به منزل خویش باز گرد، به دست آوردن من بسان (بستن) باد مشکل است (۲).

۳ - بسان تیری که برای افتخار از تن کشرها گردد، یا سبب تیزکی که برای سبقت از هزاران گاو بحر کت آید،

آن نور بدرخشید، همان گونه که آن بُزدلان طرح آنرا ریخته بودند، آن مطربان چون کوسفندی که دچار زحمت باشد، صدا میگردند (۳).

۴ - او شوهر خود را زندگی و ثروت بخشید، از آن منزلگاه نزدیک، آن گاه که عاشقش از او خواسته بود. (۴)

(۱) در این بند «پوروراوسه» هنگام ملاقات «اوروشی» بعد از ناپدید شدن او سخن میگوید.

(۲) اوروشی جواب میدهد.

(۳) پوروراوسه سخن میگوید و اوروشی را بیاد او شاعی که موجب ناپدید شدن او بوده است، می اندازد.

(۴) در بندهای چهارم و پنجم «اوروشی» سخن میگوید. شاید منظور از زندگی و ثروت، اولاد و اخلاف باشد.

باشد که اکنون پهلوان جوان نیرومندی از طوفان بوجود آید؛
باشد که عمر «اوروشی» تا ابد باقی بماند. (۱)

۱۱ - تولد تو، مرا شیر گاو ان زمینی نوشانید، این نیرو را
تو ای «پوروراوسه» به من بخشیده ای.

من میدانستم، و تو را در آن روز خبر کردم، تو
سخن مرا نشنیدی، اکنون چه میگوئی که هیچ چیز برای تو
فایده ندارد (۲).

۱۲ - چون آن پسر بوجود آید، در جستجوی پدر خویش
خواهد بود، و مانند سوگواران وقتی که او را شناخت خواهد
گریست.

کیست که زن وشوهر موافق را از یکدیگر جدا سازد
در آن هنگام که آتش در نزد پدر و مادر همسر تو شعله است؟ (۳)
۱۳ - من او را که اشک میریزد، تسلی خواهم داد؛ برای مهر بانی

(۱) پوروراوسی سخن میگوید. مقصود از طوفان، «اوروشی» است که
از واهی آب خیز آسمان می آید.

(۲) اوروشی سخن میگوید. قسمت اول این قطعه را به پیروی «ساینه»
و بلسون، و گرسمن Grassmann و گلدنر Geldner باین تقریب ترجمه
کرده اند: «توبه دنیا آمده بی تازمین را محافظت کنی».

(۳) پوروراوسه سخن میگوید. مقصود از عبارت: وقتی که او را شناخت
خواهد گریست، آن است که چون از حکایت او (پدر) خبردار شود خواهد
گریست. و مقصود از عبارت تا وقتی که آتش شعله ور است اینست که تا هنگامی که
پدر و مادر شوهر زنده اند و با این همسری موافق میباشند.

ساختند تا «دسیو» هارا از میان برداری (۱) .

۸ - چون من مرگ پذیر هم آغوشی این دختران آسمانی را
که جامه خویش را کنده ، و چون مار برهنه بودند طلبیدند ،
با ترس از من بگریختند ، مانند اسبانی که ارا به آنها
اصابت کرده باشد (۲) .

۹ - وقتی مردی که این موجودات جاوید را دوست دارد ، و
این پریان به او اجازه صحبت میدهند ،
مانند قو زیبایی اندام خویش را براو می نمایند ، و بسان اسبان
بازیگوش او را می مکند و گاز میگیرند (۳) .

۱۰ - آن که مانند برق فروجهنده به روشنائی میدرخشید ، مرا
هدایائی نیکو از آبها بیاورد ؛

(۱) اوروشی سخن میگوید ، و « پوروراوسه » را یادآور میشود که
چگونه بانوان آسمانی که موقع ولادت او حضور داشتند ، او را مورد لطف قرار
دادند و رودخانه ها برایش دایگی کردند و خدایان او را نیرو بخشیدند . تفسیر
دیگری از قسمت اول این قطعه آنست که « اوروشی » پسری را که بعداً برای
« پوروراوسه » دنیا خواهد آورد ، پیش بینی میکند .

(۲) در این قطعه پوروراوسه از آزرَم پریانی که در قطعه ششم نام برده
و مصاحبت آن ها را برای تسلی خود خواسته است ، شکایت میکند . ظاهراً
مقصود از عبارت مرگ پذیر ، آن است که چون او خدا نبوده این وضع پیش
آمده است .

(۳) اوروشی در این بند جواب میدهد و میگوید که پریان با مردم فقط
ناز و کرشمه دارند .

همان محکوم شده‌ام (۱).

۱۷ - من که بهترین عشق او (هستم) ، اوروشی را میخوانم که مرا دیدار نماید ، آن که هوا را پر ساخته و این ناحیه را تمام پیموده است .

اجازه فرما تا این هدیه که با پا کد امنی فرستاده شده به تو نزدیک گردد ، به سوی من باز گردد ، دل من ذراضطراب است. (۲)

۱۸ - خدایان این گونه با تو سخن میگویند ، ای فرزند ایلا ، چون مرگ تو را در چنگال خود گیرد .

پسران تو با نذو ر خویش خدایان را خدمت خواهند کرد ، و تو در «سورگ» شاد خواهی بود (۳) .

(ماندالای دهم - سرود ۹۵)

(۱) یکی از شرایط همسری پوروراوسه ، و اوروشی آن بوده است که اوروشی روزانه فقط مقدار بسیار کمی روغن Ghrita بخورد .

(۲) در این قطعه پوروراوسه صحبت میکند .

(۳) بین بند ۱۷ و ۱۸ ظاهراً افتادگی هست که ادامه ترتیب را بهم میزند . در آیت ۱۸ « اوروشی » ، پوروراوسه را دلداری داده است و به او وعده میدهد که بعد از مرگ او ، پسرانش برای خدایان قربانی کنند و او برکت یافته وارد بهشت Svarga شود . فرزند « ایلا Aila » یا فرزند ایلا Ila دختر مانو بوده اسم پوروراوسه است . بنظر لودویگ Ludwlg ترتیب بندهای این سرود باید تا حدی پس و پیش شود باین ترتیب : ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۱۶ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۰ و ۱۷ و ۱۸ .

که او را مبارك میسازد گریه و ناله نخواهد کرد.

آن چه از آن تو است در میان ما من برای تو خواهم فرستاد،
ای دیوانه، به خانه خود باز گرد، تو دیگر مرا به دست نخواهی
آورد (۱).

۱۴ - عاشق تو امروز برای همیشه خواهد گریخت، و بی آن
که باز گردد به دورترین نقطه خواهد رفت،
آن گاه بگذار تا خوابگاه او در آغوش هلاک باشد و کرگان
درنده خونخوار او را طعمه خود سازند. (۲)

۱۵ - نه ای پوروراوسه نمیر، از میان مرو، و مگذار کرگان
بدخواه ترا فرو بلعند.

بازنان هیچگونه دوستی پایداری نیست، دل های کفتاران مانند
دل های زنان است. (۳)

۱۶ - زمانی که با صورتی مبدل من در میان مردم میزیستم، و
در چهارپائیز شب هارا در میان آنان بسر میبرد،
من شبانه روز تنها يك قطره کره می چشیدم و اینك حتی برای

(۱) اوروشی جواب میدهد. مراد از عبارت آنچه از آن تو است در میان ما،
ظاهراً فرزند مشترك است.

(۲) در این آیت پوروراوسه او را بخود کشی تهدید میکند.

(۳) اوروشی در بندهای ۱۵ و ۱۶ سخن میگوید.

در آن جا که دوست من «وری شا کپی» از مخزن پرستندگان
(مؤمنین) خویش را سیراب کرده است .
اندرا بر همه سرور است .

۲ - تو ای اندرا ، با بی اطلاعی بر آن چه «وری شا کپی»
بدنهاد کرده است میگذری ، و حال آن که در جای دیگر محلی
برای آشامیدن شیرۀ (شراب) سوما نمی یابی .
اندرا بر همه سرور است . (۱)

۳ - چه کرده است که تو را رنج رسانیده است این حیوان
حنائی رنگ وری شا کپی نام که تو چنین براو خشمگینی ؟
مخزن پر رزق (پر توشه) مؤمنین چیست ؟
اندرا بر همه سرور است . (۲)

۴ - زود باشد سگ تازی که گرازان را شکار میکنند، او را
گرفته و کوشش را گاز گیرد ،
ای اندرا، آن «وری شا کپی» که تو او را چون دوستی حمایت
میکنی .

اندرا بر همه سرور است . (۳)

(۱) در این آیت اندرانی ، اندرا شوهر خود را برای بی حالی ملامت
میکند .

(۲) اندرا سخن میگوید .

(۳) در این آیت ودویاسه بند بعد اندرانی سخن میگوید .

اندرا ، و اندرانی (۱)

Indānī — Indra

۱ - مردم از ریختن شیرۀ (سوما) خودداری نموده اند، و اندرا را خدا نمی‌شمارند.

(۱) در این سرود خدا ، اندراست . بگفته و یلسون ریشی بندهای ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ تا ۲۲ اندراست و ریشی بندهای ۲ و ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۵ - ۱۸ اندرانی می‌باشد، و ریشی آیت ۳ و ۷ و ۱۳ وری شا کپی Vrishākapi . بحر در این سرود پنکتنی Pankti پنج پادائی Pada است . بنظر « ساینه Sayana » بند اول از زبان اندراست . و یلسون از نظر ساینه تبعیت کرده است، ولی دیگران آنرا از زبان اندرانی میدانند . وری شا کپی که در این سرود نامبرده شده خود کلمه بمعنی ناس قوی یا ناس (میمون) نر است و ظاهراً موجودی بین دیو و فرشته بوده است . ساینه او را پسر اندرا دانسته و یلسون نیز همین نظر را تأیید کرده است . بعضی هم او را آفتاب هنگام غروب دانسته اند که ابخره را بخود جذب میکند و تبدیل به باران می‌نماید . بنابین گفته بر کین Bergaine او قربائی کننده افسانه‌ای است . در این سرود گفته میشود که وری شا کپی ندوزات و تقدیمی هائی را که به اندرا تقدیم شده تصاحب کرده و آنها را بخویشتن اختصاص داده است .

۸ - ای بانو که تورا دستان ، و بازوان زیبا ، و چین و شکن
زلف پریشان و سرین های فر به است ،

چرا ای همسر قهرمان ، تو نسبت به «وری شاکی» ما
خشمگینی؟

اندرا بر همه سرور است . (۱)

۹ - این مخلوق موزی ، مرا بدان چشم مینگرد که از عشق
قهرمان خود محروم مانده ام ، و حال آن که من پسرانی
قهرمان دارم؛ من دوست «ماروت» ها ، و ملکه اندرا.

اندرا بر همه سرور است . (۲)

۱۰ - از ایام قدیم مادر بانو به جشن ها ، و قربانی های همگانی

میرود.

مادر قهرمانان ، ملکه اندرا ، و آمر بر مراسم را تجلیل

می نمایند.

اندرا بر همه سرور است .

۱۱ - من سخن اندرانی را شنیدم، آن که در میان این بانوان

خوش اقبال ترین خوانده شده است؛

زیرا هرگز همسر او در ایام آینده در گردش روزگار نخواهد

مرد .

(۱) اندرا سخن میگوید .

(۲) در این آیت و بند بعدی اندرانی سخن میگوید .

۵ - بوزینه اشیای زیبارا ضایع ساخته است - چیزهایی که با مهارت ساخته شده و موجب شادی من بود.

من سراورا خردخواهم کرد : سهم گناهکاران بدبختی است.
اندرا بر همه سرور است. (۱)

۶ - هیچ بانویی بیش از من زیبایی ندارد، و نه ثروتی بیشتر از
لذا یند عشق.

هیچ کس با گرمی بیشتری جمال خویش را در آغوش سرور
(شوهر) خود تقدیم نمی نماید.

اندرا بر همه سرور است .

۷ - مادری که محبت او به زودی به دست می آید، من میگویم
که برآستی چه خواهد بود؟

ای مادر، سینه من، و سر من، و هر دو سرین من
می لرزد .

اندرا بر همه سرور است. (۲)

(۱) منظور از اشیای زیبا بنظر ساینه، نذور است که پرستندگان
اندرائی تهیه کرده اند، ولی بیشتر ممکن است که « وری شاکی » به شخص
اندرائی صدمه وارد آورده باشد .

(۲) ساینه این بندرا از زبان « وری شاکی » میداند و بسیار نامفهوم
است . اما بنظر لودویگ این قطعه از زبان اندرائی است که خشم خویش را
نسبت به بی حیائی و بی آزر می وری شاکی اظهار میدارد .

۱۵ - مانند گاوِ باشاخ‌های تیز و عُزَّان در میان کله ،
این آشی که او برای تو میریزد به دل تو شیرین است .
اندرا بر همه سرور است .

۱۶ - مردی که عنین است ، نسلی بوجود نمی‌آورد ، بلکه آن
که دارای قوّت است .
اندرا بر همه سرور است .

۱۷ - آن که دارای قوّت است ، نسلی بوجود نمی‌آورد ، بلکه
آن که عنین است .
اندرا بر همه سرور است .

۱۸ - ای اندرا ، این «وری شاکی» حیوان وحشی کشته
یافته ، با ظرفدان ، و دیگی نو ساخته ، و کارد ، و ارا به پُر از
چوب .

اندرا بر همه سرور است . (۱)

۱۹ - «داسه» و «آریا» را از یکدیگر تشخیص داده بر همه نظر
کرده میروم .

(۱) در این بند اندرائی سخن میگوید . منظور از عبارت «حیوان وحشی»
ظاهر آخر وحشی «پرسونتم Parasvantam» است و در واقع منظورش تحقیر قربانی
میباشد .

کلمه که ظرفدان ترجمه شده ممکن است به تخته فصابی (سلاخی) هم
ترجمه شود .

اندرا بر همه سرور است. (۱)

۱۲ - ای اندرانی ، من هرگز بدون دوستم «وری شاکی» شاد نبوده‌ام.

آن که تقدیمی خوش آیند او چون با آب صاف شود، به سوی خدایان می‌رود.

اندرا بر همه سرور است.

۱۳ - ای «وری شاکی» دولت‌مند که با پسران و همسران پسران خود مبارک گشته‌ای .

اندرا گاوهای تو را خواهد خورد ، نذر عزیز تو را که بسیار مؤثر است .
اندرا بر همه سرور است. (۲)

۱۴ - پانزده عدد، پس برای من بیست عدد گاو آماده ساخته‌اند
و من فربه‌ترین آنها را می‌بلعم ،
آنها شکم مرا با غذا پر می‌سازند .
اندرا بر همه سرور است. (۳)

(۱) در این بند و آیت بعدی اندرا سخن می‌گوید .

(۲) این آیت ظاهراً از زبان «وری شاکی» خطاب به زنش «وری شاکی» است که سپیده دم یا شفق می‌باشد .
Vrishākāpāyī

(۳) در این آیت اندرا صحبت می‌کند . ویلسون قسمت اول این بند را چنین ترجمه کرده است : «پرستندگان برای من پانزده [و] بیست گاو ...»
بنظر بعضی از مفسران ریگ وید منظور پانزده نفر قربانی کننده است که باوری شاکی و زنش و فرزندانش بیست نفر میشوند . بنظر بعضی دیگر مقصود اینست که پانزده به اضافه ۲۰ گاو تهیه می‌کنند .

بکجارت آن حیوان که مردم را رنج میرساند؟

اندرا بر همه سرور است (۱)

۴۳ - دختر مانو پر شو در یسك زادن بیست فرزند بوجود آورد.

براستی سهم او شادی بود، هر چند بارش موجب غم او شد. (۲)

اندرا بر همه سرور است.

(ماندالای دهم - سرود ۸۶)

(۱) این قطعه و آیت بعدی ظاهراً از زبان اندرانی است.

(۲) معنی این قطعه مبهم است و هیچگونه ارتباط مشهودی با سایر بندهای این سرود ندارد.

دختر مانو *Manu* « بوجود آورنده نوع بشر است. درباره: « پرشو *Prasu* » اطلاع مهمی در دست نیست. این کلمه بمعنی: « دنده » میباشد. قسمت اعظم از این سرود قابل تفسیر نیست. بنظر برگین *Bergaigne* منظور از وری شاکی دوست اندرا، « سوما » و منظور از « اندرانی » همسر اندرا، نماز است. و این افسانه عجیب این فکر را مجسم میسازد که اغلب گفته اند اندرا، سومارا بدون نماز، و نماز را بی سوما دوست نمیدارد. گلدنر معنی دیگری کرده است. ویلسون بندها را باین تقریب ترجمه کرده است:

« دختر مانو بنام پرشو در یک نوبت بیست فرزند زائید، شاید خوشبختی. ای خدنگ اندرا، او را نشانه ساز که چنین شکم زائویی دارد.

اندرا بر همه سرور است ».

من بر عاقلان (بالطف) مینگریم، وشیره سوهای پرستنده ساده
دل را مینوشم.

اندرا بر همه سرور است. (۱)

۲۰ - بیابان هموار، و سراشیب های تند، فرسنگ ها
گسترده اند،

نزدیکترین خانه ها برو، ای «وری شاکی» ، بمنزل
خود برو.

اندرا بر همه سرور است. (۲)

۲۱ - ای «وری شاکی» ، بر کرد، ما باهم شادمانی خواهیم
آورد.

تو به سوی خانه خود برو تا از راهی که به خواب منتهی
میگردد.

اندرا بر همه سرور است.

۲۲ - وقتی شما اندرا، و وری شاکی به سوی خانه خود سفر
کردید، آن حیوان موزی کجاست؟

(۱) منظور پرستنده ساده دل، پرستنده است که نذر خود را با صمیمیت
روح و ایمان تقدیم میدارد. این بند و دو بند بعد از زبان اندراست.
(۲) ظاهراً وری شاکی در فکر است که از اندرانی خشمگین بگریزد
و به بیابان های دور دست فرار نماید. اندرا او را از این فکر باز میدارد و وعده
میدهد که او را با اندرانی آشتی دهد.

بودند ، و « سویتس » ، و « اوشینی » بیکدیگر پیوسته اند .
 « سوم » که با « اوکتهه » ها میدرخشید به « انوشپ » پیوست ،
 « بریهتی » صدای (آوای) « بریهسپتی » را میدمیگرد (۱) .
 ۵ - « ویراج » به « وروفا » ، و « میترا » چسبیده بود ، در اینجا
 « ترشتپ » سهم روز به روز اندرا بود ،
 « جگتی » به همه خدایان با هم وارد گشت ، و بادا نستن آن مردم
 بمقام ریشی ارتقاء یافتند . (۲)

(۱) گایتری Gāyatri (موزون) یکی از بحر های عروض در زبان
 سانسکریت دارای ۲۴ مقطع (مقطع $3 \times 8 = 24$) . سویتس Savitar یا
 سویتری Savitri (برانگیزنده) خدای آفتاب . « اوشینی Ushinih » یکی از
 اوزان شعر در ادب سانسکریت دارای بیست و هشت مقطع . اوکتهه Uktha
 (سرود ستایش) . انوشپ Anu-shitop یکی از اوزان شعر در ادب سانسکریت
 مشتمل بر ۳۲ مقطع (مقطع $4 \times 8 = 32$) . بریهتی Brihati یکی از
 اوزان یا بحر عروضی دارای ۳۶ ($8 + 8 + 12 + 8$) مقطع . بریهسپتی
 Brihaspati : (خدای گویائی) Brahmanaspati خدای دعا و نماز .
 (۲) ویراج Vi-rāj : وجود الهی . صورت کل عالم . بنابراین یکی از
 روایات هندو اولین مرحله خلقت بوسیله « برهما Brahma » که جوهر خود را
 میان مذکر و مؤنث تقسیم کرد ، پیموده شد . برهما جوهر خویش را
 میان نر و ماده منقسم ساخت و از مؤنث نیروی مذکر یعنی : « ویراج » بوجود
 آورد . آن گاه ویراج ، مانوی اول را پیدا کرد و سپرده پرچایت آفریده شدند .
 در روایت دیگر نصف مذکر برهما ، مانو ؛ و نصف مؤنث او ، شتروپا
 خوانده شده است و دیگر ذکری از ویراج نیست .
 ویراج بصورت خالق دوم گاه با « پرچاپتی » و گاهی با « برهما » و نه

آفرینش (۱)

۱ - قربانی را از هر سو بارِ سمائی با (بوسیله) صدویک روحانی مقدس کشیده اند .

این پدران بافنده اینجا آمده اند ، در کنار تار (چله) نشسته اند و فریاد میکنند ، از جلو بیافید ، از عقب بیافید .

۲ - بشر آن را گسترش میدهد ، بشر آنرا باز میکند ، حتی آنرا تا طاق آسمان بافته است .

این میخ ها بد جایگاه پرستش کوبیده شده اند ، آنها سرودهای سومارا مکوک بافندگی خود قرار داده اند .

۳ - قاعده و نظم و نمونه چه بود ؟ چهار چوب و دفتین چه بود ؟ سرود و آواز و انشاء چه بود وقتی که خدا و همه موجودات الهی عبادت می شدند ؟

۴ - « گایتیری » با « اگنی » بسیار با یکدیگر نزدیک

(۱) این سرود در ردیف سرودهایی است که در آفرینش جهان سروده شده است .

هروسی سوریا (۱) Surya

۱ - حقیقت پای بستی است که زمین بر آن قرار دارد ؛
و «سوریا» آسمان‌ها را نگاهداشته است .

«آدیتیا» ها بر قانون مستقرند ، و «سوما» جای خود را در
آسمان نگاه میدارد . (۲)

۲ - «آدیتیا» ها به «سوما» نیرومندند ، و زمین به «سوما»
قوی است .

و چنین است که «سوما» در میان صور فلکی جای

(۱) موضوع اصلی این سرود مرکب که از حیث زمان ظاهراً بر بسیاری از
سرود های ریگ ودا مؤخر است ، تشریفات عروسی بطور عموم میباشد ، و
بالاخص عروسی سوریا دختر آفتاب که نام دیگری از سپیده دم است و در واقع
عروس مطلق میباشد ، در این سرود ذکر شده است . این سرود یکی از سرودهای
کلان ریگ ودا بشمار میرود .

(۲) حقیقت با واقعیت که «ستیم Satyam» خوانده میشود گاهی
با کلمه «ریتام Ritam» که قانون و قاموس جهان است نیز مترادف میباشد .

۶ - بدینگونه با دانستن آن مردم بمقام ریشی ارتقاء یافتند وقتی که قربانی قدیم برخاست ، پدران ما را بوجود آورد .

من گمان میکنم که با چشم عقل آنان را که این قربانی پرستش بجا آوردند ، می بینم .

۷ - آنان که در مراسم و آهنگها و سرودها و قواعد مهارت داشتند ، ریشی های هفتگانه آلهی بودند .

آن دانشمندان با نگرستن طریق قدماء ، مانند اربابان زمام هارا به دست گرفتند . (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۱۳۰)

« اکنی » و « پرش » و بعد ها با « ویشنو » ، و « کریشنا » یکی شناخته شده است ولی در رگ وید (سرود ۱۶۴ - ماندالای اول) مذکور است که ویراج از پرش و پرش از ویراج پیدا شد .

بنابر قانون مانو ، موجود اعلی ابتدا آب را بوجود آورد و در آن جرثومه قرار داد . این جرثومه بصورت تخم زرین و درخشانی بود که همچون ستاره هزاران شعاع از آن برمیخاست و میدرخشید و در آن تخم موجود اعلی خود بخود برهما را که نیا و آفریدگار کائنات است بوجود آورد .

(۱) منظور از هفت ریشی ظاهراً در اینجا انگراس ها نیستند ، بلکه

« بهردواج Bhardvāja » ، و « کشیپه Kasyapa » ، و گوتم Gotama ، و اتری Atri ، و وسیشت Vasishtha ، و ویشوامتر Visvāmitra ، و جمده کنی Jamadagni میباشد .

وایو خداوند حافظ سوماست ، قمر آنتست که سال هارا
صورت می بخشد . (۱)

۶ - «ریبهی» دوست عزیز عروسی بود ، و «ناراسنسی» عروس
را به خانه راهنمایی نمود ،
لباس سوریا زیبا بود ، او بجائی آمد که «گائها» آنرا
زینت داده بود . (۲)

۷ - اندیشه بالش بستر او بود ، و بینش مرهم چشمش ؛
وقتی که سوریا به سوی خداوند (شوهر) خویش رفت ، زمین و
آسمان گنج او بود . (۳)

۸ - سرودها تخته های ارا به ؛ وزن شعر «کوریره» ، پوشش
ارابه بود ؛

دو «اشوین» همراهان عروس ، و اگنی رهبر دسته

بود .

(۱) ظاهراً مقصود از آنها ، خدایان ، و منظور از تو ، ماه است که غذای
خدایان در اوست و وقتی که در ایام تنزل قمر خدایان از آن می نوشند ، مجدداً
ماه شروع بترقی مینماید .

(۲) در پنج بند اول خدا ، سوماست . عروسی سوریا موضوع بند های
۱۷ - ۶ میباشد . «ریبهی Raibhī» و «ناراسنسی Nārāsansi» ، و «گائها
Gāthā» اشعار مراسم اند که بصورت مدیحه میباشد و در حکم سرودهای ودائی
لیستند .

(۳) کلمه : «کوشه Kosali» که «گنج» ترجمه شده . ممکن است بمعنی
سندوق جهاز عروس هم باشد .

دارد. (۱).

۳ - وقتی که گیاه (سوما) را میکوبند، شخص خیال میکند که شیرۀ «سوما» را آشامیده است؛
آن را که پراهمن ها بحقیقت «سوما» میشناسند، هیچکس
نچشیده است. (۲)

۴ - سوما که وسیله قواعد پناه دهنده مستقر است، و سرود
های: «بریهتی» اورا حفظ مینمایند،
تو ایستاده ای و به سنگ ها گوش میدهی از کسانی که در
زمین سکنی دارند هیچکس تورا نمی چشد. (۳)
۵ - هنگامی که آن ها نوشیدن تورا آغاز میکنند، ای
خداوند تو از نو فر به میشوی.

(۱) منظور از سوما، قدرت خدای سوماست که افوذ آن بر کلیه آفرینش
سلط دارد، و آثار بحرکت می آورد واز او نگاهداری مینماید. در قسمت دوم
این آیت، «سوما» بمعنی ماه (قمر) است و منظور از صور فلکی، منازل قمر
نکشترها Nakshatras میباشد.

(۲) ظاهر آ در قسمت های اخیر این بند «سوما» بمعنی ماه (قمر) میباشد
که تنها غذای خدا یان است.

(۳) منظور از سرودهای «بریهتی Brihati» سرودهایی میباشد که به
بحر «بریهتی» سروده شده است. معنی کلمه «Bārhatāih» مذکور در متن
سانکریت کاملاً معلوم نیست. بنا بر گفته «ساینه» «بارهته ها Bārhatas»
هفت محافظ سوما هستند بنام های: سوان Svāna، و بهراج Bhrāja،
انگهاری Anghārī، و غیره. بعضی ها این کلمه را مربوط به بحر بریهتی
دانسته اند.

در ایام « مکها » گاوها ذبح شدند و در « ارجویی » عروس را دست به دست دادند. (۱)

۱۴ - وقتی شما ای اشوین ها با ارباهُ سه چرخ خود برای خواستگاری و عروسی سوریا آمدید ،

همهُ خدایان با پیشنهاد شما موافقت کردند ، « پوشان » چون پسر شمارا بسان پدران انتخاب نمود .

۱۵ - ای دو خداوند درخشش ، وقتی شما به مجلس خواستگاری سوریا آمدید ، يك چرخ ارباهُ شما کجا بود ؟

در کجا با نظام امر خداوند خود ایستاده بودید ؟

۱۶ - ای سوریا ، برهمنان در فصل های خود دو چرخ تورا می شناسند .

چرخ دیگر که پنهان است ، تنها کسانی آنرا می شناسند که در حقائق عالیله مهارت دارند. (۲)

(۱) مکها Maghā و ارجویی Arjuni از منازل قمرند . پوشان Pushan : خدای آفتاب .

(۲) مقصود از دو چرخ ظاهر آ زمین و آسمان ، و چرخ سوم عالم نامرئی اسرار آمیز و رای آنهاست .

تمام آیات یا ابیات این سرود در يك « بحر » سروده نشده است . بندهای ۱۴ و ۱۹ تا ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۴ بحر تریشپ و آیات ۱۸ و ۲۷ بوزن جگتی و بند ۳۴ به بحر اوروب ریتهی Urobrihati و بقیه به بحر انوشتب میباشد .

۹ - سوما از دختر خواستگاری می کرد، واشوین ها ساق -
دوش داماد بودند.

در آن هنگام سویتتری خدای آفتاب سوریای متمایل خود را
به شوهر میداد.

۱۰ - روح او (عروس) ارا به عروسی بود، و پوشش آن
آسمان:

اسبانی که او را میکشیدند، درخشان بودند، در آن هنگام
که سوریا به خانه شوهر خود نزدیک می شد.

۱۱ - اسبان تو با استقامت، و اشعار مقدس، و سرود سام آنها
(اسبان) را در جای خود نگاه میداشت،

چرخ های ارا به تو همه گوش (۱) بودند، و معبر تو در آسمان
لرزان بود.

۱۲ - چون می رفتی چرخهای تو پاك بودند، و باد محوری
بود که آنها را بیکدیگر متصل می ساخت،

سوریا که به سوی شوهر خود میرفت بر ارا به روح مانند
سوار بود.

۱۳ - موکب عروسی سوریا که سویتتر به راه انداخته بود،
پیش میرفت،

(۱) در متن کلمه « شروت رم Srottram (يك گوش) بکاررفته است ولی
ساینه معنی میکند: « شروت Srotre (دو گوش) ».

۲۱ - از این جا برخیز ، این دختر شوهر دارد ، من «ویشوا»
وسو» را با سرودها و بندگی می‌سرایم.

در خانه پدر او ، زیبای دیگر بجوی ، حصه خود را که از قدیم
برای تو گذاشته شده است ، بیاب. (۱)

۲۲ - از این جا برخیز ای «ویشوا وسو» با احترام ما تو را
میپرستیم .

دختر دلخواه دیگر بجوی ، و عروس را برای شوهرش
واگذار .

۲۳ - راهی که دوستان ما به سوی عروس می‌پیمایند ، راست
و مستقیم ، و بی‌خار باشد.

«اریمن» و «بهکه» مارا رهبری کنند، ای خدایان، اتحادزن
و شوهر کامل باشد .

۲۴ - اینك تو را از كمند «ورونا» آزاد می‌سازم ، كمندی
که «سویتری» متبارك تو را بدان بسته بود .

در جایگاه قانون به جهان اعمال پاکی (پاکدامنی) من تو را

(۱) ویشواوسو Visvāvasu : یکی از گندهرب ها Gandharvas است
که حافظ دختران بکر میباشد . در این جا به او خطاب میشود که چون عروس
دیگر محتاج به محافظت او نیست ، او را ترك نماید و حمایت خود را شامل
دختران دم بخت که هنوز شوهر پیدا نکرده اند ، بنماید .

۱۷ - به سوریای ، و خدایان ، و میترا و وارونا که آن شیء موجود را بدرستی میداند، این ستایش را تقدیم میدارم .

۱۸ - اگر این دو توأمان به نیروی خود حرکت متوالی را دربر دارند، مانند کودکان بازی کننده دور قربانی میچرخند ، یکی از این دو همه اشیای موجود را می نگیرد ، و دیگری فصل هارا مقرر میدارد، و دوباره تولد می یابد. (۱)

۱۹ - او از نور تولد می یابد، و تا ابد نو به نو میشود، به نشانه روزها او پیشاپیش صبح میرود .
چون می آید سهم خدایان را دستور میدهد . ماه (قمر) ایام وجود ما را طولانی میکند .

۲۰ - براین (ارابه) چند شکل زرین فام زرین چرخ که از « کینشیکه » ، و « شالملی » ساخته شده و سهل الحر که میباشد ، ای سوریای سوار شو ،

و به سوی جهان زندگی جاوید برو، و برای شوهر خود يك سفر عروسانه شادمانی . (۲)

(۱) از این بند به بعد که ارتباط آن با بقیه سرود کم است سوریای آفتاب و سوما ماه (قمر) است .

(۲) بندهای ۲۰ تا ۳۳ شامل مجموعه از اوراد است که عروس باید هنگامی که به ارابه سوار میشود و به خانه شوهر میرود و در موقع ورود بخانه شوهر و نیز در صبح روز بعد بخواند . کینشیکه Kinsika : چوب درخت مخصوصی است ، شالملی Salmali : درخت پنبه میباشد .

سوریه Surya به هر عروسی خطاب میشود ، زیرا عروس مطلق اوست .

۲۸ - رنگ او آبی و قرمز است ، دیوی که به سختی چسبیده بود ، رانده شده است ، خویشاوندان این عروس کامروا باشند. این شوهر بایوندهای محکم بسته شده است.

۲۹ - جامهٔ پشمین را دور ساز ، و به روحانیون براهمن گنج بخش .

آن ماده دیو دور شده است ، و چون همسری در خدمت شوهرش میباشد . (۱)

۳۰ - تن او (داماد) وقتی از آن دیو پلید می‌درخشد نامطبوع است ، در آن هنگام که شوهر دست و پای خود را با لباس زنش میپوشاند .

۳۱ - بیماری‌ها را از مردمی که موکب درخشان عروس اند ، ای خدایان دور سازید ،

و آن‌ها را بمحلی که از آن جا آمده‌اند ، بازگردانید .

۳۲ - دست راهزنانی که در سر راه کمین کرده‌اند ، از این جفت همسر دور باد .

بطرق نیکو از این خطر برهند ، و دشمنان دور گردند .

۳۳ - علامات نیک بختی بر عروس است ، بیائید و او را تماشا کنید ،

(۱) یعنی: ماده دیو ، یا جادوگر ، یا روح پلید به وجود آورندهٔ خود برگشته است .

صدمه نادیده به همسرت تسلیم مینمایم. (۱)

۲۵ - از این جا، ولی نه از آنجا، من تورا آزاد می فرستم، آن
آن جا تورا به نرمی مقید می سازم، (۲)

ای اندر ای نعمت بخش، باشد که او (این دختر) در میان بخت
و فرزندان خویش بابرکت زندگی کند.

۲۶ - بگذار تا «پوشان» دست تورا بگیرد، و تورا راهنمایی
کند؛ باشد که دواشوین در ارباب خود تورا ببرند.

به خانه شوهر خود برو، و یار او باش، و چون بانویی بر جمع
کسان خویش سخن گوی.

۲۷ - شاد زی، و با فرزندان خود در این جا کامیاب باش،
آزیر باش تا بر خانواده خویش در منزل خود حکومت کنی،

تن خود را با این مرد که شوهر تو است، بنزدیکی متحد
ساز تا شما در ایام کهولت با جمعیت خویش سخن گوئید. (۳)

(۱) کمند «ورنا» عبارت از کمر بندی است که عروس بعد از استحمام
و شانه زدن و لباس پوشیدن برای تشریفات عروسی به کمر می بندد. بنظر:
«لان من Lanman» مقصود از این کمند بستگی دختر به پدر تا قبل از عروسی
میباشد. منظور از عبارت «جایگاه قانون» محل قربانی یا قربانگاه است.
بندهای ۲۴ تا ۲۶ و ۳۲ و ۳۳ را در موقعی که عروس میخواهد خانه
پدر را ترک کند، میخوانند.

(۲) منظور از این جا، خانه پدر، و از آن جا، خانه شوهر است.

(۳) این آیت به عروس و داماد موقع ورود به خانه داماد خطاب میشود.

۳۷ - ای پوشان ، اورا با بالاترین موهبت ها بفرست، آن که باید در همه لذایذ و خوشی ها شریک من باشد.

آن که باید دستهای مهربان خویش را بگردن من افکند و عشق و آغوش مرا بپذیرد .

۳۸ - برای تو با موكب عروس ابتدا سوریا را به خانه اش همراهی کردند ،

ای اگنی در عوض تو به شوهر ، زنی فرزندان عطا فرما .
۳۹ - اگنی دوباره عروس را شکوه و عمر دراز عطا فرموده است .

آن که شوهر اوست نیز دیس پاید و صد خزان زندگی کند. (۱)

۴۰ - سوما نخست اورا به دست آورد ، سپس گند هرب شوهر او بود .

اگنی همسر سوم تو است ، و اینك شخصی که از زن زائیده شده، شوهر چهارم تو است . (۲)

(۱) معلوم میشود حد اعلای عمر در هندوستان در عصر ودائی صد سال بوده است ، و از اینرو درخواست شده که صد سال شوهر زندگی کند .

(۲) چون سوریا که عروس مطلق است ابتدا با سوما ازدواج کرده ، پس هر دختر جوانی پیش از همه به سوما تعلق دارد و سپس به گندهرب که حافظ بکریت است و بعد به اگنی که آتش مقدس میباشد ، و شوهر واقعی شوهر چهارم است .

برای او کامرانی آرزو کنید ، و به خانه های خود برگردید^(۱).

۳۴ - این بدطعم است ، این تلخ است ، و چون به نیش های تیروزهر آلود شده لایق بکار بردن نیست.
براهمن که سوریا را میداند ، مستحق لباس عروس است . (۲)

۳۵ - حاشیه (لباس) و پارچه ای که سراو (عروس) را پوشانده و آن لباس سه چارک،

رنگ هائی که سوریا پوشیده است بنگر ، براهمن این هارا پاك خواهد ساخت . (۳)

۳۶ - من دست تورا برای نيك بختی در دست خود میگیرم ؛ باشد که تو بامن (شوهرت) به پیری برسیم.

خدایان ، «اریمن» ، «سویتری» ، «پورندهی» تورا داده اند تا با نای خانۀ من باشی . (۴)

(۱) ظاهراً در سر راه عروس به خانه داماد ، این آیت را خطاب به تماشاگران میخوانند .

(۲) لفظ «این» در اول آیت اشاره بلباس عروس است و منظور از سوریا در این قطعه سرود سوریا میباشد .

(۳) ویلسون جمله اخیر را چنین ترجمه کرده است : «براهمن آن ها (لباسها) را بر میدارد .

(۴) این خطاب داماد به عروس است . پورندهی: Purandhi مجسم .

- ۴۶ - بر پدر شوهرت و بر مادر شوهرت مسلط باش.
و بر خواهر و برادران شوهرت فرمانروائی کن .
- ۴۷ - باشد که خدایان جهانی ، و باشد که آبها دلهای ما
را متحد سازد ،
باشد که «ماتریشون» و «دهاتر» ، و «دشتری» ما را بیکدیگر
به پیوندند . (۱)
- (ماندالای دهم - سرود ۸۵)

(۱) بند ۴۷ را داماد به خودش و به عروس خطاب میکند . ماتریشون
Mātarisvan : باد یا آتش (اگنی) و یا آورنده اگنی از آسمان .
دهاتر Dhatar : خالق ، آفریدگار ، سازنده .
دشتری Deshtri : دشتزی که بمعنی آموزگار است يك خدای زن است
که در جای دیگر از ریگ ودا ذکر نشده است . این سرود ریشه شعائر و مراسم
و تشریفات مذهبی هندو در امر زناشوئی میباشد و در بر اهما ناها اعمال و آداب آن
توضیح و تفسیر شده است .

۴۱ - سوما به کندهرب ، و کندهرب به اکنی داد، و اکنی این زن مرا با نعمت و پسران به من بخشید.

۴۲ - ازهم جدا شوید؛ در این جا زندگی کنید ، و بعد اعلای زندگی بشری برسید .

با پسران و نوادگان و خوشی و بازی و در منزل خویش شادمان باشید . (۱)

۴۳ - باشد که « پر جاپتی » ما را فرزندان بخشد ، باشد که « اریمن » ما را تا گاه پیری زینت دهد،

نحوست با تو به خانه شوهرت وارد نکردد ، برای دو پایان و چهار پایان ما برکت بیاور .

۴۴ - نه چشم زخم ، و نه کشنده شوهرت ، برای رمه نیکی بیاور، ای رخشنده، ای مهربان دل،

ای دوست دارنده خدایان ، ای فرح انگیز ، ای قهرمان زان، برای چهار پایان و دو پایان ما برکت بیاور .

۴۵ - ای اندر ای عطا بخش ، این عروس را با پسران و خوشبختی برکت ده .

اورا ده پسر ببخش که شوهرش مرد یازدهم آنها باشد .

(۱) قطعات ۴۲ تا ۴۷ موقعی که عروس و داماد به خانه داماد برگشته اند خوانده میشود و قربانی تقدیم میشود و به عروس و داماد این قطعات از خطاب مینمایند ، سپس عروس برکت داده میشود .

شما که اسم او را میدانید، آنرا بر زبان رانده اید؛
باشد که ما ای ویشنوی قادر از لطف تو بهره مند
گردیم.

۴ - سلطان ورونا، واشوین‌های دوگانه در انتظار اراده
اویند که جمع «ماروت»‌ها را رهبری نمایند.
«ویشنو» دارای نیروی عالی و قدرتی است که روز را یافته و با
دوست خود گاوخانه را میگشاید.

۵ - حتی آن فرد آسمانی که برای همراهی آمد، ویشنو به
اندرا خدائی به خدائی‌تر که سازنده صاحب تخت در سه جهان مردم
آرین‌زا کمک میکند و پیرستنده سهمش را از قانون مقدس
می‌بخشد.

(ماندالای اول - سرود ۱۵۶)

خطاب به: ویشنو Vishnu

۱ - ای «میترا» مانند که نور تو به همه رسیده، و آوازه ات (شهرت تو) گسترش یافته است، و در راه عادی خود روانی، و از روغن مدد میگیری، یاور ما باش.

پس، ای «ویشنو» که حتی دانایان باید سرود ستایش تو را بسرایند، و آنکه لذورات را داده است، مراسم رسمی را به تو تقدیم دارد.

۲ - آن که هدایا برای آن فرد قدیم ابدی یعنی: ویشنوی فرمان دهنده و همسر او تقدیم میدارد،

و آنکه از تولد عالی آن فرد اعلی سخن میگویی، در جلال بحقیقت از همکنان خویش درخواست کنی.

۳ - ای سرایندگان، شما او را خرسند ساخته اید، و میدانید که او حتی از هنگام تولد جرثومه نخستین نظم بوده است.

ستایش: میترا و ورونا

۱ - سه کره نور ای ورونا ، سه آسمان ، سه فلک را در بر
دارید، ای میترا .

با فزونی نیروی ما شکوه فرمانروائی را نگاه میداریم ، و
قانونی را که تا ابد دوام دارد ، محافظت میکنیم .

۲ - شما ورونا گاوائی دارید که رزق می بخشند ؛

ای میترا ، طوفان (سیل) شما آب های شیرین می بارد .

آن سه مرکب در شکوه و درخشش ایستاده سه کاسه جهان
را با رطوبت ناب پر می سازند . (۱)

۳ - در سپیده دم من الهه «ادیتی» رامیخوانم ، و در نیمروز و
هنگام فرو رفتن آفتاب .

(۱) مقصود از سه مرکب « اگنی » بصورت آتش زمینی در زمین ، و
« وایو Vāyu » بصورت باد در فلک ، و « سوریا Surya » بصورت آفتاب در
آسمان است . و مقصود از رطوبت ناب ، باران حاصل بخش میباشد .

ستایش میترا، و ورونا

۱ - با سرود های الهام شده ، به ورونا و میتراى خویش
بسرائید .

آن خدایان قادر قانون اعلى هستند.

۲ - چشمه های پر فراوانی پادشاهان فرمانروا ورونا و میترا
خدایان نوأم که در میان خدایان مفتخرند .

۳ - ما را با ثروت ، ثروت های عظیم زمینی و آسمانی یاری
فرمائید.

سلطه شما در میان خدایان گسترده شده است .

۴ - با حفظ قانون بوسیله قانون با توجه کامل آن ها بقدرت
نیرومند خود نائل شده اند.

آن دو خدای مبرا از فریب در ترقی اند .

۵ - با آسمان های باران ریز ، وسیل های روان ، آن خداوندان
نیروی نعمت بخش ، به جایگاه عالی رسیده اند.

درستایش: میترا و ورونا

۱ - ای ورونا ، و میترا ، لطف شما در طول و عرض گسترده است .

باید که من حسن نیت مهربان شما را به دست آورم .

۲ - از نیکی شما خدایان باشد که ما روزی فراوان برای نگاهداری خود به دست آوریم .

ای «رودرا» ها باشد که ما چنین باشیم. (۱)

۳ - ای «رودرا» ها ، ما را با پاسداران خود محافظت فرمائید ، و ما را نجات دهید شما که در نجات بخشی ما هستید .
باشد که ما خودمان «دسیو» ها را مطیع سازیم .

۴ - و گر نه ما ای نیرومندان عجیب ، هرگز از جشن رسمی دیگران بهره نخواهیم یافت .

نه ما ، و نه فرزندان ما ، و نه اخلاف ما .

(ماندالای پنجم - سرود ۷)

(۱) در اینجا منظور از «رودرا» Rudras ، و ورونا و میترا میباشد .

ای میترا - ورونا ، من برای سلامت و ثروت داشتن فرزندان
در ایام راحت و زحمت نیایش میکنم.

۴ - شما که این ناحیه (و) کره درخشش را برافراشته اید ، و
کشور زمین را نگاه میدارید ،

ای «ادیتی» های الهی ، ای خدایان جاویدان ، ای ورونا و
میترا ، هرگز به قوانین جاودانی خود صدمه نرسانید.

(ماندالای پنجم - سرود ۶۹)

درستایش: میترا = ورونا

۱ - این سرودها را به ورونا و میترا تقدیم می‌داریم ، همان گونه که « اتری » (تقدیم) کرد . در این سبزه زار مقدس بنشینید ، و از شیرۀ سوما بنوشید . (۱)

۲ - به دستور و قانون شما در صلح پایدار بسر می‌برید ، مردم را بر می‌انگیزید .

بر این سبزه زار مقدس بنشینید و از شیرۀ سوما بنوشید .

۳ - باشد که ورونا و میترا برای یاری ما این قربانی را

بپذیرند .

بر سبزه زار مقدس بنشینید و از این شیرۀ سوما بنوشید .

(ماندالای پنجم - سرود ۷۲)

(۱) یعنی: بطریق « اتری Atri » .

درستایش : میترا - ورونا

- ۱ - ای ورونا ، و میترا که دشمن را میکشید ، با نیرو به این قربانی نیک ما بیایید .
 - ۲ - زیرا شما ، ورونا و میترا که دانشمند و فرمانروای بر همه هستید ، سرودهای ما را پُر سازید . چون شما بر آن قادرید. (۱)
 - ۳ - به سوی این عصیر که ما فشرده ایم ، بیایید.
- ای ورونا و میترا ، بیایید ، و از این سومای پرستندگان
بنوشید .
- (ماندالای پنجم - سرود ۷۱)

(۱) منظور از « عبارت سرودهای ما را پُر سازید » اینست که در نتیجه سرودهای ما فراوانی بوجود آید .

۴- آری ای آسمان و زمین مقدس ، دانشمندان باستان که سخنان آنها همیشه برحق است ، نیروی آنرا داشته اند که شمارا بیابند؛ و مردم را در جنگی که قهرمانان پیروز میگردند ، شجاعت بخشند . ای زمین ترا بخوبی شناخته ، و ترا احترام مینمائیم .

۵- چه راهی به سوی خدایان میرود ؟

که حقیقت آنرا میداند ؟

و کی آنرا اعلام خواهد کرد ؟

تنها منازل سفلی آنان دیده شده است ، ولی آنها در نواحی دور و نهائی میباشند (۱).

۶- دانشمند سیراب شده که نوع بشر را مینگرد ، و بر آنها نظر کرده است ، در مقر نظم شادی میکند .

آنها خانه ای مانند آشیانه مرغان ساخته اند ، و هر چند از هم جدا شده اند ، با همان اراده خود را بنام خواهند یافت . (۲)

(۱) منظور از منازل سفلی ظاهراً صور فلکی است .

(۲) ظاهراً مراد از دانشمند فرد بصیر و عالم است ، و منظور از «آنها» زمین و آسمان است ، و سیراب شده یعنی از آب های بالای فلک و باران سیراب شده است . و مقصود از عبارت : «در مقر نظم» جایی که نظم ابدی کیهان برای آنها مقرر داشته است میباشد ، و مراد از قسمت اخیر این بند آنست که آنها مثل آشیانه مرغان بایکدیگر فاصله دارند ولی یکدیگر را می بینند .

خطاب به : و شودیوها Visvedevas

- ۱ - به آن قابل پرستش قادر ، این سرود نیرو بخش وبلا
انقطاع را آنها که برای شوری جمع شده اند ، تقدیم داشته اند .
باشد که «اگنی» با شکوه ساده خویش ما را بشنود .
ای ذات (فرد) جاوید با درخشش آسمانی ما را بشنو (۱).
- ۲ - به آسمان وزمین قادر من به صدای بلند میسرایم ، آرزوی
من بمیل و شناختن هر دو پیش می رود ؛ و در شورای بلند آواز و لطف
آمیز آنها خدایان با زنده فانی شادی مینمایند (۲).
- ۳ - ای آسمان وزمین ، باشد که قانون بزرگ شما وفادار
باشد و شما به سود بزرگ ما رهبران ما باشید .
به زمین و آسمان من این بندگی خود را با غذا تقدیم میدارم ،
ای اگنی من برای ثروت دعا میکنم .

(۱) ظاهر منظور از شوری مجالس قربانی است که برای پرستش تشکیل
میشده ، و منظور از اگنی هم آتش زمینی است که برای قربانی درست میکنند
و هم آتش خانگی که برای قربانی برمی افروزند و هم آتش آسمانی بصورت خورشید.
(۲) ظاهر منظور از شناختن هر دو ، تشخیص عظمت آسمان و زمین
است ، و منظور از زنده فانی ، مردم پرستنده میباشد .

در آنجا که خدایان بر حسب عادت در آن معبر فراخ ممتد
ایستاده‌اند، ستایش میسراییم. (۱)

۱۰ - من این ستایش را به شما ای آسمان و زمین اظهار میدارم
آن مهربان دلی که زبانش اگنی است ،
ای پادشاهان فرمانروای جوان ، ای ورونا و میترا ، وای
«آدیتیا»های دانای شکوه‌مند.

۱۱ - سویتری شیرین زبان زرین‌دست ، سه نوبت از آسمان
می‌آید تا خداوند مجمع ما باشد.

این سرود ستایش را به سوی خدایان بر ، وای سویتری امن و
سلامت کامل و جامع برای ما بفرست. (۲)

۱۲ - کارگران ماهر چیره‌دست و مساعد مقدس ، باشد که
خدای «توشتی» این چیزها را برای مساعدت به ما عطا
فرماید .

شما «ریبهو» ها که به «پوشان» پیوسته‌اید ، لذت خود را
بر گیرید ، شما تشریفات را با منظم ساختن سنگ ها آماده

(۱) منظور از قسمت آخر این سرود اینست که ما چون با پدر خود
«دیوس Dyaus» یا آسمان بستگی داریم خدایان بوجوداو (آسمان) شهادت
میدهند .

(۲) ظاهراً منظور از سه نوبت ، قربانی روزانه در هر صبح و ظهر و
عصر است .

۷ - شریکائی که هر چند با فاصله‌های زیاد از یکدیگر جدا هستند ، هر دو در مکان محکمی ایستاده‌اند ، و همیشه ناظرند و همواره جوانند، و چون دو خواهر یکدیگر را به نام‌های متحد می‌خوانند. (۱)

۸ - همه موجودات زنده را از یکدیگر جدا ساخته و جدا نگاه میدارند، و هر چند خدایان قادر را حمل مینمایند ، لغزش و نوسان ندارند .

بر هر ثابت و بر هر جنبنده و نیز بر آنچه راه می‌رود و بر هر آنچه می‌پرد ، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ فقط یکی فرمانروائی میکند. (۲)

۹ - من از دیرباز درباره‌آن قدیم تفکر میکنم ، خویشاوندی ما با اسلاف پدر می‌رومند ما ،

(۱) منظور از نام‌های متحد ظاهراً کلماتی است که به هر دو اطلاق میشود مانند «اروی Urvī» ، دو فرد وسیع یا « دیاواپریتهیوی Dyāvāprithivī» ، زمین - آسمان ، و غیره .

(۲) قسمت اخیر این بند چنین نیز ترجمه شده است : « يك فردكلی خداوند همه اشیای ثابت و متحرك است و آنچه راه می‌رود و آنچه می‌پرد و این آفرینش بسیار شکل » و در تفسیر آن گفته‌اند مقصود از فردكلی که در این سرود ذکر شده ، آن جوهر سرمدی است که دنیا از آن پیدا شده است . و این همان « Aja » یا فرد تولد نیافته است که در سرود ۱۶۴ مالدالای اول بدان اشاره شده است . و این فرضیه اساس عرفان بعدی و فلسفه اوپانیشادی شده که علت و معلول را یکی دانسته‌اند .

کشنده و ریترا، کله های گاوان را جمع نموده برای ما
بیاور .

۱۶ - «ناستیه» ها پدران من اند که بخویشاوندان مهر بانند،
خویشاوندی «اشوین» ها عنوان افتخار آمیز است.

چون شما ئید که ما را گنج های ثروت می بخشید ، شما
داده های خود را بدون فریب سخاوتمندان حفظ می کنید. (۱)

۱۷ - ای دانایان ، این برای شما عنوان بزرگ و پر
شکوهی است که همه شما موجودات الهی ، در اندرا منزل
دارید .

ای دوست که با «ریبهو» های عزیزت بسیار خوانده
شده اید ، سرود ما را برای ما سودمند ساز. (۲)

۱۸ - «اریمن» ، «ادیتی» درخور ستایش است، قوانین «ورونا»
هرگز شکسته نمیشود .

ای بلای بی فرزندی از ما دور شو ، و بگذار تا طریق ما مملو
از گاوان و فرزندان باشد .

(۱) منظور از عبارت بدون فریب سخاوتمندان آنست که مردمی آزاده
مانند ما هرگز شمارا فریب نخواهد داد.

(۲) منظور از عبارت : « در اندرا منزل دارید » آنست که فی الواقع همه
آنها جزء آن مبداء الهی کیهانی اند چنانکه تمام صفات فردی درخدا ی مطلق
فانی میگردد .

ساخته اید. (۱)

۱۳ - مارت های نيزه دار ، جوانان چابک آسمان ،
پسران نظم ،

مقدسان ، و « سرسوتی » سوار بر اربه های تيزرو ، مارا
بشنويد ؛ شما ای توانايان ، مارا ثروت و فرزندان نجيب عطا
فرمائيد .

۱۴ - ستايش ها و سرودها كه سرايندگان در راه « بهكه »
ميسرايند ، به سوي « ویشنو » ی شگفت انگيز ميرود .

سرور قدم های توانا كه مادران او - بانوان جوان بسيار - هرگز
اورا به بی اعتنائی نمينگرند . (۲)

۱۵ - اندر اكه به نيروهای قهرماني خويش بر همه حكم
فرماست ، زمين و آسمان را با جلال خود پُر ساخته است .

ای خداوند لشكر های شجاع ، ای قلعه شکن ، ای

(۱) ظاهراً منظور از اين چيزها ، اشيائي است كه برای آن ها دعا
ميكنند .

(۲) منظور از عبارت : راه بهكه ، راه خوشبختی و نعمت است .

مقصود از سرور قدم های توانا ویشنو میباشد .

و منظور از مادران نواحی مختلف فضا است كه همه اشیاء را بوجود می آورد .
و با این تفصیل قسمت آخر این بند بدین گونه ترجمه شده است كه از فرمان او
نواحی متعدد درهم آمیخته فضا كه بوجود آورنده همه اشیاء هستند سرپیچی
نمی نمایند .

خطاب به : سونیه Svanaya

۱ - صبح زود آمده و گنجش را می بخشد، عاقل او را پذیرفته
و از وی پذیرائی مینماید.

و از آنجا زنده گی و فرزندان خود را افزایش داده و پسرانی دلیر
و ثروتی فراوان می آید. (۱)

۲ - او در طلا ، و گاو ، و اسبان توانگر خواهد بود . اندر
او قدرت حیات بزرگ می بخشد ،

آنکه چون تو می آئی ، ترا در گنج خویش متوقف
می سازد ، مانند شکاری که در دام افتد ، ای زود آینده . (۲)

۳ - با اشتیاق من با ارا به پیر از ثروت امروز صبح به سوی آن

(۱) این سرود مکالمه است میان يك روحانی فقیر هندوی دوره گرد با
(ککشئی وان Kakshivān) سرگردان و شاهزاده عاقل و متقی بنام : « سونیه
Svanaya » .

گنج یعنی ثروتی که پس از قربانی به دست می آید. عاقل اشاره به شاهزاده است.
در بند اول ککشئی وان سخن میگوید .
(۲) در این بند سونیه سخن میگوید .

۱۹ - باشد که فرستادهٔ خدایان (اگنی) که باطراف قرستاده میشود، مارا بی گناه اعلام دارد.

برای سلامت کامل ما، باشد که زمین و آسمان، و آفتاب، و آبها، مارا بشنوند^۱ و فلک پهناور و صور فلکی.

۲۰ - ای کوه ها که قطرات باران را تقطیر نموده و پا برجا ایستاده از رطوبت فرح بخش شادمانی می نمائید،
باشد که «ادیتی»، و «آدیتیا» ها، مارا بشنوند، و ماروت ها ما را پناهی موهبت آمیز بخشند.

۲۱ - راه ما همیشه هموار باشد، و بر رزق با شربتی گوارا، ای خدایان علف ها را سیراب سازید.

ای اگنی، باشد که در دوستی تو سعادت من در امان باشد.
باشد که من بسر منزل ثروتهای پر رزق برسم. (۱)

۲۲ - از این تقدیمی محظوظ شو، نیروی خویش را بر ما بتاب، برای خوبی ما همه گونه افتخار را در هم آمیز.

ای اگنی، همهٔ این دشمنان را در جنگ مغلوب کن، و همه روز ما را از لطف مهر آمیز خود روشن ساز.

(ماندالای سوم - سرود ۵)

(۱) منظور از شربت گوارا، باران فرح بخش میباشد.

۷- آزادگان را مگذار که در گناه و غم فرو روند، و خداوندان
 پا کدامن و پرستش کار را هرگز هلاک مسازا
 و هر مردی حافظ آنها باشد، و عذاب را بر خسیسان فرود
 آور. (۱)

(ماندالای اول - سرود ۱۲۵)

(۱) ظاهراً در بند های ۶ و ۷ ککشی وان مستمند سخن میگوید و دعا
 به بخشندگان و نفرین به لثیمان و خسیسان میکند.

پسر قربانی پا کدامن آمدم.

اورا شیرۀ ساقۀ شاد به بخش بنوشان، با سرودهای شادی خداوند
قهرمانان را کامیاب ساز. (۱)

۴ - جوی های سلامت بخش مانند گاوآن شیرده جاری
شوید تا به کسی که او را عبادت کرده، و او را عبادت خواهد کرد
سود رسانید.

به سوی او که به آزادگی میبخشد، و از همه سو جوی های
فراوانی را پر می سازد جاری شوید، و او را مشهور سازید.
۵ - بر کناره بالای آسمان باشکوه می ایستد، آری به سوی
خدایان می رود، آن بخشنده گشاده دست.

جوی ها (نهرها)، و آب ها با فراوانی برای او جاری میشوند،
برای او این پاداش همواره فراوانی می آرد.

۶ - تمام این جلال ها برای کسانی است که پاداش های
گرانمایه میدهند.

برای آنها که پاداش های گرانمایه میدهند خورشیدها در
آسمان می درخشند.

بخشندگان پاداش های گرانمایه جاوید میشوند؛ بخشندگان
اجر زندگی خود را دراز می سازند.

(۱) در این آیت ککشی وان سخن میگوید. منظور از شیرۀ ساقۀ شاد به بخش،
عصارۀ سوم است.

در زیر پای او چه بود؟ (۱)

چگونه بود؟

در آن هنگام که «ویشوا کرمن» همه را میدید، زمین را بوجود می آورد، بانیروی عظیمی آسمان ها را آشکار ساخت.

۳- آن که در تمام اطراف خویش دارای چشم است، و در هر سو يك دهانی دارد، و دست های او در همه جوانب است.

او که خدای یگانه است، و زمین و آسمان را بوجود آورد، و آنها را بادست های بال مانند خود بیکدیگر می پیوندد.

۴- چه درختی بود، و براستی چه چوبی بوجود آورد که از آن زمین و آسمان را ساختند؟

شما ای مردان متفکر در روح خویش تجسس کنید که او وقتی همه اشیاء را مستقر می ساخت، بر (روی) چه ایستاده بود؟

۵- طبیعت قربانی کننده و بالاترین و پائین ترین تو، و اندرون تو در اینجا، ای ویشوا کرمن،

دوستان خود را در قربانی تعلیم بده ای مبارك، و تو نیز با جلال

(۱) جمله بالا را «کی او را حمل کرد؟» نیز میتوان ترجمه کرد.

خطاب به : ویشوا گرمن Visvakarman

۱- آنکه بصورت روحانی «هوتر» نشست دانشمند (ریشی) پدرما همه موجودات را تقدیم نمود .
 اودرحالی که درآرزوی خویش تملک (مالکیت) بزرگی را جستجو میکرد ، بصورت فرداول درمیان مردم درروی زمین ظاهر شد (۱) .

۲- جایی که برآن مقام کرد کجا بود ؟

هوتر Hotar (هوتری Hotri) قربان کننده ، روحانی مأمور قربانی های سوختنی که به آتش تقدیم میشود . این روحانی که بوسیله اوتیاز به آتش تقدیم میگردد هنگام قربان سرودهای رگه بید را میخواند .
 منظور از عبارت : « تمام اشیای موجود » اینست که تمام آنها در تقدیمی و شوکرمن داخل بودند . عبارت درآرزوی خویش یعنی درخواست یا میل به آفرینش . کلمه : « پرتنه مچهد Prathamachhad » که بفرداول ترجمه شده معنیش بسیار مبهم است . بنظر ساینه تعبیر یا مفهوم آن اولین ظاهر شونده است ولی « اودویکه » عقیده دارد بمعنی پرستش کننده میباشد . ویلسون این کلمه را بمعنی « اولین بار که دیسارابه اگنی سپردند » میدانند .

خطاب به : شب

۱- آلهه شب با همه چشمان خود به پیش مینگرد ، و بنقاط
زیادی نزدیک میگردد .

او همه جلال خویش را بر خود پوشیده است ،
۲- آن آلهه جاویدان خلاء را پر نموده و بالا و پائین را مملو
ساخته است ،

او باروشنی خود بر تاریکی غلبه میکند .
۳- آن آلهه چون می آید خواهر خود سپیده دم را به جای
خویش می نهد ،

و خود در تاریکی ناپدید میگردد .
۴- پس امشب بر مالمطف فرما ، ای توئی که راههای ترا ما
دیدن کرده ایم ،

مانند مرغان بر آشیانه خویش بر درخت .
۵- روستایان در جستجوی خانه های خویش اند ، و تمام
روندگان و پرندگان حتی شهبازها که مایل بشکارند .

پیرستش ماییا (۱).

۶- ای ویشوا کرمن ، خود را که بانذور جلال یافته ای بیاور
زمین و آسمان عبادت کنند .

بگذار مردم دیگری که در اطراف ما هستند احمقانه زندگی
کنند ، ولی ما را سروری دارا و آزاده عطا فرما (۲).

۷- امروز خداوند سخن ، ویشوا کرمن نیز فهم را بخوانیم که
ما را در کارمان یاری فرماید .

باشد که او به مهربانی صدای ما را بشنود ، آنکه همه را برای
یاری شادی می بخشد ، و آنکه کارهایش راست است (۳) .

(ماندالای دهم - سرود ۸۱)

(۱) قسمت اول این بند چنین نیز ترجمه شده است :

« صورت قربانی سان تو بالاترین و پائین ترین با جلال به سوی عبادت
ماییا و باشدمانی خویشتن را قربان کن » .

بنظر : مهیدره Mahidhara « تفسیر این بند آنست که بشر بصورت
خویش صلاحیت عبادت خالق را ندارد و آفریدگار باید خودش خودش را
پرستش کند .

(۲) تعبیر قسمت اول این قطعه آنست که خود را برای عبادت بیاور یا
خود را برای آسمان و زمین قربان کن .

(۳) منظور از عبارت : کارمان ، کار قربانی است ، ولی بعضی ، آنرا به نبرد
تعبیر کرده اند .

خطاب به: اشوین ها Asvins (۱)

۱ - ای خدایان که دانش سرمدی به شما داده شده است، با ارباه خود باشتاب بیایید، ای مقدسین.

با قدرت نیرومند خویش بیایید، ای «ناستیه» ها، به اینجا بیایید و این نذر سوّم را بنوشید (۲).

۲ - موجودات الهی حق شعار، آن سی و سه دیدند که شما به پیش راستکار ابدی نزدیک میشوید،

(۱) این سرود یکی یازده سرودی است که مجموع آنها «بالکیلا» (والکیلا Vālakhilya) خوانده شده است و معمولاً در ترتیب متن به ده ماندالا یازده سرود والکیلا را بین ماندالای هشتم و ماندالای نهم ریگ ودا قرار میدهند (بعضی تعداد آنها را از ۶ تا ۸ سرود نیز گفته اند) و با آن که بعد از سرود ۴۸ ماندالای هشتم قرار داده میشوند. بعضی از ناشران ریگ وید سرودهای بالکیلا را جداگانه نیز چاپ نموده و آنرا متمم ریگ وید شمرده اند.

بالکیلا نام طبقه از ریشی هاست که بنابر اساطیر هندو تصور شده طول قامتشان باندازه انگشت شست و عده آنها شصت هزار نفر بوده است و از بدن برهما بوجود آمده و اطراف ارباه خورشید را احاطه مینموده اند.

(۲) ناستیه ها Nāsatyas در اینجا یعنی: افراد راستکار.

۶- گر گئ نروماده را بازدار ، ای « اورمیا » ، و دزدان را
دور ساز ،

عبور ما از تو آسان باشد (۱).

۷- آن که تاریکی را باغنی ترین رنگ هم میپوشاند ، بروشنی
نزدیک من آمده است .

ای صبح آفرامانند قرض (وام) ها از میان ببر .

۸- من این هارا مانند گاو ان برای تو آورده ام ، ای شب ، ای
فرزند آسمان بپذیر این هدیه پیروزی را (۲).

(ماندالای دهم - سرود ۱۲۷)

(۱) اورمیا Urmîâ : موج یا نوسان کننده ، ولی اینجا بمعنی شب است .

(۲) اینها ، یعنی : این اشعار .

واژه نامه کتاب

ای اشوین‌های درخشان از آتش، این ستایش و نذرمارا قبول
کنید و سومارا بنوشید. (۱)

۳ - ای اشوین‌ها که اعمال شما در خورشیدگفتی است، گاو
آسمان و زمین بناحیهٔ وسط هوا،
آری و هزاران وعدهٔ شما در جنگ به همهٔ اینان بنزدیک ما
بیائید، و در کنار ما بنوشید. (۲)

۴ - این است سهم شما که به شما اختصاص داده شده، شما ای
مقدسین، شما (برای شنیدن) سرودهای ما بیائید، ای
«ناستیه» ها،

و در میان ما این سومای پر از شیرینی را بنوشید، و به نیروی
خود مردمی که شما را ستایش میکنند، یاری نمائید.
(سرود نهم والکیلا) ۱

(۱) سی و سه بار یا زده . در ریگ ودا خدايان به سی و سه محدود
شده‌اند .

(۲) ظاهراً مقصود از گاو ، خورشید است .

فهرست کتاب

آپه Āpab : آب‌ها. ۴۷۱. م-۲۳.

آتمن Ātman : روح ، نفس ، ذات ، جوهر ، انسان. ۱۳۱.

آدیتیا Ādityā : فرزند ادیتی ، مخصوصاً وارونا و آفتاب ، بصیقه جمع :

نام‌دسته‌ای از خدایان که شماره آنها را از هفت تادوازه ذکر کرده‌اند .

۱۳ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۶۶ ، ۱۲۷ ، ۱۶۶ ، ۱۷۱ ، ۱۷۵ ،

۱۸۶ ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، ۳۲۲ ، ۳۶۳ ، ۳۸۷ ، ۳۹۰. م-۲۰.

آرلیکاها Āraṇyakas : نام کتاب‌های مدون در جنگل‌ها. م-۱۷.

آریا (آریه Ārya) : محترم ، وفادار ، متمدن ، ساکنان آریا وارته

(Ārya varta = سرزمین آریایی) . ۹ ، ۶۳ ، ۳۳۹ ، ۳۵۷ ، ۳۷۷ .

اپام‌نپات Apām-Napāt : فرزند یا نوادۀ آب‌ها. ۲۱۵. م-۱۱.

اپسارا (اپ‌چرا Apsarā) ، رونده یا متحرک در آب یا در میان آب‌های ابرها ،

حور ، پری ، همسر کُنْدهرب. ۱۶۳. م-۲۴.

اتری Atri : خورنده ، بلع کننده ، نام دیشی بزرگ دوره ودائی .

۱۸ ، ۱۹۳ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۳۱۸ ، ۳۸۳ .

ارجیکیه Arjikya : نام قومی . ۳۳.

اریمن (ارجمان Aryaman) : نام یکی از دوازده آدیتیا . نام یکی از آدیتیا ها که تصور شده رئیس ارواح گذشتگان یا نیاکان است و کهکشان را راه یاجاده او میدانند . ۱۳ ، ۱۵ ، ۴۵ ، ۶۵ ، ۹۳ ، ۱۵۳ ، ۱۶۶ ، ۱۷۹ ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۳۱۶ ، ۳۲۲ ، ۳۶۹ ، ۳۷۲ ، ۳۸۹ ، ۳۷۴ .

اسوره (اسورا، اسر Asura = اهورا Ahura) : روحانی ، بدون جسم ، الهی ، روح اعلی ، روح پلید ، روح شیطانی ، دیو ، خدای بزرگ ، ایزد . ۵۷ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۶۹ ، ۲۷۱ ، ۲۹۱ ، ۳۳۳ ، ۳۴۰ . ۸-۱۱ .

اشا Aša : نام ایزدی م - ۱۰ .

اشتاكا Ashṭaka : در تقسیم بندی ریگ ودا، کتاب را به هشت باب یا هشت قسمت تقسیم مینمایند، و هر يك از آنها را اشتاكا (ثمان یا هشت يك) می نامند. م - ۲۰ .

اشوین ها Aśvins : مالک اسبان ، اسب سواران ، رام کننده اسبان ، عدد دو ، خدایان توانمان سپیده دم . ۱۳ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۳ ، ۳۹ ، ۷۳ ، ۸۵ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۱۰۲ ، ۱۲۷ ، ۱۵۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۲۵۰ ، ۲۸۷ ، ۳۱۸ ، ۳۶۵ ، ۳۶۶ ، ۳۶۷ ، ۳۷۰ ، ۳۷۷ ، ۳۸۹ ، ۳۹۹ ، ۴۰۰ . م - ۲۳ .

اگنی (اگن Agni) : آتش ، خدای آتش ، آتش قربانی . ۷ ، ۱۳ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۵۷ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۹۴ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۲۴ ، ۱۲۷ ، ۱۶۱ ، ۱۶۶ ، ۱۸۴ ، ۱۸۷ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ ، ۱۹۸ ، ۲۰۵ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۳۱ ، ۲۴۰ ، ۲۴۵ ، ۲۴۹ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲۵۹ ، ۲۶۷ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۳۱۳ ، ۳۱۶ ، ۳۱۷ ، ۳۲۲ ، ۳۳۷ ، ۳۶۰ ، ۳۶۵ ، ۳۷۳ .

اتھروا ودا Atharva-Veda (اتهر بن بید) : نام یکی از چهار بید م - ۱۵ ،
۱۶ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴ ،

اتھرون Atharvan : مؤید نگهبان آتش . این کلمه ظاهراً از واژه مهجور
اتهر Athar (آذر، آتش) مأخوذ است . روحانی یا برهمنی که بکار آتش
و سوما میپردازد . ۱۹۶ .

اتیت هیگوه Atithigva : نام یالقب دیوداس . ۹ ، ۱۷۴ .

اتی راتره Atirātra : مراسمی در قربانی سوما که شب هنگام بعمل می آید . ۸۳ .

اترون Athravan (= اتهر بن Atharvan = آذربان) : موبد آتش م - ۹ ،
ادگاتر Udgatar : روحانی که سرودهای سام Sama را میخواند . خواننده
(سراینده) . ۷۷ .

ادهیای Adhyāya : باب م - ۲۰

ادهورج (Adhvaryu) : روحانی که مراسم قربانی را انجام میدهد .
براهمن یا روحانی که تشریفات قربانی ادهورا Adhvara را
انجام میدهد . ۳۰۳ .

ادیتی Aditi : آزاد ، نامحدود ، آسمان بیکران ، فضای بی نهایت در ماورای
زمین و ابرها ، خورنده ، مادر خدایان ، بی نهایت ، طبیعت ، خدایی
که برکت بفرزند ورمه میدهد . ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۴۹ ، ۶۵ ، ۶۶ ،
۶۷ ، ۷۲ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۶۶ ، ۲۰۷ ، ۲۶۷ ، ۲۷۰ ،
۲۷۱ ، ۳۰۸ ، ۳۲۷ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ م - ۲۳ .

اربوده Arbuda : دیوفضاء یا جو . ۶۳ .

ارپیتا Arpita : ثابت ، ثابت شده ، تسلیم شده ، داده شده . ۲۴۵ .

ارجونی Arjuni : یکی از منزلهای قمر . ۹ ، ۳۶۷ .

انگیرس Angiras: ریشه لغوی این اسم مبهم است و شاید از «اگنی» که لفظاً با این کلمه شبیه است مشتق گردیده باشد و ظاهر آن همین دلیل یکی از القاب اگنی است. یکی از ده پرچاپ، نام یکی از هفت ریشی. ۳۲، ۴۰، ۶۳، ۱۶۶، ۱۸۸، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳.

انویاجه Anuyāja: پایان قربانی، بعد از قربانی. ۱۴۷.

اوپانیشاده‌ها Upanishads: نام عمومی رساله‌هایی که در باره فلسفه و ادعای فراهم آمده است. م - ۱۶، ۱۷، ۲۱.

اوپه نهینه Upa - nayana: نام تشریفات و مراسم زنا بپندی در مذهب هندو و زردشتی. م - ۹.

اوپاستوته Upa - stuta (ستایش شده): نام ریشی دوزره و دای. ۴۰۸.

اورمیا Urmīā: نام شب. ۳۹۸.

اوستا Avesta: نام کتاب مقدس در مذهب زردشت. م - ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸.

اوشان Ušana: نام ریشی پس Kavi، (اوشانا Ušanā همسر اندرا، دوست اندرا) ۹، ۲۹۵.

اوشس Ushas: سپیده دم. ۱۱، ۱۲، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۳۰۹، م - ۳۶، ۲۳.

اوشینیه Ushinih: یکی از اوزان عروض دارای ۲۸ مقطع. ۳۶۱.

اوکته Uktha: سرود ستایش. ۳۶۱.

اهورا Ahura: ایزد، خدا. م - ۱۰، ۱۱.

اهورا مزدا Ahura Mazdāh: خدا. م - ۱۲.

ایتی‌هاس Itihāsa: داستان، سنت، تاریخ داستانی. م - ۱۶.

۳۷۴، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۹۰، م- ۱۳، ۲۶، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶،
۳۷.

امريت Amrit: آب حیات، من و سلوی، باران، شیر. ۱۹۲.

اندرای Indra: خدای جو و آسمان، موکل باران، پادشاه خدایان، خدای آسمان
بیلگون، خدای خدایان، جنگ کننده با دیوان، سازنده همه چیزها،
خدای مخصوص قوم آریایی.

۹، ۱۳، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲،
۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۷، ۶۸،
۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹،
۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۰،
۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۲،
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۰،
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۵،
۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۵۴،
۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳،
۲۸۷، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴،
۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۴، ۳۳۷،
۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹،
۳۶۱، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، م- ۷، ۱۰،
۱۱، ۲۳، ۳۶، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۳۶.

اندرانی Indrānī (اندری Indrī): همسر اندرا. ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۵۶.

اندی Indu: قطره، سوما، ماه، بصیقه جمع: شب. ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۱،
۴۲، ۷۹، ۱۴۲، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۲۶.

انوشتب Anu-shṭup: نحسین، تمجید، نیایش، یکی از اوزان عروضی
مشمول بر چهارپادا pādas دارای ۴ X ۸ مقطع که بعضی از سرودهای
ریگ ودا به این وزن سروده شده است. ۳۶۱.

برهما پوتره Brahmaputra: پسر یا فرزند روحانی (برهمن) ، پسر برهمن یا

روحانی . ۷۷

بریهتی Bṛihati: یکی از اوزان عروضی در ادب سنسکرت که دارای ۳۶

مقطع باشد (۸+۸+۱۲+۸) ، وزنی مرکب از ۳۶ مقطع (سیلاب).

. ۳۶۴ ، ۳۶۱

بریهسپتی Bṛihaspati: خداوند نماز و دعا ، خداوند گویایی . ۹۴ ، ۱۲۰ ،

۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۹۵ ، ۲۱۱ ، ۲۳۶ ، ۳۶۱ . م - ۲۶ ، ۳۳

برهمنسپتی Brahmanaspati: خدای نماز و دعا ، خداوند گویایی .

= بریهسپتی . ۳۹

بشن (= ویشنو Vishnu): یکی از خدایان مهم هندو . ۳۲۴ ، ۳۲۵ ، ۳۳۶ ،

۳۳۷ . م - ۱۳

بهارتی Bhārati: الهه گفتار . ۲۳۶

بهردواج Bharadvāja: نام یکی از ریشی‌های بزرگ و خانواده او . ۶۷

بهرگو Bhrigus: نام یک ریشی قدیمی و خانواده او . ۱۹۶ ، ۲۲۱

بهگه Bhaga: بخشنده ، صاحب ، سرور ، اقبال ، جلال ، شکوه ، زیبایی ،

خداوند محترم (به خدایان بویژه سویتری اطلاق میشود) ، یکی از آدیتیاها

که بخشنده ثروت و سرپرست عشق و عروسی است ، خدای زفاف ، خدای خوشبختی .

۳۹ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۹۳ ، ۱۰۸ ، ۱۲۷ ، ۲۱۰ ، ۲۶۷ ، ۳۰۷ ، ۳۶۹ ،

۳۸۸

پادا Pada: کلمه یا $\frac{1}{4}$ بیت . م - ۲۰

پاروته Parvata: نابغه کوه و ابر ، کوه نشین . ۷۱

پرانها Purāṇas: تاریخ یا داستان‌های اساطیری م - ۱۶

ایریمان Airyaman (= اریمان ارجمان Aryaman): نام یکی از «آدت»ها که تصور شده رئیس ارواح گذشتگان یا نیاکان است، موکل روز، خورشید، موکل آفتاب م- ۹.

ایشور Iṣvara: صاحب همه، صاحب، خدای عشق- خدا، روح اعلی (آتمن). وجود اعلی. م ۲۳

ایشون Iṣvan: (= ایشور Iṣvara): صاحب، خدا م- ۹، اوروشی Ūrvaṣā: یکی از پریان مشهور، نام یکی از افسارها. ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۱.

اویاهروت Evayamarut: کلمه‌ای که هنگام قربانی ادا میشود. ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵.

اهی Ahi: اژدها، دیو خشکسالی. ۵۹، ۶۰.

ایلا Ilā (Idā): الهه نماز، ودعا. ۳۹، ۲۳۱، ۲۵۸، ۳۵۱.

ایندو (Indu|ندو): ماه، قمر، سوما، قطره. ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸.

باهلیکه Bāhlika: نام محلی م- ۶.

براهماناها Brāhmanas: نام عمومی رسائل و کتب تفسیر و دعا م- ۸، ۱۷، ۱۸.

بگه Baga (= بڃ): خدا م- ۱۲

بها شکل Bhāṣhakal: نام یکی از مکتب‌های ریگ ودا. م- ۱۹

براهمن Brāhman: روحانی در مذهب هندو، و از طبقه اول (عالی) هندوان، یکی از چهار ذات هندو یا اولین طبقه از طبقات چهارگانه هندو (طبقه روحانی). ۱۵، ۳۱، ۸۲، ۸۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۸، ۱۸۳، ۲۵۴، ۲۶۵، ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۲، ۴۰۱، م- ۲۳-۳۴.

پوشان Pūṣan: راهنمای مسافران. نام یکی از خدایان دوره ودایی ۳۹ ، ۶۷ ، ۷۴ ، ۹۴ ، ۱۲۷ ، ۱۶۴ ، ۲۱۰ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۳۱۷ ، ۳۲۱ ، ۳۶۷ ، ۳۷۰ ، ۳۷۳ ، ۳۸۷ ، ۵۰۴ ، ۴۰۳ - ۲۳ .

پوما نه Pavamāna: شیرۀ سوم ، اسم اگنی، باد یا خدای باد . ۳۴ ، ۲۹۶ ، ۳۰۱ ، ۳۰۴ ، ۳۰۸ .

تا تا Tata: پدر . ۴۱ .

تارکشیه Tārکشya: محتملاً شخصیت خورشید . ۹۴ .

تپورموردنه Tāpurmūrdhan: شعله ورس، لقب اگنی یا بیهستی . ۱۴۸ .
ترسه دسیو Trasadasyu: نام شاهزاده ای ، نام پسری باین نام که با یاری اندرا و وارونا زاده شد . ۳۲۸ .

تریته (یا تریتا) Trita یا تریته آپتیه Trita Āptya: (Āptya = مستقر در آب ها ، Trita = سوم) یکی از خدایان کم اهمیت که معمولاً تاحدودی با اندرا از دیکی و ارتباط دارد (یکی از خدایان ودایی . ۶۳ ، ۱۱۱ ، ۱۳۷ ، ۱۵۵ ، ۱۷۲ .

تری کدرو که Tri-kadruka: ظروف سه گانه سوما ، نام سه روز اول جشن «آبھی پلا ده» Abhi-plava . ۶۲ ، ۱۹۸ .

ترایم بر هم سناتنم Trāyam brahma sanatānan: ودای ثلاثه ابدی . ۱۵-۴ .

ترایی و دیه Trayi-Vidya: دانش سه گانه . ۱۵-۴ .

تریشتپ Trisṭup: وزنی در عروض که دارای چهار بار یازده مقطع است (مقطع: ۱۱×۴) . ۷۷ ، ۱۹۹ ، ۲۴۹ ، ۳۰۲ ، ۳۶۱ .

تریشکنده Trīṇaṣkanda: نام شاهزاده یارگیس قبیله ای . ۲۹۳ .

توشتو Tvaṣtar: بجز ، ارایه ساز ، خالق موجودات زنده ، سابع آسمانی ، صنعت گر الهی که بدن موجودات را میسازد ، نام خدایی ، سازنده افزار

پرشوها Parśus: احتمالا پارس‌ها (فارسی‌ها = ایرانی‌ها) م - ۵ .
 پریتهو - پرشوه Prithu-Parśavah: دنده‌های پهن ، تبرهای پهن (یا پارت‌ها
 و پارس‌ها) م - ۵

پریتهوها Prithus: پهن ، بزرگ ، مهم ، احتمالا پارت‌ها . م - ۵ .
 پر برهم Para-brahma: روح اعلی یا براهمن Brāhman ، آفریدگار
 بزرگ . ۲۸۴ .

پرتهی (پریتھیوی) = Prithivī: م - ۲۳ .
 پرچانیه (پرچنیه Parjanya): خدای ابر بارانی ، ابر ، خدای باران ، باران .
 ۳۳ ، ۸۲ ، ۱۱۶ ، ۱۱۹ . م - ۲۳ .

پرچاپتی Prajāpati: خدای آفرینش ، نام‌سویتری ، سوما ، اکنی ، اندرا ،
 و خدایان دیگر ، خدایی که ناظر بر مخلوقات و حافظ حیات است ،
 موکل کل عالم . ۸ ، ۱۵۱ ، ۴۷۴ . م - ۲۴ .

پریشنه Pṛīšana: ظاهراً نام محلی یا دریاچه آبی است . ۳۰۷ .

پریشنی Pṛīṣni: مادر ماروت‌ها . ۹۴ ، ۱۵۶ .

پرفیه Parṇaya: نام دیوی . ۱۷۴ .

پروش Purusha: آدمی ، شخص ، انسان ، بشر ، نوع بشر ، اصل حیات ،
 روح ، وجود اعلی یا روح کیهانی ، انسان اولیه که روح و منشاء اصلی
 جهان است . ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ . م - ۳۳ ، ۳۴ .

پوریشین Purīshin: مالک زمین یا ساکن زمین و یا توسعه‌دهنده آن . ۲۴۵ .

پروهیتا Puro-hita: روحانی خانواده یا قبیله . ۲۵۹ .

پریاچه Prayāja: پیش‌لذت ، پیش‌نیاز . ۱۴۷ .

پریتھیوی Prithivī: زمین . ۴۸ ، ۴۹ .

ددهیاچ Dadhyach : پسر اتیرو (Atharvan = مؤبد آتش) . ۱۷۲ .

ددهیکراوان Dadhi-krāvan = ددهیکراس Dadhikrās : ۳۹ .

ددهیکراس Dadhikrās : تجسم خورشید بامدادی . ۳۹ ، ۴۰ .

دسره Dasra : صاحب اعجاز یا کننده کارهای شگفت آور ، اشیوین ها . ۸۵ .

دشتیری Deshtari : آموزگار ، نام الهه ای . ۳۷۵ .

دکشه Daksha : توانا ، نیروی خلاقه ، نیرومند ، یکی از آدیتیها ، نام قربانی مشهور و بزرگ . ۹۳ .

دهاتر Dhātār (دهاتری Dhātṛi) : آفریننده ، سازنده ، خالق ، مؤسس ، مرتب کننده ، برقرار کننده ، نام خدایی که دارای صفات مذکور است و بر توالد و تناسل ، ازدواج ، سلامت ، ثروت ، زمان و فصول حکومت میکند . بعد از دوره ددایی مخصوصاً به خالق و نگاهدارنده جهان که برهما یا پرچایت باشد اطلاق شده است . ۵ ، ۱۵۱ ، ۳۷۵ .

دیوداس Devodasa = بنگرید به ائیت هیگوه . ۳۸ .

دیوداس ائیت هیگوه Devodāsa Atithigva : نام یا لقب دیوداس . ۹ .

دیوس Dyaus : آسمان . ۴۹ . م - ۲۳ .

دهرما Dharma : وظیفه ، تکلیف م - ۲۶ .

دیوا Daiva : الهی ، خدایی ، آسمانی ، نورانی م - ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ .

رسا Rasā (= اوستا Rānha) : نام رودخانه ای م - ۶ .

ریگ سهمیتا Rik-Saṁhitā : مجموعه منظوم (مجموعه ریگ ودا) م - ۱۸ .

زوتار Zootar (= هوتری Hotṛi) : قربان کننده . نام روحانی که قربانیهای سوختنی را به آتش تقدیم میدارد . م - ۹ .

راجنیه Rājanya : سلطنتی ، از طبقه کشتنیه ، نام اگنی . ۱۸۳ . م - ۳۴ .

آلهی بویژه سازنده صاعقه اندرا . ۶۳ ، ۱۲۷ ، ۱۷۳ ، ۲۰۱ .

توشتری (Tvaṣtari = توستر Tvaṣtar) : ۱۵۱ ، ۳۱۷ ، ۳۲۶ ، ۳۴۱ ، ۳۸۷ .

جات ویداس Jāta-Vedas : متصرف همه ، داندۀ همه ، داندۀ آفرینش تمام موجودات ، لقب ودایی اکنی . ۱۹ ، ۲۱ ، ۱۰۰ ، ۱۰۲ ، ۲۲۰ ، ۲۲۳ ، ۲۴۰ ، ۳۳۴ ، ۴۳۹ ، ۴۷۸ . ۴۷۸ - ۳۷ .

جگتی Jagati : یکی از بحرهای عروض مرکب از ۱۲ × ۴ مقطع . ۲۴۹ ، ۳۶۱ .
جمدآگنی (جمدگن) Jamadâgni : نام یک ریشی مشهوری از اخلاف بهرک . ۲۳۹ ، ۳۰۶ .

جنانم Jñānam : دانش ، معرفت م - ۳۳ .

چهانندوگ Chandhogya : نام یکی از اوپانیسادهای قدیمی . م - ۱۶ .

چرنیو Charanyu : یکی از پریان (اپ چهارا - Apsarā) . ۳۴۷ .

چیه وانا Chyavāna : حمایت شده اشوین ها ، حرکت دهند ، دیوی که موجب بیماری میشود ، در حال حرکت ، باعث حرکت ، نام ریشی . ۱۸ .

داسیو Dasyu : دشمن ، دشمن خدایان ، مردم وحشی ، راندگان جامعه ، دیو ، مردم بومی ، غیر آریایی ، موجودات شریر . ۶۳ ، ۲۸۱ ، ۳۳۴ ، ۳۳۵ ، ۳۴۸ ، ۳۸۱ . م - ۸ .

دان Dāna : دهش ، دادن ، نذر ، بخشش ، وقف ، تقسیم غذا ، بخش ، آزادگی ، سهم . ۱۴ .

دانوه Dānava : دسته ای از اهریمنان یا دیو زادگان ، فرزندان دانو Danū که با دایتیها Daityas یا اسران Asuras یکی شمرده میشوند ، و از دشمنان آشتی ناپذیر خدایان میباشند و در اساطیر بعدی عده آنها را از چهل ناصد نوشته اند . ۶۱ ، ۶۳ .

داسه Dasa : بومی ، مردم بومی غیر آریائی هند که آریایی ها آنها را دشمن میدانستند . ۵۹ ، ۳۳۴ ، ۳۳۷ ، ۳۵۷ .

سایپه نامی Sāpya-Nami : نام خالوادگی « نامی » دوست اندرا . ۱۷۵ .

ساجی Sachi : تجسم نیرو و همسر اندرا . ۳۷۱ .

سادهیه Sadhyas : نام دسته‌ای از موجودات آسمانی ، نام دسته‌ای از موکلان ، دسته یاطبقه‌ای از خدایان . ۱۸۳ ، ۱۸۴ .

سام Sāma : آیت ، آهنگ ، خواندن به آواز خوش ، قرائت (با آهنگ) ، سرود ، سرود مقدس ، سرودی که با آهنگ خوانده میشود . ۷۷ .

ساماودا Sāma Veda : ودای آهنگ‌ها ، نام یکی از سه بیداصلی ، نام یکی از چهار کتاب مقدس در مذهب هندو . ۷۷ . م-۱۵ ، ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴ .

سامن Sāman : آواز ، آهنگ ، سرود ، سام پید ، برطرف کننده گناه ، سرود های ستایش . بویژه مقون و اشعار مقدس که برای سرودن یا خواندن (تغنی) باشد . ۱۸۳ ، ۳۱۸ . م-۳۴ .

سراما Saramā : تیزرو ، ماده سگ متعلق به اندرا و خدایان . ۸۰ ، ۱۹۷ .

سرسوتی Sarasvatī : آبی ، مائی ، سرزمین دریاچه‌ها ، خدای رودخانه‌ها ، خدای گفتار ، خدای دانش و علم ، الهه سخن یا فصاحت . ۷۴ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۹۳ ، ۱۵۱ ، ۲۵۵ ، ۳۸۸ . م-۶ .

سریه ناوان Saryanāvān : نام دریاچه و ناحیه‌ای . ۳۳ .

سندھو (سیندهو Sindhu) : رودخانه سند . ۲۰ ، ۲۰۷ ، ۳۰۸ .

سمرتی Smṛiti : دانش دریادمانده ، علم محفوظ . م-۱۶ .

سمهیتا (= سنهیتا) Saṁhitā : ترتیب متن ودا ، مجموعه سرودهای هین یک از وداهای چهارگانه . م-۱۷ ، ۱۹ .

سوکتا Sukta : سرود م-۱۹ ، ۲۱ .

سوپرنه Su-parṇa : زیبا بال ، عقاب ، آفتاب . ۱۲۵ .

راتری Rātri : تجسم شب . ۱۲۴

راکشس (راکهس Rākshasa) : دیو ، روح پلید ، جن ، عفریت . ۱۲۶ ، ۱۴۸ ، ۱۶۰ ، ۲۲۳ ، ۲۷۲ ، ۴۰۸ . م- ۸ ، ۱۹ .

رتهنتره Rathantara : نام یکی از مهمترین سرودهای سامودا . ۲۴۹ .

رگه بید Rig-Veda = رگه ودا .

رودرا Rudra : غرش کننده ، غران ، نیرومند ، خدای طوفان ، طوفان ، مخوف ، سرخ ، درخشان ، پدرماروتها ، موکل ویرانی ، خدای ویرانی . ۷۳ ، ۱۱۴ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۶۲ ، ۱۷۵ ، ۱۷۹ ، ۳۱۷ ، ۳۸۱ . م- ۲۰ ، ۲۳ .

روهینه Rauhina : دیوی که مایع ریزش باران از ابرها میشود . ۲۸۲ .

ریبهو Ribhu : نام یکی از سه خدای جو میانه . ۱۳ ، ۳۸۷ ، ۳۸۹ .

ریبهو کشن Ribhukshan : یکی از القاب اندرا . ۶۹ ، ۷۰ .

ریبهی Raibhi : سرود و شعر مراسم . ۳۶۵ .

ریتا (رت Rta) : قانون یا نظم اخلاقی ، راست ، درست ، قاعده اخلاقی ، قانون الهی . ۴۹۲ . م- ۱۰ ، ۲۲ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۳۵ .

ریچ Rich : سرود یا شعر مقدس (ریکه Rik = ریچ) . ۱۸۳ . م- ۲۰ .

ریشی R̥ṣi : ملهم ، حکیم ، شاعر یا حکیم الهام یافته ، سراینده سرود مقدس . ۱۲ ، ۴۶ ، ۵۵ ، ۱۲۰ ، ۱۲۸ ، ۱۸۳ ، ۱۸۷ ، ۳۲۸ ، ۳۳۲ ، ۳۶۱ ، ۳۶۲ ، ۳۹۴ . م- ۲۰ ، ۲۳ ، ۳۳ .

ریکونها Rikvans : سرایندگان یا خوانندگان مقدس . ۱۹۵ .

ریگ ودا (رگه بید Rig Veda) : ودای منظوم ، نخستین کتاب مقدس

هندو و مهمترین کتاب از چهار کتاب مقدس (در مذهب هندو) . ۱ .

۸۹ . م- ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۸ ، ۱۳ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۸ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵ .

سویتَر Savitar : برانگیزنده، محرک، زاینده، پیداکننده غذا، خورشید؛
نام خدای آفتاب، نام یازده نرود ریگ: ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۶۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۶۱، ۳۶۶.

سویتَری Savitṛi (= سویتَر): خورشید، مقدس ترین سرود ستایش خورشید.
۷۱، ۱۰۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۳۷، ۲۵۰، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۸۷ م - ۲۳.

سینی والی Sinivāli: نام الهه‌ای، همسر ویشنو، نام رودخانه‌یی، ۱۵۱.
شاکل Śākala: نام یکی از قراآت یا مکتب‌های ریگ ودا. م - ۱۹.
شاکه‌ها Śākhās، مکتب‌ها یا قراآت. م - ۱۹.
شالمی śālmali: نام درختی، درخت پنجه. ۳۶۸.

شایو Śayu: خوابیدن، دراز کشیدن، استراحت کردن، حمایت شده
اشوین‌ها. ۱۸.

شردها śradhā: ایمان، اعتقاد. ۵۷، ۵۸ م - ۲۴.
شت کر تو Śatkratu: صدیرو، لقب اندرا. ۲۵، ۸۹، ۲۱۳، ۲۱۴.
شرنی śreni: رشته، راسته، سلسله، سری، شماره، دسته، گروه بسیار،
یکی از پریان (اب چهره - Apsara). ۳۴۷.

شروتی Śruti: دانش مسموع. م - ۱۶.

شکوری Śakvari: یکی از اوزان عروض در ادب سنسکرت. ۱۲۳.

شمبره Śambara: دیو خشکسالی. ۹، ۳۸، ۲۸۲، ۳۳۷.

شودر śūdra: افراد متعلق به طبقه چهارم هندو، طبقه خدمتگزاران.
بنابر مذهب هندو افراد جامعه به چهار طبقه تقسیم می‌شوند: براهمن،
کشتریه (= راجنیه)، ویشیه (= بیش)، و شودر (= سودز).
درسود ۹۰ مآندالای دهم به این تقسیم‌بندی در بند ۱۲ اشاره شده است.
۱۸۳ م - ۳۴، ۳۵.

شونه شپه ṣunaḥṣepa: نام ریشی. ۲۶۹.

سوجورنی Sujurni : یکی از پریان (ابچهره - Apsarā) . ۳۴۷ .
 سوریا (سربه ، سوریه ، سورج - Surya) : آفتاب ، خورشید و خدای
 خورشید . ۹ ، ۱۲ ، ۱۷ ، ۲۰ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۳۳ ، ۳۹ ، ۴۰ ،
 ۴۲ ، ۱۰۲ ، ۱۰۵ ، ۱۲۵ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ،
 ۲۲۶ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۴ ، ۳۱۸ ، ۳۲۹ ،
 ۳۳۷ ، ۳۴۲ ، ۳۶۳ ، ۳۶۵ ، ۳۶۶ ، ۳۶۷ ، ۳۶۸ ، ۳۷۲ ، ۳۷۳ .
 سوربهانو Svarbhanu : دیوی که موجب کسوف و خسوف میکرد .
 ۲۶۴ ، ۲۶۵ .

سورگ (سرگ) Svarga : بهشت ، جنت ، آسمان ، آسمانی . ۳۵۱ .
 سوری Sûri : بانی قربانی، رئیس . ۱۹۰ .

سوما Soma : شیر، جوهر ، زبده ، گیاه زندگی، افشره مقدس، آب
 حیات، ماه، گیاه سوما، خدای ماه، شیر سوما، نوشابه الهام بخش
 براهمنا . ۹ ، ۱۰ ، ۱۳ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۸ ، ۴۴ ،
 ۵۵ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۲ ، ۸۳ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۳ ،
 ۹۴ ، ۹۶ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۲۷ ، ۱۴۲ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ،
 ۱۵۷ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۴ ، ۱۷۳ ، ۱۷۵ ، ۱۹۳ ، ۱۹۶ ، ۱۹۸ ،
 ۲۰۱ ، ۲۰۴ ، ۲۱۲ ، ۲۲۵ ، ۲۲۹ ، ۲۳۴ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۸ ،
 ۲۴۹ ، ۲۵۲ ، ۲۵۴ ، ۲۶۰ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۷۴ ، ۲۷۵ ،
 ۲۸۰ ، ۲۸۲ ، ۲۸۷ ، ۲۹۲ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ،
 ۳۰۰ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۱۷ ، ۳۲۰ ،
 ۳۲۷ ، ۳۲۹ ، ۳۵۳ ، ۳۵۸ ، ۳۶۰ ، ۳۶۱ ، ۳۶۳ ، ۳۶۴ ، ۳۶۵ ،
 ۳۶۶ ، ۳۷۳ ، ۳۷۴ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳ ، ۴۰۰ م - ۶ ، ۹ ، ۱۳ ، ۲۶ ، ۳۳ .

سوما پومانه Soma Pavamāna : افشره یا شیر گیاه سوما، قطره . ۳۳ ، ۴۱ ،
 ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۲۷۴ .

سومن آپی Sumne-āpi : یکی از پریان (ابچهره - Apsara) . ۳۴۷ .
 سونیه Svanaya : نام شاهزاده مقدسی . ۳۹۱ ، ۴۴۳ .

کینشوکه Kinṣuka : نام درختی، چوب، بوته بزرگ و یا پرریگی . ۳۶۸ .
 گاتها Gāthā : شعر (این کلمه در ادب سانسکریت به سزود ودایی از قبیل
 سامن ، وریج اطلاق نمیشود بلکه این واژه به اشعار رزمی و داستانی
 یا آکیانه Ākhyānas اطلاق میگردد) . ۳۶۵ . م - ۷ ، ۹ ،
 ۱۲ ، ۱۸ .

گایتری Gayatri : موزون، آهنگ مخصوص، یکی از بحور عروض در ادب
 سنسکرت . ۷۷ ، ۱۹۹ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۳۶۰ .

گراوان Grāvan : سنگ هایی که جهت خرد کردن ساقه و علف بوته سوم بکار
 میرفته است ، آسیای مخصوص جهت خورد کردن ساقه های سوما . ۲۸۹ .

گر تسمد Gr̥itsamada : نام یکی از ریش های دوره ودایی . ۷۴ .

گرن ت هینی Granthini : یکی از پریان (اپ چهارا - Apsara) . ۳۴۷ .

گروتمان Garutmān : پرندۀ آسمانی ، خورشید (این پرندۀ را گروتمت
 Garutmat و گروده Garuḍa و سوپرنه Suparna نیز
 میخوانند) . ۲۵۴ .

گنگو Gungu : نام قبیله یا قوم غیر آریایی . ۱۷۴ .

گندهروه (= گندهرب) Gandharva : مطربان بهشتی یا آسمانی، فرشته
 نغمه خوان ، مطرب یا موسیقی دانی که پیش فرشتگان آواز میخواند .
 ۳۴ ، ۱۶۲ ، ۳۴۱ ، ۳۷۳ ، ۳۷۴ . م - ۱۱ ، ۲۴ .

گندهروه ویشواوسو Gandharva Viśvavasu : نام موجود افسانهای
 که رابطه نزدیک با خورشید دارد . ۱۶۴ ، ۱۶۵ .

گوش تهیره Gavishthira : نام ریشی . ۱۰۷ .

گهرمه Gharma : حرارت غریزی ، گرمی ، گرما، هوای گرم، فصل گرم
 و سوزان ، گرمی آفتاب یا آتش، شیر گرم یا هرنوشابه گرم دیگر که
 در مراسم قربانی اهداء میشود ، ظرف مخصوص برای جوشانیدن شیر
 جهت تقدیم به اشوین ها . ۸۳ .

گهریته Ghritá : پاشیده، کره ، نوعی کره صاف کرده که به آتش می پاشیدند .
 ۲ - ۳۳ .

شونه هوتر *Ṣunahotra*: نام چندریشی دوره ودایی از خانواده کرسنده . ۷۳ .

شیپی ویشه *Ṣipivishta*: یکی از القاب ویشنو . ۳۲۵ ، ۳۳۷ .

شیوا *Śiva*: فرخنده ، مبارک ، خجسته ، خیر ، بیکوکار ، دوستدار ، عزیز ، نعمت ، یکی از سه خدای بزرگ هندو ، خدای رحمت ، نام مها دیو موکل یا ایزد فنا و مرگ . در رگ بید نام شیوا ذکر نشده است ولی نام دیگر این موکل که احتمالاً رود را باشد بصیغه مفرد و جمع زیاد آمده است . ۳۳۷ .

کالیوگ (کلیوگ *Kālyuga*): عصر کالی ، یکی از اعصار داستانی در آیین هندو .

۱۹ - ۲

کپینجله *Kapinjala*: نوعی کبک یا دراج . ۷۷ ، ۷۵ .

کرشانی *Kreśāni* (= کریشانی): نگهبان سوما آسمانی در ادب زردشتی .

۱۱ - ۲

کرنجه *Karanja*: نام دیوی . ۱۷۴ .

کریشانو *Kriṣānu*: نگهبان سوما آسمانی . ۲۸۶ . ۱۱ - ۲

کریشانی *Kriśāni* = کرشانی . ۱۱ - ۲

کشن *Kešin*: کیسوبلند ، موبلند ، نام یالقب اگنی ، وایو ، وسوریه .

۱۶۱

ککشیان *Kakshivān*: نام ریشی دوره ودایی . ۹ .

کنوا (یا کنوه) *Kaṇva*: نام ریشی دوره ودائی . ۵۳ .

کوتسه *Kutsa*: برکزیده و محبوب اندرا (نام ریشی موسوم به آرجونیه).

Ārjuneya: مؤلف یا سراینده تعدادی از سرودهای ریگ ودا که مورد

حمله دیو شوشنه قرار گرفت ، و اندرا آن عفریت را کشت و او را

نجات داد . ۹ .

کوریره *Kurira*: جفت گیری ، نوعی لباس زنانه ، نوعی وزن عروضی .

۳۶۵ .

کوشوا *Kushavā*: نام عفریت ماده ای که اندرا او را کشت . ۲۰۲ .

کویه *Kavya*: طبقه ای از ارواح لیاکان یا مردگان . ۱۹۵ .

اوراد یا ادعیه قربانی، قسمتی از متون بیدها که « Ric » (در رک بید) یا « یاجوش yajus » (در جگر بید)، و یا « سامن Sāman » (در سام بید) خوانده میشود و در برابر قسمتهای موسوم به « براهما ناها Brāhmanas » (توضیحات و تفسیرهای بید)، و اوپایشادها قرار دارد. دعای مخصوصی که به یکی از خدایان خطاب میشود. شعر عرفانی یا اوراد جادویی، طلسم و افسون (بویژه به اورادی اطلاق میشود که برای به دست آوردن نیروی فوق بشری خوانده میشود). م - ۹، ۲۴.

مندك Munḍakya : سلمانی، نام یکی از رسائل اوپایشاد های قدیم. م - ۱۶.

منیو Manyu : مظهر غضب و شهوت، خشم. ۳۳۴، ۳۳۵. م - ۲۴.

مونى Muni : عارف، آموخته، مرتاض. ۱۶۱، ۱۶۲.

میترا Mitra : خدای نور. ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۶۵، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۴۱، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷. م - ۷، ۱۰، ۲۳، ۳۶.

نابهاكه Nabhāka : نام یك ریشی. ۱۳۶.

ناراشنسى Nārāṣansi : شعر ستایش. ۳۶۵.

ناستیه Nāsatya : مهربان، مشفق، بکار خورنده، مفید، دوستانه، بصیغه جمع، نام دو اشوین (اشوین ها)، نام یکی از اشوین ها (چون این واژه بصورت مفرد بکار رود، اشوین دیگر « دسره Dasra » خوانده میشود)، مربوط یا متعلق به اشوین ها، (بنابر عقیده بعضی این واژه مشتق است از Na+asatya و برگرفته بعضی دیگر مأخوذ است از Nāsā+tya و یا از Nā+satya و این اشتقاق اخیر بیشتر مورد نظر است). ۸۵، ۱۰۲، ۱۹۳، ۳۸۹، ۳۹۹. م - ۷، ۱۱.

نانا Nanā : مادر، اصطلاح برای مادر. ۴۱.

نراشنسه Narāṣansa : لقب و عنوان اکنی، شیرمرد. ۱۴۷، ۱۷۹.

گیانم Jñānam : دانش ، معرفت . ۱۲۰ .

ماتریشون Mātariṣvan : نام دیگر اکنی (آتش) ، باد ، آورنده اکنی از آسمان ، نام یکریشی . ۱۷۲ ، ۲۵۵ ، ۳۷۵ .

ماروت (= مروت Marut) : درخشنده ، خدای طوفان ، خدای باد ، فرزند آسمان و دریا . ۹ ، ۱۳ ، ۶۲ ، ۷۴ ، ۹۴ ، ۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۱۳۵ ، ۱۴۰ ، ۱۵۴ ، ۱۶۶ ، ۲۱۰ ، ۲۳۵ ، ۲۷۱ ، ۲۹۳ ، ۳۰۴ ، ۳۱۶ ، ۳۵۵ ، ۳۷۷ ، ۳۸۸ ، ۳۹۰ . م - ۲۳ .

ماندالا Maṇḍala (مندله) : گرد ، مدور ، قرص (بویژه قرص ماه و خورشید) ، دایره ، هاله خورشید یا ماه ، مدار ، یکی از ده قسمت ریگ ودا - بعبارت دیگر رگ بید به ده ماندالا که جمعا ۸۵ انوواک Ānurvāka (درس) بالغ میگردند تقسیم میشود . م - ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ .

مانس Manas : روح ، روان ، ادراک ، اندیشه . ۲۷۶ .
مانو (= من Manu) : آدم ، نوع بشر ، انسان اول ، متفکر ، خداوند اندیشه ، دانا ، زکی ، انسان (گاهی این کلمه در مقابل روح پلید بکار میرود) . ۹ ، ۱۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۳ ، ۲۲۸ ، ۳۱۹ ، ۳۲۴ ، ۳۵۹ . م - ۱۵ .

مایا Māyā : عشق ازی ، قدرت الهی ، معدوم ، فریب ، صورت ظاهر ، ضد حقیقت ، نمود بی بود ، خطای باصره ، صور خیالی ، تجسم خطای باصره ، ماده ، ضد برش (روح) . خرد ، عقل ، نیروی خارق العاده یا مافوق طبیعی ، م - ۸ ، ۹ .

ماتالی Matali : ارا به ران اندرا ، موجودی الهی . ۱۹۵ .

مدهاتیتھی Medhātithi : نام یکی از مفسران و فقهای هندو . م - ۱۵ .

مدی Median : مادی ، منسوب به قوم ماد . م - ۱۳ .

مگها Maghā . یکی از منزل های قمر . ۳۶۷ .

مگهون Maghavan : بخشش ، پاداش ، نیرومند ، لقب اندرا ، نیرومند . ۳۸ ، ۴۶ ، ۶۹ ، ۱۹۱ ، ۲۸۷ ، ۳۰۷ ، ۳۲۷ .

منتره Mantra (= منتره Manthra) : سخن ، اسباب فکر ، پآلت تفکر ، نوشته یا سخن مقدس ، دعاء ، ورد ، سرود ستایش ، سرودهای رگ بید ،

۱۶۲ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۴۹ ، ۲۹۲ ، ۳۰۰ ، ۳۰۴ ، ۳۰۶ ، ۳۶۵ .
م - ۲۳ ، ۳۶ .

۱۵ Veda : دانش ، دانش مقدس ، نام عمومی چهار کتاب مقدس هندو .
۲۵۳ . م - ۴ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ،
۱۹ ، ۲۱ ، ۲۶ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ .

ورچین Varchin : نام يك پادشاه غير آریایی هند که دیوشناخته شده است . ۳۳۷ .
ورنا Varṇa : رنگ ، رنگ نژادی ، طبقه ها ، کاست ، چرده ، کاست بویژه
اختلافات طبقه ای بین آریاها و داسیوها و همچنین میان طبقات
چهارگانه هندو .

ورسا Varga : قطعه ، تیکه . م - ۲۰ .

وروتری ها Varūtris : آلهه های نکهبان . ۲۳۶ .

ورونا (= وارونا Vāruṇa) : آسمان محیط بر همه چیز ، خدای آسمان های
درستاره . ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۳ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۷۲ ،
۹۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۷ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ،
۱۳۸ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۶۶ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۵ ، ۱۸۶ ،
۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۷ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۳۰ ، ۲۳۵ ،
۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۵۴ ، ۲۶۶ ، ۲۶۷ ، ۲۶۸ ، ۲۶۹ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ،
۳۰۴ ، ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۱۶ ، ۳۱۸ ، ۳۲۲ ، ۳۲۶ ، ۳۲۷ ، ۳۲۸ ،
۳۲۹ ، ۳۳۰ ، ۳۳۱ ، ۳۳۴ ، ۳۴۱ ، ۳۶۱ ، ۳۶۸ ، ۳۶۹ ، ۳۷۷ ،
۳۷۸ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳ ، ۳۸۷ ، ۳۸۹ .

وریترا (= ورترا Vṛitra) : دیو خشکسالی . ۲۵ ، ۳۳ ، ۴۴ ، ۴۷ ، ۶۱ ، ۶۳ ،
۱۱۱ ، ۱۷۴ ، ۱۹۰ ، ۲۰۲ ، ۲۱۳ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ،
۳۱۷ ، ۳۲۷ ، ۳۳۴ ، ۳۸۹ . م - ۲۹ .

وریتراهن Vṛitrahan (ورترا = مقاومت) ، مقاومت شکن ، (= ورتراغه
Vṛiṭhagna = بهرام) . م - ۱۰ ، ۱۱ .

وری شاکیایی Vrishākāpāyī : همسر وری شاکیی . ۳۵۶ .

وری شاکیی Vrishākapi : میمون ایرومند ، موجودی بین دیو و فرشته .

نوسوه‌ها Navagvas : يك نژاد اساطیری ، يكي از سه خانواده روحانی هند
قدیم . ۱۹۶ .

نیریتی Niriti : نابودی ، الهه مرگ و ویرانی . ۷۰ .

وات Vata : باد ، خدای باد . ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۴۳ .

واجه (= واج) Vāja : نام يكي از سه ريبه‌ها . ۶۹ .

وارونا Varuṇa : آسمان محيط بر همه چیز ، نام يكي از آدیتياها که خدای
شب است ، همان گونه که ميترا خدای روز میباشد و غالباً با يکديگر
پرستش می شده اند . وارونايکي از خدایان قدیم هندو است و او را معادل
اوپاوس يونانیان دانسته اند . هر چند او از اورانوس نورانی تر میباشد ،
گاهی خدای خدایان نیز نامیده شده است . م - ۷ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۲۳ ،
۲۸ ، ۳۵ ، ۳۶ .

واستوشپتی Vāstoshpati : نگهبان خانه ، ایزد محافظ تاسیسات و اساس
و بنیان خانه ، اندرا . ۷۹ ، ۸۰ .

واسو Vasu : عالی ، خوب ، نورانی ، هر موجود نورانی ، دسته ای از دو کلان
بوژه آدیتياها ، ماروت ها ، اشوین ها ، اندرا ، اوشس ، رودرا ، رایو ،
ویشنو ، شیوا ، کوبیر Kuhera ، دسته ای از ایزدان که عدد آنها هشت
است ، يكي از خدایان هندو . ۴۰ ، ۶۶ ، ۱۲۷ . م - ۲۰ .

واک (= واج Vāk) Vāk : صدا ، کلام مقدس ، گفتار مقدس ، سخن مقدس ،
کلمه ، تجسم گفتار که او را مادر بیدها و همسر اندرا میدانسته اند ، الهه
گفتار یا گویایی . ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۷ . م - ۲۸ ، ۳۳ .

والکلیا (= بال کیلا) Vālakhilya : نام یازده سرود ریگ ودا که معمولاً
بین ماندالای هشتم و نهم قرار داده میشود ، نام طبقه ای از ریشی ها که تصور
میشده طول قامتشان با اندازه انگشت شست میباشد و عدد آنها شصت هزار
بوده و ازیدن برهما بوجود آمده است ، و اطراف ارا به خورشید را احاطه
میکرده اند . م - ۱۹ .

وایو Vayu : خدای باد ، باد ، هوا ، بصیغه جمع: ماروت ها ، يكي از پنج عنصر ،
پنج باد حیاتی . ۵۷ ، ۷۲ ، ۱۰۴ ، ۱۳۰ ، ۱۴۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ .

ویشو دواہ Viṣvedevas = Viṣvedevāh : همه خدایان . ۸۶ ، ۹۳ ، ۱۶۶ .
ویروپه Virūpa : ریکاریک ، کوناگون ، مختلف ، چندریک ، چندشکل ،
نام یک ریشی . ۱۹۶ .

ویشیه Vaiśya : کشاورز ، فلاح ، افراد طبقه سوم هندو که عبارت از کشاورزان
و بازرگانان هستند ، ذات یا طبقه ای که وظیفه او سوداگری و کشاورزی
است . ۱۸۳ . ۲ - ۳۴ ، ۳۵ .

ویشواکرمن Viśvakarman (= وشوکرمن) : کننده همه اعمال ، فاعل یا
عامل همه چیز ، سازنده کل ، خالق کل ، سازنده کائنات و جهان هستی .
۳۳۲ ، ۳۹۴ ، ۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۳۹۷ .

ویشنو (= بشن Vishnu) : یکی از خدایان هندو ، خدای حافظ ، ۳۹۰ ،
۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۱۵۱ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۹ ، ۲۰۳ ، ۲۰۸ ، ۲۰۹ ،
۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۷ ، ۳۱۸ ، ۳۲۱ ، ۳۲۴ ، ۳۲۵ ، ۳۳۶ ،
۳۳۷ ، ۳۷۶ ، ۳۷۷ ، ۳۸۸ .

ویشوامتر Viśvamitra : دوست همه ، دوستدار همه عالم ، نام ریشی
مشهوری که بنابر افسانه های هندی ابتدا با وسیت در خدمت
پادشاه تریتوس Tritus بودند ولی در اثر رقابت با وسیت
به بهارت رفت . ۴۶ ، ۹۶ ، ۱۰۱ .

ویشوانر Visvanair : مربوط به همه عالم ، آتشی که غذا را هضم میکند ،
همه مردم ، حرارت غریزی ، یکی از القاب اکئی . ۲۰ .

ویشواوسو Viṣvāvasu : مال همه ، دولت همه ، رئیس کندھرو ، نام پسر
پوردروس Puru - Ravas . ۳۶۹ .

ویشوادیوها (= وشودیوها) Viṣvadevas : همه خدایان . ۶۵ ، ۶۹ ، ۸۶ ،
۱۶۶ ، ۲۱۰ ، ۲۴۱ ، ۳۱۵ ، ۳۱۷ ، ۳۱۹ ، ۳۸۴ .

ویشوروپ Viṣvarūpa : صورت کل عالم ، صورت همه عالم ، همه شکل ،
همه جا حاضر ، پرتوستر ، موجود افسانه ای سه سر که بدست اندرا
کشته شد . ۶۳ .

۳۵۸ ، ۳۵۷ ، ۳۵۶ ، ۳۵۵ ، ۳۵۴ .

وری شگنه Vṛishagaṇa : نام يك ریشی و خانواده او . ۲۹۶ .

وریکه Vṛika : کرک ، سگ ، احتمالاً نام شخصی . ۱۸ .

وسیشته (توسیشث) Vasishtha : بهترین ، عالیترین ، داناترین ، پناه همه ، نام ریشی معروفی که صاحب کار فرارانی بود و افسانه مبارزه او با وشوامتر که از طبقه کشتی برخاست و طبقه براهمن وارد شد ، مشهور میباشد . ۷۰ ، ۱۳۳ ، ۲۴۰ .

وشت Vaśat : کلمه ندائی که بهنگام قربانی در وقت اهدای نذیر به آتش ادا میشود . ۳۳۷ ، ۳۲۵ .

وشودیوها Viśvedevas (= ویشوادیوها) : همه خدایان ، الهی کامل ، نام خدایی ، نام دوازده موکل ، نام طبقه از خدایان . ۴ - ۳۵ ، ۳۶ .

وشو کرمن Viśvakarman : صانع جهان ، فاعل همه چیز ، آفریننده کل . ۴ - ۲۴ .

وله Valā : دیو خشکسالی (برادر وریتر که اندرا براوچیره شد) ، زیرزمین ، زندان تاریک . ۶۳ .

ویاسا Vyāsa : ترتیب دهنده ، نام تنظیم کننده داستان ریگودا . ۴ - ۱۹ .

وید Vid : دانستن . ۴ - ۱۵ .

ویدانت Vedanta : آخرودا ، نام قسمت دوم یعنی مهمترین قسمت میمانسا Mimāṃsā که بخش سوم از بخش های سه گانه فلسفه هندوان است . ۴ - ۲۱ .

ویدودات Vīdevdat : نام یکی از ادبیات مقدس زردشتی . ۴ - ۱۳ .

ویراج Virāj : موجود الهی ، یکی از اوزان عروض هارای چهارپادای ده سیلابی ، عدد ده . ۱۸۲ ، ۳۶۱ .

یجمانه Yajamāna : قربانی کننده . ۱۴۹ .

یادو Yadu : نام يك پهلوان باستانی که در ریگ ودا بارها نامش با توروشه Turvaśa یا Turvasu با هم آمده ، و گویند پسر ججات (ییاتی Yāyati) بوده است . م - ۵ .

یزته Yazata (= آهونی Ā-hūti) : تقدیم نذور به آتش برای ایزدان ، هر گونه مراسم مذهبی که در آن نذور به خدايان تقدیم شود . م - ۹ .

یشتها Yaštis نام پاره‌ای از ادبیات مقدس زردشتی : م - ۱۲ .

یم (- جم) Yama : ملك الموت . ۱۲۵ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۲۶۰ ، ۲۶۲ ، ۲۷۶ ، ۳۳۹ ، ۳۴۱ ، ۳۴۲ ، ۳۴۳ .

یمه (یاما Yama = یم) : خودداری یا کف نفس ، مهار ، راننده ، مایع شونده ، خدای مرگ ، خدای ارواح مردگان ، موکل مرگ . م - ۱۱ .

ییمه Yima : (= جم) م - ۱۱ .

**

*

وینسه Vyansa : دیو خشکسالی . ۲۰۲ .

ویوسوان Vivasvân : درخشان ، قربانی کننده ، نام آفتاب بامداد ، خورشید ، سخن ، کلمه مقدس ، نام پدر نوع بشر - مانو و یوسونت . ۳۵ ، ۲۷۶ . م - ۲۳ .

ویوسوت Vivasvat : = ویوسوان . ۱۹۴ ، ۱۹۶ .

ویونهنت Vivanhant : = ویوسوان . م - ۱۱ .

هردچکشوس Harde Chakshus : یکی از پریان (اپچہرا - Apsara) . ۳۴۷ .

هرن گر بهه Hiranya-garbha : تخم طلائی ، تخم زرین عالم ، زهدان زرین ، مشیمه زرین ، چنین زرین ، نام لنگسای ، نام یکر از کویندکان سرودهای رگه بید ، موجود قائم بخود که برهما از آن پیدا شد . ۶ .

هری تاله Haritāla : ظاهراً نام درختی . ۱۷۱ .

هو ترا Hotrā : نام الهه ای ، بهاراتی Bhāratī و هوترا Hotrā دو الهه ای هستند که سرپرستی حوزه های مختلف مذهبی را میکنند . ۲۳۶ .

هوتری Hotri (= هوترا Hotar) : روحانی که در مراسم قربانی سرودهای ریگ ودا را میخواند ، پارسا ، نیکوکار ، آموزگار مذهبی ، یکی از چهار دسته روحانی که دارای سه معاون میباشد ، سر روحانی . ۱۵۰ ، ۳۳۴ ، ۳۹۴ . م - ۲۰ ، ۲۵ ، ۳۷ .

هوم Haoma = سوما در مذهب هندو . م - ۹ ، ۱۲ .

یاتو دهانه Yātudhāna : افسونگر ، جن ، روح پلید . ۱۲۶ .

یاجور ودا (= جپرید) Yajur Veda : ودای قربانی ها . م - ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۴۴ .

یمی (Yamī) : خواهر یم . ۳۳۹ ، ۳۴۱ ، ۳۴۲ ، ۳۴۳ .

۵-۱	۱۲۹/۱۰	سرود خلقت
۸-۶	۱۲۱/۱۰	پیدایی جهان
۲۰-۹	۲۶/۴	ستایش اندرا
۱۲-۱۱	۷۵/۷	» اوشس
۱۳	۵۱/۷	» آدیتیاها
۱۶-۱۴	۱۱۷/۱۰	آزادگی و نیکوکاری
۱۸-۱۷	۶۸/۷	ستایش اشوین‌ها
۱۹	۹۹/۱	» اکنی
۲۰	۹۸/۱	» اندرا
۲۲-۲۱	۱۲/۴	» اکنی
۲۴-۲۳	۱۳/۴	» اکنی
۲۶-۲۵	۳۸/۵	» اندرا
۲۸-۲۷	۶۰/۳	» میترا
۳۰-۲۹	۸/۴	» اکنی
۳۵-۳۳	۱۱۳/۹	» سوما
۳۷-۳۶	۶۱/۳	» اوشس
۳۸	۴۳/۶	» اندرا
۴۰-۳۹	۴۴/۷	» ددهیکراس
۴۲-۴۱	۱۱۲/۹	» سوما پومانه
۴۷-۴۳	۸۹/۱۰	» اندرا
۴۸	۸۴/۵	» زمین
۵۲-۴۹	۱۸۵/۱	» آسمان و زمین
۵۶-۵۳	۴۸/۱	» اوشس
۵۸-۵۷	۱۵۱/۱۰	خطاب به شردها (= ایمان)
۶۴-۵۹	۱۱/۲	ستایش اندرا
۶۸-۶۵	۵۱/۶	» و شودیوها
۷۱-۶۹	۳۷/۷	» و شودیوها

فهرست مندرجات کتاب



مقدمه	۱۴-۳	همبستگی ریگکودا و اوستا و خویشاوندی زبان اوستا با ریگکودا
»	۱۷-۱۵	ریگکودا
»	۲۰-۱۷	قدمت ریگکودا
»	۲۳-۲۰	طبقه بندی سرودها
»	۲۴-۲۳	رابطه خدایان با پدیده های طبیعت
»	۲۴	ارتباط ریگکودا با سایر وداها
»	۲۵	مشخصات ریگکودا
»	۲۵	اصول اخلاقی و آداب اجتماعی در ریگکودا
»	۳۰-۲۸	تردید و استهزاء نسبت به خدایان
»	۳۲-۳۰	تشبیهات و تعبیرات ادبی
»	۳۵-۳۲	قربانی در ودا
»	۳۷-۳۵	ناموس طبیعت یا نظم کیهانی
»	۳۸-۳۸	پایان مقدمه

۱۴۲	۳۱/۹	خطاب به سوما
۱۴۳	۱۶۸/۱۰	ستایش وایدو
۱۴۵-۱۴۴	۱۷۹/۱۰	د اندرا
۱۴۶	۱۸۰/۱۰	د د
۱۴۸-۱۴۷	۱۸۲/۱۰	د بریهستی
۱۵۰-۱۴۹	۱۸۳/۱۰	خطاب به قربایی کنند
۱۵۲-۱۵۱	۱۸۴/۱۰	ستایش ادیتی
۱۵۳	۱۸۵/۱۰	د د
۱۵۴	۳۳/۹	د سوما
۱۵۶-۱۵۵	۳۴/۹	د د
۱۵۸-۱۵۷	۳۵/۹	د د
۱۵۹	۵۶/۹	د د
۱۶۰	۵۷/۹	د د
۱۶۳-۱۶۱	۱۳۶/۱۰	د کشنها
۱۶۵-۱۶۴	۱۳۹/۱۰	د سویتری
۱۶۶	۱۰۷/۱	د وشودیوها
۱۶۸-۱۶۷	۱۵۲/۱	خطاب به آسمان و زمین
۱۷۱-۱۶۹	۵۰/۱	ستایش سوریه
۱۷۵-۱۷۲	۴۸/۱۰	د اندرا
۱۸۰-۱۷۶	۳۸/۲	د سویتری
۱۸۴-۱۸۱	۹۰/۱۰	خطاب به پروش
۱۸۶-۱۸۵	۸۴/۷	ستایش اندرا و وارونا
۱۸۹-۱۸۷	۱/۱	د اگنی
۱۹۱-۱۹۰	۱۴۷/۱۰	د اندرا
۱۹۳-۱۹۲	۴۲/۸	د وارونا، واشوینها
۱۹۹-۱۹۴	۱۴/۱۰	د یم
۲۰۲-۲۰۰	۱۸/۴	د اندرا، و خدايان دیگر

۷۴-۷۲	۴۱/۲	ستایش خدایان مختلف
۷۶-۷۵	۴۲/۲	د اندرا (بصورت پرنده)
۷۸-۷۷	۴۳/۲	د د د
۷۹	۵۴/۷	د واستوشپتی
۸۱-۸۰	۵۵/۷	د د
۸۴-۸۲	۱۰۳/۷	خطاب به غوکان و خدای باران
۸۷-۸۵	۳/۱	ستایش دو اشوین
۸۹-۸۸	۵/۱	د اندرا
۹۲-۹۰	۷/۱	د اندرا
۹۵-۹۳	۸۹/۱	د و شودیوها
۱۰۱-۹۶	۱/۳	د اکنی
۱۰۳-۱۰۲	۱۴/۴	د اکنی
۱۰۴	۴۷/۴	د وایو و اندرا
۱۰۷-۱۰۵	۱/۵	د اکنی
۱۰۹-۱۰۸	۱۶/۵	د اکنی
۱۱۰	۲۴/۵	د اکنی
۱۱۲-۱۱۱	۸۶/۵	د اندرا و اکنی
۱۱۵-۱۱۳	۸۷/۵	د ماروتها
۱۱۸-۱۱۶	۱۰۱/۷	خطاب به خدای باران (یرجنیه)
۱۱۹	۱۰۲/۷	د د د
۱۲۳-۱۲۰	۷۱/۱۰	خطاب به دانش
۱۲۶-۱۲۴	۵/۱	ستایش سویتری
۱۲۹-۱۲۷	۱۲۵/۱۰	خطاب به سخن مجسم
۱۳۱-۱۳۰	۱۶۸/۱۰	ستایش وایو
۱۳۴-۱۳۲	۸۶/۷	د وارونا
۱۴۸-۱۳۵	۴۱/۸	د د
۱۴۱-۱۳۹	۶/۱	د اندرا

۳۰۸-۲۹۴	۹۷/۹	خطاب به عساره سوما
۳۱۴-۳۰۹	۱۲۴/۱	ستایش سویده دم
۳۱۶-۳۱۵	۲۸/۸	د و شودیوها
۳۱۸-۳۱۷	۲۹-۸	د د
۳۲۳-۳۲۰	۳۱/۸	د خدایان مختلف
۳۲۵-۳۲۴	۱۰۰/۷	د ویشنو
۲۲۸-۴۲۹	۴۲/۴	د اندرا وارونا
۳۳۱-۳۲۹	۵۸/۵	خطاب به وارونا
۳۳۳-۳۳۲	۸۲/۱۰	د به وشوکرمن
۳۳۵-۳۳۴	۸۳/۱۰	د به منیو (خشم)
۳۳۸-۳۳۶	۹۹/۷	ستایش ویشنو
۳۴۴-۳۳۹	۱۰/۱۰	خطاب به یم و یمی
۳۵۱-۳۴۵	۹۵/۱۰	مکالمه میان پورو راوسه و اوروشی
۳۵۹-۳۵۲	۸۶/۱۰	مکالمه بین اندرا و اندرائی
۳۶۲-۳۶۰	۱۳۰/۱۰	درباره آفرینش
	۸۵/۱۰	عروسی سوریا
۳۷۷-۳۷۶	۱۵۶/۱	خطاب به ویشنو
۳۷۸	۶۸/۵	ستایش میترا و وارونا
۳۸۰-۳۷۹	۶۶/۵	د میترا و وارونا
۳۸۱	۷۰/۵	د میترا و وارونا
۳۸۶	۷۱/۵	د د د
۰۸۳	۷۲/۵	د د د
۳۹۰-۳۸۴		خطاب به وشودیوها
۳۹۳-۳۹۱	۱۲۵/۱	مکالمه میان فقیر و شاهزاده آزاده
۳۹۵-۳۹۴	۸۱/۱۰	خطاب به وشوکرمن
۳۹۸-۳۹۷	۱۲/۵۰	د به شب
۴۰۰-۳۹۹		د به اشوینها
۴۳۲-۴۰۳		واژه نامه کتاب
۱۵-۳		مقدمه انگلیسی استاد ناراجند

۲۰۷-۲۰۵	۱۱۵/۱	ستایش سوریه
۲۰۹-۲۰۸	۱۵۴/۱	د ویشنو
۳۱۱-۲۱۰	۹۰/۱	د وشودیوها
۲۱۴-۲۱۲	۴/۱	د اندرا
۲۱۹-۲۱۵	۳۵/۲	د اهام نهات
۲۲۴-۲۲۰	۴۳/۸	د اکنی
۲۲۶-۲۲۵	۱/۹	د سوما
۲۲۸-۲۲۷	۱۱/۷	د اکنی
۲۳۰-۲۲۹	۲/۱	د وایو
۲۳۱-۲۳۱	۱۹۱/۱۰	د اکنی
۲۳۵-۲۳۴	۸/۱	د اندرا
۲۳۹-۲۳۵	۶۲/۳	د اندرا - وارونا
۲۴۰	۱۲/۷	د اکنی
۲۵۶-۲۴۱	۱۶۴/۱	د وشودیوها
۲۵۹-۲۵۷	۱/۱۰	د اکنی
۲۶۲-۲۶۰	۱۳۵/۱۰	خطاب به یم
۲۶۵-۲۶۳	۴۰/۵	د به اندرا وسوریه و انری
۲۷۰-۲۶۶	۲۴/۱	ستایش وارونا و خدایان دیگر
۲۷۱	۱۵۷/۱۰	د وشودیوها
۲۷۳-۲۷۲	۱۸۷/۱۰	د اکنی
۲۷۵-۲۷۴	۵۷/۱۰	د سوما
۲۷۸-۲۷۶	۵۸/۱۰	خطاب به مانس
۲۸۳-۲۷۹	۵۸/۱	د اندرا
۲۸۸-۲۸۴	۲۷/۴	د شهباز
۲۹۰-۲۸۹	۱۷۵/۱۰	د به کروانه
۲۹۲-۲۹۱	۶۵/۷	ستایش میترا ، و وارونا
۲۹۳	۱۷۲/۱	خطاب به ماروت ها

Sir - re Akbar (Upanishad) translated by - Prince
Dara Shokouh, edited by Dr. Tara Chand and Sayyed
Mohammed Reza Jalali Naini.

سر اکبر ترجمہ : شاہزادہ محمد داتا شکوہ تصحیح و تحقیق و مقدمہ
دکن تارا چند و جلالی نائینی چاپ تهران سال ۱۳۴۰ هجری شمسی

The Vedic Etymology by Prof. Fatah Singh.

Sanskrit Grammar by Monier Williams.

Indian Philosophy by S. Radhakrishnan.

New Light on the Gathas of Holy Zarathushtra
by Ardeshir F. Khabardar.

Philosophy of Zoroastrianism and Comparative Study
of Religions, by Faredun K. Dadachanji.

Sanskrit and Culture by Goldstrucker.

The Ramayana. of Tulridas

The Principal Upanishads by S. Radhakrishnan.

تحقیق مال الہند من مقولہ ، مقبولہ فی العقل او مر ذولہ .
تألیف : ابوریحان محمد یسراخمد بیرونی - چاپ آلمان وحیدر آباد دکن .

**

A study of Sankara by Nalinimohan Mukharji Sastri.

The Dhammapada by S. Radhakrishnan.

The Sanskrit Language by T. Burrow

The Thirteen Principal Upanishad by Robert
Ernest Hume

Sanskrit-English Dictionary by Sir M. Monier-
Williams.

Dictionnaire Sanskrit-Français by N. Stchoupak,
L. Nitti et L. Renou.

A Practical Sanskrit Dictionary by Arthur Anthony
Macdonell.

Buddhist Hybrid Sanskrit Grammar and Dictionary,
by Franklin Edgerton.

The Practical Sanskrit-English Dictionary
by Principal V. S. Apte.

A Classical Dictionary of Hindu Mythology
by Dowson.

Rg-Bhaṣya-Sangraha by Devraj Chanana.

The Seers of the Rg Veda by V. R. Rahurkar.

The Vedic Mythology by A. A. Macdonell.

Les Religions Du Monde by H. Ringgren et A. V. Strom.

The Vedic Age, General Editor, R. C. Majumdar.

The Sacred Books of the East by F. Max Müller.

A Source Book in Indian Philosophy edited by S. Radhakrishnan and Charles A. Moore.

The Twelve Principal Upanishads, by Dr. E. Röer.

Hymns from the Vedas by Abinash Chandra Bose.

Hymns of the Mystic Fire by Sri Aurobindo.

The Geography of RgVedic India by Manohar Lal Bhargava.

Vedic Grammar by A. A. Macdonell.

Epic Mythology by E. Washburn Hopkins.

The New Vedic Selection by Pt. N. K. S. Telang and Dr. B. B. Chaubey.

Le Rig-Veda by Paul Regnaud.

The Brahma Sutra by S. Radhakrishnan.

The Mahabharata by P. C. Roy.

Shrimad Bhagavad Gita by Swami Swarupananda.

L'Hindouisme by Louis Renou.

Rig Veda with Urdu paraphrase and commentary
by Munshi Daya Rama.

Le Rig Veda et les origines de la Mythologie Indo-
Européenne, par Regnaud.

Hymns from the Rig Veda, edited with Sayana's
commentary, notes and translation by Peter Peterson.

Le Rig Veda Text et Traduction, par Paul Regnaud.

Yajur Veda by Devi Chand.

The Texts of The White Yajur Veda by Ralph
T.H. Griffith.

Rig-Veda Samhitā, 5 volumes by H. H. Wilson.

A Critical Study of Rg Veda by Dr. Deo Prakash
Patanjal Shastri.

The Hymns of the Rg Veda, by Ralph T.H. Griffith.

The Sama Veda Samhita by Rev. J. Stevenson, D. D.

Atharva Veda Samhita, with the commentary of
Sayanacharya, edited by Shankar Pandurang Pandit, 4
volumes.

Atharva Veda Samhita by William Dwight Whitney.

Sama Veda in the Pada Samhita according to the
Kauthumi Sakhta, edited by Satyavrata Samasrami.

Vajasaneyi Saṁhita, edited with introduction and commentary by Giri Prasad Varma.

The Panini's Grammatical Aphorisms edited by Bhimsen Sharma.

English translation of the Vedas—The Hymns of the Rig Veda, Sama Veda, Atharva Veda and Yajur Veda (White) with commentaries and notes by Griffith.

Nirukta by Yaska published by Roth.

Manu Saṁhita translated and edited by Haughton.

Anthologie Sanskrite par Louis Renou.

A Literal Translation of the Vedas, the Gospels of India, with the text, explanatory notes and summary of each hymn by Durga Prasad, Lahore 1918.

Vedic India by Louis Renou, Calcutta 1957.

Some Kṣatriya Tribes of Ancient India by Bimala Charan Law, Calcutta 1924.

Early Hindu Civilisation by Romesh Ch. Dutt, Calcutta, 1927.

Wörterbuch Zum Rig Veda by Hermann Grassmann.

Religious sects of the Hindus by H.H. Wilson.

An Introduction to Advaita Philosophy, by Kōkileswar Sastri, Calcutta 1926.

نامهای برخی از ماخذ کتاب

در ترجمه این کتاب علاوه بر ماخذی که در ذیل صفحات کتاب به آنها اشاره شده ماخذ و منابع مذکور در زیر نیز مورد نقل و ترجمه و مراجعه و استفاده بوده است :

Rig Veda in the Saṁhita and Pada Texts with commentaries, grammatical and paraphrasetic, in Sanskrit and Hindi by Dananda Sarasvati, Allahabad.

Rig Veda in the Saṁhita Text, printed in Ajmer.

Hymns from Rig Veda, edited with Sayana's commentary, Punjab University.

Rig Veda Saṁhita, edited by International Academy of Sanskrit Research.

Rig Veda Saṁhita, with Sayana's commentary, printed in Calcutta.

spent all his life in study and research on Indian literature, philosophy and religion and has been successful in rendering valuable services in introducing Indian thought to Iranian scholars. It will not be an exaggeration to say that after the great Biruni, no one in Iran has devoted so much of his precious time to Indian studies as Mr. Jalali Naini. In editing earlier works on religious sects like *Kitab al-Melal wal-Nehal*, he came across descriptions of schools of Hindu and Buddhist philosophy, which were quite inadequate and sometimes misleading and inaccurate. But they aroused his interest. Mohsin Fani's work, *Dabistani Madhahib*, and Biruni's *Indica* provided him with more satisfactory information and made him realize the need for the publication of the original texts of Hindu religion in Persian translation.

As a result he undertook the laborious task of bringing out the Persian translation of the fifty Upanishads by Dara Shukoh. After several years of hard work and after comparing many manuscripts, he brought out this great edition which provides alternative reading, glossary of Sanskrit words and terminology and an introduction containing the life sketch of Dara Shukoh. Along with it other treatises of Dara Shukoh — *Majma al-Bahrain* (the Confluence of the two Seas), *Safinat-al-Aulia*, *Sakinat-al-Aulia*, were also edited.

The study of the Upanishads leads naturally to their source, viz. the Veda. So after the publication of the Upanishads, Mr. Jalali Naini took the preparation of the selected hymns of the Rig Veda which is the spring of Hindu religion, philosophy and thought. In

the previous works which he undertook, the main concern was editing the already existent translations, but in the matter of Veda, Mr. Jalali Naini embarked upon a totally new enterprise, namely, to translate the Vedic verses into Persian.

I may say that in so far as I am able to judge the Persian translation, it fulfils admirably the requirements of a good rendering. It is accurate and rhythmical and possesses a charm of its own. Both beauty and truth of the ancient sacred text are reflected in it. I congratulate Mr. Jalali Naini on his industry and skill in producing this work and making it available to all those who are interested in religion, but who depend on the Persian language for acquiring this knowledge. The translator has successfully achieved his aim to bring the basic thought of Indian culture to the attention of people who know Persian.

Allahabad (India)

March 1969

Tara Chand

known as Kurukshetra (Ambala district of the Indian Panjab).

It is impossible to determine the date of the collection and even more so of the making of the hymns. But it is interesting to note the connection between India and Iran as revealed in this ancient work. For instance, certain names of tribes are common to both. The **Panis** of the Rigveda are identified with **Parnians** of Iran, **Parthavas** with **Parthians**, **Dasas** with **Dahae**, the river **Sarasvati** with **Harahvaiti**, **Hariyupiya** with **Iriyab** or **Haliab**, **Arjikiya** with **Arsaks**, **Bribhu Taksan** the enemy of **Panis** with the founders of **Takshashila**, **Parasu** with **Parsu**. Then the names of rivers **Krumu**, **Gomati**, **Subastu** and others have their counterparts in Iranian **Kurram**, **Gomal**, **Suwat**, etc.

The language of the Rig Veda is closely related to the Avestan of the Gatha of Zarathushthra. The gods mentioned in the two have great resemblance. The Vedic **Varuna Asura** suggests the Avestan **Ahura mazda**; Vedic **Rita** is similar to Avestan **Asa**, **Mitra** to **Mithra**, **Indra** is known to both — to one as a god and to the other as a demon, the Iranian **Vera-thraghna** is Indian **Vritrahan**, the Parsi **Amesha Spenta** and the Vedic **Adityas**, the Parsi **Bagha** and the Indian **Bhaga** are identical. **Yama** son of **Vivasvant**, the first man and ruler of paradise compares with **Yima Vivanhvant** of the Avesta.

In both religions the names of priests are similar — Indian **Hotri** and **Atharvan** are the Iranian **Zao-tar** and **Atharvan**. The Indian **Yajna** is Iranian **Yasna** (sacrifice), and **Soma** or **Homa** is the plant celebrated in

both countries. The straw spread for the god is **Barhis** (India) and **Baresman** (Iran). There are many other examples of community of race, language and religion, but these must suffice to demonstrate the intimate relations between the Aryans of India and the inhabitants of the land **Arya Vaejo** (Iran).

The Rig Veda which has been handed down through the centuries with marvellous accuracy attracted early in the 19th century the attention of the Western scholars. Max Muller brought out a monumental edition which is still regarded as the standard work. The Vedas in whole or part have been translated into a number of European languages — English, French and German. The entire text was rendered into English by Griffith. Its hymns have been reproduced in many literary histories of Sanskrit and its contents have received wide attention from scholars interested in religion, philosophy and history.

It is a matter of great satisfaction that such an eminent Iranian scholar as Mr. S.M. Reza Jalali Naini has now rendered a selection of the hymns into Persian and thus made this work, revered by the Hindus, available to our brethren in Iran. The Vedas of India and the Gathas of Zarathushtra — the two sacred texts of the two closely related branches of the ancient Aryan race possess a community of language and of thought which cannot fail to remind us of our common heritage. They beckon us to a future of fruitful cooperation, mutual goodwill and friendship.

Mr. Jalali Naini has been long interested in Indian studies — philosophical and religious. He has

Besides the ritualistic and philosophic there is a third point of view. According to this the Veda has an inner mystic significance. This view is not easy to grasp, as men of learning are interested in language, grammar, philosophical speculation, and textual criticism, and so their approach is literal and exoteric. But for the devotees this is unsatisfying and they endeavour to reach to the deeper esoteric meaning. They interpret the Veda in accordance with the teachings of the Upanishads, which acknowledge their origin from the Veda, and indeed are known as **Vedanta** — the fulfilment of Veda. According to this view the Vedic natural imagery and legendary stories are really symbolic of the struggle between the spiritual powers of Light and Darkness, Truth and Falsehood, Knowledge and Ignorance, Death and Immortality, and not descriptions of natural phenomena personified as gods and demons, nor are they a poetical account of racial conflicts between Aryan and Dravidian.

According to this view among the teachings of the Veda, the first is the duty of attainment of truth and immortality, the ascent in spirit into the world Reality and to dwell there. Secondly, it is necessary for us to distinguish between two worlds, the world of lower truth where there is much falsehood and error, and the world of the highest light. And in the third place we should realize that there is a perpetual fight between the powers of Truth and Light and those of Error and Darkness. The first is represented by gods and the second by evil spirits.

We invoke the first in order to help us in destroying the opposition of the second. We approach the

gods through sacrifice, and call them to our aid through prayer. **mantra**. The element of the outer sacrifice are the songs of the inner self offering. We give ourselves in order to receive the riches of truth — in thought and deed.

In this view life is a pilgrimage whose goal is godliness, a journey in which **Agni**, the inner flame, is the leader. The gods are children of light, sons of **Aditi**, of infinity, who assist man in his growth, in the increase of his knowledge and his happiness. They help him to overcome the hinderances and obstructions which evil nature places in the way of progress. The **Rishis** were the seers who found through intuition the wisdom which is embodied in the Vedic hymns.

The **Rig Veda** which is the oldest of the four Vedas and the fountain of the Hindu religion consists of 1,017 (or 1,028) hymns divided into 10 chapters or **mandalas**. The **mandalas** were composed by priests (**rishis**) either singly or in families. The collection contains some old and some later compositions. The **mandalas** two to seven are ascribed to families of priests having the names of Gautama, Vishvamitra, Vasudeva, Atri, Bharadvaja and Vasishtha. The earlier portion of **mandala** one, and the whole of **mandala** eight are ascribed to the Kanva family, and appear to be later compositions. The ninth **mandala** consists of hymns addressed to Soma. The last to be added was the tenth **mandala** which contains the famous hymn of creation.

Apparently all the **mandalas** were compiled in one collection (**Samhita**) in India in the regions through which the ancient river Sarasvati flowed, and which is

three thousand years. So much so that they have made unprecedented efforts to preserve the text accurately even up to the syllable and the letter of the word. It is a marvel of human memory and will that notwithstanding political upheavals, conquests by foreigners and social change the Veda has come down to us wholly unaltered from the second millennium before Christ to the present day.

The natural implication is that the Hindus considered the Vedas as priceless treasures possessing the highest value. Now such value cannot be attributed to the crude products of the infantile imagination of a people in the early stages of human evolution.

In the second place the literalistic approach has led to ludicrous and sometimes quite non-sensical translations, which if correct not only expose the makers of the hymns and songs as crude versifiers with confused childlike minds, but also condemns the whole generations of learned scholars as deluded men and reckless triflers who wasted their time and energy on a profitless undertaking.

Faced with such alternatives some Indian students have sought to find their philosophic significance and others the deeper mystic meaning of these books.

According to the first the Vedic concept of gods connotes a philosophic frame of mind, shows keen interest in speculation with the object of discovering the truth. This is illustrated by the concept of *Rita*, which is applied frequently to gods, and which means the uniformity of nature, the ordered course of the forces which pervade the universe. It also signifies the moral

order. This points to the conclusion that the gods are not mere phenomena of nature as they appear to the bewildered mind of a primitive observer, but as maintainers of cosmic order and upholders of moral law.

Then again the polytheism of the Vedas is only apparent. In it is implicit the idea of unitary god-head which indicates the philosophic pursuit of unity in multiplicity, the search for that one power which is manifested in many. In fact in the song of creation (Rig Veda, X, 129) the Vedic seer's thought passes over to monism, which reconciles all opposites in the first Cause.

According to this view the sacrifice is the symbol of the universal process. The world is the outcome of sacrifice, it is maintained through sacrifice, and man exalts himself from the lower to the higher self by means of sacrifices. The sacrifice is a form of activity which is something apart from the ordinary. The paraphernalia of sacrifice lays emphasis upon its unusual character. Chant, music, song, colour, incense, all combine to enhance aesthetic sensibility. The fire and its leaping flames symbolize the heaven-ward movement of the soul. The mood of prayer and expectancy stimulates the tension of the mind and promotes belief and dependence upon the beneficent powers — the gods, who are the objects of supplication.

The philosophy of sacrifice is based upon the order of nature, the universal principle underlying the process of creation and moral evolution. Just as effect follows cause, action invokes reaction, so must the stirring of the soul in sacrifice result in achieving its exaltation and illumination.

Among the atmospheric gods the first place is occupied by Indra, who is described as a warrior, the god of thunder, the vanquisher of the serpent Vritri, the mighty one who protects the Aryan people. With him there is a host of other gods like Parjanya (rain), Marut (storm), Vayu (wind), Apam napat (sons of water), and so on.

The celestial gods are Dyauh (heaven); Varuna who is the upholder of the physical and moral order. He divides heaven and earth, controls the courses of heavenly bodies, watches the conduct of men and confers reward and punishment; Mitrah (associate of Varuna), Suryah (sun), Savitri (ray of light), Pusan (protector), Usas (dawn), and Asvins (two physicians).

There are besides other gods and goddesses who represent abstract ideas like Dhatu (creator), Prajapati (lord of creation), Visvakarma (maker of the universe), and Brahmanaspati (lord of devotion). Among the goddesses are Sarasvati (learning) and Ila (sacrificial food). Some group gods also occur, e.g., Visvadeva (all gods), and some deified features of the earth, like mountains, rivers, plants.

Lastly the Veda mentions demons and evil spirits, e.g., Asura, and Raksa (or goblins).

One remarkable feature of the Vedic conception of gods is that they appear to have little individuality or specific character. Gods merge into one another and several are described as identical. Another feature is the idea that all gods are one, «*ekam sad vipra bahudha vadanti*» (there is only one but the learned speak of them as many), and again «*tad ekam*» (That

one). Some scholars infer from these sayings in the Veda that its teaching is really monotheistic and the gods are representatives of His innumerable attributes.

The worship of the gods aims at supplication and propitiation which is achieved by means of sacrifice. Sacrificial rites are of many kinds, daily, monthly, seasonal and occasional. Some sacrifices are domestic and are performed by the worshipper individually by himself but in others priests assist. Apart from the domestic sacrifices there are a number of public ones, e. g., of **Vajapeya** (draught of vigour) performed by the royalty and Brahmins, **Asva-medha** (horse sacrifice) whose object was conquest and glory.

The rites were based upon the sacrificial fire, for which altars were made, and on which offerings were cast. The oblations consisted either of dairy produce — milk and butter, and grain — barley and rice; or animals. The priests employed at the sacrifices were of several kinds. Seven kinds are ordinarily mentioned, among whom was the **Purohita**, who acted also as the invoker.

The modern European Indologists lay emphasis upon the external ritualistic aspects of the Vedic religion. According to the theory of social evolution the thought of such ancient people as the Aryan Indians whose material culture was primitive could not bear any highly philosophic or mystic interpretation. But many Indian scholars differ from this line of approach. According to them two considerations militate against the western interpretation. One is the extraordinary value and great veneration which the Hindus have attached to the ancient scriptures, through more than

above his ordinary, day-to-day, humdrum involvement in the immediate present and to realize abiding peace within and identification with all.

Religion is more than philosophy which is the intellectual pursuit in search of unity. Religion is atonement expressed through life, it is a withdrawal from the demeaning pressures of the world in order to serve and promote the permanent good of all. Its hall-mark is action, and not escape. It is will in motion, but it is an integrated, unified will which in particulars manifests their organic relation with the whole.

Every religion has two aspects — one of rites, doctrines and organisation, the other of ethical, philosophical and mystical intent and purpose. The first appeals to minds which lean on authority, need direction and believe in literal conformity. The second appeals to the free mind, is more interested in the substance than the forms of religion, more anxious to transform the inner life as a whole in order to attain harmony and self mastery.

The Vedic religion also embodies these two aspects. Corresponding with these are two main types of interpretation of the Veda. Those who lay stress upon the first aspect hold that the Veda is primarily a book of ritual and of sacrifice.

Ritual is discipline, specialized activity with appropriate psychological environment. In order to realise its essential quality the mind has to be disciplined, for the world is too much with us, its tyranny can only be overthrown by a process of well planned training. Ritual is, therefore, the necessary part of every religion. Ritual is not the performance of certain actions

mechanically. For instance, it is not the lighting of fire and throwing of melted butter on it and the chanting of Sanskrit verses, which constitutes the Hindu Puja (worship); it is not the setting up of an altar, the breaking of bread on it and circulating the cup of wine, which is the Christian Eucharist; nor are genuflections of the hand and other limbs of the body oriented towards the niche in a mosque, the reality of Namaz (prayer). It is the spirit, which envelopes these, which makes the worshipper forget the insistent, exigent claims of the here and now and uplifts his soul so that man may be inspired to work for the triumph of the truth, which is the essence of worship.

According to this school of interpretation the Veda contains many beliefs. Among them are cosmogonic beliefs or theories of the origin of the world and of man; for example, how the universe is born from the sacrifice of the primeval man (*purusha*), or from the golden egg (*hiranya-garbha*), or by evolution of being from not-being; how the human race descends from Manu or Yama son of Vivasvant.

Then there is belief in many gods. They are enumerated as thirty three and divided into three classes—terrestrial, atmospheric and celestial. Among the important terrestrial ones *Agni* (fire god) is most frequently invoked. He personifies the sacrificial fire, conducts the offerings to the gods and summons them to the sacrifice. He is the messenger between earth and heaven and is the great priest. He confers prosperity and bliss on the worshippers, and overcomes and destroys their enemies. The others are: *Prithivi* (earth) and *Soma* (the herb whose juice is drunk in sacrifice).

INTRODUCTION

The Vedas are the most ancient literary creation of the Aryan speaking peoples. They were compiled long before the Gathas of Zarathushtra in the Avestic language and the epic of Homer in Greek. In their literary forms they indicate an advance which must have taken centuries to mature. The language, poetic diction, versification all show a high state of development. Their thought content is highly evolved.

No wonder the Hindus regard them as sacred, as the source of all their later religious, ethical and philosophical speculations. For them the Veda is not only literally but also in the true sense knowledge—the knowledge that liberates and exalts the soul of man, which is the object of all religions.

How does religion seek to achieve liberation? The answer is by reminding man of his high destiny as man—the noblest of all creatures, the bearer of the divine principle which seeks to raise his spirit above the mundane pursuit of immediate needs and satisfactions, by knowing the self. No other creature, so far as one can judge, seems to feel the same urge to a higher life in which the inner conflicts are resolved and the strains of contradictory impulses overcome. Man alone can rise

**Selected Hymns
of**

RIG - VEDA

**The Oldest Living Document on Hindu
Religion & Society**

Introduction by

Dr. Tara Chand

Professor of History and Philosophy and Former
Ambassador of India in Iran

Translation by

S. Mohammed Reza Jalali Naini

Member of the Iranian Society for
Philosophy & Humanities



Taban Press, Tehran - Iran

1969